

الله  
لله الحمد

٣



درسنامه

اماکن مذهبی مکه مکرمه و مدینه منوره

اصغر قائدان



## اماکن مذهبی مکه مکرمه و مدینه منوره (ویراست دوم)

مؤلف: دکتر اصغر قائدان  
ناشر: مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر  
تهیه شده در: معاونت امور فرهنگی - مدیریت آموزش  
ویراستار: حسن عموعبداللهی  
تنظيم عکس‌ها: سیدعلی علوی  
چاپ و صحافی: نهضت  
نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۰  
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه  
قیمت: ۶۰۰۰ تومان

نشانی: تهران: خیابان ازادی، نبش روdkی، سازمان حج و زیارت،  
طبقه اول، معاونت امور فرهنگی - مدیریت آموزش  
قم: خیابان شهید فاطمی (دور شهر)، کوچه ۱۵، پلاک ۶  
تلفن: ۰۲۱ - ۷۷۳۴۹۱۹ - ۰۲۱ - ۶۴۰۱۲۲۰۰

## فهرست مطالب

۹ .....	دیباچه
۱۱ .....	مقدمه مؤلف
<b>بخش اول</b>	
مکه مكرمه سرزمين و حرم ابراهيم خليل الله در بستر تاريخ.. ۱۲	
درس اول: تاریخچه مکه مكرمه (ویزگی‌ها و اماکن) ۱۴	۱۴
مدخل	۱۴
الف) موقعیت جغرافیایی مکه مكرمه.	۱۴
ب) نامهای مکه مكرمه	۱۶
ج) فضائل مکه مكرمه و مسجدالحرام.	۱۸
د) کوههای مکه	۲۰
ه) شعبها (دره‌ها).	۲۳
و) مساجد تاریخی مکه	۲۴
ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فتح	۲۷
خلاصه درس	۳۱
خودآزمایی	۳۲
درس دوم: تاریخچه کعبه و مسجدالحرام	۳۴
مدخل	۳۴
الف) کعبه نخستین خانه عبادت بر روی زمین	۳۴
ب) سیر بنا و بازسازی کعبه	۳۶
ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام	۳۸
د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام	۳۸
ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن	۶۰
و) درهای مسجدالحرام از ابتدا تا کنون	۶۱
خلاصه درس	۶۴
خودآزمایی	۶۶
درس سوم: میقات‌های حج و حدود حرم و مشاعر مقدسه ..	۶۸

۶۸	مدخل
۶۸	الف) میقات‌های حج
۷۱	ب) حدود حرم و علت تحریم
۷۴	ج) مساجد منطقه آغازین حرم
۷۶	د) سرزمین عرفات
۷۹	ه) <b>مشعرالحرام = مُذْلِعَة</b>
۸۰	و) وادی مُحَسِّر
۸۱	ز) سرزمین منا
۸۴	ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه
۸۴	خلاصه درس
۸۶	خودآزمایی

**بخش دوم**

۸۸	<b>مدینه منوره حرم خاتم النبین<sup>۹</sup></b>
۹۰	درس چهارم: موقعیت جغرافیایی مدینه منوره
۹۰	مدخل
۹۰	موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (یثرب)
۹۷	فضائل بقیع
۹۹	گنبد و بارگاه‌های بقیع
۱۰۰	به خاک آرمیدگان بقیع
۱۱۲	خلاصه درس
۱۱۴	خودآزمایی

۱۱۷	<b>درس پنجم: موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن</b>
۱۱۷	مدخل
۱۱۷	تاریخچه یثرب (مدینة النبی <sup>۹</sup> )
۱۱۸	ورود یهود به یثرب
۱۱۹	ورود اوس و خزر یا یمانی‌ها به یثرب
۱۲۰	نامه‌های مدینه منوره
۱۲۱	فضائل مدینه منوره
۱۲۲	مقدمات هجرت پیامبر <sup>۹</sup> به مدینه
۱۲۳	مسیر هجرت پیامبر <sup>۹</sup> به مدینه
۱۲۴	مسجد تاریخی مدینه منوره
۱۲۴	الف) منطقه قُبَا و مساجد آن (جنوب مدینه)
۱۲۵	۱. مسجد قُبَا
۱۲۸	۲. مسجد جمعه = عاتکه

ب) مساجد پیرامونی مسجد النبی <sup>۹</sup> (جنوب غربی مدینه)	۱۲۹
۱. مساجد و نمازگاه‌های پیامبر <sup>۹</sup> در اعياد اسلامی	۱۲۹
۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی <sup>۹</sup>	۱۳۱
۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی <sup>۹</sup>	۱۳۲
ج) منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)	۱۳۳
۱. مسجد‌های هفتگانه (مساجد سبعه)	۱۳۴
۲. مساجد دیگر منطقه احزاب	۱۳۷
د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن	۱۲۸
۱. المستراح ( محل استراحت)	۱۲۸
۲. الدُّرْع = الشَّيْخَان	۱۲۸
۳. عَيْنَيْنِ	۱۳۹
ه) منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نصری و مساجد آن	۱۳۹
۱. مسجد بنی قریظه	۱۴۰
۲. مشربه ام ابراهیم	۱۴۰
۳. فضیخ = رد الشمسم = بنی نصری	۱۴۱
و) مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه	۱۴۳
۱. مسجد شجره = ذو الحُلْیَفَه (آبار علی <sup>۷</sup> )	۱۴۳
۲. منطقه خیر	۱۴۴
۳. منطقه فدک	۱۴۴
۴. زیارتگاه بنی‌نبوع	۱۴۴
خلاصه درس	۱۴۵
خودآزمایی	۱۴۷
<b>درس ششم: مسجد النبی<sup>۹</sup> و آثار آن (از ابتداء تا عصر حاضر)</b>	
<b>۱۴۹</b>	
مدخل	۱۴۹
الف) مسجدالنبی <sup>۹</sup> در گذر تاریخ	۱۴۹
ب) آثار تاریخی و مقدس مسجدالنبی <sup>۹</sup>	۱۵۳
۱. ستون‌های مسجدالنبی <sup>۹</sup>	۱۵۳
۲. ایوان صُفَه یا منزلگاه فقرا	۱۵۶
۳. منبر	۱۵۸
۴. محراب‌ها	۱۵۸
۵. روضة النبی <sup>۹</sup>	۱۵۹
۶. بیت شریف پیامبر گرامی <sup>۹</sup>	۱۶۱
۷. خانه فاطمه <sup>۲</sup>	۱۶۱
۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا <sup>۹</sup>	۱۶۲

۹. قبر فاطمه ۳ دختر گرامی پیامبر <sup>۹</sup>	۱۶۴
۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین <sup>۷</sup>	۱۶۶
۱۱. محل اذان بلال	۱۶۶
۱۲. درهای مسجد	۱۶۷
۱۲. مأذنه‌ها	۱۷۰
۱۴. قبة الخضراء	۱۷۰
۱۵. قبة الزرقاء	۱۷۱
ج) آتش‌سوزی‌های مسجد النبی <sup>۹</sup>	۱۷۱
د) سیر تاریخی توسعه مسجد النبی <sup>۹</sup> از آغاز تا کنون	۱۷۱
۱. دوران پیامبر خدا <sup>۹</sup>	۱۷۱
۲. مسجد النبی <sup>۹</sup> در عصر حاضر	۱۷۲
خلاصه درس	۱۷۵
خودآزمایی	۱۷۷
<b>۱۷۹</b> ..... <b>منابع و مأخذ</b>	
<b>۲۰۷</b> ..... <b>تصاویر</b>	

## دیباچه

تاریخ باید سرمشق ما باشد و ما وقتی که تاریخ را نگاه می‌کنیم، تحولاتی که پیدا شده است در اسلام و در مسلمین، هر جا که قوت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است. و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیاگی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است.<sup>۱</sup>

حج نمایشی باشکوه از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسعه نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایشار، آگاهی و مسئولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است. مؤمنان زنگار دل را با زمزم زلال توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، سرشار از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فرضة مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی<sup>۱</sup> حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خوبیش نشاند و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما هنوز راهی دراز در پیش است تا فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل - احیاگر حج ابراهیمی - و با بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای - مدظله العالی - مدیریت آموزش معاونت امور فرهنگی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، تلاش می‌کند با تهیه و تدوین متون آموزشی، فصل جدیدی فرا راه کارگزاران حج و زائران حرمین شریفین بگشاید.

---

۱. امام خمینی<sup>۱</sup>، صحیفه حج، ج ۱، ص ۲۰.

از این رو، پس از کارشناسی‌های لازم و بهره‌گیری از اساتید و متخصصان فن، تلاش گردیده تا برای تهیه درسنامه‌ها و محتوای مورد نیاز در سفر حج و عمره، عناوین، موضوعات، سرفصل‌ها و منابع هر درس را مشخص و جلسات آموزشی آنها زمانبندی گردد تا به نحو بهینه مورد استفاده قرار گیرد.

عناوین این درسنامه‌ها عبارتند از:

۱. درسنامه آداب سفر حج
۲. درسنامه مناسک حج
۳. درسنامه اسرار حج
۴. درسنامه آشنایی با تاریخ اسلام (۲۱)
۵. درسنامه اماکن مذهبی مکه مکرمه و مدینه منوره
۶. درسنامه احکام مبتلا به حج
۷. درسنامه آشنایی با کشورهای اسلامی
۸. درسنامه گزیده سیمای عقاید شیعه
۹. درسنامه شناخت عربستان.

بی‌تردید آغاز هر کاری با کاستی‌ها و نواقص احتمالی همراه است. لذا انتظار می‌رود با بهره‌گیری از نظرات خوانندگان ارجمند، نقاط قوت و ضعف این مجموعه شناسایی و به تقویت داشته‌ها و ردودن کاستی‌های آن اقدام شود.

در پایان ضمن تشکر از همه عزیزانی که ما را در تهیه و تنظیم این مجموعه یاری کرده‌اند، توفيق همگان را از خداوند منان خواهائیم.

### **معاونت امور فرهنگی مدیریت آموزش**

## مقدمه مؤلف

مکه سرزمین وحی سرمدی و مدینه سرجشمه زلال محمدی، دو نگین درخشنان بر روی کره خاکی، همه ساله صدها هزار شیفته و واله خود را بر اساس فرمان حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> که فرمود: «**هلموا الی الحج**؛ به سوی حج بستایید به خوبیش فرا می‌خواند و زائر این کوی دوست، باید که با معرفت و آگاهی به این سرزمین مقدس مشرف و با احرام در حريم یار و در مقام مُحرم پا جای پای ابراهیم خلیل<sup>۷</sup> گذارد. این حريم و حرم و سرزمین وحی را باید شناخت، جایی که روزی مهبط جبرئیل امین و جایگاه حضور انبیای الهی و سرور همه آنان، ختم رسولان<sup>۹</sup> و نیز یاران و صحابهٔ حلیل‌القدر و امامان همام: و فرزندان بزرگوار آنان و بندگان صالح ربوی بوده است. هرگوشه از حرم و شهر امن الهی خاطره و آثاری گویا و شواهدی زنده از عصر نبوت و رسالت است و نیز حريم رسول خدا<sup>۹</sup> و هجرتگاه او، مدینه النبی<sup>۹</sup>، که یادآور جانفسانی‌ها و تلاش‌های طاقت‌فرسا برای حفظ و گسترش اسلام است.

نوشتار پیش‌رو، می‌تواند راهنمایی باشد برای کسانی که به این سرزمین مشرف می‌شوند و این اثر که در قالب متن آموزشی به محضر زائران بیت الله و کارگزاران حج و عمره تقدیم می‌گردد، به پیشنهاد و مساعدت مدیریت محترم آموزش معاونت امور فرهنگی بعثه مقام معظم رهبری به نگارش در آمد و امید است به رغم موجز و مختصر بودن، به کار آید.

در پایان، از همه عزیزانی که در تهیه، تنظیم و نشر این اثر همکاری و مساعدت نمودند، به ویژه از جناب آقای دکتر محمد آرمند که در تنظیم آن در قالب متن آموزشی تلاش کردند، صمیمانه سپاسگزارم و از خداوند متعال موفقیت و سلامتی آنان را خواهانم.

اصغر قائدان  
تابستان ۱۳۹۰

بخش اول:

مکه مکرمه

سرزمین و حرم ابراهیم خلیل الله در بستر تاریخ



درس اول :

## تاریخچه مکه مکرمه (ویژگی‌ها و اماکن)

### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- موقعیت جغرافیایی مکه را بدانیم.
- با اسمی متعددی که برای شهر مکه عنوان شده است، آشنا شویم.
- کوه‌های مکه و دلایل نامگذاری آنها را بدانیم.
- شعبه‌های مکه را بشناسیم.
- از سیر تاریخی مساجد مکه و دلیل احداث آن آگاه شویم.
- دلیل شکل‌گیری مزار شهدای گمنام فخ را بدانیم.

### مدخل

در این فصل ابتدا موقعیت شهر مکه به لحاظ وضعیت جغرافیایی و نامهایی که در متون بر این شهر اطلاق شده است، آشنا می‌شویم آن‌گاه مکان‌ها و نقاطی که در فرار و درون خود تاریخچه‌ای از حوادث از جمله مولد، بعثت و هجرت رسول خدا<sup>۹</sup> را جای داده‌اند بررسی و توصیف خواهد شد. در ادامه، مساجد مکه که از فضائل زیادی برخوردار و شاهد حوادث مهمی در عصر رسول‌الله<sup>۹</sup> بوده‌اند و شناخت آنها می‌تواند یاد و خاطره آن حوادث را زنده نگه دارد، و نیز زیارت‌گاه‌هایی همچون قبرستان ابوطالب که محل دفن بسیاری از بزرگان در قبل از اسلام و صحابه و تابعین در بعد از اسلام است و نیز مزار شهدای فخ که زیارت آنان ثواب بیشماری دارد، معرفی می‌شوند.

### الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرمه

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهame دانسته‌اند.

این شهر مرکز استانی به همین نام است که از شمال به مدینه، از شرق به ریاض، از جنوب به استان عصیر و از غرب به جده محدود می‌شود.<sup>۱</sup>

ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۲۷۰ متر است. شهر مکه میان دو رشته کوه محصور شده و از این رو، بنای آن از دور دیده نمی‌شود. این دو رشته کوه عبارتند از:

۱. فلق یا فلح؛ در شمال مکه واقع است که به سمت غرب ادامه می‌یابد.

۲. قُعْدَة؛ رشته کوهی است که کوه‌های هندی، لُعلَّع، کَدَّیٰ<sup>۲</sup> از جمله ارتفاعاتی هستند که در آن قرار دارند.<sup>۳</sup>

همچنین کوه وسیعی با نام جبل خندمه در میان شهر قرار دارد.<sup>۴</sup> شهر، از سمت شمال به جنوب حالت سراشیبی دارد. سمت شمال را مَعْلَة (بالا) و سمت جنوب را مَسْفَلَه (پایین) گویند. آب و هوای مکه خشک و سوزان است و گرمای آزاده‌نده‌ای دارد؛ زیرا کوه‌هایی که اطراف آن واقع شده، جلوی بادهای شمالی را سد کرده و صخره‌ها نور خورشید را منعکس می‌سازد و حرارت و دمای هوا را دو چندان می‌کند. در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور حرارت آن فوق العاده ریاد است. بارندگی در آن غالباً مقطوعی و در دی ماه است؛ ریرا در منطقه مداری واقع<sup>۵</sup> و به گاه بارش باران، چنان سیلی در چند ثانیه شهر را فرا می‌گیرد که تا ساعتها و شاید روزها آثار آن باقی می‌ماند. این سیل از سمت شمال به جنوب سرازیر می‌شود و گاهی نیز اندرون مسجدالحرام را تا یک متر و اندی فرا می‌گیرد. برای جلوگیری از ویرانی‌های حاصل از سیل، سدی را در منطقه معلاة ساخته‌اند.

شهر مکه ۲۵۰۰ سال قل از میلاد مسیح<sup>۶</sup> محل توقف و اقامت کاروانیانی بوده که در راه یمن و شام رفت و آمد داشتند و از این رو، موقعیت بسیار ممتاز و سوق‌جیشی به آن بخشیده است. علاوه بر آن به سبب وجود کعبه این شهر موقعیتی دینی یافت. امروزه جمعیت

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲. پیامبر خدا<sup>۹</sup> و سپاه اسلام در سال هشتم هجری، هنگام فتح مکه از میان این کوه‌ها به داخل شهر وارد شدند.

۳. یاقوت حموی، همان، ج ۴، ص ۳۷۹.

۴. به بحث کوه‌های مکه در صفحات بعدی رجوع کنید.

۵. مملکة العربية السعودية، وزارة الاعلام، ص ۱۱.

ساکن آن بیش از یک میلیون و ششصد هزار نفر است.

### ب) نامهای مکه مكرّمه

اسامي فراوانی برای مکه گفته‌اند. قاضی مجدد الدین شیرازی، تنها کسی است که بیشترین اسامی را در تألیف خود به نام **تجییر المُوْشِينَ فِي التَّعْبِيرِ بِالسِّيْنِ وَالشِّيْنِ** آورده است، در اینجا به وجه تسمیه سه نام از این شهر، که در قرآن کریم آمده، اشاره می‌کنیم:

#### ۱. بَكَّه

**إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِكَّةً مُبَارَكًا وَهُدِي لِلْعَالَمِينَ.<sup>۱</sup>**

گروهی بکه را همان مکه دانسته‌اند که میم آن تبدیل به با شده و از لحاظ مفهوم، به یک معنا هستند، گروهی دیگر، تفاوت اندکی برای آن دو فائیند؛ به این صورت که مسجدالحرام یا کعبه را «بکه» و نام شهر را «مکه» دانسته‌اند.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد با توجه به آیه بالا، بکه باید یکی از نامهای شهر باشد.

برای بکه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله بکه، از «بک» مشتق شده؛ یعنی غرور گردنشان و متكبران را در هم می‌کوید و یا گردن آنان را می‌شکند. بکه در جایی نیز به معنای «ازدحام» آمده است.<sup>۳</sup>

#### ۲. مَكَّه

**وَهُوَ الَّذِي كَفَأَ أَدِيَّهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيْكُمْ عَنْهُمْ بِيَطْنَ مَكَّهَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَطْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ....<sup>۴</sup>**

و اوست که دست‌های آنان (کفار) را از شما (صلح حدیبه) و دست‌های شما را از آنان در سرزمین مکه پس از آنکه

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۷۹.

۲. زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۱؛ فاسی المکی، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، ص ۷۷؛ ابن ابی شیبہ، المصنف فی الأحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۷.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۰۲؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷؛ فاکھی، اخبار مکة فی قدیم الدهر و حدیشه، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن ابی شیبہ، همان، ج ۴، ص ۳۵۷؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹.

۴. فتح، ۲۴.

شما را برایشان پیروز گردانید بازداشت و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

برای مکه نیز چند معنا گفته‌اند از جمله: مکه، از «مَكّ» به معنای کمی آب مشتق شده است. بعضی نیز آن را از «تمَكُّتُ الْعِظَم» دانسته‌اند که به مغز استخوان گفته می‌شود، گویی مکه وسط زمین است؛ همان‌گونه که مغز استخوان، در میان آن است.<sup>۱</sup> برای مکه معنای دیگری گفته‌اند و آن این که: از «مَكَ يُمَكُّ» گرفته شده و به معنای «هلالک شدن» و «کاستن است» و گویند هر کس نسبت به آن قصد و نیت سوء داشته باشد، جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت یا اگر کسی به زیارت این خانه رود، از گناهانش کاسته می‌شود.<sup>۲</sup>

برای مکه، معانی دیگری چون بسط، گسترش و ازدحام نیز آورده‌اند. یونانیان نام مکه را «مَكْرُبَا» ثبت کرده‌اند. شاید این واژه از لجه ساکنان جنوبی شبه جزیره، به معنای مقدس و محترم باشد؛ زیرا پادشاهان حکومت سبا را، که دارای تقدس بوده‌اند، «مُكَرْبٌ» یا «مُقَرَّب» می‌خوانند.<sup>۳</sup>

### ۳. أُمُّ الْقُرْي

«...وَلَنْذَرَ أُمَّ الْقُرْيِ وَ مَنْ حَوْلَهَا...؛<sup>۴</sup> آنگاه زمین را از زیر گسترانید».

مکه را از این رو «أُمَّ الْقُرْي» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه و مکه، خشک بود و این خشکی، اندک اندک از پیرامون مکه برآمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت. در اصطلاح لغوی و قرآنی، به این مسئله «دَحْوَالَ الأَرْض» گویند که در قرآن کریم آمده است: **(وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيَّهَا؛ تَا انذار و بِيمْدَهِي أُمُّ الْقُرْيِ وَ كَسَانِي رَا كَه پِيرَامُون آن هَسْتَنَد).**<sup>۵</sup> مکه را مادر زمین‌ها خوانده‌اند و قرآن نیز به این نام اشاره دارد. علم زمین‌شناسی

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹۱ ماده «مَكَ»؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷.

۲. زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۷۹؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۹؛ کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۱.

۳. ر.ک: جواد علی، مکه مکرمه، ترجمه نگارنده، فصلنامه «میقات حج» شماره ۸، ۴. انعام، ۹۲.

۵. نازعات، ۳۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۷۸؛ نهروانی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۱۸.

نیز در عصر حاضر چنین فرضیه‌ای را ثابت می‌کند، چنانچه به کوههای مکه بنگریم، هیچ رگه و اثری از سنگ‌هایی که در گذشته زیر آب بوده‌اند نمی‌یابیم.

٤. بلد الأمين

«وَالَّتِينَ وَالرَّبِيُونَ \* وَطُورُ سَيْنَى \* وَهَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ.<sup>١</sup>

بلد امین، به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نامهای مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیت و حرمتش را بیان کرده است.

#### ج) فضائل مکّه مکرّمه و مسجدالحرام

پیامبر خدا ۹۱ فرمودند:

**وَاللَّهُ إِنَّكَ لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ وَأَحَبُّ أَرْضَ اللَّهِ إِلَيْهِ، وَلَوْلَا  
إِنِّي أَخْرَجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ.<sup>٢</sup>**

به خدا سوگند که تو [مکه] بهترین و محبوب‌ترین زمین خدا نزد من هستی؛ اگر ناچار نبودم که از مکه خارج شوم هرگز خارج نمی‌شدم.

از امام صادق<sup>ع</sup> نقل شده که فرمودند: «بهترین زمین مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوب‌تر از خاک مکه نیست و هیچ سنگی و

درختی و کوهی و ابی از آن بیز نزد خدا محبوب تر نیست.  
پیامبر فرمودند: «کسی که در مگه بمیرد، خداوند در روز قیامت وی را امان دهد.»





#### د) کوههای مکه

##### ۱. جبل النُّور = غار حرا (مهبیط وحی)

اَفْرَا يَا سَمْ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقَ \*  
اَفْرَا وَرَبِّكَ الْاَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمَ \* عَلَمَ الْإِنْسَانَ مَا  
لَمْ يَعْلَمْ.<sup>۱</sup>

بخوان به نام پروردگاری که انسان را از نطفه بسته آفرید،  
بخوان و پروردگار تو کریمتر است که به قلم آموخت و به  
انسان آنچه نمی‌دانست آموخت.

کوه نور، مهبیط جبرئیل امین<sup>۷</sup> و محل نزول وحی است. در شب  
بیست و هفتم ماه ربیع، سال چهلهم عام الفیل (= ۶۱۰ میلادی)  
جبرئیل<sup>۷</sup> بر قله این کوه بر پیامبر<sup>۹</sup> ظاهر شد و با ابلاغ سوره علق، آغاز  
رسالت آن پیامبر عظیم الشأن و بهترین خلق خداوند تبارک و تعالی را  
اعلان کرد.

کوه نور، که در شش کیلومتری شمال شرقی شهر مکه و کنار راه  
منا به طائف بوده، اکنون به علت گسترش مکه، در داخل شهر قرار  
گرفته است. ارتفاع آن از سطح دریا ۶۲۱ متر و از سطح دامنه ۲۸۱ متر  
است. این کوه در تورات، «جبل فاران» نامیده شده و نزد مردم محلی به  
«جبل النور» معروف است. شکل آن مخروطی و مستقل از دیگر  
کوههای است. غار حرا، مهبیط جبرئیل امین در قسمت جنوبی واقع شده  
است، از این رو آن را به عنوان یکی از کوههای بسیار مهم و با فضیلت  
مکه ساخته است. (**تصویرهای شماره ۲و۱**)

ارتفاع دهانه غار که به سمت شمال قرار دارد ۲ متر، عرض آن حدود  
۱/۲۰ متر و طولش نیز حدود ۲ متر است. از عجایب این غار آنکه انتهای  
آن کاملاً به سوی مسجدالحرام است و در مدخل آن می‌توان به سمت  
بیت المقدس نماز خواند. داخل آن از هنگام طلوع تا غروب آفتاب روشن  
و علاوه بر این، گرمای سوزان را به درون آن راهی نیست؛ لذا معتقد در  
این غار، احساس گرما و ناراحتی نمی‌کند. در انتهای غار، بوی خوشی  
به مشام میرسد که همانند آن در شکاف کوه احمد، جایی که رسول  
خدا<sup>۹</sup> را مدوا کردند و نیز در صحن مسجد فتح، در جایی که پیامبر<sup>۹</sup> سه  
شبانه روز در هنگام غزوه خندق دعا و مناجات کردند استشمام

<sup>۱</sup>. علق، ۱-۵.

می‌شود که شاید نتیجه اعتکاف و عبادت رسول خدا<sup>۹</sup> در این مکان‌ها باشد که «ما اطیب حیاً و ميتاً» اگر بدن و جسم مبارک خدا<sup>۹</sup> چه در حیات و چه در ممات بوي مشك دهد، چرا نتوان این بو را در جایگاه عبادت او استشمام کرد؟! در هر حال، چنان‌که بعضی گفته‌اند، غار جرا از چند سال قبل از بعثت پیامبر<sup>۹</sup> محل اعتکاف و عبادت آن حضرت بوده است.

حضرت خدیجه<sup>۳</sup> و امام علی<sup>۷</sup> از کسانی هستند که شاهد اعتکاف پیامبر<sup>۹</sup> در این غار بوده‌اند. همسر گرامی رسول خدا<sup>۹</sup> با دلی سرشار از محبت و عشق به آن حضرت، در طول چهل روز اعتکاف ایشان، در غار حراء، این مسیر طولانی و دشوار را هر روز برای رسانیدن آب و طعام به آن برگزیده خدا طی می‌کرد که می‌توان امروز با گام نهادن در این مسیر، آن ایثار و فداکاری را پاس داشت.

## ۲. ابوقُبیس = جبل امین

یکی دیگر از کوههای مهم مکه ابوقبیس است که به سبب سکونت فردی به نام ابوقبیس، به این نام معروف شده است. بنا بر روایات متعدد، ابوقبیس برترین کوههای مکه است.<sup>۱</sup> این کوه در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر صفات است. یعنی در کنار منطقه توسعه‌یافته پشت مسعي، جایی که دارالضيافه سعودی را پس از تخریب بخشی از آن ساخته‌اند و بدین رو باقی مانده کوه چندان قابل رؤیت نیست. خداوند، حجرالأسود را از بعثت به ابراهیم<sup>۷</sup> رسانید و این سنگ از زمان طوفان نوح<sup>۷</sup> در امانت کوه ابوقبیس بود، لذا این کوه را به همین مناسبت «امین» خوانده‌اند.<sup>۲</sup>

فاکھی می‌نویسد: «ابراهیم<sup>۷</sup> بر بالای این کوه، مردم را برای انجام حج دعوت می‌کرد. »<sup>۳</sup> این کوه، پس از اسلام، شاهد معجزه شق‌القمر بود که نیمی از آن بر بالای ابوقبیس و نیمی بر قعیقان دیده شد. بعدها مسجدی به همین نام در این مکان ساختند.<sup>۴</sup> همچنین مسجدی دیگر به نام «مسجد ابراهیم»، در کنار آن، که هر دو هنگام ساخت دارالضيافه

۱. فاسی المکی، شفاء الغرام باخبر البلد العرام، ج ۱، ص ۴۶، علت آن را نزدیکی به مسجدالحرام و عبادت خلائق در نزدیکی آن ذکر کرده‌اند.

۲. ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۵۱۵ و ۵۱۶.

۳. فاکھی، همان، ج ۴، ص ۴۶ و ۴۷.

۴. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۴۶.

در دوران سعودی تخریب شد.

### ۳. کوه ثُور (مخیگاه هجرت)

در سه کیلومتری جنوب شرقی مکه و در جنوب منطقه «مسفله» کوهی قرار دارد که مساحت آن دوازده کیلومتر مربع است. این کوه و غاری که بر فراز آن است، به مناسبت تولد «ثور بن عبد مناہ» در آن، به این نام معروف شده است.<sup>۱</sup> پیامبر<sup>۹</sup> هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شبانه روز در آن غار پنهان شدند. در آیه ۴۰ سوره توبه از این واقعه یاد شده است.<sup>۲</sup>

پایین‌تر از غار، صخره‌ای به صورت گنبدی بزرگ در آمده که تعدادی زیر سایه آن می‌توانند استراحت کنند. ابن حبیر آن را «قبة جبرائيل<sup>۷</sup>» خوانده است.<sup>۳</sup> ( تصاویر ۳ و ۴ )

### ۴. حَجَون<sup>۴</sup>

نام کوهی است که در دامنه آن، قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد. این گورستان از عصر جاهلیت تا عصر حاضر محل دفن مردگان است. در دوران اخیر در کنار آن پلی به نام حجون ساخته‌اند که به جاده قدیم جده مکه وصل می‌شود.

### ۵. ثَبِير

کوه ثبیر که از بزرگ‌ترین کوه‌های مکه است، در شمال مشعر الحرام قرار دارد. از این رو به آن «ثبیر» گفته‌اند که شخصی به همین نام از قبیله هذیل در آن فوت شده است.<sup>۵</sup> گویند این همان کوهی است که قوچ یا گوسفندی از سوی خداوند فرستاده شد تا به جای اسماعیل<sup>۷</sup> ذبح شود.<sup>۶</sup>

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۶

۲. فاکھی، همان، ج ۴، ص ۸۰ - ۸۳؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۲۸ - ۲۳۲

۳. ابن حبیر، الرحله، ص ۸۴ و ۸۵ وجه تسمیه این مکان به «قبة جبرائيل» در این کتاب بیان نشده است.

۴. حَجُون از حجن به معنای کجی و خمیدگی است. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۵).

۵. یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۷۳

۶. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۴۵۱؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۴۵۲.

## ۶. قُعَيْقَعَان

این کوه در مقابل کوه ابوقیس و سمت مروه، یعنی در شمال و شمال غربی مسجدالحرام قرار دارد که به آن کوه «جَزَلٌ» نیز گفته‌اند.<sup>۱</sup> گویند در حادثه شق‌القم، نیمی از ماه بر کوه قُعَيْقَعَان دیده شد. گفتنی است مسجدالحرام در میان این دو کوه قرار دارد که به سبب ساخت و سازها در حال تخریب است.

## ۷. جبل خندمة

این کوه بر اجیاد صغیر مشرف و پشت کوه ابوقیس در میان شهر قرار دارد. فاکهی از ابن عباس نقل می‌کند که در این کوه هفتاد پیامبر دفن شده‌اند.<sup>۲</sup>

## ۸. کوه خلیفة

مشرف بر اجیاد کبیر و از نام خلیفة بن عمر گرفته شده است؛ زیرا وی نخستین کسی است که بر این کوه خانه ساخت. اینجا هنگام فتح مکه گریزگاه و پناهگاه مشرکان بوده است.<sup>۳</sup>

### ه) شعب‌ها (درّه‌ها)

شهر مکه به سبب وجود کوههای فراوان، دارای درّه‌ها یا شعب‌هایی است که هر قبیله در آن، به طور مستقل زندگی می‌کردند و هر شعوبی به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند<sup>۴</sup> که دو شب عرف آن عبارتنداز:

۱. شعب ابی دب: این شعب در کنار حجون قرار دارد. ابودب نام مردی از خاندان سوادبن‌عامر است. بعدها در این دره سلاخ‌ها ساکن شدند. قبرستان ابوطالب در این شعب قرار دارد که در دامنه کوه حجون واقع شده است. برخی به اشتباه آن را شعب ابی‌طالب دانسته‌اند که پیامبر<sup>۵</sup> و یارانش در آن محاصره شدند.

۲. شعب ابوطالب ( محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبر خدا): این شعب در تاریخ به نامهای ابی‌طالب، مولد ( محل تولد پیامبر<sup>۶</sup>) و

۱. نهروانی المکی، همان، ص ۱۱.

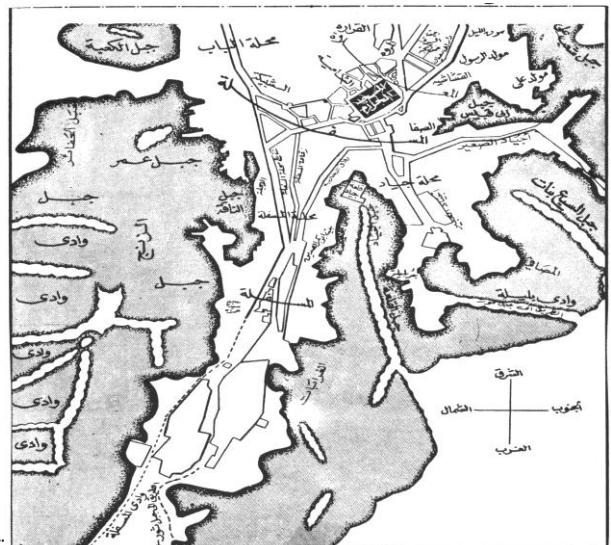
۲. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۴۵.

۳. ازرقی، همان، ج ۲، ص ۵۳۲.

۴. یعقوبی، البلدان، ص ۷۸.

شعب علی<sup>۷</sup> معروف بوده است. در این مکان پیامبر<sup>۹</sup>، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب سه سال از سوی کفار محاصره اقتصادی شدند. مکان محاصره، به خاندان ابوطالب، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب متعلق بود و میان دو کوه «ابوقبیس و خنده» قرار داشت.

گفتنی است سه شعب ابوطالب، بنی‌هاشم و بنو‌عامر در نزدیکی مسجد الحرام واقع شده‌اند. و بر بالای یکی از تپلهای زیر کوه ابوقبیس تابلویی با نام علی<sup>۷</sup> دیده می‌شود که نشان شعب علی<sup>۷</sup> یا ابوطالب<sup>۷</sup> است.



**عَيْلٌ مُحَمَّدٌ<sup>۹</sup>**  
يعني خانه آمنه بنت وَهْبٍ را در شعب ابوطالب خرید. پس از چندی، خیزان مادر هارون الرشید، آن را به مسجد تبدیل کرد که دری از آن به کوچه مولد (زفاف المولد) باز می‌شد.<sup>۱</sup>

جایی که پیامبر<sup>۹</sup> در آن به دنیا آمد، مربع شکل و دارای یک ستون و چند در ورودی بود. هنگامی که آنجا را ساختند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولد پیامبر<sup>۹</sup> حفره‌ای کنده و با نقره تزیین کردند.<sup>۲</sup> این

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ازرقی، همان؛ لیب البنتونی، الرحله، ص ۹۶.

۲. ابن جییر، الرحله، ص ۸۲؛ لیب البنتونی، همان، ص ۹۶.

خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد.<sup>۱</sup> به گفته محسن الامین، در حکومت آل سعود به سبب تبرک جستن مردم به آن، تخریب و به محلی برای نگهداری چارپایان تبدیل شد!<sup>۲</sup> بعدها شیخ عباس نظامی در مکان آن کتابخانه‌ای در ۱۳۷۰ق. ساخت که اکنون در سمت میدان پشت مسعي، در کنار خیابان و در دو طبقه با تابلوی «مکتبة المکّة المکرّمة» دیده می‌شود. (تصویر شماره ۵)

## ۲. مسجد الرایه

پیامبر<sup>۹</sup> در سال هشتم هجرت عازم فتح مکه شدند و در نزدیکی مسجدالحرام رایت (پرچم سپاه اسلام) را نصب کردند<sup>۳</sup> و فرمودند: «هریک از مردم مکه کنار آن آید جانش در امان است.» گویند پیامبر<sup>۹</sup> در آن مکان نماز گزارند.<sup>۴</sup>

این مسجد درگذشته به «جودریه» معروف بود؛ زیرا در دهانه بازار جودریه که ایرانیان به اشتباہ ابوسفیان می‌دانند قرار داشت. بر اساس گفته ابن طهیره و فاسی مسجد الرایه در ۵۰۰ متری سمت صفا و مروه قرار دارد.<sup>۵</sup> مسجد که در ابتدای شارع مسجدالحرام در سمت مسعي و داخل بازار قرار داشت در سال ۱۲۸۰ش. به گونه زیبایی بازسازی و دیوارها و مناره آن از سنگ ساخته شد و مساحت آن نیز به چهارصد متر افزایش یافت. اما نام آن را پس از بازسازی تغییر داده، مسجد فهد بن عبدالعزیز گذاشتند. این مسجد به سبب اجرای طرح توسعه اطراف مسجدالحرام که اکنون در حال اجراست به همراه بازار و ساختمان‌های اطراف، تخریب گردیده است. (تصویر شماره ۶ و ۷/۱)

## ۳. مسجد البیعة = مسجد الغنم

هنگامی که پیامبر<sup>۹</sup> به عزم فتح مکه، عازم این شهر شدند، در میان

۱. رفت پاشا، مرأة الحرمين، ج ۱، ص ۱۸۸ و ۱۸۹.

۲. محسن الامین، اعيان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۹.

۳. بخاری، صحيح، حدیث ۴۲۸۰. برای اطلاع از چگونگی فتح مکه و ورود نیروهای اسلام.

(ر.ک: البکری الشافعی، الدرة المکللة في فتح مکة المشرفة المجلة)

۴. احمد بن حنبل، المسند، حدیث ۱۵۴۴۶؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۴۵۲.

۵. ابن طهیره، الجامع اللطیف، ص ۲۰۵؛ فاسی المکی، شفاء الغرام باخبر البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۶۱.

شعب بنی عامر و سوق الغنم، با مردم مکه دیدار کردند. در این دیدار، کسانی که پس از هشت سال از هجرت، دلهایشان به اسلام گرایش یافته بود، با آن حضرت بیعت کرده و به اسلام گویندند.<sup>۱</sup>

این مسجد که به یاد آن واقعه ساخته شد، به گفته عاتق بن غیث بلادی، محقق معروف مکه، در خیابان مسجدالحرام، ۵۰۰ متر بالاتر از بازار جودریه، رویه روی اداره پست و نلگراف و سمت راست کسی است که به سوی قبرستان ابوطالب یا پل حجون می‌رود. با این حال تردیدهایی در مورد مکان آن وجود دارد. این مسجد در سال ۱۲۸۰ ش. بازسازی شد و همانند سایر مساجد معروف در این خیابان، نمایی سنگی و مناره‌ای زیبا دارد. (تصویر شماره ۷)

#### ۴. مسجد شجره

کمی پایین‌تر از مسجد جن، در تقاطع شارع مسجدالحرام و شارع نونه، قبل از پل سلیمانیه مسجدی است که به یاد معجزه‌ای از پیامبر اکرم<sup>۹</sup> در صدر اسلام ساخته و مسجد «شجره» نامیده شد.<sup>۲</sup> در ابتدا این مسجد کوچک و ساده بود، در سال ۱۲۸۰ با نمایی از سنگ‌های سفید و تیره و زیبا، با مساحتی حدود ۲ برابر قبل بازسازی شد. گفتنی است این مسجد با مسجد شجره یا احرام در نزدیکی مدینه هم نام است. (تصویر شماره ۸)

#### ۵. مسجد الجن

**فُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ لَقَرْرُ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَا  
سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا \* يَهُدِي إِلَيَ الرُّشْدِ فَأَمَّا يَهُ وَلَنْ  
نُشْرِكَ بِرِبِّنَا أَحَدًا.**<sup>۳</sup>

بگو به من وحی شده است که گروهی از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند که ما قرآنی شگفت شنیدیم که به راه راست راه مینماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را برای خداوند خود شریک قرار ندهیم.

مسجد جن از مساجد مهم و تاریخی مکه است که خوشبختانه

۱. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۱۳۷؛ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲. فاکهی، همان، ج ۴، ص ۲۷ - ۳۰.

۳. جن، ۱ و ۲.

برخلاف بسیاری از آثار تاریخی، همچنان پا بر جا مانده است. پیامبر اکرم<sup>۹</sup> در حال بازگشت از طائف در این مکان به تلاوت قرآن پرداختند و تعدادی از جنیان با شنیدن آیات قرآن مسلمان شدند. برخی گویند سوره جن در این مکان بر رسول خدا<sup>۱۰</sup> نازل شد.<sup>۱</sup> بعدها به یاد آن واقعه در آن مکان مسجدی ساختند. مسجد جن کمی بالاتر از مسجدالبیعه در سمت چپ خیابان مسجدالحرام، و در نزدیکی قبرستان ابوطالب قرار دارد.

بنای جدید آن بسیار زیبا با گنبد طلایی رنگ و یک مناره بزرگ است که دیوارهای سنگی سفید و سیاه در داخل و خارج مسجد، زیبایی آن را دوچندان کرده است. بر نمای گنبد داخلی نیز آیات سوره جن به طرز زیبایی، با خط ثلث نگاشته شده است. این مسجد امروزه یکی از مساجد پر رونق مکه است. (تصویر شماره ۹)

## ۶. مسجد الاحابه

حدود یک کیلومتر بالاتر از پل حجون و کنار میدان معابده، که از آنجا به عزیزیه میروند مسجدی ساخته‌اند که گویند حضرت در این مکان نماز گزارده‌اند.<sup>۲</sup> برخی بر این عقیده‌اند که آیات آخر سوره حجر در این مکان نازل شده است. این مسجد در سال ۱۳۸۰ش. همراه با سایر مساجد یاد شده، با مساحتی دو برابر و بسیار زیبا با سنگ‌های سفید و تیره بازسازی شد. گفتنی است در مدینه نیز مسجدی به همین نام وجود دارد.<sup>۳</sup> (تصویر شماره ۱۰)

### ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فتح

#### ۱. قبرستان ابوطالب (جَنَّةُ الْمُعْلَى)

گورستان تاریخی مکه، به نامهای مختلف چون ابوطالب، قریش، حجون، بنی‌هاشم و جَنَّةُ الْمُعْلَى یا جَنَّةُ الْمَعْلَة مشهور است.<sup>۴</sup> این قبرستان در شمال شرقی مسجدالحرام و در دو راهی خیابان مسجدالحرام -

۱. ابن هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ابن کثیر، *البداية والنهاية*، ج ۳، ص ۱۳۷.

۲. ابن بطوطه، *الرحلة*، ص ۶۴.

۳. ر.ک: بخش مدینه از همین کتاب.

۴. فاسی المکی، *شفاء الغرام با خبار البلد الحرام*، ج ۱، ص ۸۱.

الحجُون بر دامنة كوه حجون و در شعب ابي دُب قرار دارد.<sup>۱</sup>  
مردم مکه در دوران جاهلي مردگان خود را در دره ابي دُب که  
بخشی از حجون است، دفن میکردند،<sup>۲</sup> بعد از آن، منطقه گورستان  
وسيع تر شد و مسلمانان نيز در آن دفن شدند که تا عصر حاضر اين روند  
ادame دارد.

از عبدالله بن مسعود نقل شده که گفت: پیامبر<sup>۹</sup> زمانی وارد اين  
مقبره شد که قبری از مسلمانان در آن نبود و در اينجا بود که فرمود: از  
این مكان و از حرم خداوندي هفتاد هزار نفر بدون حساب به بhest  
ميروند و هر يك هفتاد نفر را شفاقت ميکنند. اين در حالي است که  
صورت هاي آنان، چه از اولين و چه از آخرين، همانند ماه شب بدر  
مي درخشند. کسانی که در مکه و حرم وفات يابند، روز قيامت ايمان  
برانگيخته خواهند شد. عبدالله بن مسعود افزود: همراه پیامبر<sup>۹</sup> به اين  
قبرستان آمديم، آن حضرت فرمودند: «به زيارت قبور برويد و برای اموات  
خود استغفار کرده، نماز بخوانيد که دیدار قبور، شما را به فکر مرگ  
خواهد انداخت.»<sup>۳</sup>

برای زيارت قبور اين قبرستان و هر يك از آبا و اجداد پیامبر<sup>۹</sup> زيارت  
خاصی ذکر شده است.<sup>۴</sup>

گرداگرد اين قبرستان دیواری کشیده اند که تا دامنه کوه امتداد  
مي يابد. قبرستان از دو ناحيه مجزا تشکيل شده است. قبور آبا و اجداد  
پیامبر<sup>۹</sup> و بنی هاشم در شمال قبرستان واقع است که آن را به وسيله  
دیوار و نرده هاي آهني از بقیه قبرستان جدا کرده اند. اين قبور تا قبل از  
حکومت آل سعود، داري گنبد و بارگاه بوده که سفرنامه نويسان و  
سياحان به آن اشاره کرده اند. قبرستان تا آن سوي خيaban حجون نيز  
امتداد داشته است.

در اين قبرستان، بسیاري از بزرگان در خاک آرميده اند که مهمترین  
آنان عبارتند از:

**الف) فصی بن یکلاب (حدّ چهارم پیامبر خدا<sup>۹</sup>): او نخستین**

۱. فاكهي، اخبار مکه، ج ۴، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۵۴؛ ازرقي، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ فاسى المکى، همان، ج ۱، ص ۸۱.

۳. فاكهي، همان، ج ۴، ص ۵۱-۵۶.

۴. ر.ک: محسن الامين، *مفتاح الجنات في الادعية و الاعمال و  
الصلوات و الزيارات* ج ۲، ص ۸-۶.

کسی بود که در این قبرستان مدفون شد.<sup>۱</sup> قصی همان کسی است که قبیله قربش را به وجود آورد و برای بعتر برگزار شدن حج، مناصبی برای کعبه ایجاد کرد. در این قبرستان فرزندان قصی از جمله عبدالمناف نیز مدفون هستند.

**ب) عبداللطّب بن هاشم:** حدّ اعلای رسول خدا<sup>۲</sup> که در زمان او ابرهه، به مکه حمله کرد. او سنت‌های نیکی به عنوان آیین حنیف در مکه به اجرا درآورد و چاه زمزم را نیز احیا کرد. مدفن وی کنار ابوطالب و شمال قبر منسوب به آمنه بنت وهب است. قبر عبدالله بن زبیر نیز در کنار او، در زیر یک گنبد قرار داشته است.<sup>۳</sup> شایان ذکر است هاشم پدر عبدالمناف نیز در غزه مدفون است.

**ج) ابوطالب بن عبداللطّب:** پدر گرامی امام علی<sup>۴</sup> و بزرگترین حامی رسول خدا<sup>۵</sup> که پس از اسلام از دنیا رفت، او را کنار قبر پدر گرامی‌اش به خاک سپرده‌ند. بر مقبره آن دو، گنبد و بارگاهی ساختند که در ۱۳۲۵ق. تعمیر و بازسازی شد.<sup>۶</sup>

**د) خدیجه<sup>۷</sup>:** همسر گرامی رسول خدا<sup>۸</sup> و افضل زنان بخشش و نخستین زن مسلمانی است که در هنگام محاصره شعب ابی طالب از دنیا رفت. قبر او دارای گنبد و بارگاهی بود.<sup>۹</sup>

**ه) قاسم بن محمد<sup>۱۰</sup>:** فرزند رسول الله<sup>۱۱</sup> که آن حضرت به سبب نام این فرزند، کنیه‌اش «ابوالقاسم» شد. وی نخستین مولودی است که خداوند از خدیجه<sup>۱۲</sup> به پیامبر<sup>۱۳</sup> ارزانی کرد. قاسم زودتر از فرزندان دیگر پیامبر<sup>۱۴</sup> دار فانی را وداع کرد و آن حضرت او را در جایی که اکنون نزدیک قبر خدیجه<sup>۱۵</sup> است دفن کرد.<sup>۱۶</sup> همچنین در این قبرستان تعدادی از صحابه، تابعان، فرزندان ائمه، نوادگان، سادات و علمای جلیل‌القدر نیز دفن شده‌اند. (تصاویر شماره ۱۱ و ۱۲)

## ۲. مزار گمنام شهدای فتح

هنگام خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابی‌طالب<sup>۱۷</sup> که پس از شهادت به «شهید فتح» مشهور شد، همراه چند

۱. ابن قتیبه، المعرف، ص ۴۲.

۲. لیب البتنوی، الرحلۃ الحجازیہ، ص ۹۶.

۳. همان، ص ۹۵.

۴. همان.

۵. شیخ عباس قمی، سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۹۹.

تن از نوادگان امام حسن<sup>۷</sup> و نزدیک به چهار هزار نفر از علوبیان، که از حکومت عباسیان به ستوه آمده بودند، در مدینه دست به قیام زدند. آنان پس از تصرف مدینه جهت انجام حج و افساگری ستم بنی عباس و روشنگری راه اهلبیت: در حال احرام به سمت مکه حرکت کردند. در مدخل ورودی مکه، در نزدیکی مسجد تنعیم، که به «وادی فَخّ» معروف است، با سپاهیان خلیفه رو به رو شدند. در این نبرد که در هشتم ذی الحجه سال ۱۶۹ق. (روز ترویه) رخ داد، سپاهیان عباسی فرزندان پیامبر<sup>۹</sup> را قتل عام و سرهای بیش از یکصد نفر از شهدا را از تن جدا کردند و همراه اسرا نزد خلیفه فرستادند. بدن‌های بی‌سر شهدا را فخ را پس از سه روز، در همان محل دفن کردند.<sup>۱</sup>

از امام جواد<sup>۷</sup> نقل شده که برای ما اهل بیت بعد از کربلا قتلگاهی بزرگتر از فخ نبوده است. همچنین امام باقر<sup>۷</sup> از پیامبر<sup>۹</sup> نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: در این مکان (فخ) مردی از فرزندان من، با جماعتی دیگر کشته می‌شوند که ارواح آنان بر بدن‌هایشان به سوی بهشت سبقت خواهد گرفت و جبرئیل<sup>۷</sup> نیز به من خبر داده است که یکی از فرزندان تو در اینجا شهید می‌شود که اجر دو شهید خواهد داشت.<sup>۲</sup>

مزار آنان، همانند سایر قبور، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این محل امروزه به «حی الشهدا» معروف است و در تقاطع شارع الشهدا، (روبهروی پمپ بنزین) و شارع تنعیم، ۱۵۰۰ متر بالاتر از مسجد تنعیم - که برای عمره در آن مُحْرِم می‌شوند - قرار دارد. در سال ۱۳۸۱ش. دیوار قبور شهدا را بازسازی و دری برای آن قرار دادند و روی آن تابلویی با نام عبدالله بن عمر بن خطاب گذاشتند که حکایت از تلاش برای محظوظ اثر و نام شهدا را فخ دارد.<sup>۳</sup> بر اساس نظر فقهای شیعه، در این مکان می‌توان کودکان نابالغ را مُحْرِم کرد. امام صادق<sup>۷</sup> قبل از ورود به مکه در اینجا غسل کرده و به آن نیز امر فرموده‌اند.<sup>۴</sup> (تصویر شماره ۱۲۵)

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۳۰۹؛ طبری، *تاریخ الطبری*، ج ۱۰، ص ۲۴ – ۳۴؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقالات الطالبین*، ص ۳۶۴ – ۳۸۶.

۲. ابوالفرج اصفهانی، همان، ص ۳۶۶ – ۳۶۷.

۳. اینجا، مقبره عبدالله بن عمر بن خطاب نیست؛ زیرا بنابر مشهور، وی در میان مسیر راه حججون و قبرستان ابوطالب<sup>۷</sup> تا مسجدالحرام دفن شده است. بر تابلوی آن محل نوشته شده مقبره عبدالله بن عمر (رقم ۲) که مشخص می‌شود (رقم ۱) قبر عبدالله بن عمر در محل دیگری است.

۴. شیخ طوسی، *تہذیب الاحکام*، ج ۵، ص ۹۹.

### خلاصه درس

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر از شمال به مدینه، از مشرق به ریاض، از جنوب به استان عصیر و از مغرب به جده محدود می‌شود. شهر مکه میان دو رشته کوه فلق یا فلح و قُعْدَة مخصوص شده است.

آب و هوای مکه خشک و سوزان؛ گرمایی آزار دهنده است. اسامی فراوانی برای مکه گفته‌اند، از جمله:

**۱. بَكّه**: برای بَكّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بَكّه، از «بَكّ» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن کشان و متکران را در هم می‌کوید و یا گردن آنان را می‌شکند. بَكّه در جایی نیز به معنای «ازدحام» آمده است.

**۲. مَكّه**: برای مَكّه، معانی‌ای چون بسط، گسترش و ازدحام، مفر استخوان و هلاکشدن و کاستن نیز آورده‌اند.

**۳. أَمُّ الْقُرْيٰ**: مکه را از این رو «أَمُّ الْقُرْيٰ» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه، خشک بود و این خشکی اندک از پیرامون کعبه برآمد تا به مقدار کونی گسترش یافتد.

**۴. بلدالْأَمِين**: به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نامهای مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امنیت و حرمتش را بیان کرده است.

کوههای مکه عبارتند از: ۱. جبل النُّور = غار حرا (مهبیط وحی)؛ ۲. ابوقبیس با امین که برترین کوههای مکه است و حجرالاسود در آن به امانت بود؛ ۳. کوه ثُور که پیامبر<sup>9</sup> هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شب‌انه روز در آن پنهان شدند؛ ۴. الحجون: که در دامنه آن قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد؛ ۵. ثَبَر: که از بزرگ‌ترین کوههای مکه است، در نزدیکی مینا؛ ۶. قُعْدَة: در مقابل کوه ابوقبیس و سمت مروده.

شهر مکه به سبب وجود کوههای فراوان، دارای دره‌ها یا شعبه‌ای است که در عصر جاهلیت و اسلام هر قبیله به طور مستقل در آن زندگی می‌کردند و هر شعubi به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعبه‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: در شعب ابی دب قبرستان ابوطالب قرار دارد و در شعب ابوطالب نیز مشرکان به مدت سه سال پیامبر<sup>9</sup> و مسلمانان را محاصره کردند.

مسجد تاریخی مکه عبارتند از:

۱. مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبد‌الله؛ ۲. مسجد الجن؛ ۳. مسجد الرایه؛ ۴. مسجد البیعة = مسجد الغنم؛ ۵. مسجد شجره؛ ۶. مسجد الإجابة.

گورستان تاریخی مکه، به نامهای مختلف، چون ابوطالب، قربش، حجون، بنی‌هاشم و جَنَّة المُعْلَى مشهور است. این قبرستان در شمال شرقی مسجد الحرام و در دو راهی خیابان مسجدالحرام - الحجُّون قراردارد. در این قبرستان، آبا و اجداد پیامبر خدا<sup>۹</sup> و بسیاری از صحابه آن حضرت در خاک آرمیده‌اند که مهمترین آنان عبارتند از: قُصَيْ بْنِ كَلَاب، عبدالمطلب بن هاشم، ابوطالب بن عبدالمطلب، خدیجه<sup>۲</sup>، قاسم بن محمد<sup>۶</sup>، فرزند رسول الله.

از دیگر زیارتگاه‌های مکه مزار شهدای فَخَّ است در نزدیکی مسجد تنعیم در محلی به همین نام که تا مسجدالحرام حدود ۴ کیلومتر فاصله دارد.

### خودآزمایی

۱. اسامی شهر مکه را نام برد و هر یک را توضیح دهید.
۲. کوههای مکه چه نام دارند و علت این نامگذاری‌ها چیست؟
۳. شعبهای مکه کدامند؟
۴. مساجد تاریخی مکه چه نام دارند و علت بنای هر یک چیست؟
۵. مزار شهدای فَخ در کجا واقع شده و چه حادثه مهمی در آنجا روی داده است؟



درس دوم:

## تاریخچه کعبه و مسجدالحرام

### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- سیر تاریخی احداث کعبه را بدانیم.
- با سیر بازسازی کعبه آشنا شویم.
- از تاریخچه مناصب کعبه آگاهی یابیم.
- با بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام آشنا شویم.

### مدخل

در این فصل از سیر احداث و بازسازی کعبه که از تاریخچه و اهمیت دیرینه‌ای برخوردار است، به ویژه محیط پیرامون آن، یعنی مسجدالحرام و نشانه‌هایی روشن آن از جمله مقام ابراهیم، حجرالاسود، چاه زمزم و سایر آثار مقدس آن به تفصیل توضیح داده خواهد شد.

الف) کعبه<sup>۱</sup> نخستین خانه عبادت بر روی زمین  
*إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَذِي بَكَّةَ مُبارَكًاً وَ هُدِيَ لِلْعَالَمِينَ.<sup>۲</sup>*

همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای در بکه است که مبارک گردانیده و آن هدایتی برای جهانیان است.

روایات مذکور در کهن‌ترین منبع تاریخی، حاکی از آن است که کعبه پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین، چون حبابی روی آب بود و اندک اندک

۱. از این رو، بیت الله را «کعبه» نامیده‌اند که دارای ارتفاع بوده و هر بنای مرتفع را کعبه گویند و یا به روایتی چون به شکل مربع و مکعب بوده، آن را کعبه خوانده‌اند. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۳)

۲. آل عمران، ۹۶.

قسمت‌های دیگر زمین از زیر آن گستردۀ شد و وسعت یافت.<sup>۱</sup> بنابر برخی روایات، کعبه را حضرت آدم<sup>۷</sup> بنا کرد. هنگام طوفان نوح<sup>۷</sup> کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> پنهان بود تا آنکه خداوند مکان آن را به ابراهیم<sup>۷</sup> نشان داد. (**وَإِذْ يَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...**),<sup>۲</sup> ایشان از شام به مکه حرکت کرد و پسرش، اسماعیل<sup>۷</sup> و همسرش هاجر<sup>۲</sup> را همراه خود برد. اسماعیل<sup>۷</sup> در آن دوران، کودکی شیرخواره بود. ابراهیم<sup>۷</sup> با راهنمایی جبرئیل<sup>۷</sup>، آن دو را کنار چجر اسماعیل کنونی جای داد و سایه‌بانی برای آنان فراهم کرد و گفت:

**رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي يَوَادَ عَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ  
الْمُحَرَّمِ.**<sup>۳</sup>

خدایا! من ذریه خود را در این سرزمین بی‌کشت و زرع، در کنار خانه‌ات جای دادم.

آن‌گاه خود به سوی شام برگشت. پس از چندی ابراهیم<sup>۷</sup> نزد فرزند خود بازگشت و همراه او، پایه‌های کعبه را در همان جای اصلی آن، بر افراسنند.<sup>۴</sup>

حجرالاسود از کوه «ابوقبیس» که به امانت از بهشت در آن قرار داشت در گوش‌های از کعبه نصب شد. ابراهیم<sup>۷</sup> در کنار کعبه برای اسماعیل سایه‌بانی از شاخه‌های درخت فراهم کرد که خوابگاه گوسفندان او گردید و نیز داخل کعبه، که به صورت مکعب ساخت، گodalی حفر کرد و آن را خزانه و محل نگهداری هدایای کعبه قرار داد. چون دیوارها بالا آمد، اسماعیل<sup>۷</sup> از کوه ابوقبیس سنگی را که اکنون مقام ابراهیم<sup>۷</sup> شناخته می‌شود، برای پدر آورد و ابراهیم<sup>۷</sup> روی آن ایستاد و کعبه را ساخت.<sup>۵</sup>

از امام صادق<sup>۷</sup> نقل شده است که: «خداؤند - عز و جل - زمین را از زیر کعبه گسترد تا منا، سپس آن را از منا به سوی عرفات گسترانید.

۱. ابوالولید ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فيها من الآثار، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۲.  
(وَالْأَرْضُ بَعْدَ ذَلِكَ دَحْنُهَا). (نازعات، ۳۰).

۲. حج، ۲۶.

۳. ابراهیم، ۳۷.

۴. شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۵. ازرقی، همان، ص ۴۲ - ۴۷.

پس زمین از عرفات است و عرفات از مناست و منا از کعبه است.<sup>۱</sup> نام دیگر کعبه، «بیت الله» و «بیت عتیق» است که در قرآن آمده است. از امام باقر<sup>۲</sup> پرسیدند: چرا کعبه را عتیق نامیدند؟ حضرت پاسخ دادند: برای اینکه خانه‌ای آزاد و رها شده از مالکیت مردم است که هیچ کس مالک آن نیست.<sup>۳</sup>

### ب) سیر بنا و بازسازی کعبه

در دوران حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> ارتفاع کعبه ۹ ذراع؛ یعنی حدود ۴/۴۳ متر و طول آن ۳۰ ذراع - ۱۴/۷۹ متر - و عرض آن ۲۲ ذراع - ۱۰/۸۵ متر - بوده است. در آن زمان، کعبه سقف و دری نداشت. قریش در دوره جاهلیت، ۵ سال پیش ازبعثت، هنگامی که کعبه بر اثر رسیل خراب شد، ۹ ذراع دیگر بر ارتفاع آن افزودند و آن را به ۱۸ ذراع - ۸/۸۷ متر - رسانیدند و آن را مسقف کردند.<sup>۴</sup> و دری هم برای آن که همسطح زمین بود قرار دادند. از طول آن نیز حدود ۶ ذراع و یک وجب - حدود سه متر - کاستند که حجر اسماعیل<sup>۷</sup> امروزی بخشی از آن است.<sup>۵</sup> این کار بدان سبب صورت گرفت که اموال حلال آنان برای بازسازی کعبه به اتمام رسید و قریش مال دیگری برای این کار نداشتند. بنابراین، طول کعبه از بنایی که ابراهیم<sup>۷</sup> ساخته بود، کمتر شد که البته بعضی معنقدند از طول کعبه هیچ‌گاه کم نشده است. اطراف حجر را هم سنگچین کردند که این همان حایی بوده که اسماعیل پیرامون قبر مادرش را سنگچین کرده بود. از آن پس، طواف‌کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. بنای کعبه همین‌گونه بود تا آنکه «عبدالله بن زیبر» در زمان یزید به کعبه پناهنده شد. سپاهیان یزید برای بیرون آوردن وی، کعبه را به منجذیق بستند و بخشی از آن را تخریب کردند. این زیبر پس از مرگ یزید، آن را در سال ۶۵ ق. بازسازی و به همان اساس ابراهیم<sup>۷</sup> برگرداند؛ یعنی ۳ متر کاسته شده از سمت حجر اسماعیل را بار دیگر به کعبه ملحق ساخت. بر ارتفاع آن ۹ ذراع دیگر افزود و ارتفاع کعبه را به ۲۷ ذراع (۱۲/۳۱ متر)

۱. کلینی، همان، ج<sup>۴</sup>، ص ۱۸۹.

۲. همان.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج<sup>۹</sup>، ص ۳۲۸. در اینجا بر اساس ذرع هاشمی، یعنی ۴۹/۳۳ سانتی متر محاسبه کردند.

۴. کلینی، همان، ج<sup>۴</sup>، ص ۲۰۷؛ مسلم، صحیح، بشرح النووي، ج<sup>۹</sup>، ص ۹۳ - ۹۵.

رسانید. و پشت کعبه، (در غرب) باب دیگری به کعبه افزود.<sup>۱</sup> پس از آنکه حجاج، عامل عبدالملک بن مروان، کعبه را با منجنيق به آتش کشید و ابن زبیر را به قتل رسانید، کعبه را در ۷۴ هـ. ق. از اساس خراب کرد. بخشی (حجر اسماعیل) را، که ابن زبیر به بنای قریش افزوده بود، ویران و آن را به همان‌گونه که قریش ساخته بودند برگرداند؛ یعنی از طول آن کم کرد و دری را که پشت کعبه گشوده بود بست و در اصلی را نیز بلندر از زمین قرار داد. این بنا هنوز به همین وضع است اگرچه در زمان سلطان مراد عثمانی ۱۰۴۰ هـ. ق. سیل، کعبه را خراب کرد و ناچار شدند آن را از اساس خراب کنند و دوباره بسازند؛ اما بر همان اساس قبلی دوباره بنا کردند و هیچ تغییری در آن ندادند، جز نیم دیواره‌ای گردآگرد پشت بام کعبه برای هدایت آنها به سوی ناوдан. در مورد آخرین بازسازی که در سال ۱۴۱۷ هـ. ق. به دستور فهد بن عبدالعزیز انجام شد، زیرینا و اساس کعبه تقویت و تحکیم و شاذوان مرمت گشت و شکافها و روزنه‌های بین سنگ‌ها گرفته شد. سقف کعبه نیز برداشته و بازسازی گردید.

گفتنی است کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم<sup>۲</sup>، ۸ مرتبه به طور کلی یا جزیی توسط قبایل و افرادی بازسازی شده که عبارتند از:  
 ۱. عمالقه؛ ۲. جرهم؛ ۳. قصی بن کلاب؛ ۴. قریش؛ ۵. عبدالله بن زبیر؛ ۶. حجاج بن یوسف؛ ۷. سلطان مراد عثمانی؛ ۸. سعودی.  
 بنابراین، پس از آن بازسازی‌ها، ابعاد و اندازه‌های کعبه در حال حاضر عبارتند از:

ارتفاع کعبه ۱۴/۸۵ متر، طول آن از سمت ملتزم یعنی رکن حجرالاسود (شرقی) تا رکن عراقی (شمالي) ۱۱/۷۱ متر، طول رکن عراقي تا شامي (غربي) ۹/۹۰ متر، از رکن غربي تا رکن یمانی (جنوبي) ۱۲/۰۴ و از آنجا تا رکن اسود ۱۰/۱۸ است.

همچنین ارتفاع کف تا باب کعبه ۱/۹۲ متر، و از کف تا دیواره پشت‌بام یعنی ارتفاع کلی کعبه ۱۴/۸۵ متر، ارتفاع دیوار حجر اسماعیل ۱/۱۲ متر، قطر دیوار حجر اسماعیل ۱/۰۶، فاصله میان انتهای قوس دیوار حجر تا دیوار کعبه (زیر ناودان) ۸/۴۷ متر، فاصله میان دو طرف نیم‌دایره حجر اسماعیل ۷/۷۳ متر، ارتفاع حجرالاسود از سطح زمین ۱/۵۰ متر، طول ملتزم از رکن اسود و باب کعبه ۲ متر است.<sup>۳</sup> (تصویر شماره ۱۴)

۱. ابن رشید فهری، *مل العیبه بما جمع بطول الغيبة*، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.  
 ۲. محمد طاهر کردی مکی، کعبه و مسجد الحرام در گذر تاریخ، ترجمه هادی انصاری، ص ۴۸.

### ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام

جد چهارم رسول خدا<sup>۹</sup> قصی بن کلاب، برای هرجه بهتر برگزار کردن مراسم حج و پذیرایی از زائران، مناصبی ایجاد کرد که بعد از وی میان فرزندانش تقسیم شد. این مناصب که در طول تاریخ خود، باعث تنشها و برخوردهایی میان متصدیان آنها می‌شد، عبارت بودند از:

۱. سِقایت: آب دادن حاجیان و زائران کعبه.
۲. رفادت: میهمانداری و پذیرایی زائران.
۳. عُقاب: پرجمداری.
۴. حجابت: دربانی، کلیدداری.
۵. سِدانت: پرده‌داری.
۶. لواه: پرچم.
۷. دارالّندوه: مجلس مشورتی.
۸. قَبْه: انبار سلاح.
۹. سفارت.
۱۰. آیسار و آزالام: بخت‌آزمایی و شرط‌بندی.
۱۱. قضا و داوری.
۱۲. حفاظت اموال متعلق به کعبه و بت‌ها.
۱۳. قیادت: سرداری و سرپرستی کاروان‌های بازرگانی.
۱۴. پرداخت دیه و غرامت.
۱۵. آعینه: سرپرستی چارپایان و ستوران قریش به هنگام جنگ.
۱۶. عمارة: نگهداری و بارسازی مسجدالحرام.<sup>۱</sup>
۱۷. عمارة: نگهداری و بارسازی مسجدالحرام.<sup>۱</sup>

### د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

#### ۱. حجرالاسود و تاریخچه آن

حجرالاسود به سنگ سیاهی گویند که در رکن «اسود» یا شرقی نصب شده است. این سنگ، تاریخی پر فراز و فرود دارد. روایاتی که این عباس و دیگران از پیامبر<sup>۹</sup> نقل کرده‌اند، دلیل بر این است که حجرالاسود و مقام ابراهیم، هر دو از بهشت و از گوهرهای آن هستند و در زمین غیر از آن دو، چیزی از بهشت نیست؛ همچنین از پیامبر<sup>۹</sup> نقل شده که حجرالاسود یاقوتی سفید از یاقوت‌های بهشت بوده و خداوند آن را به سبب گناه گناهکاران دگرگون [سیاه] کرده است. «ابوالولید ازرقی» از

۱. ابن طهیرة القرشى المخزومى، الجامع اللطيف في فضل مكة و اهلها و بناء البيت الشريفه ص.<sup>۷۳</sup>

پدربرگش... از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا<sup>۹</sup> فرمود: در روز قیامت، حجرالاسود به سود کسانی که با حق و راستی، آن را مسح کرده‌اند گواهی می‌دهد.<sup>۱</sup>

در روایات آمده است: این سنگ همانند دست راست خدا در زمین است که با بندگان خود به وسیله آن مصافحه می‌کند، همان‌طور که شما با برادران خود دست می‌دهید و هر کس که محضر پیامبر<sup>۹</sup> را درک نکرده باشد و به این سنگ دست بکشد، مثل آن است که با خدا و پیامبرش بیعت کرده است.<sup>۲</sup>

همچنین از ابن عباس نقل شده که حجرالاسود و مقام ابراهیم<sup>۷</sup> همراه حضرت آدم<sup>۷</sup> فرود آمده‌اند؛ شبی که آدم<sup>۷</sup> هبوط کرد، هنگام صبح، آن دو را شناخت و با آنها انس گرفت.<sup>۳</sup>

ابراهیم<sup>۷</sup> هنگام ساختن کعبه، از کوه ابوقبیس ندایی شنید که ای ابراهیم، برای تو نزد من امامتی است. ابراهیم رفت و حجرالاسود را گرفت و در رکن کعبه نصب کرد.<sup>۴</sup> این سنگ تا قبل از اسلام چندین بار از جای خود برداشته شده و دوباره نصب گردیده است. هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش - در دوران جوانی پیامبر<sup>۹</sup> - بر سر نصب آن مشاجره‌ای جدی میان قبایل قریش پدید آمد؛ آن حضرت با تدبیری حساب شده حجرالاسود را در جای کنونی نصب کرد؛ به این شکل، از یک سو همه قبایل را در این افتخار شریک ساخت و از سوی دیگر مانع یک خونریزی حتمی شد.<sup>۵</sup>

در قرن سوم هجری، فرامطه آن را ریوده و به شام بردنده، ولی یک سال طول نکشید که آن را بازگردانده و در جای خود نصب کردند.<sup>۶</sup> در قرن چهارم نیز دوباره آن را ریودند و ۲۲ سال بعد به وسیله خلیفه

۱. ازرقی، همان، ص ۲۴۲؛ ابن ظہیرة القرشی المخزومی، همان، ص ۲۲.

۲. فاسی المکی، شفاء الغرام با خبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۷۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۲.

۳. ازرقی، همان، ص ۲۴۳.

۴. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۵؛ حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۸.

۵. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۹۷؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحيح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۵؛ ج ۳، ص ۳۶۲؛ حر عاملی، همان، ص ۳۲۹.

۶. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۱۴.

فاطمی، المطیع لله از قرامطه خردباری و بازگردانده شد.<sup>۱</sup> این سنگ، که نزدیک به پنجاه تکه‌ریز است، با بستهای فلزی و نفرهای به یکدیگر متصل و در یک قاب نفرهای قرار دارد. روایات زیادی برای بوسیدن و استلام حجرالاسود، نقل شده؛ به ویژه اینکه پیامبر<sup>۲</sup> آن را بوسیده و یا استلام می‌کردند.<sup>۳</sup> از ایشان نقل شده که دست کشیدن به آن، گناهان را می‌یریزد؛ لذا بسیاری از صحابه برای بوسیدن و استلام آن، خود را به رحمت می‌انداختند. روایاتی نیز از ابن عباس نقل شده، از جمله اینکه:

برای استلام حجر مسلمانی را آزار مده و مورد آزار هم قرار  
مگیر، اگر خلوت بود، آن را بیوس یا بر آن دست بکش و گرنه  
برو.<sup>۴</sup>

پیامبر<sup>۵</sup> در فتح مکه و نیز حجّة الوداع با چوب‌دستی خود، آن را از دور استلام کردند و دوست نداشتند مردم را از آن کنار بزنند. بسیاری از صحابه نیز پس از استلام حجر دست‌های خود را می‌بوسیدند.<sup>۶</sup> **(تصویر شماره ۱۵)**

**۲. ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی**  
گوشه‌های خانه کعبه را «ارکان کعبه» گویند که هریک به نام خاصی مشهور است. این چهار رکن تقریباً در برابر چهار جهت جغرافیایی است.

**۱-۲. رکن شرقی (اسود):** این رکن در زاویه شرقی و همانجا بی است که حجرالاسود در آن نصب شده است. این رکن تقریباً در جانب کشورهایی چون عمان، هند، بنگلادش و ژاپن است. اندازه آن تا رکن شمالی ۱۱/۷۱ متر است.<sup>۷</sup>

پیامبر<sup>۸</sup> هرگاه رکن اسود را می‌دید، آن را استلام می‌کرد و هرگز از

۱. ابن وردی، تاریخ ابن وردی، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۳، ص ۳۶۳.

۲. حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۴۰۲؛ شیخ طوسی، همان، ج ۵، ص ۱۰۳.

۳. ابن حجر عسقلانی، همان.

۴. ازرقی، همان، ص ۲۵۱-۲۶۰؛ فاکھی، همان، ج ۱، ص ۹۷؛ زیعلی الحنفی، نصب الرایه لاحادیث الهدایه، ج ۳، ص ۳۸؛ مسلم، صحيح، ج ۹، ص ۱۶.

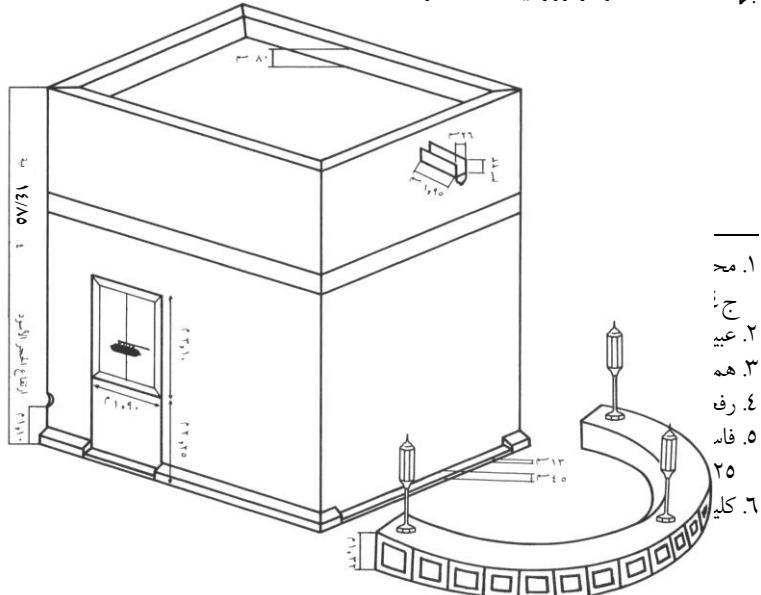
۵. عیید الله امین الكردي، الكعبة المعظمه والحرمان الشريفان عمارة و تاریخها، ص ۱۳۶-۱۵۶.

آن کار غافل نمی‌شد.<sup>۱</sup> بدان جهت که حجرالاسود در آن واقع شده و بر اساس و قواعد حضرت ابراهیم بوده است.

**۲-۱. رکن شمالی (عرافی):** در زاویه شمال شرقی، رکن شمالی است که حجر اسماعیل از آنجا آغاز می‌شود؛ این رکن تقریباً در برابر عراق واقع شده است. بعضی از قدما این رکن را شامي می‌دانسته‌اند. این دومنین رکن کعبه پس از رکن حجرالاسود بوده و فاصله آن تا رکن غربی ۹/۹۰ متر است.<sup>۲</sup> این رکن بر پایه ابراهیم<sup>۳</sup> نیست و قریش آن را تغییر دادند؛ لذا پیامبر<sup>۴</sup> آن را استلام نمی‌کردند.<sup>۵</sup>

**۲-۲. رکن غربی (شامي):** این رکن در زاویه غربی و در سمت دیگر حجر اسماعیل<sup>۶</sup> است که سومین رکن پس از رکن حجرالاسود به شمار می‌آید. رکن غربی به سوی شام، مصر و آفریقاست. لذا آن را رکن مصری هم می‌توان گفت. فاصله آن تا رکن یمانی ۱۲/۰۴ متر است. رکن غربی نیز بر اساس بنای ابراهیم<sup>۷</sup> نیست و پیامبر<sup>۸</sup> آن را استلام نمی‌کردند.<sup>۹</sup>

**۲-۳. رکن جنوبی (یمانی):** این رکن در زاویه جنوبی، تقریباً مقابل کشور «یمن» در جنوب شبے جزیره قرار دارد و فاصله آن تا رکن اسود ۱۰/۱۸ متر است. پیامبر<sup>۹</sup> همواره رکن یمانی را استلام می‌کردند؛ چون بر پایه بنای ابراهیم<sup>۱۰</sup> قرار دارد.<sup>۱۱</sup> مستجار در کنار این رکن است. از امام صادق<sup>۱۲</sup> نقل شده است که فرمودند: «رکن یمانی دری از درهای بهشت است و از روزی که گشوده شد سته نشده است».<sup>۱۳</sup>



### ۳. شاذروان

شاذروان برآمدگی کوتاهی است که دیوار کعبه را از بیرون احاطه کرده است. این برآمدگی که امروزه از سنگ سفید است، باقیمانده یا نشانه محل دیوار قبلی کعبه است که به هنگام بازسازی کعبه در زمان ابن زیبر بیرون از خانه واقع و به عنوان پایه برای محکم کردن دیوار کعبه استفاده گردید، لذا از محیط داخلی کعبه کاسته شد. ارتفاع آن در سمت شمال (حجر اسماعیل)، ۱۵ و عرض ۳۹ سانتی متر، در غرب، ارتفاع ۲۸ و عرض ۸۰ سانتی متر، در جنوب، ارتفاع ۲۴ و عرض ۸۷ سانتی متر، و در شرق، ارتفاع ۲۲ و عرض ۶۶ سانتی متر است.<sup>۱</sup>

شایان ذکر است شاذروان همه اطراف کعبه، را در برگرفته است. اما در قسمت حجر اسماعیل ارتفاع آن ۱۰ سانتی متر است. در طول این دوران، حلقه‌هایی نیز در آن تعبیه شده تا پرده کعبه به آن وصل گردد. طواف بر شاذروان از آن رو صحیح نیست که جزو کعبه است. خداوند امر کرده که به خانه طواف کنید نه «در خانه» «طاف بالبیت و لا فی البیت»<sup>۲</sup> از روی شاذروان و از درون حجر اسماعیل طواف کردن، مانند آن است که طواف فی البیت باشد، نه بالبیت. (تصویر شماره ۱۶)

### ۴. ناوдан طلا (میزاب)

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، در شمال آن، ناوданی نصب شد که آب را به داخل حجر اسماعیل ۷ هدایت کند. کعبه تا ۳۵ سال بعد از ولادت حضرت رسول<sup>۹</sup> ناوдан نداشت و نخستین ناوдан را قریش در آن

۱. رفت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲. «وليظوفوا بالبيت العتيق» (حج، ۲۹).

سال از چوب تراشیدند و بر بام آن نصب کردند. در طول سالها، حکام و امرا ناودان‌هایی از نقره و در سال ۱۰۲۱ هـ. ق. نیز از طلا ساختند. از جمله «سلطان عبدالحمید عثمانی» به طول ۲/۵۳ متر و عرض ۳۶ سانتی متر در سال ۱۲۷۳ هـ. ق. به خانه کعبه هدیه کرد.<sup>۱</sup> این ناودان در دوران سعودی با ناودانی جدید تعویض شد که نام فهد بن عبدالعزیز بر آن نقش بسته است. در روایات آمده است: دعای کسی در زیر این ناودان رد نمی‌شود؛ از این رو، نسبت به آن سفارش زیاد شده است. (تصویر شماره ۱۷)

##### ۵. باب کعبه

نخستین کسی که برای خانه خدا دربی تعبیه کرد «تبع سوم» یکی از پادشاهان یمن بود. وقتی قریش کعبه را بازسازی کردند دولنگه درب چوبی بر دهانه آن نصب کردند. این زیبر نیز از همان درب استفاده کرد. اما دری نیز پشت کعبه (غرب) گشود که حاج آن را بست. آخرین دری که قبل از دوران سعودی تعبیه شد را سلطان مراد عثمانی ساخت. در سال ۱۳۶۲ هـ. ق. ملک عبدالعزیز و پس از وی ملک خالد در ۱۳۹۸ هـ. ق. درب‌هایی از طلا ساخته و بر آن نصب کردند. درب کنونی که ساخته ملک خالد است دارای دو جدار یا دو قسمت خارجی و داخلی است. باب داخلی آن، به «باب التوبه» معروف است و از لحاظ شکل و نوع تزیین، با باب خارجی یکسان و مشابه است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلوگرم می‌باشد که از روکش طلای عیار ۱۰۰٪ تعبیه شده و مبلغ ۱۲/۴۲۰/۰۰۰ ریال سعودی برای آن هزینه شده است. طول باب کعبه ۲/۱۰ متر، عرض آن ۱/۹۰ متر، پهنای آن ۵۰ سانتی‌متر، است. روی در کعبه به طرز سپیار زیبایی آیات قرآن در چهار دایره و شش مربع مستطیل به خط ثلث منقوش شده است. این در به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد. قفل قبلی که هفتاد سالقدمت داشته، اکنون در موزه مکه نگهداری می‌شود. گفتنی است در عصر جاهلی، کلیدداری کعبه، از منصب‌های مهم بود. هنگام فتح مکه، کلید کعبه در اختیار «عثمان بن ابی طلحه عبدی» بود و پیامبر آن را از وی گرفتند و با ورود به کعبه، تمامی بیتها را شکستند. (تصویر شماره ۱۸)

---

۱. رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

## ۶. درون کعبه

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم<sup>۷</sup>، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. نخستین هدایا که درون آن آویزان گردید، دو «شاخ گوسفند» یا قوج بود که گفته می‌شد همان شاخ‌های ذبح ابراهیم<sup>۷</sup> است. این دو شاخ در دوران عبدالله بن زبیر به سبب پوسیدگی از میان رفت.<sup>۱</sup> در دوران اسلامی، تقدیم هدایا افزایش یافت و عمر بن خطاب، خلیفه وقت پس از فتح مدائن، دو نیم ماه زرین را که برای او فرستاده بودند، در کعبه آویخت. پس از وی، خلفای اموی و عباسی نیز هدایایی تقدیم کردند.<sup>۲</sup> که طی سالیان دراز، همواره در کعبه آویزان بوده است.

هم اکنون در درون کعبه جز سه ستون چوبی منبت کاری شده از چوب عود که به موارات هم قرار گرفته و قطر هر یک ۵۰ سانتی متر است، و نیز چندین قندیل فلزی که آویزان شده است، چیز دیگری وجود ندارد. این سه ستون، سقف کعبه را نگه داشته است.

در داخل کعبه پلکانی وجود دارد که به بام میرسد. این پلکان در داخل اتاقکی بدون پنجره قرار گرفته است. هنگامی که از پله‌ها بالا بروید تقریباً به اندازه یک قد مانده به سقف دری کوچک در سمت روی و دری دیگر همانند آن در سمت چپ دیده می‌شود. این دو در، به فضای میان سقف تحتانی و سقف فوقانی کعبه که ۲ متر از هم فاصله دارند راه می‌گشاید.<sup>۳</sup>

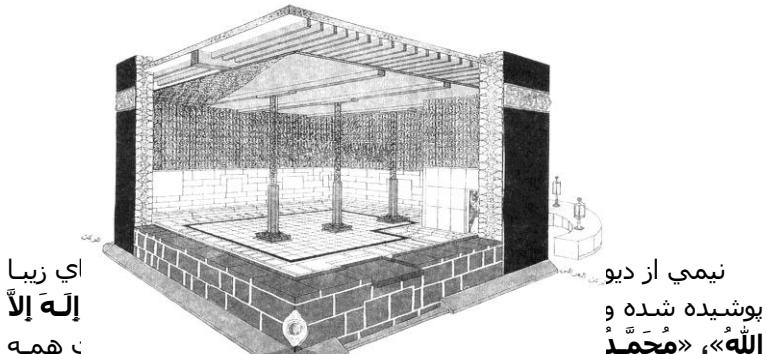
کف کعبه با سنگ‌های مرمر که بخش عمده آن سفید و باقی‌مانده اش رنگی است فرش شده است. دیوار داخل نیز تا نیمة آن با سنگ مرمر روکش شده و این سنگ‌ها دارای نقش و نگارهای ظریفی است. در داخل کعبه نه لوح مرمر وجود دارد که بر هشت تای آنها با خط ثلث و بر یکی دیگر با خط کوفی برجسته، متنی کنده‌کاری شده است. این لوح‌ها جز یکی که یادمان توسعه دوران ملک فهد است، در سدة

۱. ازرقی، همان، ص ۱۷۶. پیامبر<sup>۹</sup> هنگامی که وارد کعبه شدند به بانویی از بنی سلیم فرمودند این دو شاخ را پوشان؛ زیرا شایسته نیست در کعبه چیزی باشد که حواس نمازگزار را به خود جلب کند. محمد بن یحیی گوید: «در دوران ابن زبیر که وی کعبه را خراب کرد آن دو شاخ را دیده‌اند، در حالی که بر آن دو گل سرخ مالیده بودند، ابن زبیر آن را به دست گرفت، همین که به آن دو شاخ دست خورد از یکدیگر پاشیده شد.» (ازرقی، همان)

۲. ازرقی، همان، ص ۱۹۱؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۷۸ – ۲۸۰.

۳. عیبدالله محمد امین کردی، همان، ص ۱۲۱.

ششم هجری نوشته شده است. شایان ذکر است در سال ۱۳۱۵ ق. داخل کعبه به طور کلی مرمت گردید.<sup>۱</sup>



ساله درون کعبه را با آب رمرم و بلطف مصر داساب می‌سوبید و پرده خانه را در روز نهم ذی‌حجه (روز عرفه) تعویض می‌کنند. پیامبر<sup>۲</sup> برای نخستین بار به هنگام فتح مکه، پس از شکستن بتها و از میان بردن تصاویر نقش شده بر دیوار، داخل خانه را با آب زمزم شستند<sup>۳</sup> که این رسم تاکنون پایرجاست.

کعبه دو سقف دارد، یکی در زیر، که از زمین مطاف تا آن ۱۱/۳۰ متر و از کف کعبه ۹/۵۰ متر ارتفاع دارد. سقف دوم حدود ۲/۲۰ متر بر روی سقف اول است که روزنه‌هایی برای روشن ساختن آن وجود دارد. بر پشت بام کعبه دیواری کوتاه به ارتفاع ۱۲۰ سانتی متر ساخته‌اند تا آب باران در آن جمع شود و به وسیله ناودان به داخل چر اسماعیل بریزد. برای روشنایی کعبه در زمان ابن زیبر چهار روزنه تعییه و با سنگ‌هایی که از یمن برای وی آورده بودند، تزیین شده بود، اما ابن روزنه‌ها در عصر عثمانی به سبب ورود آب از طریق آن به داخل کعبه بسته شد.

ورود به کعبه و خواندن نماز در آن، فضیلت فراوان دارد و در این مورد، پیامبر<sup>۴</sup> و ائمه اطهار: سفارش‌های فراوان کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۱۲۱.

۲. متنی الهندي، كنز العمال في سنن الأقوال والافعال، ج ۵، ص ۲۹۹.

۳. زیعی الحنفی، نصب الراية لاحادیث الهدایة، ج ۲، ص ۳۱۹.

## ٧. مُسْتَجَار

مستجار به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی گفته می‌شود. در **شفاء الغرام** آمده است:

از این رو به این مکان مستجار گفته‌اند که پناه گیرنده به آن،  
**«مستجار من دُنُوب»** است و گناهانش ریخته می‌شود.  
 چون بعضی از صحابه به این مکان التزام می‌جستند به  
**«ملْتَرْمٌ»** و **«مُتَعَوِّذٌ»** نیز معروف است.<sup>۱</sup>

به انفاق منابع شیعی و برخی از منابع اهل سنت، فاطمه بنت اسد، مادر مولود کعبه (علی‌ها) از شکافی که در این مکان ایجاد شد به درون کعبه رفت و خداوند متعال این افتخار بزرگ را تنها به علی‌ها عطا کرد که در بهترین مکان عالم، متولد شد.<sup>۲</sup> لازم به یادآوری است در این قسمت، آثار ترمیم و بندکشی دیده می‌شود که البته ارتباطی به شکاف یادشده ندارد؛ زیرا کعبه از آن زمان تاکنون حداقل سه بار کاملاً خراب و دوباره ساخته شده است.

## ٨. مُلْتَرَمٌ

بر اساس نظر شیعه، ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است،<sup>۳</sup> اما اهل سنت، فاصله میان حجرالاسود و درب کعبه را ملتزم می‌دانند.<sup>۴</sup> گویند هیچ بنده‌ای به این مکان التجا و پناه نمی‌جوید حز آنکه خداوند حاجتش را برآورده می‌کند. پیامبر<sup>۵</sup> فرمودند: «**بَيْنَ الرَّكْنِ وَ الْمَقَامِ مُلْتَزِمٌ مَا يَدْعُوا بِهِ صَاحِبُ عَاهَةِ الْأَبْرَى**»<sup>۶</sup> چون پیامبر<sup>۷</sup>، ائمه اطهار و اصحاب، سر و صورت،

۱. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ ابن ابی شیبہ، **المصنف فی الأحادیث و الآثار**، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحيحین، ج ۳، ص ۴۸۳؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ابن صیاغ مالکی، الفصول المهمة فی مناقب الانئمة، ص ۱۲؛ سبط بن جوزی، **تذكرة خواص الامة فی معرفة الانئمة**، ص ۱۰.

۳. کلینی، **الكافی**، ج ۴، ص ۴۱۰؛ طریحی، مجمع البحرين، ماده لزم؛ مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۳۲۷.

۴. فاکھی، همان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۷.

۵. طبرانی، **معجم الكبير**، ح ۱۱۸۷۳.

دستها و سینه خود را به این مکان چسبانده و دعا می‌کردند؛<sup>۱</sup> به آن «ملتزم» گفته‌اند.<sup>۲</sup> از امام علی<sup>۳</sup> نقل شده است: «اقررواً عند الملتزم من ذنبكم».۴

#### ۹. معْجَنَه

گودالی بر روی زمین به عمق ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۱/۵ متر، نزدیک «شاذروان» مقابله در کعبه و حجرالاسود بوده که ابراهیم<sup>۵</sup> «يَعْجَنُ فِيهِ الْبَلَاطُ» یعنی در این گودال، آب و خاک را با هم مخلوط می‌کرد تا برای ساخت کعبه به کار گیرد. گفته‌اند: جبرئیل<sup>۶</sup> ابا پیامبر<sup>۷</sup> در این مکان نماز گزارده‌اند. بعدها این گودال را پوشانیدند.

#### ۱۰. حَطِيم

در محدوده حطیم میان شیعه اختلاف است؛ براساس روایتی از امام صادق<sup>۸</sup> «هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ بَيْنَ الْبَابِ»<sup>۹</sup> یعنی مقابله کعبه و براساس روایتی دیگر میان حجر اسماعیل، مقام ابراهیم و درب کعبه، حطیم است.<sup>۱۰</sup> اما براساس نظر اهل سنت، حطیم، همان حجر اسماعیل است؛ زیرا حطیم در لغت به معنای شکسته است و زمانی که قریش کعبه را می‌ساختند از طول کعبه کاستند و آن را شکستند. در دوران جاهلیت، در این مکان مظلومان در حق ظالمان نفرین می‌کردند، لذا این امر موجب می‌شد مردم نسبت به یکدیگر ستم نکنند.<sup>۱۱</sup>

از پیامبر<sup>۱۲</sup> نقل شده است: «بهرتین و باکترین مکان‌های روی زمین نزد خداوند، فاصله میان رکن اسود و مقام ابراهیم<sup>۱۳</sup> است که این مکان باغی است از باغ‌های بهشت، پس کسی که چهار رکعت در آن نماز گزارد، از عرش ندا میرسد «ای بنده من، گناهان گذشته‌ات بخشیده شد». همچنین گویند در محدوده حطیم، یعنی میان رکن، مقام تا زمزم و حجر اسماعیل<sup>۱۴</sup>، ۹۹ تن از پیامبران الهی، از جمله حضرت آدم، نوح،<sup>۱۵</sup>

۱. فاکھی، همان، ج ۱، ص ۶۳-۶۸؛ فاکھی احادیث زیادی در التزام پیامبر<sup>۱۶</sup> به این مکان و دعای آن حضرت ذکر کرده است. (ج ۱، ص ۱۶۲)

۲. ر. ک: محمد رضا نعمتی، «پژوهشی درباره ملتزم»، میقات حج، شماره ۴۳.

۳. صدوق، الخصال، ص ۱۷، حرج عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۵.

۴. صدوق، علل الشرایع، ص ۴۰؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۵۲۷.

۵. الحج و العمر، ص ۱۱۸.

۶. ازرقی، همان، ص ۳۲۰-۳۲۱؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۹.

۷. بر اساس روایاتی، قبر آدم<sup>۱۷</sup> و نوح<sup>۱۸</sup> در نجف در محل قبر حضرت علی<sup>۱۹</sup> قرار دارد.

صالح، شعیب، اسحاق، یوسف، اسماعیل: و نیز دختران وی مدفونند.<sup>۱</sup>

### ۱۱. پوشش کعبه (الكسوة)

پوشانیدن کعبه از سنت هایی است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بیت الله دارد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که یکی از مناصب مهم در دوره حاکمی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. بیشتر منابع، ابراهیم یا اسماعیل<sup>۲</sup> را نخستین کسی می‌دانند که خانه کعبه را پوشانید<sup>۳</sup> و روایتی نیز از امام صادق<sup>۷</sup> در این باره آن را تأیید می‌کند.<sup>۴</sup>

بعضی، «تُبَّع» پادشاه حمیراء، که همان «اسعد بن معدی گرب» باشد را نخستین کس دانسته‌اند که بر کعبه پرده پوشانید. گفته‌اند که وی در خواب دید کعبه را جامه می‌پوشاند؛ پس ابتدا بر آن پوششی چرمی انداخت و بعد با پارچه‌های چیری بافت یمن پوشانید و برای کعبه نیز دری قرار داد.<sup>۵</sup>

در روزگار حاکمی، پرده کعبه، که از جنس‌های گوناگون، مانند پشم، مو، کرک، خز، چرم و بردۀای یمانی و جامه‌های پشمین باقته می‌شد، به وسیله شترانی که برای قربانی می‌آوردند، حمل و قسمتی یا تمام خانه را با آن می‌پوشانند و مقداری را نیز ذخیره می‌کردند تا پس از کهنه شدن پوشش‌ها، آن را تعویض کنند.<sup>۶</sup>

ابن اسحاق گوید: در عصر پیامبر<sup>۹</sup>، کعبه را با پارچه سفید رنگ بافت مصر، مشهور به «قباطی» می‌پوشانند و سپس از بردۀای یمانی برای آن استفاده می‌کردند. نخستین کسی که آن را با دیباچ پوشانید «ابن زبیر» بود.<sup>۷</sup>

۱. کلینی، الفروع، ج<sup>۲۱۴</sup>، ص<sup>۲۱۴</sup>؛ فاسی المکی، همان، ج<sup>۱</sup>، ص<sup>۳۲۰</sup>؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج<sup>۹</sup>، ص<sup>۴۳۰</sup>.

۲. ابن حجر عسقلانی، المطالب العالية، ج<sup>۳</sup>، ص<sup>۳۵۷</sup>؛ کلینی، همان، ج<sup>۱</sup>، ص<sup>۲۰۴</sup>؛ حرّ عاملی، همان، ج<sup>۹</sup>، ص<sup>۳۲۴</sup>.

۳. شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج<sup>۲</sup>، ص<sup>۱۴۹</sup>.

۴. حمیریان در سده‌های قبل از اسلام در جنوب عربستان پس از انقراف سبائیان حکومت می‌کردند. پادشاهان آنان را «تُبَّع» یا «تابعه» خوانده‌اند.

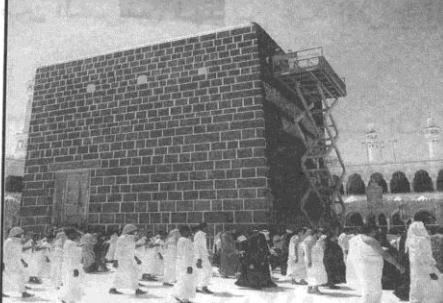
۵. ازرقی، همان، ص<sup>۱۹۳</sup>؛ ابن حجر، همان، ج<sup>۱</sup>، ص<sup>۳۶۳</sup>؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص<sup>۴۵</sup>.

۶. ازرقی، همان، ص<sup>۱۹۴</sup>.

۷. ابن هشام، همان، ج<sup>۱</sup>، ص<sup>۱۹۸</sup>. کلام آخر به نقل از روضن الانف سهیلی، در پاورپوینت همان صفحه است.

پیامبر خدا<sup>۹</sup> در هشتم ذی‌حجه برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: «امروز، روزی است که جامه بیت الله تعویض می‌شود.» از این جریح روایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت معمول بوده که پس از رفتن حاجاج از مکه در ابتدای محرم بر کعبه پرده نو می‌آویختند، اما به روزگار اسلام، معمولاً روز هشتم ذی‌حجه پوشش‌های دیبا بر آن می‌انداختند که مردم شکوه و زیبایی آن را بینند و سپس در محرم با پرده اصلی پوشش می‌دادند.

همچنین پیامبر<sup>۹</sup> بر خانه خدا پرده و جامه یمانی می‌پوشاند و حال آنکه در دوره جاهلی بر آن چرم می‌آویختند.



ز

۶

سیه پرسیس سای سیوی، رسی سی سید. ار جسی سیستین سسر بیز همه ساله دو پرده، یکی برای کعبه به رنگ قرمز و دیگری برای مرقد پیامبر<sup>۹</sup> به رنگ سبز ارسال می‌کردند که بر حاشیه آنها شعار «لا إله إلّا

۱. حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴.

الله، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله» و آیات دیگر بافته شده بود.

سلطان عثمانی نیز برای کعبه پرده‌هایی می‌فرستادند.<sup>۱</sup> در دوران حاضر، پرده کعبه در روز نهم ذی‌حجه هر سال تعویض می‌شود. بافت و تزیین آن به دست هنرمندان شهر مکه صورت می‌گیرد و آیات قرآن و اسمی جلاله به صورتی بسیار زیبا و زیبین بر روی آن بافته می‌شود. کارگاه پرده‌بافی کعبه در منطقه حدیبیه و در جاده ام الدود قرار دارد که کارگران به صورتی سنتی پرده کعبه را در آنجا خطاطی، بافندگی و زردوزی می‌کنند، این کارگاه در سال ۱۲۹۷ق. افتتاح شد. پرده داخلی کعبه نیز در همین کارگاه بافته می‌شود.

ارتفاع پرده، چهارده متر و نواری که پیرامون پرده و بالای آن را فرا گرفته و بر آن آیات قرآنی نوشته شده ۹۵ سانتیمتر و طول آن ۴۳ متر است که از شانزده قطعه تشکیل شده و هزینه بافت و تزیین آن با طلا و زخارف دیگر به ۱۷ میلیون ریال سعودی می‌رسد.

در هر جامه حدود ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم خالص مصرف می‌شود که از آن ۷۴ طاقه پارچه، برای دوخت پرده تهیه می‌شود. پرده داخلی نیز به رنگ قرمز و سبز تهیه می‌شود این پرده هر سه تا پنج سال یکبار تعویض می‌گردد. برای نخستین بار در سال ۸۱۰ق. پرده‌ای نقش‌دار بر در کعبه آویخته شد و از آن رمان تاکنون جز در فاصله سال‌های ۸۱۶ تا ۸۱۸ق. همواره پرده آویخته بر در کعبه نقش دار بوده است.<sup>۲</sup> (تصویر شماره ۱۹)

## ۱۲. مقام ابراهیم<sup>۳</sup>

«...فِيهِ آيَاتُ بَيْنَاتٍ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آهِنًا ...»

مقام ابراهیم<sup>۳</sup> که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. رنگ این

۱. نهروانی المکی، همان، ص ۶۹ - ۷۰؛ ابراهیم رفت پاشا، مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۱۸۳ و ۱۸۴.

۲. عیبدالله محمد امین کردی، مکه و مدینه، تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۱۱۲)

۳. «در آن نشانه‌های روشن از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل مکه شود در امان است...» (آل عمران، ۹۷)

سنگ میان زردی و سرخی و با ابعاد  $36 \times 28$  سانتی متر، به صورت مکعب است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، از ابن عباس نقل شده که چیزی از بهشت در زمین، جز حجر الأسود و مقام ابراهیم<sup>۷</sup> نیست و آن دو، از گوهرهای بهشت‌اند و اگر مشرکان آن دو را لمس نکرده بودند، هیچ دردمندی به آنها دست نمی‌کشید، مگر آنکه خداوند وی را شفا می‌داد.<sup>۱</sup> بعضی از مفسران در تفسیر آیه (...فِيَهِ آيَاتُ بَيِّنَاتٍ...) گفته‌اند: مقصود از نشانه‌های روشن، جای پای ابراهیم<sup>۷</sup> بر مقام است.<sup>۲</sup> در حقیقت این مقام سنگی از بهشت بوده که ایشان بر آن ایستاده و مردم را برای حج فرا می‌خواندند: «هَلْمُوا إِلَى الْحَجَّ»<sup>۳</sup> و نیز گفته‌اند: کسانی که در این روزگار عازم حج می‌شوند، ندای ابراهیم<sup>۷</sup> را در آن روز لبیک گفته‌اند. (وَأَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَاجِ يَأْتُوكَ رَجَالًا وَ عَلَى كُلِّ صَاحِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فِيْقٍ عَمِيقٍ).<sup>۴</sup>

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرمایند:

**وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلَّى...<sup>۵</sup>**

و مقام ابراهیم<sup>۷</sup> را نمازگاه قرار دهید.

تفسران با استناد به روایاتی، می‌گویند: مردم فرمان یافته‌اند که در

۱. ازرقی، همان، ص ۳۲۴؛ فاکھی، همان، ج ۱، ص ۴۴۳؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۳۸. برای اطلاع از احادیث وارد در خصوص فضیلت مقام ابراهیم، ر.ک: سائید بکلاش، فضل الحجر الأسود و مقام ابراهیم.

۲. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۶؛ فاکھی، همان، ج ۱، ص ۴۵۰ و ۴۵۱. اکنون بر قالب مسی که بر روی مقام گذاشته شده به اندازه دو جای پای انسان فرورفتگی قرار داده‌اند که به عنوان نشانه‌ای از جای پای ابراهیم<sup>۷</sup> باشد. بر اساس روایتی از امام صادق<sup>۷</sup> منظور از آیات بیانات، مقام ابراهیم<sup>۷</sup>، حجر الأسود و حجر اسماعیل<sup>۷</sup> است. (کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳).

آنچه از ظاهر قرآن مشخص است، منظور از نشانه‌های روشن، مقام ابراهیم<sup>۷</sup> است نه جای پای او در مقام؛ چرا که آغاز این آیه از بیت و کعبه سخن می‌گوید و ضمیر فیه به بیت یا مسجدالحرام برمی‌گردد، یعنی در آنجا نشانه‌های روشنی مثل مقام ابراهیم<sup>۷</sup> است.

۳. فاکھی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۰۶؛ شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۱۵۰.

۴. «و در میان مردمان آنان را به حج فراخوان تا به صورت پیاده یا سواره بر شتران لاغر از راههای دور به سوی تو آیند». (حج، ۳۷)

۵. بقره، ۱۲۵.

کنار این مقام نماز گزارند؛<sup>۱</sup> از این رو، نباید نماز طواف را جلوتر از مقام خواند.

ابراهیم<sup>۷</sup> فرمان یافت که آن سنگ را جایگاه عبادت خود قرار دهد. لذا آن را کنار باب کعبه گذاشت. پس از او، اسماعیل<sup>۷</sup> هم به جانب آن یعنی رو به روی درب کعبه عبادت می‌کرد. پیامبر<sup>۹</sup> مأمور شدند تا به سمت بیت المقدس نماز بگزارند؛ دیری نپایید که خداوند متعال آنچه را برای خود و پیامبر را برگزیده بود، قبله قرار داد. آن حضرت وقتی در مدینه نماز می‌گزاردند، روپرتوی شمال کعبه، سمت حجر اسماعیل<sup>۷</sup> قرار می‌گرفتند و چون در مکّه حضور می‌باشند روپرتوی مقام که در آن موقع به دیوار کعبه چسبیده بود می‌ایستادند.<sup>۳</sup>

از بررسی منابع تاریخی چنین برداشت می‌شود که مقام ابراهیم<sup>۷</sup> پس از آن حضرت ناکنون به جز یک مورد جا به جا نشده و آن نیز دوران خلیفه دوم بوده است که سیل عظیمی وارد مسجدالحرام شد. این سیل به نام «امّ نهشل» مشهور شد، چرا که وی در این سیل غرق گردید. در این زمان مقام ابراهیم<sup>۷</sup> از جای خود کنده و به محلات پایین کعبه برده شد. این رخداد را برای خلیفه دوم نوشته‌ند، وی دستور داد تا پایه‌ای ساخته و مقام را در آن قرار دادند و آن را در فاصله ای از کعبه نصب کنند که تا امروز همچنان در همان جا باقی است.<sup>۴</sup>

در دوران «مهدي عباسی» برای محافظت بیشتر، پایین و بخش بالای مقام را زردند و در سال ۲۰۶ هجری نیز مجدد آن را مطلاً کردند.<sup>۵</sup> بعدها مقصورة و بنایی بر فراز آن قرار دادند که البته مسیر مطوفین را تنگ می‌کرد. لذا در ۱۲۸۷هـ. ق. آن را در میان طوقي زرين قرار دادند و محفظه‌ای از جنس کربیستال بر روی آن گذاشتند. این محفظه ۱۸ سانتی‌متر (به جز پایه) ارتفاع دارد و قطر آن ۸۰ سانتی‌متر است. بر روی آن، قالب دو جای پا، به عنوان جای پای ابراهیم<sup>۷</sup> تعبیه شده است. فاصله آن تا حجرالاسود ۱۴/۵ متر، تا رکن شامي ۱۴ متر، تا شاذروان و دیوار کعبه ۱۲/۲۵ متر است. (تصاویر شماره ۲۰ و ۲۱)

۱. شیخ طوسی، *نهذیب الاحکام*، ج ۵، ص ۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری* بشرح صحيح البخاری، ج ۳، ص ۳۴۴.

۲. ازرقی، همان، ص ۳۲۵.

۳. پیشین، ص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ فاکوهی، همان، ج ۱، ص ۵۵؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳.

۴. فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۸.

### ۱۳. حِجْر اسْمَاعِيل٧

حِجْر اسْمَاعِيل٧ میان رکن شمالی و رکن غربی کعبه قرار دارد. «حِجْر» به معنای پناه و دامن است و از این رو به اسْمَاعِيل٧ منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه بر افراسته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و کنار این دیوار می‌نشست و یا این که کنار آن سایه‌بافی برای خود ساخت و در آن پناه گرفت؛ هنگامی که مادر اسْمَاعِيل٧ درگذشت، او را در همان مکان دفن کرد.<sup>۱</sup> قریش در بازسازی کعبه، به خاطر نداشتن مال حلال به اندازه لازم در بازسازی کامل، بخشی از طول کعبه کاستند؛ یعنی حدود سه متر و نیم.<sup>۲</sup> طول حِجْر ۶/۸۰ متر است. عبداللہ بن زییر، هنگام تجدید بنای کعبه، حِجْر را حفر کرد و در آن سنگی به رنگ سبز یافت؛ از قریش در این باره پرسید، عبداللہ بن صفوان گفت: گور اسْمَاعِيل٧ است. بنابراین ابن زییر آن را به حال خود رها کرد.<sup>۳</sup> او در این حفریات پایه‌های کعبه در زمان ابراهیم<sup>۷</sup> را کشف کرد و آن را بر همان اساس بازسازی کرد. بنابراین، حِجْر اسْمَاعِيل٧ کنونی، در دوران وی داخل بیت شد که بعد از کشته شدن وی، حاجاج خانه را تخریب و دیوار سمت حجر را به اندازه زمان قریش عقب برد و حجر را از کعبه ببرون گذاشت.

پیامبر<sup>۹</sup> به عایشه فرمودند: هرگاه خواستی درکعبه نمار بگزاری، در حجر نمازگزار که بخشی از کعبه است، لیکن قوم تو آنگاه که کعبه را می‌ساختند، از طول آن کاستند و آن را ببرون کعبه قرار دادند.<sup>۴</sup> براساس این واقعه تاریخی و نیز روایات عایشه، اهل سنت معتقدند که تمام یا بخشی از حجر اسْمَاعِيل٧ جزو بیت است؛<sup>۵</sup> اما براساس نظر مشهور شیعه، هیچ قسمتی از حجر اسْمَاعِيل٧ جزو کعبه نیست. از امام صادق<sup>۷</sup> نقل شده است که حتی به اندازه سر ناخ از حجر جزو کعبه نیست و اسْمَاعِيل٧ مادرش را در آنجا دفن کرد و اطراف آن را دیوار کشید.<sup>۶</sup> پس از چندی او خود از دنیا رفت و در آنجا به خاک سپرده شد و

۱. حرّ عَامِلِي، همان، ج ۹، ص ۴۳۱.

۲. ارزقی، همان، ص ۳۲۰.

۳. ارزقی، همان.

۴. مسلم، صحيح، ج ۲، ص ۱۴۵.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۴۳.

۶. حرّ عَامِلِي، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹، محمدحسن صاحب جواهر، جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۲۹۳.

سپس دخترانش و پس از چندی تعدادی از انبیای الهی در آنجابه خاک سپرده شدند.<sup>۱</sup> بر این اساس اینجا که یک قبرستان بوده براساس نظر فقهای شیعه قطعاً جزو کعبه نبوده است چون نمی‌توان کسی را داخل کعبه دفن کرد<sup>۲</sup> در هر حال چه حجر حزو کعبه باشد و چه نباشد طواف در آن براساس نظر فقهای اهل سنت و شیعه جائز نیست.

حیر که اکنون با نیم دایره‌ای کوتاه محصور شده، دارای دیواری به ارتفاع ۱/۲۲ و عرض ۱/۵۶ متر با دو ورودی شرقی و غربی است. طول آن از دیوار کعبه (زیر ناو丹 طلا) تا دیوار حیر، حدود ۶/۸۰ متر و عرض آن میان دو در شرقی و غربی ۸/۷۷ متر است. از این مقدار سه متر آن، که از دیوار کعبه آغاز می‌شود، در طول، جزو کعبه و بنای اصلی است. در دوره منصور عباسی (۱۴۰ق). زمین آن برای نخستین بار با سنگ مرمر پوشیده شد و در دوره‌های بعد نیز همواره سنگ‌های حیر را تعویض و ترمیم می‌کرده‌اند و اکنون نیز با سنگ مرمر سفید مفروش است.

#### ۱۴. چاه زمزم، تاریخچه و فضیلت آن

هنگامی که ابراهیم<sup>۷</sup>، هاجر و تنها فرزندش اسماعیل را به وادی خشک و سوزان مکه آورد، همراه مادر اسماعیل مشک آبی بود و هیچ‌گونه زاد و توشه‌ای غیر از آن نداشت. حضرت ابراهیم آن دو را کنار درختچه‌ای نشاند و سپس از مکه خارج شد و آنان را به خدا سپرد (ربنا اینی أَسْكَنْتُ مِنْ ذَرِّيْتِي بِوَادِ عَبْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحْرَمِ).<sup>۳</sup> پس از اندک زمانی آب همراه هاجر تمام و شیرش نیز خشک شد. هاجر در پی آب، فاصله میان کوه صفا و مروه را دوان دوان، هفت بار پیمود. جبرئیل<sup>۷</sup> بر زمین کوبید و به قدرت الهی آب از همان جا به روی زمین فوران زد. مادر اسماعیل<sup>۷</sup> با مشاهده آن آب روان گفت: «زمزم»؛ یعنی بایست. خود نیز مقداری خاک و شن اطراف آن ریخت تا مبادا پیش از آن که آب را در مشک بربزد، به زمین فرو رود. گویند اگر هاجر چنین نمی‌کرد، شاید زمزم رود روانی می‌شد. او مشک را پر کرد و به فرزندش نوشانید.<sup>۴</sup> خبر پیدایش آب در این منطقه سوزان و بی‌حاصل، قبایل جرهم را به آنجا

۱. کلینی، همان، ج ۳، ص ۲۱۰.

۲. حر عاملی، همان.

۳. ابراهیم، ۳۷.

۴. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۲؛ فاکھی، همان، ج ۲، ص ۶ – فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۹۷  
ابن علان الشافعی، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، ج ۴، ص ۷۱۶ و ۷۱۷.

کشانید که در کنار چاه زمزم سکونت گزیدند.

چون جُرهمیان حرمت کعبه و حرم را شکستند و به فسق و فجور پرداختند، خداوند پس از چندی آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد؛ به طوری که حتی مکان آن نیز محو شد. عمرو بن حارت مضاض جرهمی، دو مجسمه زرین آهو و شمشیرهای مرقص را، که در کعبه بود، از بیم آن که سرفت نکنند، شبانه برداشت و در محل چاه زمزم زیر خاک پنهان کرد.<sup>۱</sup>

چاه زمزم همچنان تا دوران عبدالملک بن هاشم، پدر بزرگ پیامبر<sup>۹</sup>، مخفی بود. او شبی در خواب دید که نوری از کنار کعبه به آسمان برخاست. وی به رغم سرزنش و آزار رقبا، با کمک فرزندش حارت همان نقطه را حفر کرد و بر مجسمهها و شمشیرها دست یافت و همچنان کند تا آب فوران زد.<sup>۲</sup>

هنگام ظهور اسلام، سقایت حاجیان از آب زمزم که یکی از مناصب مهم کعبه بود، در دست عباس بن عبدالملک قرار داشت. برای زمزم اسامی زیادی است؛ از جمله: برکة، سیده، نافعه، مضمونه، عونه، بُشْرِي، صافیه، بَرَّه، عَصِيمَه، سَالِمَه، مِيمُونَه، مُبَارَكَه، کافیه، عافیه، طَاهِرَه، طَعَام طُعْم، شَفَاء سُقْم و...<sup>۳</sup>

درباره اهمیت آب زمزم و فضیلت نوشیدن آن، روایات بسیاری نقل شده است. پیامبر<sup>۹</sup> فرموده‌اند: «زمزم بهترین چاه‌های دنیاست». گفته‌اند هرگز از آب چاه زمزم کاسته و خشک نخواهد بهترین خوارک<sup>۴</sup> و مایه سلامت از هر درد است. مستحب است پس از نوشیدن آن بگویی: «اللَّهُمَّ احْعُلْهُ عِلْمًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ

۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۶۱ - ۶۳؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۹.

۲. ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۱۱۰ - ۱۱۵؛ ازرقی، همان، ص ۲۳۱ - ۲۴۰؛ نهروانی المکی، الاعلام بعلام بیت الله الحرام، ص ۳۰ - ۳۷؛ محمود یاسین، رحله الحج والعمره، ص ۱۱۵.

۳. فاکیهی، همان، ج ۲؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۵۱؛ سائد بکداش، فضل ماء زمزم، ص ۶۰ به بعد.

۴. در جاهلیت به آب زمزم «الشبعه» یعنی سیر کننده نیز گفته می‌شد. (فاکیهی، همان، ج ۲، ص ۳۲) گویند ابوذر غفاری به مدت سه روز گرسنگی خود را تنها با آب زمزم برطرف می‌کرده است. (بکداش، همان ص ۶۹).

### کُلْ دَاءٌ». <sup>۱</sup>

این آب همواره نزد مردم مکه قداست و اهمیت فراوانی داشته است. آنان مردگان خود را با آب زمزم غسل می‌دادند و خود مقید به استفاده و نوشیدن از آن بوده و هستند. پیامبر<sup>۲</sup> بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند.<sup>۳</sup> آن حضرت زمزم را از چشم‌های بیشتر و از آیات خداوندی در حرم‌الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

عرض چاه ۴ متر، عمق آن ۳۰ متر و فاصله اش تا کعبه ۲۱ متر است. در ۱۵ متری این عمق دو دهانه توپل وجود دارد که یکی از سمت کعبه و دیگری از سمت اجیاد می‌آید و پایین‌تر از آن تا عمق ۱۷/۲۰ سانتی متر در داخل سنگ حفر شده است. امروزه متوسط مصرف آب زمزم به وسیله زائران بیت الله، حدود هزار متر مکعب در روز و به عبارتی حدود یک میلیون لیتر است.<sup>۵</sup> در دوران سعودی به سال ۱۳۸۸ هـ. ق. (۱۳۴۷ هـ. ش). قبه‌ای که بر فراز چاه زمزم بود، خراب و مدخلی در زیر صحن ساختند که در آنجا از آب چاه استفاده می‌کردند. در سال ۱۳۸۲ هـ. ش نیز برای استفاده بیشتر از مطاف، آن مدخل را پوشانیده و در اطراف صحن مسجد الحرام به وسیله لوله‌کشی، آب را به شیرها هدایت کرده‌اند تا زائران از آنها بنوشند. (تصاویر شماره ۲۲ و ۲۳)

### ۱۵. صفا و مروه (مسعی) و حوادث تاریخی آن

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ  
اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطْوُّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا  
فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلَيْهِمْ.<sup>۶</sup>

۱. ازرقی، همان، ص ۳۴۰ – ۳۴۴؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۳۰؛ نهروانی المکی، همان، ص ۳۴؛ فاکهی، همان، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۸.

۲. فاکهی، همان، ج ۲، ص ۵۱ – ۵۸.

۳. ر.ک: ساند بکداش، همان، ص ۵۶ – ۶۴.

۴. حامد عباس، قصه الوسیعه الکبری، ص ۱۳۸.

۵. «همانا صفا و مروه از شعائر خداست. پس کسی که حج خانه (خدا) یا عمره به جا می‌آورد مانعی نیست که بر آن دو طوف کنند و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند شکرگزار و (از افعال او) آگاه است. (بقره، ۱۵۸)

گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صفوی الله ۷ از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند که بنا به گفته خداوند: **(إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى أَدَمَ وَنُوحًا)**<sup>۱</sup> از نام «آدم المصطفی» گرفته شده است. **حوالاً** نیز برکوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛ (زن) نامیدند جبرئیل ۷ بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طوف بیت الله پرداختند.<sup>۲</sup>

هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را، که حدود ۷۶۶/۵ ذراع<sup>۳</sup> برابر با ۳۷۷/۵ متر بود،<sup>۴</sup> هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر (۵۵۰ متر) را که در دوران عثمانی با کاشی‌های سبز مشخص و امروزه با چراغ سبز روشن است، با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع فرزند خود بود، سریع‌تر پیمود و در اصطلاح «هروهه» کرد. در علت نامگذاری هروله، سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله اینکه در این مکان، شیطان بر ابراهیم ۷ ظاهر شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال، حاجیان به یاد شداید و سختی‌های هاجر، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به‌گونه‌ای گام بر می‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت درآید. گفتنی است هروله برای زنان وارد نشده است.

از امام صادق ۷ روایت شده که فلسفه سعی میان صفا و مروه، حر برای شکستن غرور و نخوت متکبران نیست. این عده، باید دوش به دوش نژادهای مختلف، اعم از سیاه و سفید، توانا و ناتوان، بینیاز و نیازمند و... تکّر و فخرفروشی را پایمال گام‌هایشان کنند.

کوه صفا، همچنین مکانی است که پیامبر<sup>۹</sup> نخستین بار، رسالت الهی خود را از فراز آن، با این عبارت اعلان کرد: **«فُوْلُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُعْلِحُوا»**، هنگامی که آیه: **(وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَفْرَيْنَ)** نازل شد و خداوند فرمود نزدیکان خود را بیم و انذار ده، پیامبر<sup>۹</sup> اقوام و نزدیکان خود را در خانه حادث بن عبدالمطلب نزدیک این کوه انذار داد.<sup>۵</sup> همچنین خانه «ارقم بن ابی ارقم»، یعنی نخستین پایگاه مخفی توحیدی در دامنه آن

۱. آل عمران، ۳۳.

۲. شیخ صدق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۲؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.

۳. ازرقی، همان، ۳۹۳.

۴. اکنون طول سعی ۳۹۴ متر است؛ زیرا بخش‌هایی از مروه و صفا تراشیده شده‌اند.

۵. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۷۲؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۷۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۱۵.

قرار داشت. در روز فتح مکه نیز بر فراز این کوه رفت و پایان کار مشرکان را اعلام کرد و مهاجران و انصار را به اتحاد و یکپارچگی و صفا و صمیمت در سایه توحید فراخواند.<sup>۱</sup> کوه صفا که سعی از آن آغاز می‌شود، در سمت جنوب شرقی کعبه قرار دارد و در فاصله ۱۳۰ متری آن واقع شده است.

کوه مروه، که در برابر رکن شامی و در ۲۰۰ متری شمال شرقی کعبه واقع است نیز همانند کوه صفا نکته‌هایی دارد؛ بر فراز همین کوه بود که خداوند به حضرت ابراهیم<sup>۲</sup> فرمان داد تا بهترین ثمره جانش؛ یعنی اسماعیل را در راه او قربانی کند. همچنین گویند هنگام فتح مکه، ۳۶ بت بر روی این دو کوه قرار داشت و بت‌های زیادی نیز در میان آن دو بود که همه را پیامبر<sup>۳</sup> شکستند. پیامبر خدا<sup>۴</sup> هنگام سعی، ابتدا مقداری از کوه صفا بالا می‌رفت و سپس به حرکتش ادامه می‌داد و در پایین دره، که آغاز محل هروله بود، راه را مقداری سریع‌تر می‌بیمود. در دوره منصور، خلیفه عباسی، برای کوه صفا پانزده پله و بر کوه مروه<sup>۵</sup> ۹ پله ساخته شد.<sup>۶</sup> بخش عمده‌ای از کوه صفا و همه کوه مروه در توسعه دوم دوران سعودی تخریب شده است.

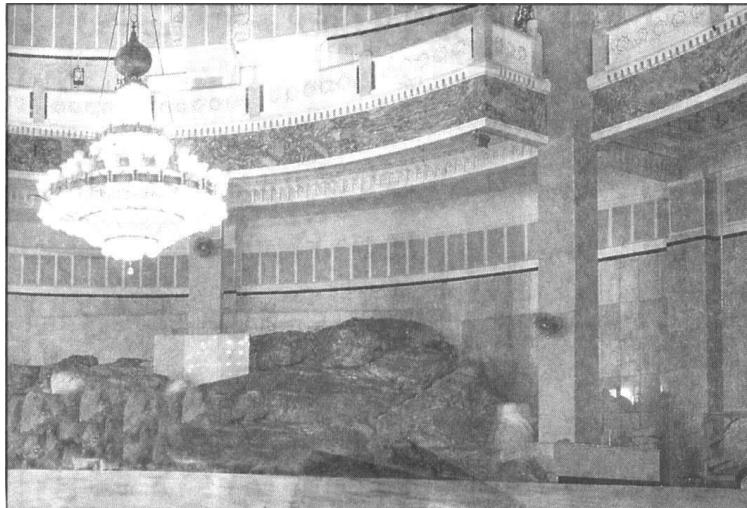
مسعی فاصله میان صفا و مروه، در توسعه دوم سعودی، در دو طبقه ساخته شد که قبل از آن بدون سقف بود. در پروژه جدید، مسعي به ۳ طبقه افزایش یافته است به اضافه پشت‌بام و یک طبقه در زیر زمین که برای حرکت و سعی افراد ناتوان و از پا افتاده احداث گردیده و آنان به وسیله نوار و نقاله‌ای با برق حرکت داده می‌شوند. طبقات افزوده شده در سال ۱۲۸۹ هـ. ش افتتاح شد. مسعي در شرق مسجدالحرام و دارای شانزده در ورودی بود که در توسعه جدید به دو درب تقلیل یافته است. معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آنها، باب بنی‌شیبه، باب علی، باب عباس و باب السلام است. طول مسعي ۳۹۴/۵ و عرض آن ۴۰ متر است. در توسعه اخیر، ضمن افزایش طبقات مسعي، به پهنا و عرض آن هم افزوده شده است؛ به گونه‌ای که حاجیان از یک مسیر، یعنی از مسیر جدید اضافه شده به سوی مروه می‌روند و از مسیر قدیم به سوی صفا بازمی‌گردند. براساس نظر فقهای شیعه تنها از طبقه همکف می‌توان سعی انجام داد. اما حاجیان اهل سنت در طبقات بالا نیز سعی

۱. البکری الشافعی المصری، الدرة المكّللة في فتح مكة المشرفة

المُبَجَّلَة، ص ۱۴۹.

۲. ازرقی، همان، ص ۳۹۴.

انجام می‌دهند. ارتفاع طبقه اول دوازده متر و طبقه دوم و سوم ۸/۵ متر است. بنابراین بخش اعظمی از کوه صفا و مروه تراشیده شد. در توسعه‌های سعودی، پشت و اطراف مسعي تا شعاع پانصد متری تخریب و فضای سطح پیرامون گسترش زیادی یافته است. در دوران‌های گذشته مسعي در وسط بازاری قرار داشت که پیرامون آن را دکان‌ها احاطه کرده بودند. اکنون مسعي به مسجدالحرام متصل شده است. در تغییراتی که مقدمات آن آغاز شده است بخش‌های بزرگی از اطراف مسعي اعم از هتل‌ها، بازارها و خانه‌ها تخریب شده و دامنه آن تخریب‌ها تا بعد از بازار جودریه و یا ابوسفیان امتداد یافته است. **(تصویر شماره ۲۴)**



### ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن

بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا<sup>۹۱</sup>، مسجدالحرام نخستین مسجد بر روی زمین است.<sup>۱</sup> فضیلت یک رکعت نماز در آن، برابر با یکصد هزار رکعت در دیگر مساجد جز مسجدالنبی<sup>۹۲</sup> است: «...وَصَلَّةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَّةٍ فِي غَيْرِهِ». <sup>۲</sup> و یا به روایتی: «الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ مِائَةَ أَلْفِ صَلَّةٍ فِي مَاسِوَاه». <sup>۳</sup>

بسیاری از محدثان، مسجدالحرام را بر دیگر اماکن و بقاع، جز مکان دفن پیامبر<sup>۹۴</sup>، که به اجماع، بهترین مکانهای است، برتری داده‌اند و در مورد فضائل و ویژگی‌های آن سخن‌ها گفته‌اند.<sup>۴</sup>

مسجدالحرام در گذشته، به کعبه و مطاف پیرامون آن اطلاق می‌شد، لیکن به مرور بر وسعت آن افزوده شد.

طبق روایتی از امام صادق<sup>۷</sup>، ابراهیم و اسماعیل<sup>۸</sup>، حد مسجدالحرام را تا میان صفا و مروه قرار داده بودند.<sup>۹</sup>

در دوران جاهلی، یعنی تا قبل از سلطه «قصی بن کلاب»، حد چهارم رسول اللہ<sup>۹۵</sup>، مردم در پیرامون کعبه، خانه و عمارتی نداشتند و بیشتر قبایل، برای احترام و بزرگداشت کعبه، از سکونت و ساختن خانه در کنار آن پرهیز می‌کردند و بیشتر در دره‌های مکه سکونت می‌گزیدند. با تسلط قصی بر مکه، وی از مردم خواست تا پیرامون کعبه ساکن شوند و خانه‌هایی بنا کنند تا به امنیت بهتری دست یابند. وی نخستین خانه را در سمت شمالی کعبه به نام «دار الندوه» که مجلسی مشورتی بود ساخت. بدین‌گونه، قریش پیرامون کعبه خانه‌هایی ساختند و درهایی به سوی کعبه گشودند و مقداری از اطراف کعبه را برای طواف زائران باز گذاشتند. آنان برای احترام به کعبه، خانه‌ها را کوتاهتر از آن، به شکل دایره، و نه مربع، ساختند.<sup>۱۰</sup> مسلمانانی که از مدینه و سایر سرزمین‌ها برای حج می‌آمدند، راهی جز داخل شدن در

۱. مسلم، صحيح، باب المساجد، حدیث ۱۱۶۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲.

۳. ابن ماجه، السنن، ص ۱۴۰۶.

۴. ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن حزم اندلسی، المحلی بالاتار، ج ۵، ص ۳۳۵.

۵. کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۰.

۶. نهروانی المکی، همان ص ۱۳۳؛ حسین بن عبدالله باسلامه، تاریخ عمارة المسجد الحرام، ص ۶ و ۷.

این خانه‌ها و ورود به مسجدالحرام نداشتند.<sup>۱</sup>

در آن دوران، تنها محدوده طواف مطرح بود و اعراب چیزی به نام مسجدالحرام نمی‌شناختند تا اینکه خداوند آیات سوره إسرا را نازل و در آن از مسجدالحرام یاد کرد.<sup>۲</sup>

مسجدالحرام در دوره‌های متعدد از زمان خلیفه دوم (۱۷ هجری) تا عصر حاضر<sup>۳</sup> مرتبه توسعه یافته است که بر اساس جدول پیوستی میزان آن توسعه‌ها که با تخریب اماکن و خانه‌های اطراف صورت پذیرفته روشن است. بیشترین توسعه در دو مرحله توسط آل سعود انجام پذیرفته است که مجموع مساحت مسجدالحرام را به ۳۶۶ هزار متر مربع رسانیده است. اکنون هم‌زمان بیش از یک میلیون نفر می‌توانند در آن اقامه نماز کنند.

در پروژه عظیمی که مرحله اولیه آن در حال اجراست، قرار است تا شعاع ۱۵۰ متری اطراف مسجد از دو جهت (شمال و غرب مسجدالحرام) توسعه یابد. از این رو بسیاری از هتل‌ها و ساختمان‌های اطراف تخریب شده و قرار است گنجایش حجم نمازگزاران در مسجدالحرام به ۱/۵ میلیون نفر افزایش یابد. (نصاویر شماره ۲۵ – (۳۱)

#### و) درهای مسجدالحرام از ابتدا تا کنون

مسجدالحرام در عصر خلیفه، مهدی عباسی (۱۶۰ هجری) دارای ۱۹ در بود که از معروف‌ترین آنها می‌توان به «باب بنی‌شیبه» اشاره کرد. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی (۱۳۴۴ ق.)، این تعداد به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبد العزیز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آنها وجود دارد و به همراه راه پله‌های ورودی به ۹۲ در می‌رسد. در میان آنها چهار باب اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت قرار یافته و بر فراز هریک دو مأذنه، به ارتفاع ۸۹/۷۷ متر ساخته شده است.<sup>۴</sup>

۱. فاکنه، همان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ نهروانی المکی، همان، ص ۷۴.

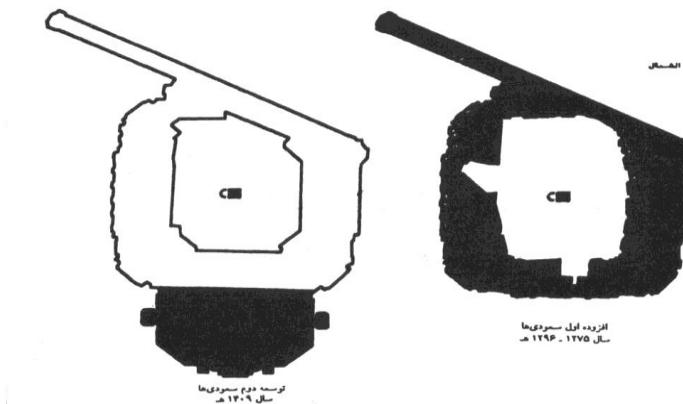
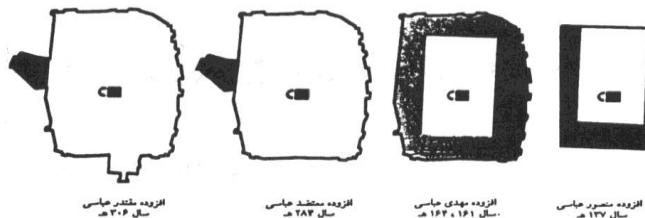
۲. (بُيَّخَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَنْيَهِ أَيْلَالًا مِنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى... ) (اسراء، ۱).

۳. عیبدالله محمد امین کردی، مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۲۰۸ لازم به ذکر است این مأذنه‌ها به گونه‌ای قرار گرفته‌اند که هر دو مناره یک جهت، دقیقاً با دو رکن کعبه مقارن است به جز مأذنه صفا که یک مناره تک است و بر فراز صفا قرار دارد. بنابراین مجموع مأذنه‌ها در حال حاضر ۹ مأذنه است.

این درها عبارتند از:

١. باب ملک عبدالعزیز؛ ٢. باب فهد بن عبدالعزیز؛ ٣. باب العمره؛ ٤.  
باب فتح.

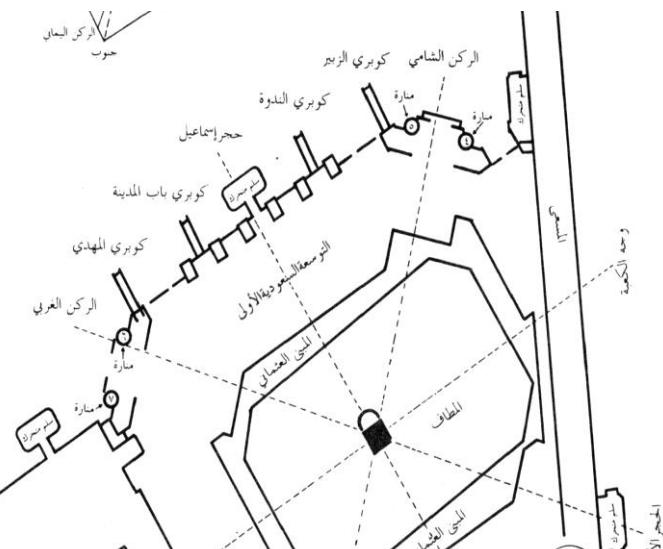
### توسعة مسجد الحرام از آغاز تا توسعه دوم سعودی (١٤١٤)



## مجموعہ سماحت محمد الحرام دہلی و عذر انور نوئے سعیدی

شروع توسعه	مساحت افزوده	جمع کل	گنجایش نمازگزار	جمع کل گنجایش نمازگزار
از ابتدای پایان عصر عثمانی	۲۹۰۰ متر مربع	۲۹۰۰۰ نفر	گنجایش نمازگزار	۷۷۰۰ نفر
توسعه اول سعود (۱۳۶۸ و ۱۳۴۴ق)	=۱۳۱۰۰	=۱۶۰۰۰ نفر	بعد از تخریب خانه های موجود ملکی	۹۹۰۰ نفر
تمام طبقه اول و دوم	=۴۲۰۰۰	=۲۰۲۰۰۰ نفر	قبل از تخریب	۵۰۵۰ نفر
تمام طبقه اول و دوم (۱۴۰۶)	=۷۶۰۰۰	=۲۷۸۰۰۰ نفر	بعد از تخریب خانه های	۹۹۶۰ نفر
توسعه دوم سعودی (۱۴۰۹)	=۳۶۶۰۰	=۲۲۰۰۰۰ نفر	گنجایش نمازگزار	۱۰۰۰۰ نفر
تمام طبقه اول و دوم	=۴۲۰۰۰	=۲۰۲۰۰۰ نفر	گنجایش نمازگزار	۴۰۵۰ نفر
توسعه دوم در میدان های اطراف	=۸۸۰۰۰	=۲۲۰۰۰۰ نفر	گنجایش نمازگزار	۰ نفر

نقل واقتباس از قصبة التوسيعة الكبير وتأريخ المكة المكرمة قديماً وحديثاً



### خلاصه درس

بر اساس برخی روایات، حضرت آدم<sup>۷</sup> کعبه را بنا کرد. هنگام طوفان نوح<sup>۷</sup> کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> پنهان بود تا آنکه خداوند مکان آن را به ابراهیم<sup>۷</sup> نشان داد.

کعبه در دوران حضرت ابراهیم سقف نداشت. قریش در دوره جاهلیت آن را مسقف کردند. کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم<sup>۷</sup>، ۸ مرتبه به طور کامل یا بخشی از آن توسط قبایل و افراد بازسازی شده است.

آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام عبارتند از حجرالاسود یا سنگ سیاهی که در رکن «اسود» یا «شرقی» نصب شده است. و نیز «ارکان کعبه» که چهارگوشه بیت الله و هر یک به نام خاصی مشهور است. از جمله رکن شرقی (اسود)، رکن شمالی (عراقی)، رکن غربی (شامي)، رکن جنوبی (یمانی). در دوران این زیبر برای محکم ساختن پایه‌های کعبه، برآمدگی کوچکی دیوار کعبه را احاطه کرد که جزو کعبه بود و آن را شاذروان گویند.

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، در شمال بام، ناودانی نصب شد که آب را به داخل حجر اسماعیل<sup>۷</sup> هدایت کند.  
کعبه در زمان ابن زبیر دارای دو باب بود که یکی از آنها را حجاج بست. ابن زبیر دری چوبین بر روی آن قرار داده بود که در طول تاریخ با درهای جدیدتر تعویض شده و هم اکنون از طلای خالص است.  
باب الکعبه به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد.

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم<sup>۷</sup>، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. امروزه بخشی از دیوارهای داخلی کعبه با حیر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آنها اسمایی پروردگار و عباراتی چون: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ» نوشته شده است.  
به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی «مستجار» گفته می‌شود.

بر اساس نظر شیعه ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است.  
در دوران جاهلیت، بین حجرالاسود، باب کعبه و مقام و حجر اسماعیل، نفرین مظلومان در حق ظالمان مستجاب می‌شده و ظالمان به هلاکت می‌رسیدند آنجا را «خطیم» گویند.  
به روایتی دیگر خطیم سمت حجر اسماعیل است که جزو کعبه بوده و قریش آن را از طول کعبه کاسته‌اند.

یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است که هر سال با پرده‌های جدید بر کعبه پوشانیده می‌شود.  
مقام ابراهیم<sup>۷</sup> که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است.  
حجر اسماعیل<sup>۷</sup> را از این رو به اسماعیل<sup>۷</sup> منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه بر افزایش شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و پناه (حجر) این دیوار می‌نشست.

چاه زمزم، همواره نزد مردم مکه فداست و اهمیت فراوانی داشته است. پیامبر<sup>۹</sup> بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. آن حضرت زمزم را از چشم‌های بیهشت و از آیات خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند.  
گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صفوی الله<sup>۷</sup> از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا»

نامیدند. حواله نیز بر کوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه» (زن) نامیدند. جبرئیل<sup>۷</sup> بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت الله پرداختند. حاجیان فاصله این دو کوه را که نزدیک ۳۷۵ متر است باید هفت مرتبه طی کنند که به محل آن مسعي گفته می‌شود.<sup>۱</sup> مسجد الحرام بر اساس روایت ابوذر از بیامبر خدا<sup>۹</sup>، نخستین مسجد بر روی زمین است. بر اساس روایات ثواب یک رکعت نماز در مسجد الحرام، به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است.

مسجد الحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی دارای ۱۹ در بود. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی به ۳۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبد العزیز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آنها وجود دارد. در میان آنها چهار در اصلی و بزرگ در چهار جهت قرار دارد که این درها عبارتند از:

۱. باب ملک عبدالعزیز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزیز؛ ۳. باب عمره. ۴. باب الصفا.

### خودآزمایی

۱. سیر تاریخی احداث کعبه را شرح دهید.
۲. سیر بازسازی کعبه را بیان کنید.
۳. مناصب کعبه را نام برد و توضیح دهید.
۴. بخش‌های مختلف کعبه و مسجد الحرام را نام برد و شرح دهید.
۵. روایاتی را که در مورد حجر الاسود وجود دارد بیان کنید.
۶. ارکان مختلف کعبه را نام برد و شرح دهید.
۷. مستجار چیست و چه حادثه‌ای در آن رخ داده است؟
۸. کوه صفا و مروه شاهد چه حوادثی بوده است؟
۹. سیر تاریخی مسجد الحرام را شرح دهید.
۱۰. درهای اصلی مسجد الحرام را نام ببرید.

۱. عیبدالله امین کردی، همان، ص ۱۷۵.



درس سوم:

### میقات‌های حج و حدود حرم و مشاعر مقدسه (عرفات، مشعرالحرام و منی)

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با میقات‌های حج آشنا شویم.
- محدوده حرم را با توجه به جهات مختلف آن بشناسیم.
- علت تحریم در محدوده حرم را بدانیم.
- با اقوالی که در نامگذاری سرزمین عرفات بیان شده آشنا شویم.
- مکان‌هایی که حاجیان بعد از محروم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند را بشناسیم.
- از تاریخچه وادی محسر مطلع گردیم.
- وقایع سرزمین منی را بدانیم.
- با فلسفه پیدایش جمرات سه‌گانه آشنا شویم.
- مساجد موجود در منی را بشناسیم.

#### مدخل

حاجیان برای ورود به سرزمین حرم باید در نقاطی مُحرم شوند تا بتوانند وارد حرم گردند. شناخت این مکان‌ها که به میقات معروف هستند به زائران کمک خواهد کرد تا در آن نقاط احرام بینند و وارد حرم امن الهی شوند. زائران به هنگام انجام حج باید سه روز پی در پی در اماکن و مشاعر متبرکه عرفات، منی و مشعر وقوف و حضور یابند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند تا حج خود را به پایان رسانند. بنابراین در این درس، به توضیح و تشریح میقات‌های حج، حدود حرم و علت تحریم آن، مساجد منطقه آغازین حرم و مناطق عرفات، مشعر و منی و ویژگی‌های هریک پرداخته می‌شود.

#### الف) میقات‌های حج

برای ورود حاجیان مکان‌هایی وجود دارد که در آنها برای انجام عمره یا

حج مُحرم می‌شوند، به آنها «میقات» گویند. مردم برای انجام حج و عمره به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اهل حرم، که در مکه و داخل حدود حرم ساکن هستند و باید برای حج در مکان خود و برای عمره در یکی از مکان‌های حد حرم محرم شوند؛ ۲. اهل حل، به کسانی گفته می‌شود که محل سکونتشان در داخل محدوده میقات‌ها یا بین میقات‌ها و حد حرم است که باید برای حج و عمره از سکونتگاه‌های خود محرم شوند؛ ۳. آفاقیون، به کسانی گفته می‌شود که خارج میقات‌ها زندگی می‌کنند که باید برای حج و عمره بر حسب مسیر خود در یکی از میقات‌ها محرم شوند. میقات‌ها به تناسب مسیر ورود حجاج متفاوتند. پیامبر<sup>۹</sup> برای مردم و ساکنان شهر مدینه، ذوالحیفه (مسجد شجره)، برای مردم شام، حجه، برای اهل نجد، قرن‌المنازل و برای اهل یمن، یلملم و برای ساکنان عراق ذات عرق، یا وادی عقیق را میقات قرار دادند،<sup>۱</sup> که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند:

#### ۱. ذوالحیفه (مسجد شجره = آبار علی)<sup>۷</sup>

این مسجد که در بخش مدینه از آن سخن خواهیم گفت، در هشت کیلومتری جنوب غربی شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکه می‌روند. پیامبر<sup>۹</sup> در دو سفر عمره در این میقات محرم شدند.

#### ۲. حُجَّة

«حُجَّة» در ۱۸۹ کیلومتری شمال غربی مکه و ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرک رایغ واقع است و میقات اهل شام، مصر و سرزمین‌های دیگری است که از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که ابتدا از جده به مکه می‌آیند، در مسجد جدید‌الاحداشی که به حُجَّة معروف است، محرم می‌شوند. این مسجد ۹۰۰ متر مساحت دارد. منطقه «غدیر خم» در نزدیکی حُجَّة (حدود چهار کیلومتری آن) قرار دارد. چون این منطقه به وسیله سیل تخریب شد، آن را حُجَّة نامیده‌اند.<sup>۲</sup> امروزه از مسجد غدیر خم اثری باقی نمانده است.

۱. صدوق، سلسله بنایع الفقهیه، کتاب الحج، ج ۷، ص ۲۰؛ شیخ طوسی، النهایه، ص ۱۷۴؛

بخاری، صحيح، [الحج]، حدیث ۱۵۲۴.

۲. ر.ک: زیدی، تاج العروس، ماده حُجَّة.

٣. وادي<sup>١</sup> عقيق

این وادی که به ذات عرق هم معروف است در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه بوده و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

٤. قُرْنُ الْمَنَازِل

در ۷۵ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از نجد و طائف، از جاده ریاض - طائف به حرم وارد می‌شوند. «قرن» به کوه کوچکی گفته می‌شود که از کوهی بزرگ جدا افتاده باشد. در این منطقه در سال ۱۴۰۲ ق. مسجدی با نام «السیل الكبير» ساخته شده است.

٥. يَلْمَمْ

کوهی است از کوههای «تهرمه» که در ۱۲۶ کیلومتری جنوب غربی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از یمن (جنوب شبه جزیره) وارد آین شهر می‌شوند.<sup>۳</sup>

امروزه این مکان به سعدیه معروف است. مسجد یململ با مساحت ۶۳۵ متر مربع، محل محرم شدن حاجیان یمنی است.<sup>۳</sup>



### ب) حدود حرم و علت تحریم

پیامبر گرامی اسلام<sup>۹</sup> فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ حَرَمَ مَكَةَ وَ لَمْ يُحَرِّمْهَا النَّاسُ وَ لَا يَحِلُّ  
لِمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَسْفِكَ بِهَا دَمًا وَ لَا  
يُعْصِدُ بِهَا شَجَرًا.<sup>۱</sup>

خداؤند سبحان، مکه را حرم قرار داد و مردم آن را حرم قرار ندادند. برای کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، حلال و روا نیست که خونی در آن سرزمین بریزد و یا درختی را در آن قطع کند.

در قرآن کریم آمده است: «... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...»<sup>۲</sup>; هر کس در آن داخل شود، ایمن گردد.«

۱. مسلم، صحیح، بشرح النووي، ج<sup>۹</sup>، ص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ احمد بن حنبل، المسنن، ج<sup>۱</sup>، ص ۲۵۹؛  
بخاری، صحیح، ج<sup>۲</sup>، ص ۲۱۳.  
۲. آل عمران، ۹۰.

این به دعای حضرت ابراهیم بود که از خداوند خواست (ربِ اَحْعَلْ هذَا بَلَدًا آمِنًا) و حضرت حق به وسیله جبرئیل محدوده حرم را به ابراهیم<sup>۷</sup> نشان داد. او نیز علامی را در حد و مرز حرم نصب کرد. در دوران پس از پیامبر<sup>۹</sup> و خلفاً، این علامت‌ها به ۹۴۳ عدد رسید که بر فراز تپه‌ها و ارتفاعات و سطوح قرار داشت. امروزه جز اندکی از آنها باقی نیست. این محدوده، ذوزنقه‌ای شکل است که مساحتی حدود ۵۰ کیلومتر مربع را در بر می‌گیرد. (**تصویر شماره ۳۲**) محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرده‌اند:

### ۱. وادی عُرَنَة (عرفات)

از راه عرفات و در میان «نَمِرَة» در عرفات است که آن را از ۲۲ تا ۳۲ کیلومتر گفته‌اند.<sup>۱</sup> بنابراین، چون حد حرم وادی عرفه است، لذا سرزمین عرفات از حد حرم خارج است که با علامی مشخص شده است.

### ۲. وادی نخله

مکانی است میان مکه و طائف در سمت شرق مکه<sup>۳</sup> و در ۱۳ کیلومتری آن سریه معروف نخله توسط عبداللہ بن حجش صورت گرفته است.

### ۳. سمت جِعْرانَه

جعرانه در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مسجدالحرام است. در این مکان مسجدی به نام جعرانه وجود دارد. رسول الله<sup>۹</sup> هنگام برگشت از غزوه حُنَيْن، در این مکان غنایم را تقسیم و نیز در آنجا مُحْرَم شدند. غزوه حُنَيْن در چند کیلومتری این مسجد انجام شده است: مرزهای حد حرم در این سمت به صورت سنگچین در دامنه و فراز کوه‌ها علامتگذاری شده است. پس از جعرانه در مسیر مکه سکونتگاه طایفه بنی‌سعد بن بکر بوده که حلیمه سعدیه مادر رضاعی رسول خدا<sup>۹</sup> از آن طایفه بوده است. در همین مسیر و قبیل از تنعیم منطقه سرف قرار دارد که اردوگاهی در صدر اسلام بوده و قبر میمونه همسر رسول خدا<sup>۹</sup> نیز در آنجا قرار دارد.

۱. فاسی المکّی، همان، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن خردابه، المسالک والممالک، ص ۱۱۶.

۲. محمد الیاس عبدالغنى، تاریخ مکه المکرم قدیماً و حديثاً، ص ۱۷.

#### ۴. تنعیم

تنعیم در شمال مکه و در ۷/۵ کیلومتری مسجدالحرام است. این مکان، میان دو کوه «ناعم و منعم» و در راه مدینه به مکه واقع است و نام این منطقه نیز نعمان یا تنعیم است.<sup>۱</sup>

به دستور پیامبر<sup>۹</sup> عایشه برای انجام عمره مفرده در حجه الوداع سال نهم در این مکان مُحرم شد.<sup>۲</sup> گفتنی است دو علامت، در دو طرف جاده اصلی، مرز حرم را نشان می‌دهند.

کسانی که از مکه می‌خواهند برای عمره محرم شوند چه ساکن باشند یا مسافر، می‌توانند در اینجا که نزدیک‌ترین محدوده حرم است مُحرم شوند.

#### ۵. حَذَبَّیه

منطقه حَذَبَّیه مکانی است خارج از حد حرم در سمت جاده قدیم مکه به جده که در ۲۴ کیلومتری مسجدالحرام و ۲ کیلومتری حد حرم قرار دارد. در سال ششم هجری، پیمان صلح معروف حَذَبَّیه و بیعت رضوان در این مکان بسته شد؛ به همین مناسبت بعدها در آنجا مسجدی به نام «رضوان» ساختند. امروزه این مکان به نام جاهی که به شمیس معروف بوده است به شُمیسی اشتهر دارد.<sup>۳</sup>

#### ۶. آضاءَةُ لَبَن

«آضاءَةُ لَبَن» محدوده حرم در سمت یمن (جنوب شبه جزیره) است، که در ۱۶ کیلومتری مسجدالحرام قرار دارد.<sup>۴</sup> آضاءَة به معنای «مسیل» یا دره و «لَبَن» نیز به سبب رنگ مایل به سفیدی کوه مجاور آن است. امروزه به عقیشیه منسوب به ابن عقیش است که او در قرن نهم مالک این منطقه بوده است.<sup>۵</sup>

۱. فاکھی، همان، ج ۵، ص ۵۹ و ۶۰.

۲. بخاری، همان، حدیث ۱۷۸۵.

۳. الیاس عبدالغنى، همان، ص ۲۰.

۴. یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ابن خرداد به، المسالک والممالک، ص ۱۱۶.

۵. همان، ص ۲۴.

### ج) مساجد منطقه آغازین حرم

#### ۱. مسجد تَنْعِيم

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، تَنْعِيم یکی از نقاط آغازین حرم و در ۷/۵ کیلومتری شمال مسجدالحرام است. در مکان احرام پیامبر<sup>ؐ</sup> در حجّة الوداع، مسجدی ساختند که نام آن را «تَنْعِيم» گذاشتند. نام دیگر آن عایشه است؛ زیرا وی همراه برادرش، عبدالرحمن بن ابوبکر در این مکان برای انجام عمره مفرده محروم شد. امروزه این مسجد بیشتر به «العمره» مشهور است.

والی مکه در سال ۲۴۰ ق. مسجد تَنْعِيم را ترمیم و برقاهی که داخل آن بود گنبدی بنا کرد. پس از آن نیز بارها مسجد بازسازی شد.<sup>۱</sup> در دوران فهد بن عبدالعزیز این مسجد را از نو ساختند و مساحت آن را به ۶ هزار مترمربع رسانیدند که پانزده هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد.<sup>۲</sup> در پانصد متری این مسجد، یعنی در شارع شهدا، قبرستان شهادی فخ قرار دارد. (تصویرشماره ۳۳)

#### ۲. مسجد حُدَيْيِه = شُمَيْسِي

پیامبر خدا<sup>ؐ</sup> در ذی قعده سال ششم هجرت، همراه گروهی از مسلمانان، برای انجام عمره از مدینه خارج و راهی مکه شدند. در ۲۰ کیلومتری مکه، سپاهیان مسلح قربیش راه را بر آن حضرت بستند. با اینکه پیامبر<sup>ؐ</sup> به نمایندگان مشرکان اطمینان دادند که قصد جنگ ندارند و تنها برای انجام عمره آمده‌اند، لیکن آنان نیزیرفتند و مانع ورود مسلمانان به مکه شدند. پیامبر<sup>ؐ</sup> عثمان بن عفان را به عنوان نماینده خود برای گفتگو با سران مکه فرستاد، اما تا سه روز از وی خبری نشد و مسلمانان گمان کردند که کفار قربیش او را کشته‌اند. چون صحابه به نیات مشرکان واقف نبودند، در کنار درختی با پیامبر<sup>ؐ</sup> پیمان بستند که تا پای جان ایستادگی کنند. پیامبر<sup>ؐ</sup> فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار هنگام خداوند نیز با نزول آیاتی بر پیمان مسلمانان صحّه گذاشت و از کسانی که در آن حضور داشتند، اظهار رضایت کرد: (لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ

۱. رفعت پاشا، مرآۃ الحرمین، ج ۱، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.

۲. حامد عباس، قصہ التوسيعۃ الکبری ص ۵۶.

### عَنْ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ...<sup>۱</sup>

بدین سبب بود که این پیمان «بیعت رضوان» نام گرفت. سرانجام قریش با آن حضرت پیمان صلحی بستند؛ بدان شرط که امسال بازگردد و در سال دیگر برای انجام عمره به مکه بیایند؛ لذا پیامبر<sup>۹</sup> و همراهان ایشان نیز، به مدینه بازگشتند.<sup>۲</sup>

از آنجا که این صلح در منطقه حدیبیه به وقوع پیوست، به همان نام مشهور شد. یکی از نتایج پرثمر آن، فتح مکه بود که خداوند آن را وعده داد. بعدها در مکان درخت مذکور مسجدی ساختند که به نام رضوان معروف شد و هم اکنون بقایای دیوارهای آن باقی است. در دوره سعودی، مسجد دیگری کنار آن ساختند که حدود ۲۰۰ متر مریع مساحت دارد و دارای دیوارهای سفید و یک مناره است. امروزه تابلویی بر بالای آن، با عنوان مسجد شمیسی دیده می‌شود که نام چاهی در منطقه است. کمی پایین‌تر از حدیبیه، در سیزده کیلومتری آن و انتهای شهر مکه در جاده ام الدود، موزه حرم مطهر و نیز کارگاه‌های بافت پرده کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۳۴)

### ۳. مسجد جعرانه

یکی دیگر از مساجدی است که در جعرانه، در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مسجدالحرام واقع شده است.<sup>۳</sup> کسانی که می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، از اینجا نیز می‌توانند حرم شوند و به این فضیلت نایل آیند.

در جعرانه آیه (وَاتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...)<sup>۴</sup> نازل شده است. روایات زیادی در فضیلت این مکان نقل شده است. گویند سی پیامبر از حمله رسول خدا<sup>۹</sup> در این مکان مُحرم شده‌اند. رسول خدا<sup>۹</sup> پس از غزوه حُنین در اینجا غنیمت‌های جنگ را تقسیم کردند. در هر حال، مسجدی که در مکان احرام پیامبر<sup>۹</sup> ساختند، بسیار ساده بود و ابن‌زبیر در تکمیل بنای آن کوشید.<sup>۵</sup> در دوران بعد نیز ترمیم و

۱. فتح، ۱۸.

۲. فاکھی، همان، ج، ۴، ص ۷۴ و ۷۵.

۳. این نام را جعرانه نیز خوانده‌اند که نام زنی ساکن در این مکان بوده است.

۴. بقره، ۱۱۶.

۵. فاکھی، ج، ۵، ص ۶۶.

توسueh يافت. اكنون مساحت مسجد به ۴۳۰ متر مربع رسيده که گنجایش هزار نمازگزار را دارد.<sup>۱</sup> در پشت مسجد، هنوز آثار چاهي از عصر رسول خدا<sup>۲</sup> (در داخل حصاري) وجود دارد که البته دهانه آن را بسته‌اند. آن حضرت پس از غزوه حنين اين چاه خشکide را با دعای خوش پر آب کرد و لشکريان از آن سيراب شدند.

#### (د) سرزمين عرفات

**...فَإِذَا أَفْضَلْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ  
الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَأْكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنْ  
الصَّالِّينَ.<sup>۳</sup>**

عرفات، نام صحرایي است وسیع و هموار، که در ۲۱ کيلومتری جنوب شرقی مسجدالحرام قرار دارد.<sup>۴</sup> طول تقریبی اين صhra، ۱۲ و عرض آن ۶/۵ کيلومتر است. گفتني است که عرفات از حرم خارج است. در نامگذاري آن پ «عرفات» اقوال مختلفي وجود دارد. بعضی آن را جمع عَرَفَه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نيز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند و برای چنین نامگذاري نيز ريشه‌های تاریخي قائل شده‌اند؛ از جمله آنکه حضرت آدم و حوا<sup>۵</sup> پس از هبوط به زمین و بعد از جدایي طولاني، در اين صhra به يكديگر رسيده و با هم آشنا شده‌اند.

گروهي نيز گفته‌اند عرفات (به معنای آشنايي) به آن علت است که حضرت ابراهيم<sup>۶</sup> در اينجا برای قرباني کردن اسماعيل<sup>۷</sup> خواب ديد ولذا نسبت به وظيفه خود آشنا شد. يا اينکه جبرائيل<sup>۸</sup> در روز عرفه برابراheim<sup>۹</sup> وارد شد و مناسك حج را به او آموخت و با اعمال اين روز آشنا کرد.<sup>۱۰</sup>

چنان‌که از روایات بر می‌آيد، وقوف در عرفات نه تنها از اركان اصلی حج است و حج بدون عرفه حج نیست، بلکه اين وقوف داراي فضایل

۱. حامد عباس، همان، ۵۶

۲. بقره، ۱۹۸

۳. شيخ طوسى، تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ابن ابي شيبة، المصنف فى الأحاديث والآثار، ج، ص ۳۵۸ و ۳۷۵.

۴. فاكهي، اخبار مكه، ج ۵، ص ۹؛ ياقوت حموى، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴. در علل الشرائع آمده است که امام صادق<sup>۱۱</sup> در وجه تسميه عرفات چنین فرموده‌اند که جبرائيل<sup>۱۲</sup> روز عرفه بر ابراهيم فرود آمد و به او گفت به گناهانت اعتراف کن و مناسك را بشناس و لذا آنجا را «عرفات» نامیدند. (صدقوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶)

ارزشمندی است. خداوند سرزمین مقدس عرفات را، که حوادث مهمی در طول تاریخ به خود دیده، برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود مقرر و سفره خاص إنعام و اکرامش را در دامنه «جبل الرّحمة» گسترانیده و از میهمانان و زائران بیت‌الله دعوت کرده تا در ساعت و روز معین، همه با هم، گرد خوان نعمت بی‌دریغیش بنشینند و از لطف و رحمت بیکرانش برخوردار شوند. این وقوف از ظهر شرعی تا غروب آفتاب روز نهم ذی‌حجه است و پس از آن می‌توان از عرفات به سوی مزدلفه خارج شد. امروزه برای راحتی و آسایش حجاج و تسهیل امور مربوط به وقوف در عرفات، کارهای چشمگیری انجام گرفته است. خیابان‌های وسیع، جاده‌های پهن با چندین باند، پل‌های هوایی روگذر و زیرگذر در مسیر عرفات، مشعر، کاشت دهها هزار درخت برای تلطیف هوا و ایجاد سایه و نیز استفاده از پمپ‌های قوی برای پخش قطرات آب در فضای خنک کردن هوا، ایجاد مراکز بزرگ درمانی، خدماتی و همۀ اینها، بیابان خشک و سوزان عرفات را که فلسفه اصلی وقوف در آن، یادآوری گرما و سرگردانی در روز قیامت است، به سرزمینی نسبتاً مطلوب مبدل ساخته است و کسی از وقوف در آن چندان احساس سختی و ناراحتی نمی‌کند.

پیامبر<sup>۹</sup> روز عرفه را در «تمیره»، نزدیکی عرفات، کنار سنگ بزرگی فرود می‌آمدند. این سنگ، صخره‌ای در سمت راست عرفات بود. بعدها «مسجد تمیره» را در مکان مورد نظر ساختند. محل وقوف رسول خدا<sup>۹</sup>، همان محل وقوف حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> بوده است. قبیله قریش در دوران جاهلی و آغاز اسلام در عرفات وقوف نمی‌کردند؛ زیرا معتقد بودند اهل حرم هستند و باید بر خلاف سایر مردم در داخل حرم وقوف کنند. خداوند در قرآن این امتیازات جاهلی را مطرود دانسته و آنان را مأمور ساخت تا هرجا که همه مسلمانان وقوف می‌کنند، وقوف داشته باشند. (**۱۴۰  
أَفِيَضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ...۱**)

صحرای با عظمت و مقدس عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر<sup>۹</sup> (حجّة الوداع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. پیامبر<sup>۹</sup> خطبه مهم و تعیین‌کننده حجّة‌الوداع را که به حق «منشور حقوق بین‌المللی اسلام» نام نهاده‌اند، در این مکان ایراد فرمودند. (**تصویر شماره (۳۵)**)

### ۱. مسجد نَمَرَه = جامع ابراهیم<sup>۷</sup>

نَمَرَه نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن، یعنی محلی که پیامبر<sup>۹</sup> وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به نام نَمَرَه یا «عرفه» بنا شده است. بعضی نیز آن را مسجد ابراهیم<sup>۷</sup> خوانده‌اند. به روایتی، حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده‌اند. از عبداللّه بن عمر نقل شده است که پیامبر<sup>۹</sup> روز عرفه را در وادی نَمَرَه نزول می‌کردند. در این مکان غاری (شکافی) بوده و ایشان کنار آن می‌نشستند.<sup>۱</sup>

مسجد در ابتدای عرفات و در غرب آن قرار دارد که البته اندکی از سمت جنوبی آن که از افزوده‌های جدید است، خارج از عرفات واقع شده است. آن را در سال ۱۵۰ق. به روزگار خلافت عباسیان ساخته‌اند. مساحت کنونی مسجد که در دوران سعودی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، به ۱۲۴ هزار متر مربع میرسد و حدود ۱۳۰ هزار نمازگزار را در خود جایدهد. یک گنبد و چهار مناره و ده درب اصلی نیز برای آن ساخته‌اند. خواندن نماز در این مسجد استحباب زیادی دارد. (تصویر شماره ۳۶)

### ۲. جبل الرَّحْمَة

این کوه کوچک تقریباً در شمال شرقی عرفات است و از کوههای اطراف مستقل و مجزاست. بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم<sup>۷</sup> و پیامبر مکرم اسلام<sup>۹</sup> بوده است. برخی گفته‌اند رسول خدا<sup>۹</sup> بر تخته سنگی از آن ایستاده و خطبه معروف عرفات را ایجاد کردند.<sup>۲</sup>

از آنجا که جبل الرَّحْمَة شاهد دعای امام حسین<sup>۷</sup> در روز عرفه بود، مستحب است این دعا کنار آن کوه خوانده شود. بعضی نیز نماز خواندن در نمازگاه ابراهیم<sup>۷</sup> بر جبل الرَّحْمَة را مستحب دانسته‌اند. اکنون بالای کوه، ستونی به ارتفاع ۴ متر و عرض ۱/۸۰ متر قرار دارد که از دور دیده می‌شود. در مراسم عرفات چراغ و قنديل بر آن آویزان می‌کردند تا راهنمای زائران و کاروانها باشد.<sup>۳</sup> وقوف و حضور بر بالای کوه کراحت

۱. فاکھی، همان، ج ۲، ص ۳۲۷؛ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۵۷.

۲. صاحب مرآۃ الحرمین، مساله نماز خواندن پیامبر<sup>۹</sup> بر جبل الرَّحْمَه را صحیح نمی‌داند. او می‌افزاید در مکان نماز ابراهیم مسجدی به نام او در قرن ششم ساخته شد. (همان، ج ۱، ص ۴۶)

۳. رفت اپاش، همان، ج ۱، ص ۴۴؛ ابن جییر، الرحله، ص ۱۳۵ و ۱۳۶.

دارد و بهتر است در دامنه و سمت چپ کوه به دعا و تصرع پرداخته شود. (تصویر شماره ۳۷)

### ه) مَشْعِرُ الْحَرَام = مُزْدَلْفَه

... فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ  
الْحَرَام...<sup>۱</sup>

مشعرالحرام با مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا دره «مئذمین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه، یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از هنگام فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذیحجه - در این مکان وقوف کنند؛ زیرا وقوف در آن از ارکان حج است.

قریش قبل از اسلام در مشعر بیتوه نمی‌کردند. خداوند بر اساس آیه یاد شده فرمان داد تا آنان نیز همانند سایر حجاج در مشعر حاضر شوند.<sup>۲</sup> در وجه تسمیه آن، مطالب فراوانی گفته شده، از جمله اینکه: مشعر اسم مکان شعور است و در این سرزمین باید پس از شناخت در عرفات به شعور و آگاهی رسید. مزدلفه که نام دیگر آن است، اسم فاعل از ازدلاف، به معنای تقدم یا نزدیکی و برگرفته از «زُلْفَ» است؛ زیرا مردم در این مکان به خدا تقرب پیدا می‌کنند یا حجاج در این مکان اجتماع کرده و به هم نزدیک می‌شوند.<sup>۳</sup>

از امام صادق<sup>۴</sup> نقل شده است: جبرئیل پس از بیان وقوف در عرفات، به ابراهیم گفت: «يَا إِبْرَاهِيمُ ازْدَلِفْ إِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَام...» و به همین علت این مکان را «مزدلفه» نامیدند.<sup>۵</sup>

مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعرالحرام گویند. طول آن حدود چهار هزار متر و مساحت آن ۱۲/۵ کیلومتر مربع است. این محدوده از وادی مئذمین آغاز و به وادی محسّر منتهی می‌شود.<sup>۶</sup>

در این مکان ضمن بیتوه و عبادت در شب، می‌توان سنگریزه‌هایی

۱. بقره، ۱۹۸.

۲. بخاری، صحيح، [باب الوقوف بعرفة]، ج ۲، ص ۱۷۰.

۳. طریحی، مجمع البغرين، ج ۵، ص ۶۸.

۴. صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۳۶.

۵. ابن رشید الفهری، ملء العیه، ص ۱۰۳.

برای رمی جمرات جمع‌آوری کرد. اخیراً امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و... برای راحتی حجاج در آنجا فراهم آمده است. (**تصویر شماره ۳۸**)

### ۱. مسجد مُزْدَلَفَه = مشعرالحرام

مسجد مزدلفه مربع شکل است که اکنون ۵۵۰۰ متر مربع مساحت دارد و حدود پنج هزار نمازگزار در آن جای می‌گیرند. قبله آن، همان جایی است که پیامبر خدا<sup>۹</sup> بینوته می‌کرد.<sup>۱</sup> گفته شده: در این مکان جبرئیل<sup>۷</sup> بر پیامبر<sup>۹</sup> نازل شد و در مورد مشعرالحرام و اهمیت و اعمال، آن دستورات و آیاتی به ایشان ابلاغ کرد.

### (و) وادی مُحَسِّر

جایی است میان مزدلفه و منا که طبق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند، این وادی به «محسر» مشهور گشت.<sup>۲</sup> مُحَسِّر اسم فاعل از حَسِرَ به معنای از پا افتادن است. وادی نیز به معنای دره یا مکان جاری شدن رود است.<sup>۳</sup> این وادی، نه جزو مناسب و نه مزدلفه. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است این مکان را سریع پشت سر بگذارند یا در آن بدوند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. طول محسر ۲۸۱۲ متر و نقطه پایانی آن، ابتدای مناست. شایان ذکر است که چون وقوف در مشعرالحرام بین فجر و طلوع آفتاب است، بنابراین نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منا وارد شد.

۱. بخاری، صحيح، الحج، ۱۳۷۴.

۲. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن هشام، السیرة النبوية، ج ۱، ص ۴۴؛ فاسی المکی، شفاء الغرام با خبار البلدالحرام، ج ۱، ص ۴۹۹؛ ابن رشیدالفهربی، همان، ص ۱۰۱.

۳. عاتق بن غیث بلادی، معجم المعالم حجاز، ص ۲۴۸.

### ز) سرزمین منا

**وَأَتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فِي أَحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ  
مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِفُوا رُؤْسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ.**

منا در لغت از ریشه امنیه و به معنای آرزوست. محدوده سرزمین منا از مُحَسَّر تا جمره عقبه است. گفته شده وقتی حضرت آدم<sup>۷</sup> به زمین هبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در اینجا پرسیدند: آیا منیه یا آرزویی داری؟ از این رو، این سرزمین به «منی» معروف شد.<sup>۸</sup> از محتوای دعاibi که امام صادق<sup>۷</sup> در منی خوانده‌اند بر می‌آید که ریشه آن از میت است؛ زیرا خداوند بر مردم میت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد.<sup>۹</sup> حاجیان باید پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعر الحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یاردهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند.

منا میان مکه و مزدلفه و در ۷ کیلومتری شمال شرق مسجدالحرام است که البته از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این طرف تونل نیز منطقه عزیزیه است که پیاده می‌توان از عزیزیه به منا رفت. بر این اساس منا داخل منطقه عمومی مکه واقع شده است.

طول این سرزمین را بیش از ۳۵۰۰ متر ذکر کرده‌اند. این سرزمین شاهد وقایع مهمی بوده و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی محسوب می‌شده است. پیمانهای عقبه اول و عقبه دوم برای دعوت پیامبر<sup>۹</sup> به مدینه در نزدیکی این منطقه بسته شد.<sup>۱۰</sup>

از وقایع مهم دیگر این سرزمین بسیج و سازماندهی و استقرار سپاه اسلام برای فتح مکه در سال هشتم هجری بود. پیامبر<sup>۹</sup> پس از فتح مکه در مکان مسجد خیف علل پیروزی و فتح مکه را تشریح ساختند.

(تصاویر شماره ۲۹ - ۴۱)

۱. بقره، ۱۹۶.

۲. ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۴؛ صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۵.

۳. کلینی، فروع کافی، ج ۲، ص ۴۶۱. «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَّتَ بِهَا عَلَيَّنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ...».

۴. ر.ک: مبحث مساجد موجود در منا از همین کتاب.

## ۱. جَمَرات سَهْكَانَه

از مهمترین اعمال «ایام تشریق»،<sup>۱</sup> رمی جمرات است. گویند ابلیس نخستین بار برای فربیت و سیست کردن اراده ابراهیم خلیل<sup>۷</sup> جهت قربانی کردن فرزندش در محل جمره عقبی خود را بر او<sup>۷</sup> نمایاند و آن حضرت با سنگریزه‌هایی او را راند. بار دیگر در محل جمره وسطی و بار سوم در جای جمره اولی ظاهر شد و او در هر مرتبه، شیطان را با پرتاب سنگریزه دور کرد. ابلیس هنگام پرتاب این سنگریزه‌ها به سرعت می‌گریخت؛ جمره و اجمار نیز به معنای شتاب کردن و راندن است. فاصله جمره عقبه و وسطی ۲۵۰ متر و میان وسطی و اولی ۲۰۰ متر است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجّه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس دو روز بعد، یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند. در گذشته، از دحام و شلوغی جمرات سه‌گانه، باعث صدمه دیدن و حتی مرگ حاجیان می‌شد؛ بنابراین پلی بر روی آنها ساخته شد تا حاجیان بتوانند از بالای پل نیز رمی کنند. از این رو بر ارتفاع جمرات افزودند. در سال ۱۲۸۳ هـ. ش. جمرات سه‌گانه که به صورت استوانه کوچک چهار ضلعی بود، به شکل دیوار بزرگی به طول ۱۰ متر و ارتفاع ۴ متر در آمد تا حاجیان راحت‌تر بتوانند بر آن سنگ بزنند و مجبور نباشند برای سنگ زدن به یک استوانه کوچک، گرفتار مشکل شوند. این افزودگی‌ها بر جمرات، عمدتاً در کناره‌ها صورت گرفت و جای اصلی جمرات، تقریباً در وسط این دیوار جدید بوده است. اخیراً با تراشیدن کوههای اطراف، منطقه جمرات را بسیار توسعه داده‌اند و در حال احرای طرحی بزرگ برای هفت طبقه کردن آن هستند که اکنون سه طبقه آن در حال بهره‌برداری است. ( تصاویر شماره ۴۲ و ۴۲/۱)

## ۲. مساجد موجود در منا

**۲-۱. مسجد خیف:** از مساجد بزرگ و با اهمیّت در مناست. خیف به زمینی گویند که میان دو کوه واقع شده و یا از زمین مرتفع باشد.<sup>۲</sup> به روایتی، هفتاد پیامبر، از جمله حضرت آدم<sup>۷</sup> در آنجا مدفون هستند.<sup>۳</sup>

۱. روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجّه که حاجیان در منا باید حضور داشته باشند را «ایام تشریق» گفته‌اند.

۲. صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶؛ یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۴۱۲.

۳. فاکھی، همان، ج ۴، ص ۲۶۶ و ۲۶۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۴؛ صدوق، من لا يحضره القيبة، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه بزواائد المسانید الشمانیه، ج ۱، ص ۳۷۴.

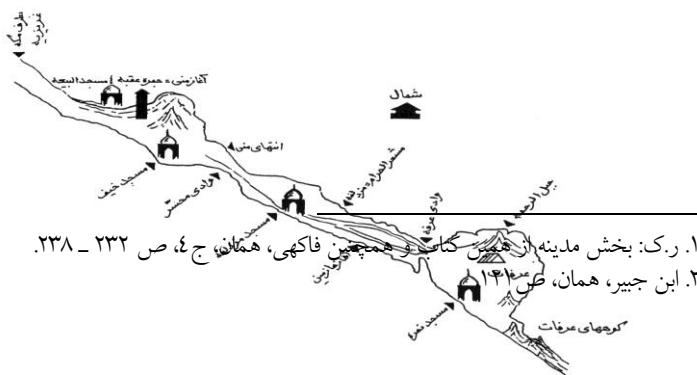
پیامبر<sup>۹</sup> به هنگام حج در این مکان نماز می‌گزاردند. نماز گزاردن در این مسجد فضیلت فراوان دارد و در آن خصوص، سفارش‌های زیادی شده است. در روایات آمده که بسیاری از پیامران الهی نیز در آنجا نماز گزارده‌اند.

در دوران مختلف، بر طول و عرض این مسجد افزوده شد که اکنون مساحت آن به ۲۵ هزار متر مربع میرسد و حدود ۳۰ هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. چهار مناره آن، که از یکدیگر فاصله زیادی دارند، در کنار کوه، در مسیر چمرات سه‌گانه جلوه زیبایی به مسجد داده‌اند.

(تصویرشماره ۴۳)

**۲- مسجد البيعه:** این مسجد را در مکان بیعت عقبه اول و دوم که در سالهای دوازده و سیزده بعثت بین پیامبر<sup>9</sup> و مردم پسر بسته شد، ساختند تا یادآور آن خاطره عظیم باشد؛<sup>۱</sup> به همین مناسبت، آن را مسجد «البيعه» نام نهادند.<sup>۲</sup> این مسجد حدود ۵۰۰ متر پایین‌تر از جمره عقبه، در سمت راست کسی است که در جهت جنوب جمرات به سوی مکه می‌رود. البيعه که داخل دره کوچکی در معرض دید قرار نداشت و متأسفانه سالها به زباله‌دانی تبدیل شده بود، اکنون در طرح توسعه جمرات در معرض دید قرار گرفته و اطراف آن را نرده کشیده‌اند و احتمال می‌رود در این توسعه تخریب شود. شایان ذکر است که سه مسجد دیگر به نامهای مسجد الکبیش (جایگاه قوچ و قربانی ابراهیم) مسجد الصفائح و مسجد الکوثر در توسعه‌های مختلف دوران سعودی تخریب شده‌اند. (تصویر شماره ۴۴ و ۴۵)

نقشه تقریبی عرفات - مزدلفه - محسّر - مذ



۱. ر.ک: بخش مدینه از همسایه کناره همچوین فاکوهی، همانجا، ج ۴، ص ۲۳۲-۲۳۸.

۲. اد: حس، همان، کلمه‌ها، ۱۹۷۰.

### ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه

در بین راه مکه و مدینه چند مکان تاریخی وجود دارد که البته امکان دسترسی بر آن برای همه محدود نیست.

**۱. مزار شهدای بدرو:** در ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی مدینه، در جاده قدیم مدینه به مکه و در هشتاد کیلومتری شهرک رایغ واقع است. در بدرو، مسجدی به نام عربیش ساخته‌اند که جایگاه حضور پیامبر<sup>۹</sup> در نبرد بدرو را نشان می‌دهد. این مسجد همچنان پا بر جاست.

**۲. ریده:** زادگاه، موطن و تبعیدگاه ابوذر غفاری، در ۱۲۵ کیلومتری شمال شرق مدینه در مسیر ذات عرق یکی از میقات‌های حرم (عراق) مسیر درب زبده است. این منطقه در گذشته شهری بسیار آبادان بوده و در قرن چهارم هجری از میان رفته است و اکنون روستایی کوچک است.<sup>۱</sup>

**۳. غدیر خم:** در ۲۰۰ کیلومتری شمال غربی مکه در نزدیکی میقات جُحفه واقع شده که در آنجا به یاد حادثه معروف غدیر خم مسجدی، به همین نام ساخته بودند که در سالهای گذشته تخریب شده است.<sup>۲</sup>

**۴. ابواه:** مقبره آمنه مادر گرامی رسول خدا، در ۱۲ کیلومتری فرعی راه قدیم مکه به مدینه قرار دارد. (**تصاویر شماره ۴۵-۴۷**)

### خلاصه درس

برای ورود به حرم امن الهی و انجام حج، مکان‌هایی برای احرام حاجیان با عنوان «میقات» وجود دارد. این میقات‌ها به تناسب مسیر ورود آنان متفاوت‌اند که به شرح زیر در مسیرهایی ورودی مکه قرار دارند: ۱. ذو الحُلْيَفَة (مسجد شجره = آبار علی<sup>۷</sup>)؛ ۲. جُحفه؛ ۳. وادی عقیق؛ ۴. قُرْنُ الْمَنَازِل؛ ۵. يَلْمَم؛ ۶. فَخّ.

حضرت ابراهیم<sup>۷</sup> از خداوند خواست تا مکه را برای او حرم امن قرار دهد، لذا جبرئیل محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرد:

۱. برای اطلاع از موقعیت جغرافیایی آن بنگرید به: قاضی عسکر، میقات حج، شماره ۴، تابستان ۱۳۷۲ ش.

۲. برای اطلاع از موقعیت جغرافیایی آن بنگرید به: محمدباقر نجفی، میقات حج، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۱ ش.

۱. وادی عُرْنَه (عرفات)؛ ۲. وادی نخله؛ ۳. جِعْرانَه؛ ۴. تَنْعِيم؛ ۵. حُدَيْبَيَه؛ ۶. آضاءَهُ لِبْنَ.

مسجد منطقه آغازین حرم عبارتند از: ۱. مسجد تَنْعِيم یا عایشه در مکان احرام پیامبر<sup>۹</sup> در حَجَّة الوداع؛ ۲. مسجد حُدَيْبَيَه = رضوان = شُمَيْسي؛ ۳. مسجد جِعْرانَه.

عرفات، نام صحرایی وسیع و هموار است. در نامگذاری وجهه تسمیه آن اقوال مختلفی وجود دارد؛ بعضی آن را جمع عَرَفَه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند. برخی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند؛ بدان معنا که ابراهیم<sup>۷</sup> در این محل، نسبت به قربانی کردن فرزندش و نیز انجام مناسک حج آشنا و عارف شد.

در نزدیکی عرفات کوهی است به نام «نمره» که در نزدیکی آن، یعنی محلی که پیامبر<sup>۹</sup> وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به آن نام بنا شده است.

در شمال شرق عرفات نیز کوه کوچک و مستقلی است که بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم<sup>۷</sup> بوده است. آن را جبل الرحمه نامیده‌اند؛ زیرا در روز عرفه در دامنه آن، حاجیان از رحمت الهی برخوردار می‌شوند.

مشعر الحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا دره «مئذمین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه، یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوغ آفتاب روز دهم ذی‌حجه - همان روز - اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از اركان حج است.

حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است آنان این مکان را سریع پشت سر بگذارند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. سرزمین مقدس منا که محل قربانی کردن آرزوهاست پس از وادی محسر آغاز و به جمرة عقبی منتهی می‌شود.

منا در لفت از ریشه اُمنیه و به معنای آرزوست و یا از منّت است؛ زیرا خداوند بر مردم منّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. حاجیان باید پس از طلوغ آفتاب صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعر الحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا بیتوته داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند.

از مهمترین اعمال «ایام تشریق»، رمي جمرات است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمرة عقبی را رمي کنند و سپس در دو روز بعد، یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمرة سنگ بزنند.

مسجد موجود در منطقه منا عبارتند از: ۱. مسجد خَيْف؛ ۲. مسجد

البیعه. در فاصله بین مکه و مدینه چند منطقه مهم و تاریخی وجود دارد که اگرچه در مسیر حرکت کاروانها نیست، اما باد آنها میتواند در حفظ و پاسداشت جایگاه آن در تاریخ اسلام مؤثر باشد. این اماکن عبارتند از: ۱. مزار شهدای بدرا؛ ۲. ریذه (تبعیدگاه ابوذر)؛ ۳. غدیر خم؛ ۴. ابواه ( محل دفن آمنه مادر گرامی پیامبر).

### خودآزمایی

۱. نام میقات‌های مسیر ورودی مکه چیست؟
۲. محدوده حرم با توجه به جهات مختلف کجاست؟
۳. علت تحريم در محدوده حرم چیست؟
۴. مساجد منطقه آغازین حرم به نام دارند؟
۵. وجهه تسمیه سرزمین عرفات را شرح دهید.
۶. زمان وقوف در عرفات چه هنگام است؟
۷. کوه‌های منطقه عرفات را نام برد و وجهه تسمیه هر یک را بیان کنید.
۸. مکان‌هایی که حاجیان بعد از محروم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند را چه نام دارند؟
۹. زمان وقوف در مشعرالحرام چه زمانی است؟
۱۰. جرا منطقه مشعرالحرام، مزدلفه نامیده می‌شود؟
۱۱. وادی محسن شاهد چه حادثه تاریخی بوده است؟
۱۲. اعمال سرزمین منا و زمان وقوف در آن را بیان کنید.
۱۳. جمرات سه‌گانه را توضیح دهید.
۱۴. مساجد موجود در منا چه نام دارند؟
۱۵. ایام تشریق چه ایامی است؟



**بخش دوم:**

**مدينه منوره حرم خاتم النبئين<sup>9</sup>**



## درس چهارم:

### موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (ویژگی‌ها و اماکن)

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با موقعیت جغرافیایی مدینه آشنا شویم.
- اهمیت و فضایل هر یک از کوههای مدینه را بدانیم.
- با وادی‌های مدینه و احادیث و روایات وارد شده در فصل آنها آشنا شویم.
- با مقابر و زیارتگاه‌های مدینه آشنا شویم.
- تاریخچه و فضائل قبرستان بقیع را بدانیم.
- دفن‌شدگان قبرستان بقیع را بشناسیم.
- از سیر شکل‌گیری زیارتگاه شهدای احمد آگاه شویم.

#### مدخل

شناخت وضعیت جغرافیایی مدینه به سبب وجود کوه‌ها و موانع طبیعی، دره‌ها و دروازه‌های تاریخی به منظور آگاهی از موقعیت ژئولوژیک مدینه و نیز آشنایی با زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسی که صحابه، ائمه شیعه و بزرگان اسلام در آنها دفن شده‌اند دارای اهمیت ویژه است؛ لذا در این فصل، به توضیح موقعیت جغرافیایی، کوه‌ها، وادی‌ها، ثناها، مقابر و زیارتگاه‌های مدینه پرداخته می‌شود.

#### موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (یثرب)

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن، از طریق بزرگراه هجرت، تا جده ۳۹۵ کیلومتر و تا مکه

۴۲۵ کیلومتر است. این شهر از غرب و شرق و بخشی از جنوب، به وسیله «حرّه‌ها»<sup>۱</sup> محصور شده است. این حرّه‌ها از مسجد ذوقبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد و مردم مدینه معمولاً آنها را حرّه شرقی و حرّه غربی می‌خوانند؛ با اینکه آن دو حرّه یکی هستند.<sup>۲</sup>

مدینه به وسیله چندین کوه محاصره شده است؛ کوه احمد در شمال، کوه عیز در جنوب و کوه جماوات در غرب.<sup>۳</sup> در مدینه سه وادی وجود دارد؛ عقیق، بطحان و قناه.<sup>۴</sup>

مدینه در تقسیمات جغرافیایی در منطقه حجاز واقع شده است. آب و هوای آن در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و بارانی است و درجه حرارت آن در زمستان نسبت به مکّه و جدّه پایین‌تر است؛ در دی ماه پایین‌ترین دما ۲ درجه و بالاترین آن ۲۴/۶ درجه سانتی‌گراد است و در تیرماه پایین‌ترین دما ۱۷/۲ درجه و بالاترین دمای آن ۴۴ درجه سانتی‌گراد است. بالاترین میزان بارندگی در دی ماه به ۸/۳ میلی‌متر می‌رسد و پایین‌ترین میزان آن، در آذرماه ۲ میلی‌متر است.

مدینه برخلاف مکه به لحاظ این بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی‌برد و در منطقه حجاز، پس از طائف، مطلوب‌ترین آب و هوا و مناسب‌ترین زمین را برای کشاورزی دارد.

اراضی زراعی آن در جنوب شهر واقع شده که محصول آن عمداً خرما و بعضی میوه‌های خوش‌بوی است و در شمال آن نیز البته اندکی خرما، حبوبات، میوه و سایر نباتات به عمل می‌آید. زمین‌های زراعی در مدینه از آب چاه مشروب می‌شود.

## ۱. کوه‌ها، وادی‌ها و ثنایای مدینه

### ۱-۱. کوه‌ها

۱. **احد:** از کوه‌های مشهور و مهم مدینه است که در شمال شهر و چهار کیلومتری مسجدالنّبی<sup>۵</sup> قرار دارد. چون این کوه تنها کوه جدا و

۱. «حرّه» به معنای «سنگلاخ» است که این زمین‌ها به علت وجود سنگ‌ها و صخره‌های آتش‌فشاری بزرگ غیر قابل نفوذ بوده و همچومن دژی طبیعی مدینه را در محاصره خود گرفته است. (ابن منظور، لسان العرب، ماده حرّه).

۲. سعید بن سلام، المدینة المنورة فی القرن الرابع عشر الهجری، ص ۱۳.

۳. به بخش کوه‌های مدینه، در همین کتاب رجوع کنید.

۴. به بخش وادی‌های مدینه، در همین کتاب رجوع کنید.

مستقل است، آن را «أَحُد» نامیده‌اند.<sup>۱</sup> طول آن هفت کیلومتر (از شرق به غرب) و عرض آن بین یک تا سه کیلومتر است و ۱۹ کیلومتر مربع مساحت دارد. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر و رنگ کوه متمایل به قرمز است.

احادیث فراوانی از پیامبر<sup>۹</sup> در مورد فضل و اهمیت این کوه نقل شده است. از جمله: «کوه احمد ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.»<sup>۲</sup>

در روایتی دیگر، از پیامبر<sup>۹</sup> نقل شده است: «کوه احمد از کوههای بهشت است.»<sup>۳</sup>

در برابر کوه عیر که پیامبر<sup>۹</sup> آن را شوم می‌دانستند و محب‌فرمودند: «کوه احمد دری است از درهای بهشت و کوه عیر دری است از درهای جهنم؛ او ما را دوست نمی‌دارد ما نیز آن را دوست نمی‌داریم.»<sup>۴</sup> گویند هارون، برادر موسی<sup>۷</sup>، هنگام عزیمت به حج، در این کوه وفات یافته و قبرش آنجاست.<sup>۵</sup>

یکی از غزوات مهم پیامبر<sup>۹</sup> به نام این کوه مشهور است که در سال سوم هجری رخ داد و کوه احمد پناهگاه مهمی برای لشکران اسلام و به ویژه پیامبر خدا<sup>۹</sup> گردید.

امروزه نزدیک‌ترین راه از حرم پیامبر<sup>۹</sup> تا حرم حضرت حمزه سیدالشهدا<sup>۷</sup> راهی است که به نام فهد بن عبدالعزیز نامگذاری شده است. می‌توان به کوه و مزار شهدا احمد رفت، که البته از شارع سید الشهدا نیز می‌توان به آغا راه یافت.

**۲. جبل عَيْنَين = الرُّمَاة:** کوه کوچکی است در جنوب و شرق احمد که در کنار وadi قنات، به صورت مستقل در نزدیکی کوه احمد قرار دارد. طول آن ۱۷۵ و عرض آن ۵۵ متر است و ۲۰ متر ارتفاع و ۹۶۰ متر مربع مساحت دارد. در جنگ احمد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است؛ پیامبر<sup>۹</sup> برای اینکه نیروهای دشمن از پشت سر به سپاه اسلام هجوم نیاورند، تعداد پنجاه تیرانداز را به

۱. فیروزآبادی، المغامن المطابق فی معالم طابه، ص ۱۰.

۲. ابن شبه، تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۸؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحيح البخاری، ج ۷، ص ۳۰۲.

۳. سمهودی، وفاء الوفا با خبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ فیروز آبادی، همان.

۴. فیروز آبادی، همان، ص ۱۱؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۸۵ در یکی از کوههای شهر پترا در اردن نیز قبری از هارون وجود دارد که از سوی یهودیان اسرائیل زیارت می‌شود.

فرماندهی عبدالله بن جبیر بر این کوه گمارد تا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به «جبل الرّماة» معروف شد. نام قبلی آن «جبل عینین» بود که گویی چون دو چشم بر منطقه اشراف دارد.

در طول قرون متتمادي، بر روی این تپه خانه‌هایی ساخته شده که به مرور زمان رو به خرابی رفته‌اند. بر اساس تصاویر موجود، طول و ارتفاع این تپه از اندازه کنونی آن بسیار بزرگ‌تر و بیشتر بوده است. (**تصویر شماره ۴۸**)

**۳. کوه سَلْع:** این کوه نیز یکی از کوههای مهم و استراتژیک شمال غرب مدینه است که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام، یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. کوه سَلْع به عنوان یک استحکام طبیعی پشت سر سپاه اسلام قرار گرفت و خندق نیز در مقابل دشمن حفر گردید. در دامنه آن، قبیله بنی حرام می‌زیستند. در صخره‌های غربی آن، غار و کهف بنی حرام بوده که از میان رفته است. مساجد هفتگانه که محل فرماندهی یا عبادت چند تن از صحابه سپاه اسلام در غزوه خندق بوده بر دامنه این کوه ساخته شده است.

**۴. سُلَيْع:** کوه کوچکی در جنوب کوه سَلْع است که به آن «عثث» نیز گفته‌اند. در دوران عثمانی قلعه فرمانروای مدینه بر آن ساخته شده بود.<sup>۱</sup> بر فراز آن، یکی از برج‌های قلعه باب شامی مدینه بوده که آثار این قلعه و برج همچنان بر جای مانده است. موقعیت این کوه در نزدیکی کتابخانه «ملک عبدالعزیز» (سمت باب السِّلام) است و به سبب احداث بنها و برج‌های بزرگ، تنها بخشی از آن دیده می‌شود.

**۵. عَيْر:** کوه بزرگی است در جنوب مدینه و شرق وادی عقیق، نزدیک مسجد شجره. از پیامبر<sup>۲</sup> نقل شده که «کوه عَيْر» یکی از درهای جهنم است؛ این کوه بر ما خشمگین است و ما نیز بر آن.<sup>۳</sup> «عَيْر» در لغت به معنای خَرْ چموش و وحشی است.<sup>۴</sup> این خَر از آن «مولع» کافر بوده که خداوند بر قنات یا ملک او آتشی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب خداوند قرار گرفته است.<sup>۵</sup> براین اساس رسول

۱. فیروزآبادی، همان، ص ۱۸۵.

۲. ابن شبه، *تاریخ المدینة المنوره*، ج ۱، ص ۸۳.

۳. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۱۷۳.

۴. فیروزآبادی، همان، ص ۲۸۸.

خدا ۹ از این کوه تنفر داشته‌اند.

**۶. نور:** کوه کوچک و سرخی است در پشت کوه احمد، در شمال مدینه. پیامبر اکرم<sup>۹</sup> میان «عیر» تا «نور» را حرم (مدینه) قرار داد.<sup>۱</sup>

**۷. ذباب<sup>۲</sup>:** این کوه در مشرق کوه سلع (مساجد سبعه) و شمال غربی مسجدالنبی<sup>۹</sup> است. «ذباب» نام پرنده و یا سمت پرنده شمشیر است و در بعضی موارد به معنای زنبور عسل نیز آمده است. برخی گویند نام کسی است که در دوران اموی بر این کوه گردن زده شد. پیامبر<sup>۹</sup> هنگام غزوه خندق، پرچم فرماندهی را بر آن استوار ساخت. در محل استقرار پرچم سپاه، مسجدی ساختند که «مسجد الرایه» نام گرفت، ولی بعدها آن را «ذباب» نامیدند. این کوه تا سلع ۱۵۰ متر و تا مسجد النبی<sup>۹</sup> ۱/۵ کیلومتر فاصله دارد.

## ۲-۱. وادی‌ها<sup>۳</sup>

**۱. عقیق:** این وادی به سه بخش صغیر، کبیر و اکبر تقسیم شده است.<sup>۴</sup> قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی<sup>۷</sup> بوده که ۲۳ چاه در حاشیه آن کنده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کونی بوده و به همین جهت هنوز مسجد شجره به «مسجد ایبار» یا «آبار علی» معروف است. از پیامبر<sup>۹</sup> احادیث زیادی در فضل این وادی نقل شده و آن حضرت آن را «مبارک» خوانده‌اند.<sup>۵</sup> از ایشان نقل شده است که جبرئیل<sup>۷</sup> در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: «در این وادی مبارک نماز بگزار.»<sup>۶</sup>

گفتنی است وادی عقیق طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است.<sup>۷</sup> به سبب وجود آب، مناطق پیرامونی آن حاصلخیز و دارای آب و هوایی خوب هستند. قصر عروة بن زبیر، سعید بن عاص و مروان بن حکم در کنار این وادی ساخته شده بود.

۱. همان، ص ۸۲ سمهودی، وفاء الوفا با خبر دار المصطفی، ج ۱، ص ۹۲.

۲. این کوه را «ذباب» نیز خوانده‌اند.

۳. وادی به معنای «در» و یا راهی است که در آن آب جاری می‌شود.

۴. یعقوبی، البلدان، ص ۷۶.

۵. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۴۸؛ فیروزآبادی، همان، ص ۲۷۰.

۶. محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶.

۷. الیاس عبدالغنى، تاریخ المدینة المنوره، ص ۱۲۰.

**۲. بُطْحَان<sup>۱</sup>:** این وادی به «ابی حیده» نیز مشهور است. آغاز آن، از نزدیکی شرق قبا و پایان آن، نزدیک مساجد سبعه بوده که به وادی عقیق می‌پیوسته است. پیامبر<sup>۹</sup> فرموده‌اند: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است».<sup>۲</sup>

**۳. رانُوناء:** مسجد جمعه در نزدیکی قبا که پیامبر<sup>۹</sup> نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کرده‌اند، در میان این وادی قرار داشته است.

**۴. وادی مُذَيْنِب:** در جنوب شرق مدینه و محل سکونت بنی‌نصریر.

**۵. وادی مَهْزُور:** در شرق مدینه و محل سکونت بنی‌قریطه.

**۶. وادی قناة:** در منطقه اُحد و کنار تپه جبل الرماة و قبور شهدای احد.

برای استفاده از آب این وادی‌ها چندین سد ساخته شده است.

## ۱ - ۲. ثیه‌ها<sup>۳</sup>

**۱. ثیّة الوداع:** این ثیه در خارج باب شامی، میان «مسجد الرّایه»<sup>۴</sup> و محل دفن «محمد نفس زکیه» است و امروزه در تقاطع شارع سیدالشهدا و شارع ابوبکر واقع شده و سمت راست کسی است که از تونل زیرگذر مناخه خارج می‌شود. از مسجدالنبی<sup>۹</sup> تا آنجا، ۷۰۰ متر فاصله است. قبل از اسلام، این محل به «ثیّة الرکاب» شهرت داشت.<sup>۵</sup> پیامبر<sup>۹</sup> هنگام عزیمت برای غزوه تبوك در آنجا اردو زدند و به سازماندهی سپاه پرداختند. ثیّة الوداع مکان وداع و خروج لشکریان و خارج‌شوندگان از مدینه بوده است. هنگام غزوه خیر، زنان پیامبر<sup>۹</sup> در این ثیه با ایشان وداع کردند. مسجدی نیز در این مکان به نام ثیّة الوداع ساختند که در سال ۱۳۶۵ هـ. ش در توسعه خیابان تخریب شد. اشعاری که گفته می‌شود دختران قبیله بنی‌نجران در ثیّة الوداع در استقبال رسول خدا<sup>۹</sup> به هنگام ورود به مدینه خوانده‌اند از آن رو قابل تردید است که

۱. آن را «بَطْحَان» و «بَطْحَان» نیز ثبت کرده‌اند. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶) به معنای انبساط و سرور.

۲. محمد بن سلیمان، همان.

۳. ثیه به معنای گذرگاه یا راه، در اطراف مدینه، مکان‌هایی برای بدرقه سپاهیان وجود داشته که به «ثیّة الوداع» معروف بوده است. پیامبر خدا<sup>۹</sup> گاهی در این ثیه‌ها حضور می‌یافتد. برخی نیز برای استقبال بوده که به «ثیّة الرکاب» معروف شده‌اند.

۴. چنانچه پیش‌تر گفته شد «مسجد الرایه» بر فراز کوه ذباب، در نزدیکی مساجد سبعه است.

۵. یاسین الخیاری، **معالم المدینة المنوره**، ص ۲۱۷.

ثیّة الوداع در شمال مدینه قرار داشته و پیامبر ۹ از جنوب یعنی از سمت  
قیا وارد مدینه شده‌اند.

**۲. العنت:** این ثبیه بر کوهی به نام عثث میان کوه سلیع و کوه سلیع در مدینه قرار داشته و به سلیع نزدیکتر بوده است.<sup>۱</sup>

## ۲. حصار و دروازه‌های مدینه

در دوران گذشته، برای حفاظت از هجوم دشمنان و تأمین امنیت، دیوارهایی پیرامون شهرها می‌ساختند و گاهی در پشت این دیوارها خندقی می‌کنند. پیرامون مدینه یا یتر بز دیواری مرتفع ساخته بودند که در طول تاریخ از سوی حکمرانان و امرازی شهر بازسازی و مرمت شده است. سلطان محمد عثمانی، در سال ۱۱۶۲ق. این دیوار را تعمیر و ارتقاء آن را به ۲۵ متر رسانید؛ برای آن، چهل برج ساخت که بر شهر مشرف بود. در سال ۱۲۰۵ق. سلطان عبدالحمید عثمانی از ناحیه باب العنبیریه بر این دیوار افزود و پس از آن که دروازه یاد شده را تجدید بنا کرد، آن را «باب الحمدی» نامید.

حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعسیه کده بودند؛ از جمله:

١. باب الشامي (در شرق قلعه شامي); ٢. باب المجيدي (كثار حرم مطهر); ٣. باب الجمعة يا باب البقيع (پشت بقیع); ٤. باب المصرى; ٥. باب الحماد

۶. یاں صبری یا شا۔

دروازه‌های حصار خارجی شهر نیز عبارت بود از: ۱. باب العوالی (متصل به دیوار جنوبی بقیع); ۲. باب قبا (نزدیک مسجد عمر بن خطاب); ۳. باب العبریه (وردي غرب شهر); ۴. باب الكومه یا باب الجبل (غرب قلعه شامی); ۵. باب الصدقات (در شرق شهر).<sup>۳</sup>

پس از توسعه مینه، این حصار و دروازه‌ها برداشته شده است.  
**(تصویر شماره ۴۹)**

### ۳. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه

قبرستان عمومی مدینه را، که زمینی مملو از درختان غرقد بوده

۱. یاقوت حموی آن را همان سلیع دانسته است. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۸۵).

۲. احمد سعید بن سلم، همان، ص ۱۷۱ - ۱۷۳.

«بقیع الغرقد» نامیده‌اند. برخی نیز بقیع را از بقیعه گرفته‌اند؛<sup>۱</sup> زیرا قبور آن دارای بقیعه بوده است.

شمال غربی این قبرستان، که عمه‌های پیامبر<sup>۹</sup> در آن مدفون هستند «بقیع العمامات» نامیده می‌شود. جنوب شرقی بقیع، که محل دفن مردگان یهود و غیر مسلمان بوده «حش کوکب» خوانده‌اند. بعدها در دوران اموی، دیوار آن را خراب و به بقیع ملحق کردند.

بقیع الغرقد تاریخچه‌ای دیرینه در دل شبے‌جزیره دارد؛ زیرا تاریخ نگاران، پیشینه آن را دوران جاهلیت دانسته‌اند. در ابتدا این مکان قبرستان مردم یترب بوده که قبل از اسلام اموات خود را در آنجا دفن می‌کردند. پس از اسلام، تنها به دفن مسلمانان اختصاص یافت و یهودیان و غیر مسلمانان را در حش کوکب به خاک می‌سپردند. برخی نیز خانه‌هایی در آن ساخته بودند مثل عقیل که تعدادی از مردگان را در خانه او یا کنار آن دفن می‌کردند. قبرستان بقیع، که به صورت مستطیل شکل و بسیار کوچک بوده، بیرون از دیوار شهر قرار داشته<sup>۲</sup> و در گذشته مساحت آن ۳۴۹۳ متر مربع بوده است و اکنون ۱۷۵ هزار متر مربع مساحت دارد. (**تصویر شماره ۵۰**)

### فضائل بقیع

قبرستان تاریک و خاموش بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه، فرزندان و همسران رسول خدا<sup>۹</sup> و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار و شهدای گرانقدر صدر اسلام است. در این قبرستان، بیش از هزار و به روایتی ده هزار نفر از صحابه گرامی پیامبر<sup>۹</sup>، تابعان، قاریان، سادات بنی‌هاشم... مدفون‌اند. بیشتر قبور آنان جز چند تن، گمنام و ناشناخته است.

از امّ قیس نقل شده که همراه پیامبر<sup>۹</sup> به بقیع آمد، فرمود: «ام قیس، از این قبرستان در روز قیامت ۷۰ هزار نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند، در حالی که صورت‌های آنان مانند ماه شب

۱. این منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۳؛ دائرة المعارف الاسلامية، ج ۷، ص ۶۲؛ فیروزآبادی، المقام المطابق في معالم طابه، ص ۶۱ و ۶۲.

۲. دائرة المعارف الاسلامية، ج ۷، ص ۶۳.

بدر می‌درخشد.»<sup>۱</sup>

همچنین از رسول گرامی<sup>۲</sup> اسلام روایت شده که از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمانها و زمین را روشن می‌کند. و نیز فرمودند: «من دفناه فی مقبرتنا هذه شفعنَا لَه او شهادنا لَه»<sup>۳</sup> در روایتی دیگر آمده که آن حضرت در بقیع ایستاد و فرمود: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْعُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ». <sup>۴</sup>  
مُویهیه، غلام حضرت رسول<sup>۵</sup> گوید: پیامبر خدا<sup>۶</sup> مرا در دل شب از خواب بیدار کرد و فرمود: «مامورم تا برای اهل بقیع استغفار کنم، پس همراه من بیا.» همراه ایشان رفتم، وقتی رو به روی قبور بقیع ایستاد، فرمود:

**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْمَقَابِرِ، لَيْهُنَّ لَكُمْ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ  
مِمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ فِيهِ أَفْلَاتُ الْفَنَنُ كَقِطَاعَ اللَّيلِ الْمُظْلِمِ  
يَتَّبَعُ أَخْرُهَا أَوْلَهَا الْآخِرَةُ شَرٌّ مِنَ الْأُولَى.**

سپس مددتی طولانی برای آنان به استغفار پرداخت.  
از عایشه نیز نقل شده است که رسول خدا<sup>۷</sup> شبانه به زیارت قبور بقیع میرفتند.<sup>۸</sup> ایشان به من فرمودند: «خداؤند تو را فرمان میدهد که به نزد اهل بقیع بیایی و برایشان طلب آمرزش کنی». <sup>۹</sup>  
در کتب زیارات و ادعیه آمده است هنگام زیارت بقیع، به سبب قداست آن مکان، که روزی قدمهای مبارک پیامبر<sup>۱۰</sup> بر آن نهاده شده و بهترین اولیای خدا در آن مدفون شده‌اند، با پاهای برنه وارد شوید. پیامبر خدا<sup>۱۱</sup> فرمودند:  
کسی که در مقبره ما (بقیع) مدفون شود، از شفاعت من برخوردار گردد.<sup>۱۲</sup>

۱. مسلم، صحيح، ج ۴، ص ۴؛ نسائي، سنن، ج ۴، ص ۹۱؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۹۳ (با اندکی اختلاف در عبارت)؛ ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۲؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبر دار المصطفی، ج ۳، ص ۸۸۸ و ۹۱۶.

۲. ابن نجاشی، **تاریخ المدینة المنورة**، ص ۳۰۴.

۳. محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۳۶؛ متن کامل زیارت بقیع در فروع کافی آمده است. (ج ۴، ص ۵۵۹).

۴. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰۳.

۵. ابن نجاشی، همان، ص ۳۰۶.

۶. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹.

بنابراین شایسته است بر کسانی که مورد شفاعت پیامبر<sup>۹</sup> قرار خواهد گرفت، کمال احترام و خصوص را رعایت کرد.

### گنبد و بارگاه‌های بقیع

طبق تصاویری که جهانگردان، سفرنامه‌نویسان و... ارائه کرده‌اند، بیشتر قبور بقیع تا دوران سعودی دارای گنبد و ضریح آهنهای، مسی یا نقره‌ای بوده و کتبه‌ها و سنگ‌نوشته‌هایی نیز داشته‌اند که نام و نشان صاحب قبر بر آن ثبت شده بود.

متاسفانه با تسلط نفگر و هابیت در سرزمین حجاز، بسیاری از آثار تاریخی، که در اعتقادات آنان جایگاهی نداشتند، از جمله بقعه‌های بقیع، شهدای احمد، محمد نفس زکیّه، عبدالله، پدر گرامی پیامبر<sup>۹</sup> و... نیز بقاع مکه و سایر نقاط را تحت عنوان شرک و بدعت تخریب کردند. (**تصویر**)

### شماره (۵۱)

پیش از آنکه بر فراز قبور امامان شیعه، یعنی امام حسن<sup>۷</sup>، امام سجاد<sup>۷</sup>، امام باقر<sup>۷</sup> و امام صادق<sup>۷</sup> گنبد و بارگاهی ساخته شود، سنگ‌نوشته‌ای بر آن قبور بوده که بعضی از جهانگردان و مورخان آن را دیده‌اند. قدیمی‌ترین مورخی که از این سنگ‌نوشته گزارش می‌دهد، مسعودی است. او که در قرن چهارم فوت کرده، می‌نویسد:

بر قبور ایشان سنگ نویشه‌ای دیدم که بر آن نوشته بود:  
**«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ مُبِيدُ الْأَمَمِ وَمُحِيِّ الرُّمُمِ، هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَقَبْرُ الْحَسَنِ بْنِ عَلَيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَعَلَيٍّ بْنِ الْحَسِينِ وَمُحَمَّدٌ بْنُ عَلَيٍّ وَجَعْفَرٌ بْنُ مُحَمَّدٍ».**<sup>۱</sup>

ابن نجّار (متوفّای ۶۴۲ق.) از بنای گنبد و بقعه‌ای در ابتدای بقیع یاد می‌کند که هر روز صبح، درهای آن برای زیارت باز می‌شده است. مطّری گوید: «گنبد آن را خلیفه الناصر عباسی ساخته است». <sup>۲</sup> ابن جبیر و ابن بطوطه، دو جهانگرد مسلمان نیز از گنبد مرتفعی که بر قبر عباس و امام حسن<sup>۷</sup> بوده، گزارش کرده‌اند.<sup>۳</sup> میرزا حسین فراهانی، از سیاحان عصر قاجار نیز در سفرنامه خود

۱. مسعودی، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۲، ص ۲۸۸.

۲. ابن نجّار، اخبار مدینة الرسول، ص ۴۵.

۳. الرحله، ص ۱۵۵؛ ابن بطوطه، سفرنامه، ص ۱۱۳.

می‌نویسد:

چهار ائمه اثنی عشر، در بقیه بزرگی که به طور هشت ضلعي ساخته شده واقع‌اند و گند اندرون آن سفیدکاری است. بنای این بقیه معلوم نیست که از چه وقت بوده است.<sup>۱</sup>

علی بن موسی، از دیگر سفرنامه نویسان عصر عثمانی، قبه و بارگاه اهل بیت: را بزرگ‌ترین قبّه‌های بقیع ذکر کرده است که بعضی از سادات علوی و بزرگان و امرای مدینه کنار آن به خاک سپرده شده‌اند.<sup>۲</sup>

#### (تصویر شماره ۵۲)

قبور دیگری که منابع از گند و بارگاه آنها گزارش کرده‌اند، عبارتند از:  
۱. دختران و همسران پیامبر<sup>۳</sup>; ۲. عقیل و مالک بن انس؛<sup>۴</sup> ۳. حناب ابراهیم فرزند پیامبر<sup>۵</sup>; ۴. فاطمه بنت اسد؛<sup>۶</sup> ۵. عثمان بن عفان؛<sup>۷</sup> ۶. عثمان بن مظعون و...<sup>۸</sup>

#### به خاک آرمیدگان بقیع الف) نخستین مدفون بقیع

##### ۱. عثمان بن مظعون

نخستین کسی که به دستور پیامبر<sup>۹</sup> در قبرستان بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون، صحابه بزرگوار ایشان بود. پیامبر<sup>۹</sup> سنگی بالا و پایین قبر وی قرار داده، فرمودند: «اهل بیت مرا در اینجا دفن کنید.»<sup>۱۰</sup>

هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود.<sup>۱۱</sup>

برخی از شیعیان، قبری را که در انتهای محدوده نخستین بقیع واقع شده - و اهل سنت آن را از آن خلیفه سوم، عثمان بن عفان می‌دانند - به اشتباه گفته‌اند که آن قبر عثمان بن مظعون است، در حالی که وي

۱. میرزا حسین فراهانی، سفرنامه، ص ۲۸۱.

۲. علی بن موسی، رسالت فی وصف المدينة المنورة، ص ۷.

۳. ابی محمد عبدالرحمن رازی، علل الحديث، ج ۱، ص ۳۴۸؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۴۱۲.

۴. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱. سمهودی می‌نویسد: «مروان، خود بر قبر عثمان بن عفان سنگی گذاشت.» (ج ۳، ص ۸۹۴)

در همان ابتدای بقیع کنونی دفن شده است.

### ب) ائمه اطهار:

#### ۱. امام حسن مجتبی<sup>۷</sup>

از قبرهای بسیار محترم و عزیز بقیع، قبر نواده رسول خدا<sup>۹</sup> حسن بن علی بن ابی طالب<sup>۸</sup> سید شباب اهل الجنه است. آن امام همام در سال سوم هجرت متولد و در سال ۵۰ هجرت مسموم شد. از نوبل بن فرات نقل شده که حسن بن علی<sup>۷</sup> به برادر خود حسین<sup>۷</sup> وصیت کرد که درکنار قبر جدش پیامبر<sup>۹</sup> دفن شود؛ اگر بنيامیه مانع شدند، او را در بقیع به خاک بسپارد. هنگامی که امام حسن<sup>۷</sup> وفات یافتند، مروان گفت نمی‌گذارم فرزند علی را در جایی دفن کنم که فرزند عفان را نگذاشتند. امام حسین<sup>۷</sup> نیز ایشان را در بقیع و در مقابر بنيهاشم دفن کردند.<sup>۱</sup> قبر شریف آن حضرت<sup>۷</sup> در ابتدای بقیع و بالای قبر عباس بن عبدالمطلب است.

#### ۲. امام زین العابدین<sup>۷</sup>

علی بن الحسین<sup>۸</sup>، چهارمین امام بزرگوار و ذریعه رسول خدا<sup>۹</sup> در سال ۳۸ هجری در مدینه متولد و در سال ۹۵ ق. مسموم و کنار عمویش حسن<sup>۷</sup> به خاک سپرده شد.

#### ۳. امام باقر<sup>۷</sup>

پیشوای پنجم شیعیان، در سال ۵۷ق. به دنیا آمد و سال ۱۴ق. از دنیا رفت. آن حضرت را کنار پدر گرامی اش به خاک سپردند.

#### ۴. امام صادق<sup>۷</sup>

ششمین پیشوای بزرگ شیعیان، در سال ۸۳ق. به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ق. از دنیا رفت. او را کنار پدرش دفن کردند. قبور ائمه: به این ترتیب است که وقni روپرتوی مرقد آن بزرگواران می‌ایستی پشت سر قبر عباس بن عبدالمطلب اولین قبر در سمت راست از امام حسن<sup>۷</sup>، سپس امام سجاد<sup>۷</sup>، آنگاه امام باقر<sup>۷</sup> و آخرین آن از امام صادق<sup>۷</sup> است.

### ج) عباس بن عبدالمطلب

۱. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، ص ۷۴ مسعودی گوید: «او را در بقیع، کنار قبر مادرش فاطمه ۳ مدفون ساختند». (مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰)

عباس، عموی پیامبر<sup>۹</sup> سه سال پیش از عام الفیل به دنیا آمد<sup>۱</sup> و در سال ۲۲ ق. درگذشت. قبرش کمی جلوتر از قبور چهار امام شیعه است.<sup>۲</sup>  
**(تصویر شماره ۵۳)**

#### د) فاطمه بنت اسد

مادر بزرگوار علی بن ابی طالب<sup>۷</sup> و همسر فداکار ابوطالب، به منزله مادر پیامبر<sup>۹</sup> بود. به روایت طبرانی در **معجم** و ابن حبان در **الثقات**، وقتی او وفات یافت، پیامبر<sup>۹</sup> بر جنازه‌اش حاضر شدند و داخل قبر او خوابیدند و قرآن خواندند؛ آنگاه پیراهن خود که از بُرد یمانی بافته شده بود را کف قبر پنهن کرده و فاطمه بنت اسد را بر آن خوابانیدند، سپس بر او نماز گزارده، فرمودند: هیچ کس جز فاطمه بنت اسد از فشار قبر در امان نمی‌ماند. آنگاه دست به دعا برداشته و فرمودند:

**رحمك الله يا امي بعد امي الله الذي يحيي ويميت و  
هو حي لا يموت، اغفر لامي فاطمه بنت اسد وسع  
عليها مدخلها بحق نبيك والانبياء من قبلك فإنك ارحم  
الراحمين.**<sup>۳</sup>

رسول خدا<sup>۹</sup> برای گشایش قبر فاطمه و آمرزش او، خود و پیامبران قبل از خود را وسیله و واسطه نزد خداوند قرار دادند. «بحق نبیک و الانبیاء من قبلک» این روایت دلیل قاطعی برای رد ادعای وهابیت در خصوص جایز نبودن وسیله قرار دادن اشخاص برای آمرزش و مغفرت است.

پیامبر<sup>۹</sup> در وفات مادر گرامی حضرت علی<sup>۷</sup> بیتابی فراوان می‌کردند. وقتی دلیل آن را برسیدند، فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چرا که کودکان خود را گرسنه می‌داشت و مرا سیر می‌کرد، آنان را خاک‌آلود می‌گذاشت و مرا شسته و آراسته می‌داشت، به راستی که او مادرم بود.»<sup>۴</sup>

گفتنی است که فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت.

۱. سن او سه سال از پیامبر<sup>۹</sup> بیشتر بود.

۲. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۱۲۷، بسیاری از سیاحان و مورخان، از بنای قبه بزرگ و باشکوهی بر قبر وی و چهار امام شیعه که هم‌اکنون آثار پایه‌های دیواره آن نیز دیده می‌شود، خبر داده‌اند.

۳. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۸؛ ابن عبد البر، همان، ج ۴، ص ۳۸۲.

۴. یعقوبی، تاریخ الیقوی، ج ۱، ص ۳۶۸.

قبر ایشان در کنار قبر عباس بن عبدالملک و ائمه بزرگوار اهل بیت است. تاریخ نگارانی که قبه و بارگاه فاطمه بنت اسد را در شمال شرقی؛ آخرين حد کنونی بقیع و نزدیک قبر ابوسعید خدری و سعد بن معاذ دانسته‌اند<sup>۱</sup> بر این باورند که این قبر فاطمه<sup>۲</sup> دختر پیامبر<sup>۹</sup> است؛<sup>۳</sup> زیرا با توجه به شدت علاقه رسول خدا<sup>۹</sup> به فاطمه بنت اسد، بعید مینماید او را در آخرين نقطه بقیع به خاک سپرده باشند، صمناً آنجا در آن عصر خارج از محدوده بقیع بوده است.

#### ه) دختران رسول خدا<sup>۹</sup>

##### ۱. رقیه

رقیه، دختر پیامبر<sup>۹</sup> ابتدا همسر عتبة بن ابی لهب بود، که بعد از اسلام، از همسرش جدا شد و به عقد عثمان بن عفان درآمد.<sup>۴</sup> روایت شده که فاطمه<sup>۵</sup> کنار قبر رقیه می‌گردید و پیامبر<sup>۹</sup> با جامه خود اشک چشمان او را پاک می‌کردند.<sup>۶</sup> گفتني است رقیه هنگام جنگ بدر از دنیا رفت و عثمان بن عفان، همسر وی، که به سبب مریضی رقیه از جنگ بازمانده بود، او را به خاک سپرد.<sup>۷</sup> پیامبر<sup>۹</sup> فرمود: او را کنار عثمان بن مطعون به خاک بسپارید.<sup>۸</sup>

##### ۲. زینب

زینب، بزرگترین فرزند رسول الله<sup>۹</sup> بود که پیش از اسلام به ازدواج ابوال العاص بن ریبع درآمد. همسر وی که در مکه مانده بود در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از چندی مسلمان شد و به زینب<sup>۹</sup> پیوست. دختر گرامی پیامبر<sup>۹</sup> در سال هفتم هجرت از دنیا رفت و پیامبر<sup>۹</sup> نیز بر او نمازگزارد و کنار خواهersh رقیه؛ یعنی در جوار عثمان بن مطعون به خاکش سپرد.<sup>۹</sup>

#### ۳. امّ کلثوم

۱. ابن عماد حنبلي، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۵؛ ابن نجار، همان، ص ۳۱۰؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۰۵.
۲. ر.ک: بحث بیت و مرقد فاطمه<sup>۳</sup> در قسمت مسجد النبي<sup>۹</sup>.
۳. مصعب زیری، نسب قریش، ص ۲۲؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۸۴.
۴. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۷.
۵. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۴.
۶. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۱۳؛ ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۴، ص ۳۱۱.

هنگامی که امّ کلثوم دختر پیامبر<sup>۹</sup> در سال هشتم هجرت وفات یافت، در کنار دو خواهرش رقیه و زینب مدفون شد. امّ کلثوم همسر عتبیه بن ابی لعب بود که بعد از اسلام از همسرش جدا شد و پس از فوت رقیه به عقد عثمان بن عفان درآمد.<sup>۱</sup>

#### و) همسران رسول الله<sup>۹</sup>

این قبرها در «خانه عقیل» بوده و بعدها در این مکان سنگ قبرهای آن یافت شده است. غیر از میمونه و خدیجه<sup>۸</sup>، دیگر همسران پیامبر<sup>۹</sup> در این محل مدفون‌اند که عبارتند از: امّ سلمه، امّ حبیبه، عایشه، سوده، جويریه، حفصة، صفیه، زینب و ماریه قبطیه. این قبرها، همگی در کنار هم و کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر<sup>۹</sup> قرار دارند.

#### ز) ابراهیم فرزند پیامبر<sup>۹</sup>

ابراهیم، که مادرش «ماریه قبطیه» بود، در ذی‌حجه سال هفتم هجری به دنیا آمد. اما در هیجده ماهگی از دنیا رفت. پیامبر<sup>۹</sup> فرمود: «او را در بقیع، کنار عثمان بن مظعون دفن کنند». پیامبر<sup>۹</sup> چهار تکبیر بر او گفت و بر روی قبر وی آب پاشید. ابراهیم نخستین کسی بود که بر قبرش آب پاشیدند.<sup>۲</sup>

#### ح) عمه‌های رسول خدا<sup>۹</sup>

عمه‌های گرامی حضرت رسول<sup>۹</sup> در کنار دیوار غربی بقیع دفن شدند.<sup>۳</sup> این قسمت که درگذشته از بقیع جدا بوده، به سبب وجود قبر صفیه و جمانه دختران عبدالملک، عمه‌های پیامبر<sup>۹</sup> به «بقیع‌العمات» معروف است. برخی گویند در کنار قبور عمات الرسول، قبر ام البنین<sup>۲</sup> مادر گرامی ابوالفضل العباس<sup>۷</sup> است، اما هیچ‌یک از منابع تاریخی به این موضوع اشاره ندارند.<sup>۴</sup>

۱. مصعب زبیری، همان، ص ۲۲.

۲. ابن شیبہ، همان، ج ۱، ص ۹۸، مرگ ابراهیم فرزند پیامبر<sup>۹</sup> بر آن حضرت بسیار سنگین و بود. در هنگام مرگ وی خسوفی رخ داد و باعث شد تا مردم تصور کنند خورشید در مرگ او گرفته شده است! لذا پیامبر<sup>۹</sup> به شدت این اعتقادات را نکوهش کرد و فرمود: «خورشید و ماه در مرگ کسی کسوف یا خسوف نمی‌کنند».

۳. سمهودی، همان، ص ۲۹۴.

۴. ر. ک: محمدصادق نجمی، تاریخ حرم ائمه بقیع، ص ۲۸۳.

**ط) قبور صحابه و تابعین**

خانه عقیل در وسط بقیع، علاوه بر آنکه محل دفن او گردید، برخی از صحابه و تابعین نیز در داخل یا اطراف آن مدفون شدند که قبرشان کمی بالاتر از قبور همسران پیامبر<sup>۹</sup> زیارت می‌شود و همگی دارای بقیعه بوده‌اند که عبارتند از: عبدالله بن جعفر (همسر زینب<sup>۲</sup> ف، ۸۰)، محمد بن زید (نواده امام سجاد<sup>۷</sup>)، سفیان بن حارث (ف۲۰)، عبدالله بن مسعود (ف۳۲)، عثمان بن عفان (۲۵)، مالک بن انس (۱۷۴ ق)، ابوعبدالله نافع الفقيه (ف۱۲۰ ق). همچنین در انتهای قبرستان بقیع در کنار دیوار شمالی، قبر ابوسعید خدری صحابی و نیز حلیمه سعدیه مادر رضاعی رسول خدا<sup>۹</sup> قرار دارد که بقیعه و بارگاهی بر فراز قبر آنان بوده است.<sup>۱</sup> و کمی پایین‌تر از آنها یعنی ۵۰۰ متری شمال قبر عثمان بن عفان قبر سعد بن معاذ است که برخی آن را از حلیمه سعدیه می‌دانستند.

**ی) برخی از شهیدان أحد**

پس از نبرد احد، برخی از مجروحان پس از چندی در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع دفن شدند. این شهدا، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست، در شمال شرقی بقیع، حدود بیست متر بالاتر از قبر ابراهیم فرزند پیامبر<sup>۹</sup> و سمت چپ آن، به خاک سپرده شده‌اند.

**شهدای واقعه حرّه**

در سال ۶۳ هجری به دستور یزید، مسلم بن عقبه مُری برای سرکوبی مردم مدینه، که بر ضد حکومت یزید قیام کرده بودند، عازم این شهر شد و در «حرّه واقم»<sup>۲</sup> به قتل عام مردم مدینه پرداخت. در این قتل عام، حدود هفت هزار نفر از ساکنان شهر مدینه، که بیشترشان از انصار، مهاجر، سادات و شیعیان بودند، کشته شدند و نوامیس مردم مورد تجاوز سپاه بنی‌امیه قرار گرفت.<sup>۳</sup> قبور شهدای حرّه کمی بالاتر از قبور مجروحان احد است. در کنار قبور این شهدا، اسماعیل بن جعفر بن محمد صادق<sup>۷</sup> مدفون است.

۱. بنگرید به نقشه بقیع.

۲. مدینه میان دو حرّه واقع شده که یکی از آنها حرّه واقم است و پیامبر<sup>۹</sup> میان این دو حرّه را حرم قرار دادند. (رسک: الجندي المكي، فضائل المدينة، ترجمه نگارنده این سطور، فصلنامه میقات حج، شماره ۵).

۳. ابن اثیر، الكامل في التاريخ، ج، ص ۱۱۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبيين، ص ۱۲۳.

### ک) سایر مدفونشدگان در بقیع

همانگونه که پیشتر گفتیم، بیش از ده هزار نفر از صحابه، تابعان، قاریان، سادات، بنی‌هاشم، نوادگان ائمه و... در بقیع مدفون هستند<sup>۱</sup> که مکان دفن آنها روشن نیست؛ معروف‌ترین آنها عبارتند از:

۱. ابی بن کعب: احتمالاً ایشان در منزل خود، که بعدها به مسجد تبدیل شد، دفن شده‌اند پیامبر<sup>۲</sup> در مسجد ابی بن کعب بسیار نماز گزاره‌اند آن را مسجد بقیع و بن جدیله هم گفته‌اند.<sup>۳</sup> موقعیت مسجد ابی بن کعب رو به روی قبور ائمه: و سمت راست در ورودی بقیع بوده است. امروزه اثر قبری در آنجا وجود دارد که شاید به او متعلق باشد.
۲. مقداد بن اسود.<sup>۴</sup> خالد بن سعید؛<sup>۵</sup> مالک بن حارث؛<sup>۶</sup> ابوالهیثم التیهان؛<sup>۷</sup> جابر بن عبد‌الله انصاری؛<sup>۸</sup> خزیمه ذوالشهادتین؛<sup>۹</sup> ابوذجانه انصاری؛<sup>۱۰</sup> سعد بن عباده خزرجی؛<sup>۱۱</sup> زید بن ارقم؛<sup>۱۲</sup> حسان بن ثابت؛<sup>۱۳</sup> حمیده و رقیه همسران مسلم و عبدالرحمن بن عقیل؛<sup>۱۴</sup> حسن مثنی؛<sup>۱۵</sup> جعفر بن حسن<sup>۱۶</sup>؛<sup>۱۷</sup> خنیس بن حذافه؛<sup>۱۸</sup> معاذ صهیب بن سنان؛<sup>۱۹</sup> ابوطلحه انصاری؛<sup>۲۰</sup> اسید بن حضیر؛<sup>۲۱</sup> بن جبل؛<sup>۲۲</sup> قتادة بن نعمان؛<sup>۲۳</sup> ارقم بن ابی ارقم؛<sup>۲۴</sup> مسطح بن اثاثه؛<sup>۲۵</sup> زید بن ثابت؛<sup>۲۶</sup> محمد بن مسلمه؛<sup>۲۷</sup> سالم، غلام ابوحدیفه؛<sup>۲۸</sup> عبدالرحمن بن عوف؛<sup>۲۹</sup> اسعد بن زراده، اینها پیرامون قبر عقیل و عبدالله به جعفر و حدوداً وسط محدوده اصلی قبرستان مدفون هستند.

ضمناً تعدادی از نوادگان امام کاظم<sup>۷</sup>، امام سجاد<sup>۸</sup>، امام صادق<sup>۹</sup> و عباس بن علی<sup>۱۰</sup> نیز در بقیع مدفون هستند. «رَحْمَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ دُفِنَ فِي الْبَقِيعِ. اللَّهُمَّ اخْشُرْنَا مَعَهُمْ».

### بیت‌الاحزان

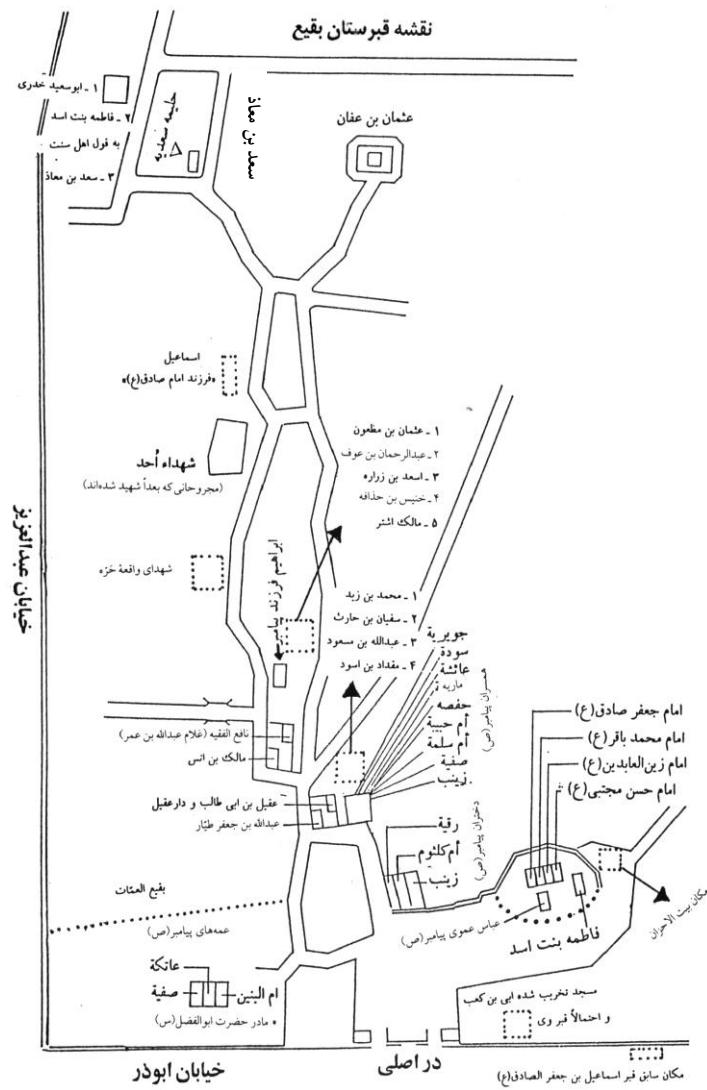
بر اساس برخی روایات، فاطمه زهرا<sup>۱۱</sup>، در فراق پدر بزرگوار خود و شیکوه از اوضاع زمانه، در گوش‌هایی از بقیع به گریه و زاری می‌پرداخت. این محل، که چونان خانه‌ای بدون سقف بود، بعدها مقبره او نام گرفت و سپس به «مسجد فاطمه» مشهور شد. مکان آن، کنار قبر عباس و ائمه شیعه بوده است.

آنجا که بعدها «بیت‌الاحزان» نامیده شد، در دوران عثمانی ضریحی

۱. سمهودی، همان، ج<sup>۳</sup>، ص ۹۱۶.

۲. همان، ص ۲۸۰.

کوچک از آهن داشت که زائران آن را زیارت می‌کردند. در دوران سعودی، همراه با تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، آن ضرب را نیز برداشتند.



### ب) زیارتگاه شهدای أحد

در سال سوم هجری، مشرکان برای انتقام از شکست بدر به بسیج نیرو پرداختند و با سپاهی متشکل از پنج هزار نیروی جنگجو، به فرماندهی ابوسفیان، به سوی مدینه روان گشتند و در شمال شهر، کنار کوه أحد استقرار یافتند.

نیروهای سپاه اسلام، که تعداد آنان هفتاد نفر بود، پیشقدم شده و در دامنه أحد مستقر شدند و آن را چون یک دژ مستحکم طبیعی، پشت سر سپاه خود قرار دادند.

در سمت چپ استقرار نیروهای اسلام، تپه یاکوه کوچکی است به نام «جبل العینین». از این تپه تا نخلستان‌های درهم تنیده و غیر قابل عبور، مَعْبر یا تنگه کوچکی بود که پیامبر<sup>۹</sup> برای تأمین عقبه سپاه، پنجاه تیرانداز را به فرماندهی «عبدالله بن جبیر» بر این تپه گمارد تا به حفاظت از آن گذرگاه بپردازنند؛ لذا این تپه به «جبل الرماة» معروف شد.

تپه یاد شده، که همچنان موجود است، رو به رو و سمت جنوب مقبره شهدای أحد و کوه أحد واقع شده و امروزه زائران بالای آن رفته و خاطره آن نبرد بزرگ را در ذهن خود مجسم می‌سازند.

در این جنگ، به سبب رها کردن تنگه، ضایعات جبران‌ناپذیری به سپاه اسلام وارد شد؛ از جمله: شهادت یکی از بهترین حامیان پیامبر<sup>۹</sup>؛ یعنی حضرت حمزه سید الشهداء به همراه پرچمدار اسلام، مُصْعَب بن عمیر، عبدالله بن جخش و فرمانده تیراندازان و نگهبانان تنگه؛ یعنی عبدالله بن جبیر و بیش از هفتاد تن از بهترین صحابه پیامبر خدا<sup>۹</sup>.

پیامبر<sup>۹</sup> میان انبوہ دشمن تنها ماند و جز علی<sup>۷</sup> و محدود یاران پایدار و مقاوم وی، که همواره کنار آن حضرت حضور داشتند و شجاعانه از حان ایشان حفاظت می‌کردند، بقیه صحابه گریختند و به دامنه أحد عقبنشینی کردند. در این درگیری، پیشانی و دندان آن حضرت شکست. علی<sup>۷</sup> ناگزیر ایشان را به سمت أحد برد و در شکافی جراحات ایشان را مدوا کردند. این غار یا شکاف، امروزه در شمال مقابر شهداء و در دامنه أحد است. از داخل این شکاف بوی بسیار خوشی به مشام می‌رسد که همانند بویی است که در مکه در غار حرا به مشام می‌رسد. در یک جای دیگر نیز یعنی مسجد فتح در منطقه خندق همین بو را می‌توان استشمام کرد که به نظر نگارنده جز رائحة رسول خدا<sup>۹</sup> نیست. **(تصویر شماره ۵۴)**

به دستور پیامبر<sup>۹</sup> حمزه<sup>۷</sup> و دیگر شهدا را، که همه مُثُله شده بودند،

پس از اقامه نمار، در همان معركه جنگ و با لباس‌های خود به خاک سپردهند.<sup>۱</sup>

عموی گرانقدر رسول الله<sup>۹</sup> ابتدا به وسیله زوبین وحشی، غلام جبیر بن مطعم، کنار جبل الرماة مجروح شد و خود را تا دامنه این تپه کشانید و سپس به دیدار خدا شتافت. پیامبر<sup>۹</sup> بر جنازه او، که گوش و بینی اش بریده و سینه‌اش دریده شده بود، با تأثر و خشم ایستادند<sup>۲</sup> و فرمودند: هرگز چنین مصیبتي به من نرسیده است و تاکنون جايی نایستاده‌ام که از حایگاه کنونی خشمگین‌تر باشم.<sup>۳</sup> آنگاه فرمان دادند جسدش را با پارچه‌ای کفن کرده و آنگاه هفتاد تکبیر بر روی گفتند. سید و سالار شهدای احد را همراه مصعب بن عمیر در یک قبر دفن کردند. بعضی گفته‌اند عبدالله بن جحش نیز که خواهرزاده حمزه<sup>۷</sup> بود، همراه آنان به خاک سپرده شد. کسانی نیز گفته‌اند: هیچ کس همراه ایشان در قبر دفن نشد.<sup>۴</sup>

قبور این سه بزرگوار رو به رو و شمال تپه جبل الرماة، کمی جلوتر (حدود پنجاه متر) از دیگر شهدا قرار دارد. در دوران عثمانی، بر مقبره عموی پیامبر<sup>۹</sup>، گبید و بارگاه زیبایی وجود داشت.

در دوران سعودی، به اعتراف نویسنده‌ای سعودی، یعنی یاسین الخیاری، مردم، کنار این مقبره که به «مسجد حمزه<sup>۷</sup>» معروف بود، نذر می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند، لذا مسؤولان برای جلوگیری از این اعمال گبید و بارگاه وی را تخریب کردند. سرانجام در سال ۱۳۸۳ق. برای عدم دسترسی زائران، در اطراف قبور شهدا ای احد دیواری کشیدند و آن را محصور کردند.<sup>۵</sup> اکنون این دیوار با دری آهنین مانع تماس و نزدیکی زائران با قبور محترم شهدا ای احد است. (تصویر شماره ۵۵)

۱. برای آگاهی بیشتر از واقعه جنگ احاد، ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۳، ص ۶۰ – ۱۲۰؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۹۹ به بعد؛ زهری، المغازی، ص ۶۰ به بعد و همچنین مقاله نگارنده این سطور، با عنوان «احد در بستر تاریخ» (مجله میقات حج، شماره ۸).

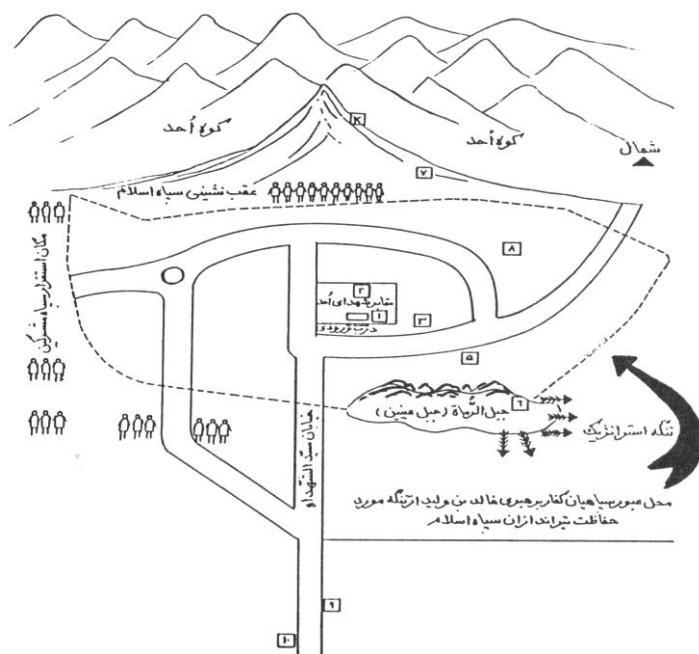
۲. ابن ای حاتم رازی، علل الحديث، ج ۱، ص ۳۵۲.

۳. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ عساف احمد بن محمد، خلاصة الأثر في سيرة سید البشر، ص ۱۷۴.

۴. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ به دستور پیامبر<sup>۹</sup> بعضًا هر سه نفر را داخل یک قبر دفن کردند. (محمدبن جریر طبری، تهذیب الآثار،سفرالثانی، ص ۵۲۴ و ۵۲۵).

۵. یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه، ص ۱۳۷.

## نقشه تقریبی صحنه نبرد و آثار تاریخی منطقه احمد



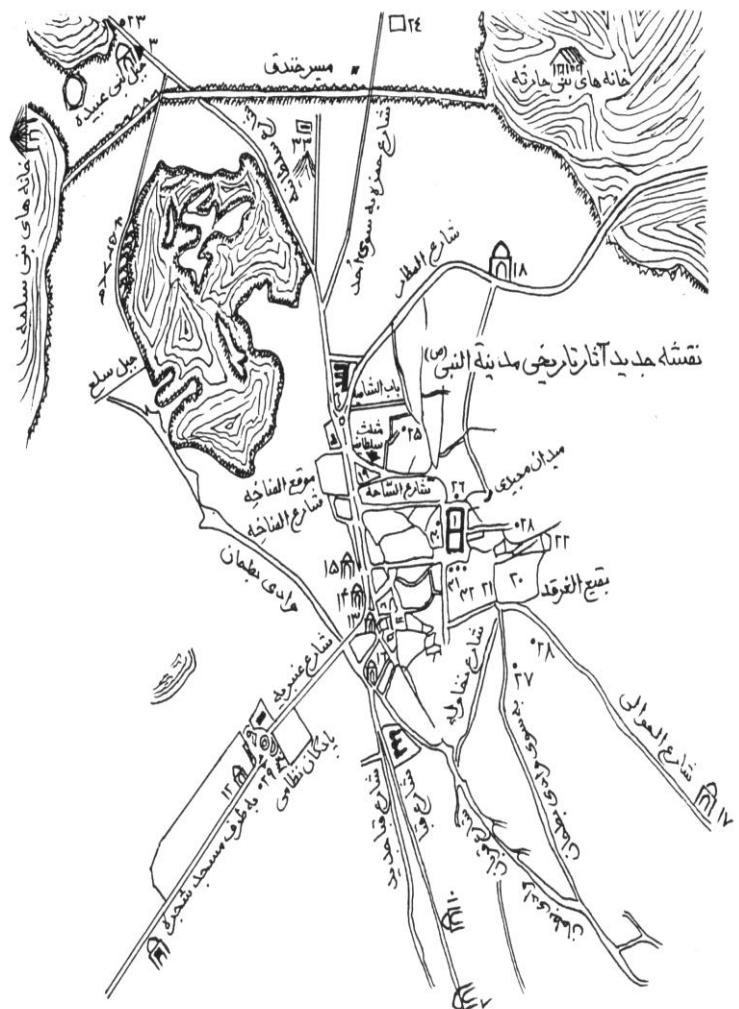
### شرح نقشه

۱. قبر حضرت حمزه<sup>۷</sup>; مصعب بن عمیر؛ عبد الله بن جحش.
۲. قبور سایر شهداء.
۳. مسجد جدیدالاحداث احد که به نامهای امام علی<sup>۷</sup> و حضرت حمزه<sup>۷</sup> نیز معروف است.
۴. پناهگاه حضرت رسول<sup>۹</sup> هنگام جراحت و عقب‌نشینی (شکاف باریک در کوه).
۵. مکان مسجد المصرع: الوادی (مکان شهادت حضرت حمزه<sup>۷</sup>) که در دوران سعودی تخریب شده است.
۶. مکان مسجد الرماة: مکان استقرار تیراندازان سپاه اسلام، که امروزه اثرب از آن نیست.
۷. مکان مسجد الفسح: مسجد جبل احد؛ این مسجد در قرون گذشته رو به ویرانی رفته است و اکنون چهار دیواری مخروبه آن دیده می‌شود.
۸. مکان قبة الشایا: مکانی است که دندان حضرت رسول<sup>۹</sup> شکسته شد.
۹. مسجد المستراح: مکانی است که پیامبر<sup>۹</sup> پس از بازگشت از نبرد احد در این مکان به استراحت پرداختند. این مسجد اکنون در کنار مدرسه عمرو بن جموح قرار دارد.
۱۰. مسجد الدرع (البدائع): شیخان؛ پیامبر<sup>۹</sup> هنگام عزیمت به سوی احد، در این مکان نماز عصر، عشا و صبح را اقامه کردند و زره و لباس جنگی خود را برای این امر در این مکان گذارند.

### ج) آرامگاه‌های تخریب شده (دوران سعودی)

زیارتگاه‌های دیگری هم در مدینه وجود داشت که توسط سعودی‌ها تخریب شده‌اند، مانند قبر عبدالله پدر گرامی رسول خدا<sup>۹</sup> در ۵۰ متری غرب باب السلام مسجدالنبوی<sup>۹</sup> در شارع مناخه، قبر محمد نفس زکیه نواده امام حسن<sup>۷</sup>، که در سال ۱۴۵ق شهید شد در پشت کوه سلع (پشت مساجد سبعه)، زیارتگاه علی عربی‌ضی براادر امام کاظم<sup>۷</sup> که در حاشیه کمریندی مدینه به سمت فرودگاه، در قریه عربیض قرار داشته است.

نقشة جديدة لأثار تاریخی مدینة النبی ﷺ



## بخش دوم: مدینه منوره سرزمین و حرم خاتم النبیین<sup>۹</sup>

شرح نقشه	۱۸. مسجد ابوذر غفاری در شارع ابوذر؛	۱۹. مسجد بنی‌ساعده و سقیفه بنی‌ساعده؛	۲۰. بقیع الغرقد؛	۲۱. مکان قبلی قبر اسماعیل بن جعفر الصادق؛	۲۲. قبر ابی سعید خدیری در پایان بقیع؛	۲۳. مقبره محمد نفس زکیه نوہ امام حسن؛	۲۴. مقبره حمزه و شهدای احمد؛	۲۵. چاه قضاعه، تخریب شده است؛	۲۶. چاه حاء، تخریب شده است؛	۲۷. چاه بصه، تخریب شده است؛	۲۸. چاه اریس، تخریب شده است؛	۲۹. چاه سقیا، تخریب شده است؛	۳۰. هیأت امر به معروف؛	۳۱. محکمه شرعی؛	۳۲. کتابخانه عمومی مدینه؛	۳۳. جبل الرایه، مسجد ذباب؛	۳۴. میدان عنبریه.	۱. مسجد شریف نبوی؛	۲. مسجد قبا در شارع قبا؛	۳. مسجد ذو قبلتین در شارع سلطانیه؛	۴. مسجد فتح: احزاب؛	۵. مسجد سلمان فارسی؛	۶. مسجد ابی بکر؛	۷. مسجد عمر بن خطاب؛	۸. مسجد فاطمه؛	۹. مسجد علی بن ابی طالب؛	۱۰. مسجد جمعه: بنی‌سالم در شارع قبا؛	۱۱. مسجد شجره در شارع عروه به سوی جده؛	۱۲. مسجد سقیا میدان عنبریه؛	۱۳. مسجد غمامه: مصلی اعیاد؛	۱۴. مسجد ابی بکر: مصلی اعیاد؛	۱۵. مسجد علی؛ مصلی اعیاد؛	۱۶. مسجد عمر بن خطاب: مصلی اعیاد؛	۱۷. مسجد فضیخ: شمس در شارع عوالی؛
----------	-------------------------------------	---------------------------------------	------------------	---	---------------------------------------	---------------------------------------	------------------------------	-------------------------------	-----------------------------	-----------------------------	------------------------------	------------------------------	------------------------	-----------------	---------------------------	----------------------------	-------------------	--------------------	--------------------------	------------------------------------	---------------------	----------------------	------------------	----------------------	----------------	--------------------------	--------------------------------------	--	-----------------------------	-----------------------------	-------------------------------	---------------------------	-----------------------------------	-----------------------------------

## خلاصه درس

شهر مدینه در شمال غربی شبیه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده است. مدینه در احاطه چندین کوه قرار دارد؛ کوه احمد در شمال، کوه عیر در جنوب و کوه جماوات در غرب. در مدینه شش وادی وجود دارد: عقیق، بطحان، قناه، رانونا، مدینب و

مهروز. مدینه برخلاف مکه به لحاظ بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی‌برد.

کوه‌های مدینه عبارتند از: أحد؛ در روایتی، از پیامبر<sup>۹</sup> آمده است: «کوه أحد از کوه‌های بهشت است.»

کوه عینین یا الرُّمَة که در نبرد مهم أحد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک پایگاه استراتژیک ایفا کرده است.

کوه سلع در شمال غرب مدینه که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. از دیگر کوه‌های مدینه می‌توان به سُلیع، تُور و ذیاب اشاره کرد.

در مدینه برای استقبال یا بدرقه سپاهیان شیه‌هایی وجود داشته از جمله ثنيةالوداع، ثنيةالشريد، ثنيةالركاب و ثنيةالعثَّث.

مدینه تا عصر سعودی دارای حصار و دروازه‌هایی بود. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعییه کرده بودند.

مقابر و زیارتگاه‌های مدینه عبارتند از: قبرستان بقیع که از رسول گرامی اسلام<sup>۹</sup> روایت شده از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمانها و زمین را روشن می‌کند. همچنین هفتاد هزار نفر از آن قبرستان بدون حساب و کتاب به بهشت می‌روند و مورد شفاعت پیامبر<sup>۹</sup> قرار می‌گیرند. در این قبرستان علاوه بر چهار امام بزرگوار شیعه، همسران رسول خدا<sup>۹</sup>، دختران آن حضرت و بسیاری از صحابه و تابعین و نوادگان ائمه نیز دفن هستند. تا دوران آل سعود بسیاری از این قبور دارای بقیع بوده که همه در این عصر توسط وهابیها تخریب گردیده است. در کنار قبور امامان شیعه، محل بیت الاحزان فاطمه دختر رسول خدا<sup>۹</sup> قرار داشته است.

از دیگر زیارتگاه‌های مدینه می‌توان به زیارتگاه شهدای أحد اشاره کرد که در دامنه کوه أحد و محل این نبرد قرار دارد.

### خودآزمایی

۱. کوه‌های مدینه را نام بده و اهمیت هر یک را بیان کنید.
۲. وادی‌های مدینه کدامند و چه روایاتی در مورد آنها نقل شده است؟
۳. ثنایاتی مدینه را نام ببرید.
۴. حصارها و دروازه‌های مدینه و علت شکل‌گیری آنها را بیان کنید.

۵. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه و فضائل آن را تشریح کنید.
۶. تاریخچه قبرستان بقیع و فضائل آن را شرح دهید.
۷. زیارتگاه احد در کدام نقطه مدینه قرار دارد و چه کسانی در آنجا  
مدفون هستند؟



## موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن

### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با سیر شکل‌گیری شهر یشب آشنا شویم.
- فضایل شهر مدینه را بدانیم.
- از نحوه هجرت پیامبر<sup>۹</sup> به مدینه آگاه شویم.
- با مساجد منطقه قبا و نحوه شکل‌گیری هر یک آشنا شویم.
- مساجد اطراف مسجدالنبوی<sup>۹</sup> را بشناسیم.
- تاریخچه مساجد هفتگانه منطقه غزوه احزاب و سیر تاریخی هر یک را بدانیم.
- مساجد پیرامون منطقه احد و نحوه شکل گیری این مساجد را بدانیم.

### مدخل

در این درس، تاریخچه پیدایش شهر یشب و جایگاه آن در شبه جزیره و نخستین کسانی که در آنجا ساکن شدند و نیز علت انتخاب این شهر به عنوان پایتخت حکومت اسلامی در عصر پیامبر<sup>۹</sup>، مورد بحث قرار می‌گیرد و همچنین از مساجدی که در مدینه در عصر رسول خدا<sup>۹</sup> ساخته شده و نشان از حضور آن حضرت در جای جای مدینه است، سخن گفته و مناطق مختلف مدینه که هر یک یادآور یک واقعه تاریخی و سرنوشت‌ساز در عصر پیامبر<sup>۹</sup> است، تشریح و آثار آن معرفی می‌گردد.

### تاریخچه یشب (مدینة النبی<sup>۹</sup>)

مورخان در مورد نخستین ساکنان یشب پس از طوفان نوح<sup>۷</sup>، اختلاف نظر دارند که برخی از آن نظرات به شرح زیر می‌باشد:

۱. بعضی گفته‌اند: هنگامی که مردم، از کشتنی نوح<sup>۷</sup> که بر کوه

جودی نشسته بود، خارج شدند، به سوی یترب رهسپار شدند؛ محل فرود این عده بعدها به سبب تعداد آنان «بازار هشتاد» نامیده شد. آنان تنها ماندگان و زندگان پس از طوفان نوح<sup>۷</sup> بودند.<sup>۱</sup> فرزندان «عَبَيل» در یترب فرود آمدند و این شهر به نام نخستین ساکن آن یعنی «یترب بن عَبَيل بن عَوص ابن إِرمَن سَامَ بن نوح<sup>۷</sup>»،<sup>۲</sup> یترب نامیده شد.

۲. بعضی اولین ساکن مدینه پس از طوفان را «یترب بن قانیه بن مَهْلَابِيل بن إِرمَن عَبَيل بن عَوص ابن إِرمَن سَامَ بن نوح<sup>۷</sup>» دانسته‌اند.<sup>۳</sup>

۳. برخی نیز گویند: هنگامی که عمالقه در سرزمین‌ها پراکنده شدند، بعضی از آنان در یترب فرود آمده و ساکن شدند. آنان از فرزندان عملیق بن لود بن سام بن نوح بودند.

### ورود یهود به یترب

يهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. مورخان، تاریخ مهاجرت‌های اولیه یهود را از هزار تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح ثبت کرده‌اند. در زمان سلطنت داود نبی<sup>۷</sup>، درگیری‌ها و اختلافاتی میان فرزندان وی به وقوع پیوست. در این زمان، یکی از فرزندان او به نام «اشالوم» همراه گروهی از بنی‌اسرائیل به خیر و دیگر سرزمین‌های شبه جزیره‌العرب از جمله شام رفتند.<sup>۴</sup>

نبونید، حاکم بابل، شماری از عراقی‌ها را همراه خود آورد و در این مناطق (حجاز) ساکن ساخته بود. در میان ایشان یهودیانی از بابل و فلسطین بودند. پیش از این نیز یهودیانی هم‌زمان با مهاجرت به فلسطین به اینجا کوچ کرده و تا روزگار ظهور اسلام در آن ساکن بوده‌اند.<sup>۵</sup>

علمای یهود توصیف پیامبر خدا<sup>۹</sup> در تورات را دیده بودند که در آن آمده بود: این پیامبر در مکه مکرمه ظهرور کرده و سپس به سوی سرزمینی که میان دو حرّه واقع و دارای نخل است مهاجرت می‌کند. پس آنان در

۱. سمهودی، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفى، ج ۱، ص ۱۵۶.

۲. مسعودی، یترب را فرزند «قانیه بن مهلهل بن ارم بن عَبَيل» ذکر کرده است که در مدینه فرود آمده و این شهر به نام وی مشهور شده است. (مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۵۵).

۳. پیشین.

۴. ابن خالدون، العرب، ج ۱، ص ۹۲ و ۹۳.

۵. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۴۵۲.

جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام از شام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یشرب یافتند، در آنجا ساکن شدند.<sup>۱</sup>

کسانی چون استرابون و پلینیوس، در میان دولت‌های جزیره العرب از دولت یهود نام برده‌اند.<sup>۲</sup> در هر حال، قبایل یهود که به یشرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی‌قریطه<sup>۳</sup> و بنی‌نصری؛ که در «عالیه» فروود آمدند و امروزه آن را «العالی»<sup>۴</sup> می‌نامند. ایشان در این منطقه به حفر چاهها و کاشت درختان پرداختند. بعضی از قبایل عرب نیز در کنار آنان فروود آمده و ساکن شدند.

۲. قبایل بنی‌قینقاع<sup>۵</sup> در منطقه «الصاغه» فروود آمدند که خیابان قربان امروزی است. منازل عالی و زیبای آنان در شمال غربی «مدشونیه»<sup>۶</sup> ساخته شد. این خانه‌ها بسیار مستحکم و مانند حصن یا قلعه بود که به آن «اطم» می‌گفتند.

### ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یشرب

به جز قبایل یهود و اعرابی که در یشرب ساکن بودند، تعدادی از اعراب نیز از یمن و جنوب شبیه جزیره کوچ کرده و در سرزمین‌های شمالی، از جمله یشرب و غسان ساکن شدند.<sup>۷</sup> این مهاجران به علت انتساب به «یَعْرَب این قحطان»، «اعرب قحطانی» نامیده شدند؛ در مقابل ایشان،

۱. ابن نجار، اخبار المدینه، ص ۱۳.

۲. جواد علی، همان.

۳. بنی‌قریطه یکی از قبایل ساکن مدینه است که با خزرج هم‌پیمان بودند و پیامبر<sup>۹</sup> پس از عهدشکنی همه آنان را از بین برداشت.

۴. «عالی» منطقه‌ای است در جنوب شرقی مسجدالنبو<sup>۹</sup> و امروزه خیابان آن به نام شارع علی بن ابی طالب<sup>۷</sup> معروف است. بیشتر شیعیان مدینه در این منطقه ساکن هستند و بر مدارس آنان نام‌های ائمه دیده می‌شود.

۵. پیامبر<sup>۹</sup> علیه پیمان شکنان یهود از بنی قینقاع وارد جنگ شد. غزوه بنی قینقاع در تاریخ مشهور است.

۶. «مدشونیه» تا امروز به همین نام معروف و نام باغ‌هایی در شارع قربان کنونی است. (رس: یاسین الخیاری، تاریخ المدینه المنوره قدیماً و حدیثاً)

۷. ابراهیم یضیون، سهیل زکار، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، ص ۲۸.

اعرابی که در حجاز و به ویژه مگه ساکن و از فرزندان عدنان از نسل اسماعیل<sup>۷</sup> بودند، «اعرب عدنانی» نامیده شدند.

اعرب جنوبي یا قحطاني، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مگه، از تمدن و شهرنشينی برخوردار بودند و کار و بیشه اصلي آنان کشاورزي، زراعت، تولیدات و مصنوعات دستي بود؛ چون يترب در سراسر شبه جزیره امتيازات و ویژگي‌های مورد نظر آنان را داشت، آنجا را برای سکونت مناسب ديدند.

از میان اعراب یمانی که در يترب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر<sup>۹</sup> آنان را «أنصار» نامید، با یهود بنی قريظه و بنی نضير پیمانهای بستند.<sup>۱</sup> اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر يترب با یكديگر رقابت می‌کردند. منابع تاريخي سرشار از شرح وقایع، جنگها و ستیزهای اين دو طایفه با یكديگر است که به آنها « أيام العرب» گفته می‌شد.

درگيري و كشتار میان اوس و خزرج، امري عادي و کاري روز مرّه بود، در حالی که هیچ کس در اين منطقه نبود تا بتواند اين دو رقیب را با هم تفاهم دهد و به زیر سلطه و نفوذ خود درآورد و به عبارتی، کسی نبود که حرف آخر را بزند. به گفته ولهاوزن:

نزاع و تخاصمي که وجود داشت زندگي را برای تode مردم سخت می‌نمود، تنها يك مرد می‌خواست که بتواند اين جامعه متفرق را انتظام بخشد.<sup>۲</sup>

خداؤند در اين زمان، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر<sup>۹</sup>، آنان را به هدایت و صلاح و دوستي رهنمون ساخت و رسول الله<sup>۹</sup> به عنوان فرمانرواي مطلق، جهت التیام بیماری عداوت و دشمنی و اعاده امنیت به این شهر رهسپار شد. از آن پس به سبب حضور رسول خدا<sup>۹</sup> در يترب آن را مدینة النبي<sup>۹</sup> نامیدند.

### نامهای مدینه منوره

مدینه در قبل و پس از اسلام، نامهای فراوانی داشت. برخی از نامهایی که برای آن آورده‌اند، عبارتند از: آرضُ الله، آرضُ الهجرة، الایمان،

۱. همان؛ ابن سعد، طبقات الكبری، ج ۳، ص ۴۰؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷.

۲. Wellhausen, julius, *the Arabkingdom and its fall*, p. ۶.

آلبارّ، آلبرّة، البَلَد، بَيْتُ الرَّسُولِ، الحرم، الدّار، دارالابرار، طابة، طيبة،  
یشرب و...<sup>۱</sup>  
همچنین نامهایی چون مدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض الله<sup>۲</sup>  
نیز در قرآن برای این شهر ذکر شده است.

### فضائل مدینه منوره

از پیامبر خدا<sup>۳</sup> روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکّه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و... را در آن حرام کرد. پیامبر<sup>۴</sup> به درگاه الهی تصرع کردند که: «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، مکّه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آنچه میان دو حرّه است، همان‌گونه که ابراهیم مکّه را، حرم قرار داد». آن حضرت در فضیلت مدینه فرموده‌اند: «ایمان در مدینه اباشتہ و جمع شده است؛ همان‌گونه که ماری در لانه‌اش جمع می‌شود».<sup>۵</sup> پیامبر<sup>۶</sup> می‌فرمود: «الْمَدِينَةُ أَفْضَلُ مِنْ مَكَّةٍ»؛<sup>۷</sup> مدینه از مکّه بزر است.«<sup>۸</sup>

پیامبر<sup>۹</sup> در حق مدینه بسیار دعا می‌کردند و می‌فرمودند: «خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همان‌گونه که مکّه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیش از آن و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدّ و صاع (اوزان طعام) آن بر ما برکت ده و تب و درد را از آن دور کن.»<sup>۱۰</sup> در روایات دیگری، آن حضرت کسانی را که مردم مدینه را بترسانند، به آتش الهی و عده داده است؛ از جمله فرموده‌اند: «کسی بر اهل مدینه اراده سوء نمی‌کند جز آنکه خداوند وی را در آتش جهنم، با سرب

۱. ابن شبه، همان؛ سمهودی، وفاء الوفا با خبر دار المصطفی، ج ۱، ص ۸-۲۸.

۲. ابن شبه، همان؛ سمهودی، همان؛ پیامبر<sup>۹</sup> خود نیز مدینه را «طابه» می‌نامیدند و می‌فرمودند: خداوند این شهر را طابه نامیده است و در جایی دیگر آن را قبة الاسلام، دارالایمان، ارض الهجره و مثوى الحال و الحرام نامیده‌اند. (محمد بن محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۰ و ۵۶۱).

۳. جندی المکی، فضائل مدینه، ص ۴۳؛ ابن حجر هیشمی، **تحفة الرُّوارِ الْقَبْرِ الْتَّيْ المُخْتَار**، ص ۴۴؛ صدق، من لا يحضره القبيه، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ملا خاطر، **فضائل المدينة المنوره**، ج ۱، ص ۶۰ به بعد.

۴. جندی المکی، همان، ص ۲۵؛ المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۸۹.

۵. جندی المکی، همان ص ۲۲.

۶. همان ص ۲۰؛ بیهقی، سنن الکبری، ج ۳، ص ۳۸۲؛ بخاری، صحيح، حدیث ۲۸۹.

گداخته ذوب می‌کند، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود» و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد، روز قیامت ایمن می‌می‌شود.<sup>۱</sup>

### مقدمات هجرت پیامبر<sup>۹</sup> به مدینه

در ذی‌حجه سال یازدهم بعثت، پیامبر<sup>۹</sup> با شش نفر از خرجیان در منا گفتگو و اسلام را بر آنان عرضه کرد. این شش تن، پس از آنکه اسلام را پذیرفته‌اند، به مدینه رفته و خبر ملاقات خود را با بزرگان قوم در میان گذاشتند. لذا در سال بعد، یازده نفر از انصار با رسول الله<sup>۹</sup> در عقبه منا، پیمانی بستند که بر اساس آن، برای خدا شریک قرار ندهند، دردی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند و پیامبر را فرمانبردار باشند. این پیمان را پیمان «عقبه اول» خوانند. پیامبر<sup>۹</sup> مصعب بن عمیر را برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن به یتر ب فرستاد و دیری نپایید که بیشتر مردم یتر ب مسلمان شدند.

در سال بعد، یعنی در ذی‌حجه سال سیزدهم، ۷۳ نفر از بزرگان اویس و خرج، که ۲ تن از آنها زن بودند، در عقبه منا به حضور پیامبر<sup>۹</sup> رسیده و ضمن پذیرش اسلام از ایشان دعوت کردند تا به یتر ب بیايد و آنان را به راه هدایت و صلاح رهنمون سازد. این پیمان به «عقبه دوم» یا «بیعة النساء» شهرت یافت. پس از بازگشت این عده به یتر ب، خانه‌ای در شهر نماند که اهل آن به اسلام نگراید و از آن صدای اذان و تکبیر به گوش نرسد.<sup>۲</sup>

پیامبر<sup>۹</sup> در نخستین شب از ماه ربیع الاول سال چهاردهم بعثت، از سوی خداوند برای ادامه مأموریت الهی خود عازم یتر ب شدند؛ در این شب مشرکان با فراهم ساختن طرح قتل پیامبرخدا<sup>۹</sup> در «دارالندوه» منزل آن حضرت را محاصره کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. آن شب، از شب‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر<sup>۹</sup> و علی بن ابی طالب<sup>۷</sup> بود. هجرت، مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و عزّت، قدرت، ثبات، استواری و تأیید اسلام را رقم زد.

پیامبر<sup>۹</sup> تنها علی<sup>۷</sup> را لایق جانشینی خود در مکه و خواهیدن در بستر خود دانست و از ایشان خواست تا ردای مخصوص پیامبر<sup>۹</sup> را

۱. این حجر هیشمی، همان، ص ۳۰.

۲. ابن هشام، *السیرة النبوية*، همان، ج ۱، ص ۴۳۱ – ۴۴۵؛ ابن نجاش، *تاریخ المدینة المنوره*، ص ۱۹ و ۲۰.

پیو شد و به جای او در بستر بخوابد. همچنین اماناتی که از پیامبر<sup>۹</sup> در مکه مانده است را به صاحبان آنها بازگرداند و اهل بیت او را همراه خود به مدینه منتقل سازد.<sup>۱</sup> به خاطر این فداکاری و خوابیدن حضرت علی<sup>۷</sup> در بستر پیامبر<sup>۹</sup>، این شب به «ليلة المبيت» معروف شد.

بشرکان چون به خانه پیامبر<sup>۹</sup> هجوم آورند و علی<sup>۷</sup> را در جای او دیدند، از فرط ناراحتی وی را مجرح و ساعتی نیز حبس کردند.<sup>۲</sup> علی<sup>۷</sup> با شجاعت و ایشار تمام، نه تنها این مسؤولیت خطیر را با جان و دل پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر<sup>۹</sup> قرار داد، بلکه با این اقدام شجاعانه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف عالی اسلام و حفظ رهبری و تغیر و دگرگونی تاریخ اسلام ایفا کرد. به این مناسبت بود که این آیه در حق او نازل شد: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ أَبْتَغِيَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ».<sup>۳</sup>

ایشان برای رد اماناتی که پیامبر<sup>۹</sup> به او سپرده بود، سه روز در مکه ماند و پس از انجام کارها همراه مادرش فاطمه بنت اسد و نیز دختر رسول الله<sup>۹</sup>، حضرت فاطمه<sup>۲</sup> به سوی مدینه حرکت کرد.<sup>۴</sup>

#### مسیر هجرت پیامبر<sup>۹</sup> به مدینه

حضرت رسول<sup>۹</sup> ابتدا به خانه ابویکر که حدود ۲۰۰ متری مسجدالحرام، در سمت مسفله و پایین مکه بود، رفت و سپس همراه وی شهر را ترک و به طرف جنوب مکه، یعنی مخالف مسیر مدینه (که در شمال است) به غار «ثور»<sup>۵</sup> رفتند تا دشمن را گمراه و منحرف کنند.

در حالی که دشمن کینه‌توز در تعقیب پیامبر<sup>۹</sup> بود، ایشان ۴۰۰ کیلومتر راه را طی کردند و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الاول وارد قریه «قبا» شدند.

۱. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۸۲-۸۴.

۲. ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۳.

۳. «وَ از مردم کسانی هستند که جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند (از جان خود در راه رضای خدا درگذرند) و خدا دوستدار چنین بندگان است.» (بقره، ۲۰۷؛ ابن جوزی، التذکرہ خواص الامم فی معرفة الانمی، ص ۲۱؛ گنجی شافعی، کفایۃ الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب<sup>۷</sup>، ص ۱۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۹-۶۴).

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۱؛ ابن نجار، همان، ص ۲۷.

۵. به بحث «کوههای مکه» در همین کتاب رجوع کنید.

بریده بن اسلمی، همراه هفتاد تن از افراد قبیله خود و سایر قبایل، به پیشواز میهمانان آمده بودند.<sup>۱</sup>

این در حالی بود که هر روز مردم شهر، از صبح تا غروب به انتظار پیامبر<sup>۹</sup> میایستادند و سپس نامید باز میگشتند.<sup>۲</sup> هنگامی که حضرت رسول<sup>۹</sup> در دید مردم قرار گرفتند، زنان و کودکان فریاد زدند: «**هذا رسول الله، قد جاء، قد جاء!**».

پیامبر<sup>۹</sup> در میان استقبال پرشکوه و گرم مردم بشرب وارد آبادی «قُبا» شدند. دختران بنی النجار در این منطقه با دیدن پیامبر<sup>۹</sup>، اشعار زیر را با صدایی رسا خواندند:

<b>طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا</b>	<b>مِنْ نَبِيّاتِ الْوَدَاعِ</b>
<b>وَحَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا</b>	<b>مَا دَعَى اللَّهِ دَاعِ</b>
<b>أَيَّهَا الْمَبْعُوثُ فِينَا</b>	<b>جَنْتَ بِالْأَمْرِ</b>
<b>مَرْحَبًا يَا خَيْرَ دَاعِ</b> <sup>۳</sup>	<b>جَنْتَ شَرَفْتَ</b> <sup>۴</sup>

بعدها در محل ایستادن آنان و به یاد استقبال از رسول خدا<sup>۹</sup> مسجدی به نام «بنات النجار» ساخته شد. این مسجد بسیار کوچک و بدون سقف در پشت مسجد جمعه کنوی بود که در سال ۱۳۷۳ ش. تخریب شد.

### مساجد تاریخی مدینه منوره

#### (الف) منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)

قُبا، قریه‌ای است در دو کیلومتری جنوب مدینه: کسانی که از مکه به مدینه می‌آیند، ابتدا وارد این قریه شده و سپس به مدینه می‌روند، که البته امروزه به سبب بزرگراه مدینه - مکه، از کنار آن می‌گذرند. قبا، نام چاهی در آنجا بوده که بنی عمرو بن عوف از انصار در آنجا ساکن

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. سمهودی، همان جا.

۳. ابن حبان، الثقات، ج ۱، ص ۱۳۱؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۳، ص ۵۵۱؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۶۲. شایان ذکر است در مورد این واقعه و اشعار تردیدهایی وجود دارد.

بوده‌اند.<sup>۱</sup> مزارع، نخلستان‌ها و چاه‌ها این منطقه را از دیرباز آباد ساخته است. یکی از این چاه‌ها که یادگاری از عصر رسول خدا<sup>۹</sup> است و تا دهه‌های قبل نیز موجود بود «بتر خاتم» است. آب آن شور بود، ولی به برکت و عنایت پیامبر<sup>۹</sup> شیرین شد. این چاه به سبب آنکه انگشت‌پیامبر<sup>۹</sup> از دست عثمان در آن افتاده بود به «بترخاتم» معروف شد. این قریه نخستین مکانی قبل از مدینه بود که قدموں پیامبر<sup>۹</sup> را مبارک داشت و ساکنان آن به استقبال پیامبر خدا<sup>۹</sup> رفتدند.

نخستین کلامی که مردم آن از رسول خدا<sup>۹</sup> شنیدند این بود:  
 آشکارا سلام کنید. از طعام خود به دیگران بخورانید. صله  
 رحم کنید و شب هنگام، وقتی مردم در خوابند نماز بگزارید.  
 پس به سلامت وارد بهشت شوید.<sup>۲</sup>

پیامبر<sup>۹</sup> بر «کلثوم بن هقدم»<sup>۳</sup> وارد شدند<sup>۴</sup> و خانه «سعد بن خینمه» را محل پذیرایی و دیدار مردم قرار دادند. ایشان تصمیم گرفتند برای شناسایی بهتر منطقه یثرب و موقعیت یهود، و نیز بیوستن امام علی<sup>۷</sup> و فواطم به ایشان چند روزی در این قریه اقامت گزینند و این انگیزه‌ای شد تا نخستین پایگاه عبادی را در آخرين ایستگاه هجرت به دست خود بنا کنند. دیری نباید که علی<sup>۷</sup> نیز در این روزها وارد قبا شد و به گفته این اسحاق کنار پیامبر<sup>۹</sup> در خانه کلثوم بن هدم ساکن گردید.<sup>۵</sup>

## ۱. مسجد قبا

پیامبر<sup>۹</sup> در کنار خانه کلثوم بن هدم، زمینی را، که به وی متعلق بود، خرید و بنای مسجد قبا را آغاز کرد. این امر بنا به تقاضای ساکنان این محل انجام گرفت. ایشان مساحت مسجد را در خط سیر شتر خویش

۱. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج<sup>۴</sup>، ص ۳۰؛ فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۳۲۲.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج<sup>۱</sup>، ص ۲۳۵؛ ترمذی، صحیح، [کتاب الاطعمة باب فضل اطعام الطعام]، ص ۴۵.

۳. کلثوم بن هدم بن امریء القیس بن الحارث، یکی از شیوخ بزرگ قبیله اویس بود که در زمان کوتاهی پس از ورود پیامبر<sup>۹</sup> به مدینه وفات یافت. او نخستین مرد از انصار بود که پس از اسلام از دنیا رفت. (ابن اثیر، اسدالغابه فی مععرة الصحابة، ج<sup>۴</sup>، ص ۲۵۴).

۴. ابن هشام، السیرة النبویه، ج<sup>۱</sup>، ص ۴۹۳؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، ج<sup>۲</sup>، ص ۱۶۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج<sup>۳</sup>، ص ۲۴۰.

۵. سمهودی، وفاء الوفا باخبر دار المصطفی، ج<sup>۱</sup>، ص ۲۴۹؛ ابن هشام، همان.

مشخص کردند.<sup>۱</sup> و خود خط قبله را تعیین کردند و دوش به دوش اصحاب، به ساختن آن پرداختند.

دیوارهای آن با سنگ و خشت بر افراسته شد و سقفش بر روی سه ردیف ستون استوار گردید. جای محراب پیامبر<sup>۹</sup> را نیز، قبل از تغیر قبله، در دیوار شمالی مسجد قرار دادند.<sup>۲</sup> به گفته ابن شبه، طول و عرض آن حدود ۳۴ متر بود.<sup>۳</sup>

پیامبر<sup>۹</sup> در ساخت مسجد به حدی خود را به زحمت می‌انداختند و خشت‌ها را بر دوش می‌کشیدند که اصحاب متأثر شده و از ایشان می‌خواستند تا کاری بنشینند و فقط ناظر امور باشند، اما آن حضرت نمی‌بذریفتند.<sup>۴</sup> صحابه هنگام کار، این اشعار را با هم می‌خوانندند و پیامبر<sup>۹</sup> هم قوافي آن را تکرار می‌فرمود:

قد أَفْلَحَ مَنْ يَعْمُرُ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَائِمًا وَ قَاعِدًا...  
الْهَـۚ أَهَـۚ

«رسنگار کسی است که مسجد بنا کند و در آن نشسته و ایستاده قرآن بخواند. کسی که برای ساختن آن خود را به تلاش می‌اندازد با کسی که در کنار نشسته و نظاره می‌کند تا مبادا خاک بر داماش بنشینند مساوی نیستند.»

به نقل از بعضی مورخان، زنان نیز در ساختن مسجد قبا فعالیت داشتند. سرانجام خداوند با نزول این آیات، اجر و پاداش سازندگان آن را عطا فرمود:

... لَمَسْجِدٌ أَسِّسَ عَلَيِ التَّقْوِيَ مِنْ أَوْلَى يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومُ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحْبُّونَ أَنْ يَنْطَهِرُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.<sup>۵</sup>

آن مسجدی که در نخستین روز (هجرت) بر اساس تقوی بنا شده، محق‌تر و سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی تا مسجدی که بر شالوده نفاق و تفرقه و گمراهی بنا شده

۱. محمد بن سلیمان، جمع الفوائد، ج ۱، ص ۵۶۵؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انسان الفیس، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲. تا دهه‌های گذشته مکان نماز پیامبر<sup>۹</sup> در شمال مسجد قبا (به سوی بیت المقدس) به وسیله محابی مشخص شده بود که اکنون برداشته شده است.

۳. ابن شبه، *تاریخ المدینة المنوره*، ج ۱، ص ۵۷.

۴. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۳.

۵. توبه، ۱۰۸.

باشد... در آن مسجد مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خداوند پاکان را دوست دارد.

به نقل از بسیاری مفسران، این آیه در سال نهم هجرت و در شان این مسجد نازل شده است<sup>۱</sup> و آن هنگامی بود که گروهی از منافقان در هنگام عزیمت پیامبر<sup>۹</sup>، برای جنگ تبوک در مقابل مسجد قبا مسجدی ساختند تا تحت پوشش آن، به توطئه علیه اسلام و مسلمانان پردازند. آنان حتی برای کسب مشروعیت اقدام خود، از پیامبر<sup>۹</sup> خواسته بودند تا در آن مسجد نماز بگزارد، اما پس از بازگشت رسول خدا<sup>۹</sup> از تبوک، خداوند به پیامبر<sup>۹</sup> وحی فرستاد که: «لَا تَقْعُمْ فِيهِ أَبْدًا لَمَسْجِدٌ أَسْسَ عَلَى التَّقْوَىٰ...»؛ ای پیامبر، هرگز در آنجا نماز بربنا نکن؛ زیرا آن مسجدی که در نخستین روز بر پایه تقوی بنا شده...»

پیامبر<sup>۹</sup> وقتی از توطئه آنان به وسیله وحی آگاه شد، فرمان داد تا آن مسجد را، که پس از نزول آیه مورد اشاره، «مسجد ضرار» نام گرفت، تخریب کنند. اصحاب نیز هجوم برده و آن را خراب کردند و سپس سوزانندن. این مسجد در چند قدمی مسجد قبا بوده است.<sup>۲</sup> گفتنی است، مشهور آن است که منظور از «أَوْلَى يَوْمٍ»، در قرآن کریم اولین روزهای هجرت است و قبا نخستین مسجدی است که به دست پیامبر<sup>۹</sup> و مهاجران و انصار در اولین روزهای هجرت ساخته شد. و در این امر البته اختلاف است و برخی شأن نزول آن آیات را مسجد النبی<sup>۹</sup> دانسته‌اند.

در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است.<sup>۳</sup> همچنین روایت شده که پیامبرخدا هر شنبه یا پایی پیاده یا سواره به مسجد قبا

۱. کلینی، فروع کافی، ج<sup>۴</sup>، ص ۵۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحيح البخاری، ج<sup>۹</sup>، ص ۲۴۵. گفتنی است، بعضی مفسران، شأن نزول این آیه را مسجد النبی و برخی، هم مسجد قبا و هم مسجد النبی، دانسته‌اند. در حدیثی از پیامبر<sup>۹</sup> نقل شده به دو نفر که در این مورد بحث داشتند، فرمودند: «هذَا مسجدٌ يَوْمٌ»، (ابی بکر هیثمی، موارد الضمان فی زوائد ابن حبان، ص ۲۵۶).

۲. سیوطی، الباب القوول فی اسباب النزول، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.

۳. طبری، جامع الیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۷؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۲۹.

۴. ابی بکر هیثمی، همان، ج، ص ۳۵۲؛ متنی الهندي، منتخب کنز العمال فی سنن والاقوال، ج ۵، ص ۳۵۹؛ سعدی المقاصی، فضائل الاعمال، ص ۹۱؛ محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۳.

می‌آمد و در آن نماز می‌گزارد.<sup>۱</sup> پیامبر<sup>۹</sup> می‌فرمود:

دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که  
دوبار به بیت المقدس بروم. اگر میدانستند در قبا چیست  
چگرهای شتران را می‌زندند و به سوی آن می‌تاختند تا از  
فضیلتنش بهره‌مند شوند.<sup>۲</sup>

مسجد قبا اکنون ۷۴۶۵ متر مربع مساحت دارد که البته در طول تاریخ  
با توسعه و بازسازی همراه بوده است. این مسجد که حدود ۲/۵ کیلومتر با مسجدالنبی<sup>۹</sup> فاصله دارد حدود هفت هزار نمازگزار را در خود  
جای می‌دهد. (تصویر شماره ۵۶)

## ۲. مسجد جمعه = عاتکه

پیامبر<sup>۹</sup> وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بني سالم بن عوف» نماز جمعه خواندن. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه کردند.<sup>۳</sup> از نامهای دیگر آن مسجد بنی‌سالم و یا مسجد وادی و نیز عاتکه بود. موقعیت آن در شمال مسجد قبا و حدود ۵۰۰ متری آن است. این مسجد حدود ۸۰ متر مربع مساحت داشته و تا دوران عثمانی چندین نوبت بازسازی شده است.<sup>۴</sup>

در سال ۱۳۶۸ هـ. ش. بنای قدیمی تخریب و بنای جدید و زیبایی به مساحت ۶۲۰ متر مربع ساخته شد که ۶۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌دهد. برای این مسجد گنبدی بزرگ، با مناره‌ای ۲۵ متری ساختند. در سال ۱۳۸۳ هـ. ش. نیز مجدداً به علت فرسودگی بنا، بازسازی و خیابانی نیز در مجاورت آن ساخته شد. (تصویر شماره ۵۷)

### ب) مساجد پیرامونی مسجد النبی<sup>۹</sup> (جنوب غربی مدینه)

**۱. مساجد و نمازگاه‌های پیامبر<sup>۹</sup> در اعیاد اسلامی**  
آن حضرت پیش از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب

۱. نسائی، سنن، ج، ۲، ص ۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج، ۳، ص ۵۳؛ آلبانی، صحیح سنن نسائی، ج، ۱، ص ۵۶۳؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج، ۱، ص ۵۶۵.

۲. ابن شیه، همان، ج، ۱، ص ۴۲؛ متنی الهندي، همان، ج، ۵، ص ۳۵۹.

۳. ابن نجاشی، اخبار مدینة الرسول، ص ۲۵؛ طبری، تاریخ الطبری، ج، ۳، ص ۱۲۵۶؛ ابن هشام، همان، ج، ۱، ص ۹۶.

۴. سمهودی، همان، ج، ۲، ص ۸۲۱.

غربی مسجد النبی<sup>۹</sup>، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند. پس از چندی، برای بزرگداشت و حفظ نمازگاه پیامبر<sup>۹</sup>، بر آن مکان‌ها مساجدی ساختند که تعداد آنها به ۸ رسید. امروز تنها ۳ مسجد از آنها باقی است.

**۱. قشله عسکریه:** در نزدیکی میدان و مسجد عنبریه کنوی، یعنی در یک کیلومتری جنوب غربی مسجد النبی، پیامبر<sup>۹</sup> نخستین نماز عید را (در سال اول هجرت) اقامه کردند. بعدها در آنجا مسجدی ساخته شد که در دوران عثمانی آن مسجد داخل پادگانی قرار گرفت. تا اینکه در دوران سعودی مسجد و پادگان تخریب شد.

**۲. غمامه:** از انس بن مالک خادم پیامبر<sup>۹</sup> روایت شده است که آن حضرت سالی به هنگام خشکسالی، برای استسقا و خواندن نماز باران، خارج شدند، هنوز ایشان از نماز خود فارغ نشده بودند که ابرها سایه افکند و باران بارید. به همین سبب بعدها در آن مکان مسجدی ساختند و آن را «غمامه»، یعنی «ابر باران زا» نامیدند.<sup>۱</sup> پیامبر<sup>۹</sup> همچنین در سال دوم هجرت، نماز عید را در این مکان اقامه کردند.

«عمر بن عبدالعزیز» مأمور شد بر هر مصلّاً و نمازگاهی که پیامبر<sup>۹</sup> در آن نماز گزارده، بنایی بسازد. از این رو، مسجد مذکور را بنیاد نهاد و تعمیر کرد. تاکنون این مسجد چندین مرتبه بازسازی شده است. مساحت مسجد اکنون ۷۷۳ مترمربع و دارای شش گنبد کوچک و بزرگ است که آن را از سایر مساجد مصلّی ممتاز می‌سازد. مسجد علی<sup>۷</sup> و مسجد عمر بن خطاب در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. اکنون اطراف مسجد را با دیوارهایی از آجر و ستون‌هایی از نخل، در حفاظی قرار داده‌اند. مکان این مسجد در مقابل باب السلام در جنوب غربی مسجد النبی<sup>۹</sup> (حدود ۳۰۰ متری) آن است که در سمت چپ کسی واقعی شده که از مسجد النبی<sup>۹</sup> به سوی شارع السلام خارج می‌شود. **(تصویر شماره ۵۸)**

**۳. عمر بن خطاب:** این مسجد در جنوب مسجد غمامه واقع شده است.

پیامبر<sup>۹</sup> در سال سوم هجرت نماز عید را در آنجا اقامه کردند. بعدها خلیفه دوم در آن مکان نماز عید را برپا کرد. مسجد یاد شده که نزدیک پل المدرج در جنوب مسجد غمامه بوده در سال ۱۲۸۷ش به سبب احداث پل و بزرگراه مجاور تخریب شد. بنای آن از دوران عثمانی بود و در

۱. متنی الهندي، همان، ج ۸، ص ۲۸۰؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۳۵.

عصر حاضر اندکی تعمیر شد. این بنا در آن دوران ۳۳۵ متر مربع مساحت داشت.<sup>۱</sup> (**تصویر شماره ۵۹**)

**۴-۱. مالک بن سنان:** رسول گرامی اسلام<sup>۹</sup>، در سال چهارم هجرت، در کنار خانه مالک بن سنان نماز عید خواندن، که در نمازگاه ایشان مسجدی ساخته شد. این مسجد، هنگام تعریض خیابان‌های غرب مسجد النبی<sup>۹</sup> در سال ۱۳۶۵ش. تخریب شد.

**۴-۲. عثمان بن عفان:** پیامبر<sup>۹</sup> در سال پنجم، در مکانی سمت باب الشامی مسجدالنبی<sup>۹</sup>، نماز عید خوانده‌اند. بعدها خلیفه سوم در آنجا به اقامه نماز عید پرداخت. مسجدی که بر آن ساختند، در تعریض خیابان مجاور آن، در سال‌های اخیر تخریب شد. نمازگاه رو به روی باب السلام و در شارع المناخه در ۳۰۰ متری جنوب شرقی مسجد غمامه بود.<sup>۱۰</sup>

**۴-۳. علی بن ابی طالب:** پیامبر<sup>۹</sup> ششمین نماز عید را در دارالشفا ( محلّ کنونی مسجد علی<sup>۷</sup>) اقامه کردند و بعدها امام علی<sup>۷</sup> در آنجا نماز عید خواندن. این مکان در نزدیکی محل مسجد غمامه بود که عمر بن عبدالعزیز بر آن مسجدی ساخت. آن مسجد در قرن نهم رو به تخریب رفت و زائرانی را که در آن نواحی از دنیا می‌رفتند، آنجا دفن می‌کردند. در دوران عثمانی آن را تعمیر کردند و در دوران سعودی ۶۹۰ (۱۴۱ق.) این مسجد به صورتی زیبا و تقریباً سه برابر بنای قبلی<sup>۱۱</sup> متر مربع بازسازی شد. تابلوی مسجد «سیدنا علی»، در دایره‌ای بر بالای مسجد دیده می‌شود. این مسجد در کنار شارع السلام، در سمت چپ کسی است که از جنوب غربی صحن مسجدالنبی<sup>۹</sup> خارج می‌شود. (**تصویر شماره ۶۰**)

**۴-۴. بلال بن رباح:** پیامبر<sup>۹</sup> در سال هفتم هجرت، در کنار قلعه‌ای در محله خالدیه کنونی نماز عید اقامه کردند.<sup>۲</sup> مسجد یاد شده در توسعه سعودی، میان بنای شهرداری و مسجد غمامه تخریب و به ایستگاه اتوبوس‌ها و ماشین‌های شهرداری تبدیل شد.

**۴-۵. مسجد ابویکر بن ابی قحافه:** پیامبر<sup>۹</sup> در سال هشتم هجرت، نماز عید را در مکان این مسجد اقامه کردند. از این عطا نقل

۱. احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۲. امروزه مسجدی به نام «ذوالنورین» یا «عثمان بن عفان» در شارع سین و تقاطع شارع السلام، در نزدیکی مسجد بلال کنونی وجود دارد که مسجد مورد نظر نیست.

۳. احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۰۲.

شده است که پیامبر<sup>۹</sup> بر نجاشی، پادشاه حبشه، که در کشور خود فوت کرده بود، در این محل نماز گزاردند. گویند ابوبکر نیز در دوران خلافت خود، در این مکان نماز عید اقامه می‌کرد. بنای نخستین آن را عمر بن عبدالعزیز ساخت و در عصر عثمانی بازسازی شد.<sup>۱</sup> این مسجد در ۴۰۴ متری مسجد غمامه و نزدیکترین مسجد به آن است و ۳۰۰ مترمربع مساحت دارد امروزه در آن نماز اقامه می‌گردد. و البته بیم آن می‌رود که این مسجد تخریب و به جای آن هتلی سر به فلک کشیده ساخته شود.

**(نقشه و تصویر شماره ۶۱ و ۶۲)**

## ۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبوی<sup>۹</sup>

**۱- سقیا:** سقیا نام مسجد، چاه و روستایی است در حرّه غربی مدینه منوره. تمذی از امام علی<sup>۷</sup> نقل کرده که پیامبر خدا<sup>۹</sup> در حرّه سقیا؛ وضو ساختند و رو به قبله ایستاده، گفتند:

خدایا! ابراهیم بنده و دوست تو بود که برای اهل مکه طلب برکت و خیر کرد؛ من نیز بنده و رسول تو هستم و برای اهل مدینه دعای خیر می‌کنم که به آنان همانند اهل مکه، برکت دهی. خدایا! در برابر یک برکت برای آنان دو برکت برای اهل مدینه قرار ده.<sup>۲</sup>

آنگاه پیامبر<sup>۹</sup> در کنار آن چاه نماز گزارد. بعدها در مکان نماز آن حضرت مسجدی ساختند. این زیاله نقل کرده است: پیامبر<sup>۹</sup> قبل از حرکت برای نبرد بدر از سریازان خود در کنار چاه سقیا، سان دید و در این مکان نماز گزارد.

در سال‌های گذشته، این مسجد به زیاله‌دانی تبدیل شده بود که شهرداری مدینه در سال ۱۳۸۲ ضمن بازسازی محوطه راه آهن (سکه القديم) مسجد سقیا را نیز تعمیر و تنظیف کرد. موقعیت کنونی آن، داخل محوطه راه آهن، یعنی مقابل میدان عنبریه، در جنوب غربی مدینه و کمی بالاتر از مسجد غمامه است. ساختمان قدیمی و متروکه راه آهن دوره عثمانی، که اکنون بازسازی شده، در کنار میدان دیده می‌شود. نمای مسجد سفید و دارای سه گنبد و دری بسیار کوچک و مساحتی حدود ۹ متر مربع دارد که می‌توان

۱. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۷۹۱ و ۷۹۲.

۲. جندی المکی، فضائل المدینه، ص ۱۴.

در آن نماز گزارد، این مسجد توجه کسی را به خود جلب نکرده و نام و نشانی هم بر آن دیده نمی‌شود. (تصاویر شماره ۶۲ و ۶۴ و ۶۴/۱)

**۲-۲. مَعْسَلَه = بنی دینار:** این مسجد از آن طایفه بنی دینار بن نحّار، از قبیله خزر بود. روایت شده که پیامبر<sup>9</sup> در آن مسجد بسیار نماز گزارده‌اند.<sup>۱</sup> چون این مکان در باگی به نام «مسجد مَعْسَلَه» بود؛ مسجد آن را به این نام خوانند.

سمهودی کتبیه‌ای به خط کوفی در آنجا دیده که بر آن نوشته شده بود: «هَذَا مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ». مسجد، داخل باغ مذکور، پشت مقر دارالرعایه، کمی بالاتر از میدان عنبریه، در شارع عنبریه (عمر بن خطاب) قرار دارد. در سالهای اخیر بازسازی شده و در آن نماز اقامه می‌گردد. (تصویر شماره ۶۵)

### ۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبي<sup>9</sup>

**۱-۲. الْإِجَابَة = مباھله:** پیامبر<sup>9</sup> روزی در محله بنومعاویه پس از اقامه نماز به مدت طولانی دعاکرده و فرمودند: از خداوند چیزهایی برای امتم خواستم که خواسته‌ام را اجابت کرد. بعدها در مکان دعای پیامبر<sup>9</sup> مسجدی ساختند که به سبب اجابت دعای ایشان<sup>9</sup> به «الْإِجَابَة» معروف شد.<sup>۲</sup> نام دیگرش مباھله است.

پیامبر<sup>9</sup> در همین مکان برای مباھله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین؛ حضور یافتند. در این حادثه مهم و تاریخی، مسیحیان نجران با دیدن آثار روحانی و معنوی و چهره مصمم و صادقانه اهل بیت پیامبر؛ حاضر به مباھله نشده و به پرداخت جزیه تن دادند. این مسجد به سبب سکونت بنو حارثه بن بنو معاویه به بنو حارثه نیز معروف بوده است.<sup>۳</sup>

موقعیت کنونی این مسجد در سمت راست شارع ستّین (ملک فیصل کنونی) و کمی بالاتر (۵۰۰ متری) از ضلع شمال شرقی بقیع است. فندق الدّخیل و مستشفی الولادة و الأطفال نیز در سمت چپ آن خیابان واقع هستند. در سال ۱۳۷۶ هـ . ش. مساحت آن به ۱۰۰۰ متر

۱. ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۶۵.

۲. احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۴۳؛ رفتت پاشا، مرآۃ الحرمین ج ۱، ص ۴۱۷.

۳. آیات مباھله در قرآن کریم آمده است: «فَمَنْ حَاجَكَ... فَقُلْ تَعَالَوْ تَدْعُ إِنْتَهَا وَإِنْتَهُمْ وَنِسَاءٌ وَنِسَاءٌ كُمْ...» (آل عمران، ۶۱)

مربع رسید و گنبد و مناره‌ای هم بر آن ساخته شد. تابلو و نام مسجد به فهد بن عبدالعزیز تغییر یافت که البتہ در سال ۱۲۸۲ش. بار دیگر نام آن به الاجا به برگشت. (تصویر شماره ۶۶)

**۲-۲. ابوذر غفاری = سجده:** پیامبر<sup>۹</sup> در مکانی به نام صدقه و ضو ساخت و پس از نماز، به سجده‌ای طولانی پرداخت. آنگاه فرمود:

جبرئیل به من بشارت داد که هرکس بر من درود و صلوات فرستد، خداوند بر او درود می‌فرستد و کسی که بر من سلام کند، خداوند بر او درود و سلام فرستد و من به خاطر این مسئله سجده شکر کردم.

مسجدی که بعدها به یاد این واقعه ساختند، به «سجده» معروف شد و به سبب سکونت ابوذر در آنجا، به مسجد «ابوذر» و نیز مسجد «بحیره» شهرت یافت. این مسجد داخل خیابان ابوذر، در نزدیکی کمریندی ملک فیصل (سمت شمال شرقی مسجد النبی<sup>۹</sup>) و حدود ۸۰۰ متری آن است. مسجد ابوذر با ۳۵۰ متر مربع مساحت و با یک مناره و بنای جدید در کنار خیابان دیده می‌شود. (تصویر شماره ۶۷)

#### ج) منطقه عزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)

در شوال سال پنجم هجری، مشرکان با همکاری یهود و با تلاش گسترده خود، تمامی طوابیف و قبایل موجود در شبه جزیره را بر ضد اسلام و مسلمانان بسیح کردند. چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «عزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در شمال مدینه، سپاه شرک را زمین‌گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در پی نداشت و ناگزیر به مگه بازگشتند.<sup>۱</sup>

منطقه این نبرد، مقابل کوه «سلع» در شمال غرب مدینه بود. مسیر خندق نیز از نزدیکی شمال شرق خانه‌های بنتی‌حارثه و بنو معاوية، نزدیک مسجد الاجا به کنوی آغاز و به صورت نیم‌دایره‌ای، با عبور از بخشی از کوه سلع، در برابر مساجد سبعه (شارع السیح) پایان می‌یافتد. در این مسیر اکنون حی الخندق ( محله خندق ) واقع و دارای

۱. ابن هشام، همان، ج ۳، ص ۲۱۴-۲۳۳؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحيح البخاری، ج ۷، ص ۲۱۴-۲۳۰.

۲. بنگرید ضاهر و تر، مدیریت نظامی در نبردهای عصر پیامبر<sup>۷</sup>، ترجمه نگارنده این سطور.

خانه‌هایی بسیار قدیمی است و تابلوی حی‌الخندق نیز بر آن دیده می‌شود. این محله در کنار کوه سلع، پشت مساجد سبعه (شرق کوه سلع) است. (**تصویر شماره ۶۸**)

طول خندق ۲/۵ کیلومتر و عمق آن ۳ متر و عرض آن ۴ متر بوده است. به این صورت نیمی از شمال مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جانپناه سپاهیان اسلام و در پشت آنان واقع گردید.<sup>۱</sup> در چند نقطه و دامنه این کوه بعدها به پادیواد حضور چند تن از صحابه و نیز دختر رسول‌الله<sup>۹</sup> مساجدی ساختند که به نام هریک از آن صحابه معروف شد. امروزه تغییرات مختصری در فضاهای مجاور مسجد داده شده است. از این مساجد، مسجد ابویکر با به روایتی مسجد علی<sup>۷</sup> که برخی آن را ابویکر خوانده‌اند تخریب شده و جز مسجد فتح بقیه آنها را مسدود کرده‌اند.

گفتنی است، در سال‌های اخیر در کنار این شیش مسجد، مسجدی بسیار بزرگ، با دو مناره و گنبد ساخته‌اند که محتمل است پنج مسجد باقی‌مانده نیز تخریب شوند. ( **تصاویر شماره ۶۹ - ۷۱**)

## ۱. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه)

**۱.۱. فتح:** این مسجد بر دامنه شمال غربی کوه سلع و در جنوب غربی خندق واقع شده و بر وادی بطحان مشرف است. خداوند - تبارک و تعالی - دعای پیامبر<sup>۹</sup> را برای پیروزی در حنگ بر فراز این پیه مستجاب فرمود و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در این محل به آن حضرت رسید. پیامبر<sup>۹</sup> سه روز در این مکان دعا کردند و دعای ایشان مستجاب شد.<sup>۲</sup> دعای پیامبر<sup>۹</sup> چنین بود:

خدای! تو را سپاس که ما را ره نمودی و هدایت کردي.  
کسی که تو را کوچک شمارد بزرگ و گرامی نمی‌شود و  
کسی که گرامیات شمارد خوار نمی‌شود. کسی که تو را  
خوار کند عزیز نمی‌شود و کسی که عزیزت کند خوار  
نمی‌گردد. کسی که تو را کوچک شمارد یاری نمی‌شود و ...

۳. این هشام، همان، ج، ۲۲۰؛ در حفر خندق سه هزار مرد شرکت داشتند. هر ده نفر نقطه‌ای را می‌کنندند و در نقاط مختلف به طور همزمان، کار خود را آغاز کردند؛ این خندق که در ظرف بیست روز آماده شد، پیامبر<sup>۹</sup> خود بر آن اشرف کامل و همکاری داشته‌اند.

۲. رفت پاشا، مرآة الحرمين ج، ۱، ص ۴۱۶؛ این شب، همان، ج، ۱، ص ۵۸.

از دعاهاي ديگر آن حضرت است: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَ مُنْشِيءَ السَّحَابِ...».<sup>۱</sup>

این دعاها هنگامی زمزمه شد که کار بر مسلمانان سخت و مقاومت در خندق طولانی گردید. سرانجام، مشرکان نامید بازگشتند و این امر با امدادهای غیبی و تلاش مجاهدان تحقق یافت. پیامبر<sup>۹</sup> در جایی که اکنون صحن است، کنار ستونی نماز خوانده، دعا می‌فرمودند. بعضی نیز گفته‌اند: سوره فتح در این مکان بر پیامبر<sup>۹</sup> نازل شد و در روایت دیگری است که آیه (إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ...) در اینجا نازل شده و آن را به این سبب «مسجد الفتح» نامیده‌اند.

این مسجد را عمر بن عبد العزیز (۸۸ ق.) تعمیر کرد و رواقی با سه ستون بر آن نهاد، حکومت عثمانی نیز به عمران و آبادانی آن همت گمارد.<sup>۲</sup> در میان صحن کوچک مسجد فتح، که جای عبادت رسول خدا<sup>۹</sup> بوده، بوی بسیار خوشی به مشام میرسد که همانند این بو در دو نقطه دیگر، یکی در شکاف کوه احمد که پیامبر<sup>۹</sup> را برای مداوا در آنجا پنهان ساختند و دیگری در غار حرا استشمام می‌شود.

**۲-۱. سلمان فارسي:** مسجد سلمان پس از مسجد فتح و در جنوب آن است.<sup>۳</sup> این مسجد که حدود ۴۰ متر مربع مساحت دارد محل عبادت این صحابه پارسای اسلام بوده است. مسجد سلمان دومین مسجد پس از مسجد فتح است. امروزه درب این مسجد را مسدود کرده‌اند که کسی داخل آن نماز نگذارد.

**۲-۲. علي بن ابي طالب<sup>۷</sup>:** به روایت سمهودی این مسجد در جنوب مسجد سلمان فارسی بوده و بنای آن، به مرور رو به تخریب رفت تا اینکه در قرن دهم تجدید بنا شد. مساحت این مسجد ۳۵ متر بوده است.<sup>۴</sup> موقعیت مشهور امروزی آن با گفته سمهودی مطابقت ندارد؛ زیرا مسجد علي<sup>۷</sup> که امروزه اشتهر دارد آن مسجدی است که کمی بالاتر از مسجد فاطمه<sup>۳</sup> بر روی بلندی است با پلهای طولانی که البته سال‌هاست با نرده‌هایی آن را بسته‌اند. سمهودی این مسجد را

۱. ای خداوند فرستنده کتاب و پدید آورنده ابرها، آنان را هزیمت ده و ما را بر ایشان پیروز کن!

۲. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۳۲.

۳. احمد یاسین الغخاری، *تاریخ المعلم المدینة المنوره* قدیماً و حدیثاً، ص ۱۴۵.

۴. همان.

۵. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۳۶ و ۸۳۷.

مسجد ابوبکر و مسجد معروف ابوبکر را مسجد علی<sup>۷</sup> می‌داند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد علی<sup>۷</sup> در سال ۱۳۸۰ ش تخریب شده است و اگر اشتئار امروزین صحیح باشد، مسجد ابوبکر را خراب کرده‌اند.<sup>۱</sup>

**۴. ابوبکر بن ابی قحافه:** این مسجد، پس از مسجد سلمان و در جنوب آن قرار داشته که سومین مسجد از سمت مسجد فتح است. سمهودی آن را مسجد علی<sup>۷</sup> دانسته است، ولی امروزه به ابوبکر معروف است. در سال ۱۲۸۰ ش این مسجد تخریب و مکان پارک اتوبوس‌های زائران شده است. اگر گفته سمهودی صحیح باشد و مسجد ابوبکر همان مسجدی باشد که در انتهای مساجد سبعه بر روی بلندی قرار گرفته، پس این مسجد یعنی مسجد علی<sup>۷</sup> تخریب شده است.

**۵. عمر بن خطاب:** مسجد عمر بن خطاب در مجاورت مسجد ابوبکر به سمت جنوب و چهارمین مسجد است. اما امروزه در آن را بسته‌اند و با زدن یک شیروانی بر روی سقف حیاط، ظاهر آن را از حالت مسجد درآورده‌اند که توجه کسی بدان جلب نمی‌شود.

**۶. فاطمه<sup>۳</sup>:** در مغرب مسجد علی<sup>۷</sup>، به یاد دختر گرامی پیامبر<sup>۹</sup> مسجدی کوچک و بدون سقف ساخته‌اند. حضرت فاطمه<sup>۳</sup> هنگام جنگ خندق در این مکان برای پدر و همسرشان علی<sup>۷</sup> غذا و نان تهیه می‌کردند. این مسجد پایین‌ترین مساجد این منطقه و کنار خیابان اصلی قرار دارد. در سال‌های قبیل مؤمنان به اهل بیت و دوستداران فاطمه<sup>۳</sup> در آن نماز می‌گزارند. اما چند سالی است که در آن را با بتون و آجر بسته‌اند. و برای ممانعت زائران از خواندن نماز کنار دیوار آن، کانکسی با تابلوی «هیئه الامر بالمعروف و النهي عن المنكر» قرار داده‌اند.

**۷. ذو قبلتین:** پیامبر<sup>۹</sup> در شانزدهمین یا هفدهمین ماه از هجرت، در میان قبیله بنی‌سلمه و مسجد آنان به نماز ایستاد. آن حضرت، به ویژه شب‌ها از خداوند می‌خواستند تا مسلمانان را از سرزنش یهودیان برهاند. به روایتی، در روز دوشنبه، نیمه ماه رب، میان نماز ظهر، آیات تغیر قبیله بر پیامبر<sup>۹</sup> نازل شد: «قَدْ تَرِيَ تَقْلِبَ وَجْهَكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُولَّنَّكَ قَبْلَهَ تَرْضَاهَا قَوْلَ وَجْهَكَ شَطْرَ

۱. همان.

### الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ...».<sup>۱</sup>

پیامبر خدا<sup>۹</sup> هنگام نزول این آیات، در حالی که دو رکعت از نماز ظهر را خوانده بودند، به صورت تیمدایره برگشتند و رو به سمت جنوب، دو رکعت دیگر را به سوی مسجدالحرام اقامه کردند. به سبب نزول این آیات، آن مسجد به ذوقبلتین مشهور شد؛<sup>۲</sup> زیرا یک نماز را به دو قبله خوانند.

خبر نزول آیات تغییر قبله، که باعث خشنودی مسلمانان شده بود، به مسجد قبا و مسجد النبی<sup>۹</sup> و دیگر مساجد رسید و مسلمانان نماز عصر را رو به سوی مسجدالحرام اقامه کردند.

مسجد ذوقبلتین در شمال غربی مدینه و غرب مساجد سبعه (کوه سلع) قرار دارد. این مسجد در چندین نوبت بازسازی شده است. محراب سمت بیت المقدس مقابل قبله مسجد یعنی مقابل قبله بوده که قبلًا سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آنجا که زائران آن را مسح و لمس میکردند، در سال ۱۳۹۸ق. آن سنگ را برداشتند و آیات تغییر قبله را با خطوطی زرین بر دیوار شمالی نگاشتند که البته در سالهای اخیر آن را نیز محو کرده‌اند. این مکان در سمت راست کسی است که اکنون از درب شبستان وارد می‌شود. مساحت مسجد اکنون ۳۹۲۰ متر مربع است که دو گنبد بزرگ نیز بر آن استوار گشته است.

(تصویر شماره ۷۲)

### ۲. مساجد دیگر منطقه احزاب

دو مسجد دیگر به نامهای (الرایه) و بنی حرام کبیر در شارع سلطانه (ابویکر) و شارع السیح در منطقه خندق وجود دارد که نمازگاه رسول خدا<sup>۹</sup> بوده است.

#### د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن

##### ۱. المستراح ( محل استراحت )

پیامبر<sup>۹</sup> هنگام بازگشت از نبرد اُحد، در میان راه، از سختی و رنجی که جنگ و راه طولانی بر ایشان عارض ساخته بود، در مکانی به استراحت

۱. بقره، ۱۴۴. «ما توجه تو را بر آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم و البته روی تو را به قبله‌ای که به آن خشنود شوی بگردانیم. پس شما مسلمانان هر جا که باشید، در نماز رو به طرف مسجد الحرام کنید. گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست، نه به دلخواه کسی و خدا غافل از کردار آنان نیست.»

۲. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۳۵۷-۳۶۰؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

نشستند.<sup>۱</sup> در آن مکان مسجدی ساختند<sup>۲</sup> که میتوان از شارع سیدالشہدا (راه قدیمی أحد)، که اکنون از زیرگذر تقاطع شارع فیصل میگردد، به آن راه یافت. پس از حدود دو کیلومتر از ابتدای تقاطع باد شده این مسجد در سمت چپ خیابان قرار دارد و بنای آن در دوران اخیر (۱۴۱۱ق.) بازسازی و توسعه یافته است. امروزه در این مکان نماز جماعت برپا میشود و رونق دارد. گفتنی است اینجا موقعیت خاص استراتژیکی داشته و خندق معروف از اینجا میگذشت که منازل بنوحرثه بوده است. و در نبرد موسوم به حرثه در سال ۶۲ق. نیروهای مسلم بن عقبه از همین ناحیه وارد مدینه شدند. آنان که از طرف یزید مأمور سرکوب مردم مدینه شده بودند، شهر را مباح اعلام کردند و خون هزاران نفر از مردم ساکن در حرم نبوی را بر زمین ریختند و نوامیس مردم را هتك حرمت کردند. (تصویر شماره ۷۳)

## ۲. الدرع = الشیخان

ابن شیه روایت کرده است که پیامبر<sup>۳</sup> هنگام عزیمت به سوی احد در شیخان بیتوته کرده و نماز عصر و عشا و نماز صبح قبل از روز جنگ را در این مکان خوانده‌اند. آن را بدین سبب «شیخان» نامیده‌اند که در کنار منزل یک پیرمرد و پیر زن یهودی بوده است. وجه تسمیه آن به «الدرع» چنین است که آن حضرت هنگام بیتوته و اقامه نماز زره خود را از تن درآورده و در آنجا نهاده بودند.<sup>۴</sup> مسجدی که در مکان آن ساخته‌اند حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از المستراح، یعنی در جانب چپ کسی است که به سوی کوه و مقابر شهدای احد، در شارع الشهدا می‌رود. اطراف آن نیز مطابخ یا آشپزخانه‌های بزرگی قرار دارد. امروزه در این مسجد، نماز اقامه می‌شود. (تصویر شماره ۷۴)

## ۳. عینین

بر سمت شرقی «جبل الرُّمَّة» یا «جبل عَيْنِينْ» در محل و سنگ تیراندازان سپاه اسلام، در جنگ احد یعنی انتهای تپه مسجدی ساخته شد که از آن، چیزی جز پایه‌های چند سانتی‌متری، باقی نمانده است.<sup>۵</sup>

۱. احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۳۲.

۲. به نقشه غزوه احد در صفحه ۱۲۳ همین کتاب رجوع کنید.

۳. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۶۶.

۴. به «مقبره شهدای احد» و همچنین مبحث «کوه‌های مدینه» از همین کتاب رجوع کنید.

### جبل أحد = الفَسْحَ

پیامبر<sup>۹</sup> نماز ظهر و عصر روز نبرد أحد را در این مکان، که به کوه چسبیده بود، اقامه کردند.<sup>۱</sup> چون صحابه از فرط خستگی به صورت راحت بر روی جایی نشستند و فضا را برای دیگر مسلمانان باز نمی‌کردند، آیه فسح، در سوره مجادله<sup>۲</sup> نازل گردید.

بعدها به یاد آن واقعه، مسجدی ساختند که به مسجد «الفسح» یا مسجد «جبل أحد» معروف شد. مکان آن، که اکنون از آن جز چند سانتی‌متر از دیواره‌ای مخربه چیزی باقی نمانده، در دامنه کوه أحد، کار منازل مسکونی پایه کوه، و نزدیک غاری است که پیامبر<sup>۹</sup> را برای مداوای جراحت خود در آن پنهان ساختند.<sup>۳</sup> (**تصویر شماره ۷۵**)

کمی پایین‌تر از مسجد فسح، یعنی به سمت قبور شهدای أحد، مسجدی به نام قبة الشنايا در محل شکسته شدن دیدان مبارک رسول خدا<sup>۹</sup> وجود داشت که آن را در دهه‌های پیش تخریب کرده‌اند. شاهدان عینی گویند پس از تخریب، زمین آن فرو می‌رفت و هر چند آن را می‌پوشانیدند گودالی ایجاد می‌شد تا اینکه جای آن را بتون ریخته و آسفالت کردن.

در منطقه أحد، کمی بالاتر از مسجد شیخان و المستراح، مسجد بنو حارثه قرار داشته که اکنون در داخل پادگان نظامی است.

### ه) منطقه غزوه بنی قریطه، بنی نضیر و مساجد آن

يهودیان بنی قریطه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی نضیر در نزدیکی آنها جایی که امروزه شارع قربان یا امیر محسن است ساکن بودند.

معیشت اصلی بنی نضیر کشاورزی و نخل کاری بوده که اکنون نیز نخلستان‌های آن منطقه موجود و آبادان است و بنی قریطه نیز به کار تجارت اشتغال داشتند. این دو منطقه جزو بهترین و آبادترین مناطق مدینه بود. از قلعه‌های بنی نضیر امروزه تنها دیواره‌ها و بقایای برخی که ظاهراً در دوران‌های بعد بازسازی و سپس رو به تخریب رفته‌اند، در کنار شارع قربان بر جای مانده و منطقه وسیعی را در دو سوی خیابان اشغال کرده‌اند. نخلستان‌های زیادی در اطراف شارع قربان و پیرامون

۱. سمهودی، همان ج ۳، ص ۸۴۸؛ الصاعدي و مطر المحمدي، أحد، الاثار، المعركه، ص ۲۹.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ...».

۳. ر.ک: نقشه غزوه أحد در کتاب حاضر.

قلعه‌های مستحکم بنی‌نصریر وجود دارند که همان نخلستان‌های معروف بنی‌نصریر هستند. پیامبر<sup>۹</sup> پس از محاصره این دو قبیله و انجام غزوه‌هایی که به نام آن دو قبیله معروف است، به علت پیمان‌شکنی، آنان را از مدینه اخراج کرد. امروزه منطقه کوچک بنی‌قریطه و آثار موجود از قلعه‌ها و حصارهای آنان نشان می‌دهد که باید بنی‌قریطه چندان جمعیت زیادی در آن دوران داشته باشند. در هر حال، به هنگام محاصره آنان، پیامبر<sup>۹</sup> در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند. (تصاویر شماره ۷۶ و ۷۷)

#### ۱. مسجد بنی‌قریطه

پیامبر<sup>۹</sup> هنگام محاصره بنی‌قریطه در خانه زنی نماز خواندند. بعدها به جای مکان نماز ایشان مسجدی ساختند که به سبب این غزوه، به «بنو‌قریطه» معروف شد.<sup>۱</sup> مکان آن بالاتر از مشربه ام‌ابراهیم در عوالی است. به اشتباه به ردالشمس یا فضیح مشهور شده است.

این مسجد یک بار در دوره عثمانی و بار دیگر در دوره سعودی بازسازی شد. اما در سال ۱۳۸۰ش. آن را به سبب توجه و نماز خواندن زائران در آن، به طور کامل تخریب کردند. (تصویر شماره ۷۸)

#### ۲. مشربه ام‌ابراهیم

روایت کرده‌اند که پیامبر خدا<sup>۹</sup> در مشربه یا باغ ام‌ابراهیم نماز گزارند. در این مکان، ماریه قبطیّه، همسر گرامی آن حضرت، ابراهیم را به دنیا آورد. در کنار مشربه مورد نظر، که در منطقه «العوالی» و میان «نخلات بنی‌قاسم» (برادران امام حسن عسکری<sup>۷</sup>) قرار داشته، مقبره اهالی منطقه نیز بوده است.<sup>۲</sup> معروف است که نجمه خاتون مادر امام رضا<sup>۷</sup> نیز در این مکان دفن شده است، اما سندي مؤید آن یافت نشده است.

مخروبه این مشربه، که تنها دارای یک چهار دیواری و یک در قفل شده است، در انتهای خیابان العوالی و سمت چپ کسی قرار دارد که از مستشفی الزهرا به سوی مستشفی الوطني می‌رود. (تصویر شماره ۷۹)

۱. ابن نجاشی، همان، ص ۲۴۲؛ الیاس عبدالغنى، *تاریخ المدینة المنوره*، ص ۱۰۴.

۲. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۲۵ و ۸۲۶.

٣. فضیح = رد الشمس = بنی نصیر

فضیخ، در لغت به معنای «عصیر العنب»؛ (شراب انگور) است و بعضی نیز به شیره خرما گفته‌اند. آیات تحريم قطعی شراب در همین مکان نازل شد.

پیامبر<sup>۹</sup> در مدت شش شبانه روزی که بنی نصیر را در محاصره داشتند، در این مکان به نماز و عبادت ایستادند.<sup>۱</sup> به سبب همین غزوه، این مسجد به بنی نصیر نیز معروف است. اما نام دیگر آن رد الشمس، به سبب حادثه‌ای است که راویان و مورخان شیعه و سنی در برگشت خورشید به دعای رسول خدا<sup>۹</sup> برای امام علی<sup>۹</sup> نقل کردند.<sup>۲</sup>

اما برخی از پژوهشگران آثار مدنیه،<sup>۳</sup> این مسجد را «شمس» ثبت کرده‌اند، نه «ردالشمس» و گفته‌اند، چون نور خورشید در زمان طلوع به این مسجد می‌تابیده، آن را «شمس» نامیده‌اند و این گفته جز برای محو کردن یاد واقعه ردالشمس نیست.

این مسجد در نزدیکی مسجد قبا در شمال آن و در محله معروف قریان، که خیابانی هم به این نام در آنجا وجود دارد، در کنار وادی مزینب ساخته شده که اکنون جز یک چهار دیواری مخربه از آن نمانده است.<sup>۴</sup> گفتنی است، نزد زائران ایرانی، مسجدی که بالاتر از مشربه ام ابراهیم، در شارع عوالی است، به مسجد فضیخ یا رد الشمس مشهور است، در حالی که آن مسجد جز مسجد بنی قربیطه نیست و البته در سال ۱۲۸۲ نیز آن را تخریب کردند.

## نقشه جدید خیابان‌ها و شاهراه‌های مدینه





**و) مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه****۱. مسجد شجره = ذو الحُلیفه (آبیار علی)<sup>۷</sup>**

این مسجد، که امروزه به نامهای «شجره»، «ذوالحُلیفه» و «آبیار علی» مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و به عنوان یکی از میقات‌ها و مساجد احرام از اهمیت بسزایی برخوردار است. وجه تسمیه آن به نامهای فوق چنین است:

**(الف) شجره:** از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر<sup>۹</sup> در آنجا، کنار درختی فرود آمد و احرام بست.<sup>۱</sup>

**(ب) احرام:** به سبب آنکه حاجیان برای تشرف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

**ج) ذو الحُلیفه:** «حُلیفه» نام آبی است در این منطقه، که پیامبر خدا<sup>۹</sup> دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند.<sup>۲</sup>

**د) آبیار علی<sup>۷</sup>:** از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی<sup>۷</sup> برای آبیاری نخلستان‌ها، چاههای فراوانی در این منطقه کند و آبیار نیز جمع «بنر» یعنی چاه است. فیروزآبادی که در قرن هشتم آن را توصیف کرده، گوید: این مسجد جز به نام «آبیار علی<sup>۷</sup>» شناخته نیست.<sup>۳</sup> در نزدیکی مسجد شجره آثار یکی از این چاه‌ها هنوز در داخل ساختمانی موجود است و البته برای توجه نکردن کسی به آن، تابلوی مسجدی را نصب کرده و مانع بازدید از آن می‌شوند.

پیامبر<sup>۹</sup> سه بار در این مکان محرم شده‌اند: ۱. عمره سال ششم که به صلح حدیبیه انجامید؛ ۲. عمرة القضاء(سال هفتم هجری)؛<sup>۴</sup> ۳. حجّة‌الوداع (سال دهم هجری).<sup>۵</sup>

زین‌الدین الاستدار، در سال ۹۶۱ ق. بنای مسجد را بازسازی کرد و پیرامون آن دیواری بزرگ ساخت که تا پایان دوره عثمانی همچنان پا بر جا بود.

طول این مسجد، از جنوب تا شمال، (۲۵/۶۰ متر) و از شرق به غرب

۱. فیروز آبادی، *المغامن المطابق فی معالم طابه*، ص ۱۹۹؛ بخاری، صحيح، [کتاب الصَّلَاة]، ص ۳۲۲، حدیث ۴۴۱.

۲. فیروزآبادی، همان، ص ۱۱۹.

۳. پیشین، همان، ج ۶۲، علی بن موسی، *رسالة فی وصف المدینة*، ص ۱۶ - ۱۸.

۴. ابن هشام، *سیرة النبويه*، ج ۹، ص ۳۵۵ و ۴۲۴؛ ابن قتیبه، *المعارف*، ص ۷۰؛ ابن سعد، *طبقات الکبری*، ج ۱، ص ۸۷ و ۱۲۴؛ ج ۲، ص ۱۷۲.

نیز به همین مقدار بوده است.<sup>۱</sup> در دوران فهد بن عبدالعزیز به گونه بسیار زیبایی بازسازی شد. اکنون مساحت آن به ۳۶ هزار مترمربع رسیده که ۱۰ هزار نمازگزار در آن جای می‌گیرند. (تصاویر شماره ۸۰ و ۸۱)

### ۲. منطقه خیر

خیر نام یکی از هفت قلعه‌ای است که به یهودیان تعلق داشته و در غزوه‌ای به همین نام فتح شده است. منطقه خیر در ۱۶ کیلومتری شمال غربی مدینه واقع است. فدک در شرق آن امروزه به حائط معروف و با خیر پنجاه کیلومتر فاصله دارد. (تصویر شماره ۸۲)

### ۳. منطقه فدک

فدک تا مدینه ۱۳۰ کیلومتر و تا خیر حدود ۵۰ کیلومتر فاصله دارد. امروزه در این سرزمین، چیزی جز نخل‌های خشکیده نیست. (تصویر شماره ۸۳)

### ۴. زیارتگاه بنیبع

بنیبع یا بنیبع در غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و ۲۱۲ کیلومتری مکه واقع شده و امروزه به عنوان یک شهر بندری، از رونقی برخوردار است. از آنجا که این قریه چشممه‌ها و آب‌های فراوانی داشته، به این نام شهرت یافته است.<sup>۲</sup> امام علی<sup>۳</sup> پس از خریدن زمین‌هایی در آن و کندن چاههایی به ایجاد نخلستان پرداختند و در آمد آن را به یتیمان و مستمندان بنی‌هاشم اختصاص دادند. ایشان تا پیش از خلافت، عمدتاً در این مکان سکونت یافته و به کار مشغول بوده‌اند. در آن مکان مسجدی ساختند که به گفته ابن رشید، پیامبر<sup>۴</sup> در مکان آن نماز گزارده بودند.<sup>۵</sup> در بنیبع، که یکی از زیارتگاه‌های فراموش شده است، چند تن از فرزندان ائمه و سادات جلیل القدر به خاک سپرده شده‌اند. معروف‌ترین آنان عبارتند از:

۱. عمر الاطرف، آخرین فرزند امام علی<sup>۳</sup> که فردی بسیار با تقوا و زاهد بوده است.

۱. سمهودی، همان، ج ۳، ص ۱۰۰۲.

۲. «بنیبع» یا «بنیبع» از فعل مضارع گرفته شده تا کثرت چاههای آب آن را بیان کند.

۳. ابن رشید فهری، ملء العیه بما جمع بطول الغیه، ص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۲. علی اصغر، کوچکترین فرزند امام سجاد.

۳. احمد بن علی بن محمد بن عون بن محمد حنفیه.

### خلاصه درس

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح<sup>۷</sup>، اختلاف کردند.

يهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. علمای یهود توصیف پیامبر خدا<sup>۹</sup> در تورات را دیده بودند، بنابراین در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آنجا ساکن شدند.

قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی قریطه و بنی نصیر؛ آنان در «عالیه» فرو آمدند.

۲. قبایل بنی قینقاع؛ در منطقه «الصاغه» فرو آمدند.

جز یهودیان اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، نیز در مدینه ساکن شدند آنان برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکه، دارای تمدن و شهرنشینی بودند. از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر<sup>۹</sup> آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی قریطه و بنی نصیر پیمانهایی بستند. اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند.

برای مدینه نامهایی نیز در قرآن آمده است؛ از جمله: المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض الله.

از پیامبر خدا<sup>۹</sup> روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و... را در آن حرام کرد.

یکی از مناطق مهم مدینه قیاست. این قریه در دو کیلومتری جنوب مدینه قرار دارد.

پیامبر<sup>۹</sup> وقتی به اینجا وارد شدند زمینی را خربند و بنای مسجد قبا را آغاز کردند. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله اینکه: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. پیامبر<sup>۹</sup> وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» در مسجد آنان نماز جمعه خواندند. به گفته این اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه شد و بعدها به مسجد جمعه معروف گردید.

### **مساجد پیرامونی مسجد النبی<sup>۹</sup>**

۱. مساجد مصلّا و نمازگاه‌های پیامبر<sup>۹</sup> در اعیاد اسلامی (جنوب غربی مسجدالنّبی) آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجد النبی<sup>۹</sup>، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند.
۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنّبی<sup>۹</sup>: سُقیا و مَغْسَلَة.
۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنّبی<sup>۹</sup>: الْإِجَابَة = مباھله که در این مکان رسول خدا<sup>۹</sup> برای مباھله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین: حضور یافتد.

### **منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)**

چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کند خندق در اطراف مدینه، سپاه شرک را زمین‌گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در پی نداشت و ناگزیر به مکه بازگشتند. به یاد حضور برخی از صحابه، مساجدی در آنجا ساختند که به نام هر یک از آنان معروف شد.

مسجدهای هفتگانه (مسجد سبعه): عبارتند از: فتح، سلمان فارسی، علی بن ابی طالب<sup>۷</sup>، فاطمه<sup>۳</sup>، ابیوکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب و مسجدی نیز کمی آن طرف‌تر به سبب نزول آیات تغییر قبله که به ذوقبلتین معروف شد.

منطقه احد و مساجد پیرامون آن عبارتند از: ۱. المستراح ( محل استراحت)؛ ۲. الدُّرْع = الشَّيْخَان؛ ۳. عَيْنَين.

### **منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نصیر و مساجد آن**

يهودیان بنی قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی نصیر در نزدیکی آنها که اکنون خیابان قربان است، ساکن بودند. به هنگام محاصره آنان، پیامبر<sup>۹</sup> در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند:

۱. مسجد بنی قریظه؛ ۲. مشعره ام ابراهیم؛ ۳. فضیخ = رد الشمس.

### **مسجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه**

۱. مسجد شجره = ذو الحُلَيْفَه (آبار علی<sup>۷</sup>): وجه تسمیه آن به نامهای فوق چنین است:

الف) شجره: از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر<sup>۹</sup> در آنجا، کنار درختی فرود آمد و احرام بست.

ب) احرام: به سبب آن که حاجیان برای تشریف به حج، در این

مسجد احرام می‌بندند.

ج) ذو الحُلْیفَه: «حُلیفَه» نام آبی است در آن منطقه که پیامبر خدا<sup>۹</sup>

دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فروود آیند.

د) ابیار علی<sup>۷</sup>: از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی<sup>۷</sup>

برای آبیاری نخلستانها، چاههای فراوانی در این منطقه کندند.

۲. منطقه فدک؛ ۳. منطقه خیبر؛ ۴. زیارتگاه یتبوع.

### خودآزمایی

۱. سیر شکل‌گیری شهر پترپ را توضیح دهید.
۲. فضایل شهر مدینه را بیان کنید.
۳. مقدمات هجرت پیامبر به مدینه را توضیح دهید.
۴. مساجدی که در منطقه قبا وجود دارد را نام برد و نحوه شکل‌گیری هر یک را شرح دهید.
۵. مساجدی که اطراف مسجد النبی هستند چه نام دارند؟
۶. ویژگی‌ها و آثار منطقه غزوه احزاب را برشمرید.
۷. مساجد پیرامون منطقه احد کدامند و علت پیدایش آنها چیست؟
۸. مسجد ذوقبلتین به دنبال چه حادثه‌ای به این نام مشهور شد؟
۹. اسامی که برای مسجد شجره عنوان شده را نام ببرید و وجه تسمیه آنها را بنویسید.



## درس ششم:

### مسجد النبی ۹ و آثار آن (از ابتدا تا عصر حاضر)

#### اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با نحوه و چگونگی احداث مسجد النبی ۹ آشنا شویم.
- از سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی ۹ از ابتدا تا عصر حاضر مطلع گردیم.
- ستون‌های اصلی، روضة النبی ۹، منبر و محراب‌ها و ایوان صفه و سایر آثار آن را بشناسیم.
- با حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی ۹ وجود دارد آشنا شویم.
- موقعیت خانه و محل دفن رسول خدا ۹ را بدانیم.
- با روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه ۲ وجود دارد آشنا شویم.

#### مدخل

آشنایی با نخستین مسجد در اسلام که به دست رسول خدا ۹ در شهر پنجه ساخته شد و پایگاه عبادی و سیاسی مسلمانان گردیده می‌تواند بیانگر اهمیت آن در طول تاریخ و ازمنه باشد. آثار و اماکن متبرک و مقدس این مسجد نشان از سیر حوادث تأثیرگذار در تاریخ اسلام دارد. زائران و نمازگزاران در این مسجد که نمازگزاردن در آن برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است با شناخت این مکان مقدس و آثار آن می‌توانند خود را در دل تاریخ و کنار رسول خدا ۹ حس کنند. بنابراین در این فصل مسجدالنبی در گذر تاریخ و آثار آن برای تحقق این امر تشریح می‌گردد.

#### الف) مسجدالنبی ۹ در گذر تاریخ

پیامبر ۹ از روز دوشنبه، دوازدهم ربیع الأول تا روز جمعه شانزدهم همان

ماه، در قریه قبا ماندند و پس از پایان بنای مسجد قبا و الحاق امام علی<sup>۱</sup> و دخترشان فاطمه<sup>۲</sup>، رهسپار مدینه شدند.<sup>۳</sup> در این مسافت کوتاه تا داخل شهر، با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه رو گردید و در پاسخ‌گویی به این همه سور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «**خُلُوا سَبِيلًا فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ**<sup>۴</sup>؛ راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است.»

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل، کنار خانه «ابوایوب انصاری» زانو زد و این سعادت بزرگ نصیب او شد که پذیرای خاتم پیامبران گردد. زمینی را که شتر در آن زانو زد، متصل به خانه ابوایوب انصاری بود و از آن به عنوان «مرید»؛ ( محل خشکانیدن خرما) استفاده می‌شد و متعلق به دو بیتیم از قبیله بنی نجار، به نام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو بود. این دو، در پناه و حمایت معاذ بن عفراء قرار داشتند.<sup>۵</sup> آن حضرت این زمین را به رغم اصرار صاحبان آن، که می‌خواستند از جان و دل بر پیامبر<sup>۶</sup> هبه کنند، به ده دینار خریدند.

این مسجد که ساخت آن تقریباً هفت ماه طول کشید، از نهایت سادگی و پیراستگی برخوردار بود.

مساحت اولیه آن را  $۶۰ \times ۷۰ = ۴۲۰۰$  ذراع (برابر با  $1021/74$  متر) و ارتفاع دیوارهای آن را پنج ذراع نوشته‌اند که آن حضرت با کمک مهاجران و انصار، در نخستین روزهای هجرت به احداث آن پرداختند.

تلاش پیامبر<sup>۹</sup> در این مورد، باعث می‌شد تا همه صحابه، به طور فعال در ساخت آن مشارکت کنند. یکی از انصار چنین خواهد:

### لَئِنْ قَعَدْنَا وَالْبَيْ لَذَكْ مِنَ الْعَمَلُ

اگر ما بنشینیم و پیامبر<sup>۹</sup> کار کند، برای ما امری خطا و ناصواب است.

۱. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴؛ بعضی گفته‌اند در قبا چهارده شب مانده‌اند. (بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۰۶).

۲. ابن هشام، همان، سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۹۵؛ ابن نجار، اخبار مدینة الرسول، ص ۲۵؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۲، ص ۱۸۷.

۴. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۳۹.

۵. هر ذرع را برابر با  $۴۹/۳۳$  سانتی متر (ذرع هاشمی) محاسبه کرده‌ایم.

۶. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۶؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۴.

هنگامی که دیوارها را بالا میبردند، پیامبر<sup>۹</sup> در پاداش زحمات اصحاب چنین سرودند:

**لَا عَيْشَ إِلَّا عَيْشُ اللَّهُمَّ أَرْحَمُ الْأَنْصَارَ**

۱۱۸۷  
۱۱۸۶  
۱۱۸۵  
۱۱۸۴

در این میان، عمار از همه بیشتر کار میکرد و برخی اصحاب نیز بار خود را بر دوش او میگذاشتند؛ لذا عمار از روی مزار به پیامبر<sup>۹</sup> گفت: يا رسول الله، اینان مرا کشتند؛ بر گرده من باری میزنند که خود آن را حمل نمیکنند؛ پیامبر<sup>۹</sup> خطاب به وی فرمود: «يا عمار! ائمَا تَعْتَلُكَ الْفَتَّةُ الْبَاغِيَةُ»<sup>۲</sup> ای عمار، همانا تو را گروهی یاغی و ستمکار میکشند.»

به روایت بخاری، پیامبر<sup>۹</sup> فرمودند: «عمّار آنان را به بهشت فرا میخواند و ایشان او را به آتش دعوت میکنند.»<sup>۳</sup>

اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. بعضی از آن حضرت پرسیدند: آن را مسقف نکنیم؟ پیامبر<sup>۹</sup> فرمود: خیر، سایه‌بانی میخواهم چون عریش (سایان) موسی. پس از آن، مکانی برای نماز پیامبر<sup>۹</sup> به سمت بیت المقدس مشخص کردند. آنگاه برای مسجد سه در قرار دادند؛ دری در آخر مسجد، در دیگری که به آن «باب الرّحمة» و «باب عاتکه» میگفتند و دری که بعدها باب جبرئیل<sup>۷</sup> نام گرفت. کنار مسجد نیز اتاق‌هایی برای پیامبر<sup>۹</sup> ساختند و آن حضرت با عایشه و سوده در آن ساکن شدند. از خانه نیز دری به مسجد گشودند.<sup>۴</sup> آنگاه هر یک از اصحاب، خانه‌ای کنار مسجد ساختند و دری به داخل آن باز کردند که راه ورود آنان به مسجد بود.

مسجد پیامبر<sup>۹</sup>، از آغاز بنا و احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. آن حضرت در نخستین روزهای پایانی بنای این مکان مقدس، خطبه‌های غرّا و کوینده‌ای علیه کفر و شرک ایراد فرمودند و سپس در طول یازده سال از هجرت پربرکت خود، به منظور رشد و تعالی مسلمانان در سایه مکتب انسانساز اسلام، خطبه‌های دیگری خواندند.

۱. ابن هشام، ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰ با عبارت: «فَأَغْفِرُ الْأَنْصَارَ وَالْمَهَاجِرَةَ»؛ بخاری در صحیح خود چنین آورده است. «اللَّهُمَّ لَا خَيْرٌ إِلَّا خَيْرٌ الْآخِرَةِ، فَاغْفِرْ الْأَنْصَارَ وَالْمَهَاجِرَةَ» (صحیح، جزء اول، کتاب الصلوة، ص ۲۹۲).

۲. ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۷؛ متفق الهندي، کنزالعمال، ج ۱، ص ۱۳۷.

۳. بخاری، صحیح [جزء اول، کتاب الصلوة حدیث ۴۰۸] ص ۳۰۲.

۴. ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰.

در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر<sup>9</sup> بحث و بررسی می‌شد. دوّمین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاة یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.

از جمله رویدادهای مهم دیگر، که مسجدالنّبی<sup>9</sup> در آن سال‌ها شاهد بود، اعلان بسیج عمومی برای دفاع از اسلام و پاسخ‌گویی به آزار و ستم واردہ از سوی مشرکان بود.

در همین مسجد «وفود»، (گروه‌ها) برای پذیرش اسلام به حضور پیامبر<sup>9</sup> محیرسیدند و ده‌ها حادثه دیگر که ذکر آنها در گنجایش این مختصر نیست.

#### ب) آثار تاریخی و مقدس مسجدالنّبی<sup>9</sup>

##### ۱. ستون‌های مسجدالنّبی<sup>9</sup>

به هنگام بنای مسجد، ابتدا ستون‌هایی از نخل خرما برآفراشتند و سقف را با شاخه‌های نخل بر روی آنها قرار دادند. ستون‌ها در بنای نخست، هشت عدد بود که هر یک نامی مخصوص داشت و امروزه با همان نامها باقی مانده‌اند. هر یک از آنها سابقه‌ای به بلندی تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارند و یادآور حوادث و رخدادهای مهمی هستند. این ستون‌ها که در داخل روضة النّبی<sup>9</sup> واقع شده‌اند، عبارتند از:

**۱. ستون مُحَلَّقَه:** این ستون یادآور نمازگاه پیامبر<sup>9</sup> و نزدیک‌ترین ستون‌ها به محل نماز آن حضرت است. اکنون ستون مورد نظر، کمی جلوتر از محل اصلی است<sup>۱</sup> و بالای آن نیز بر دایره‌ای سبز و طلایی، این نام دیده می‌شود. نامگذاری آن به سبب عطر و خلوقی است که بر آن می‌سوزانند تا فضای مسجد را عطرآگین کند.

**۲. ستون عایشه:** نامهای دیگرش «مهاجران» و «القرعه» است. اکنون بالای آن نام اسطوانه العایشه دیده می‌شود. سبب نامگذاری آن به این نامها چنین است: از آنجا که عایشه، در فضل مکانی نزدیک این ستون حدیثی از رسول خدا<sup>9</sup> روایت کرده، مهاجران گردآگرد آن می‌نشستند و یا نماز می‌خوانند. لذا به مجلس مهاجران یا ستون عایشه معروف شد.<sup>۲</sup>

۱. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲. ابن نجاشی، همان، ص ۲۰۸.

پیامبر خدا<sup>۹</sup> فرموده بود: «در مسجد من مکانی است نزدیک این ستون که اگر مردم فضیلت آن را میدانستند، کنار آن نماز نمیخوانند، مگر آنکه میان خود (برای نماز خواندن) قرعه میزنند<sup>۱</sup> بر این اساس، آن را قرعه یا مهاجران نیز نام گذاشته‌اند.

ستون یاد شده وسط ستون‌های اصلی روضة النبی<sup>۹</sup> قرار دارد؛ یعنی میان این ستون تا منبر پیامبر<sup>۹</sup> دو ستون، تا قبر ایشان دو ستون، تا محراب، دو ستون و تا صحن اولیه مسجد که تا آن هنگام مسقف نشده بود؛ یعنی به موازات مأذنه بلال نیز دو ستون فاصله دارد. در حقیقت از همه طرف سومین ستون بوده است. کنار آن نیز ستون «توبه» و سپس «سریر» قرار دارد. از اصحاب نقل شده است رسول خدا<sup>۹</sup> کنار آن ابتدا نماز میخوانند و سپس به نمازگاه خود میرفندند.<sup>۲</sup>

**۱.۲. ستون توبه:** از ستون‌های مهم و با فضیلت مسجد النبی<sup>۹</sup> ستون توبه یا ابوالبابه است. ابوالبابه بن عبد المنذر یکی از بزرگان اوس، هنگام غزوه بنی قریظه<sup>۳</sup> به درخواست یهودیان و با موافقت پیامبر<sup>۹</sup> به عنوان مشاور نزد آنان رفت. ابوالبابه یهودیان را به جنگ و مقاومت تشویق کرد، اما بیدرنگ از این اقدام پشیمان شد و سوگند یاد کرد که هرگز با پیامبر<sup>۹</sup> روبه رو نشود، مگر آنکه توبه کند و خداوند نیز او را پاک گرداند. بنا براین یکسره به مسجد النبی<sup>۹</sup> رفت و خود را به یکی از ستون‌های مسجد بست و به توبه و انباه پرداخت تا شاید خداوند از کردار زشت او بگذرد و یا مرگ او را برساند. او در مجموع شش شبانه‌روز به آن ستون بسته شده بود. در این مدت تنها همسر او برای اقامه نماز دستان وی را باز میکرد و دوباره او را به ستون می‌بست. سرانجام

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۰، ۴۴، کنایه از اینکه ازدحام برای نماز خواندن در این مکان به قدری زیاد می‌شد که به ناچار باید بین خود قرعه می‌زدند.

۲. این نجار، همان، ص ۲۰۸.

۳. پیامبر<sup>۹</sup> پس از جنگ خندق که طی آن یهودیان پیمان خود را با مسلمانان شکسته و به آن حضرت خیانت کردند، از سوی خداوند مأموریت یافت تا به تنبیه و نابودی خیانتکاران یهود بنی قریظه پرداخته (ابن هشام، همان، ج ۳۲، ص ۳۲) و شر آنان را از سر اسلام کوتاه سازد. بنابراین آن حضرت یهودیان را محاصره کرد و نماینده‌ای فرستاد که یا اسلام آورید و همچنان در خانه‌های خود بماند و یا از مدینه همراه زنان و فرزنداتان خارج شوید. یهودیان بنی قریظه به علت ارتباط و دوستی که با ابی لیابه داشتند از پیامبر<sup>۹</sup> خواستند تا وی را برای مشورت به نزد آنان فرستد و آن حضرت نیز پذیرفتند.

سحرگاهان آیاتی مبني بر پذيرش توبه ابولبابه نازل شد.<sup>۱</sup>  
 پیامبر<sup>۹</sup> آن شب خندان و شاداب برخاست؛ به مسجد آمد و دستان او را گشود.<sup>۲</sup> از آن روز اين ستون به «توبه» يا «ابولبابه» مشهور شد.  
 حضرت رسول<sup>۹</sup> نوافل خود را کنار اين ستون بهجا آورده و گاهي نزد آن اعتکاف مي جستند.<sup>۳</sup>

روایات وارد حاکی است اقامه نماز، عبادت و دعا نزد این ستون بسیار مستحب است.<sup>۴</sup> ستون توبه دومین ستون از حجره و مرقد پیامبر<sup>۹</sup> و به موازات ستون سریر در شرق و ستون عایشه در غرب است. به عبارت دیگر، چهارمین ستون از منبر پیامبر<sup>۹</sup> و سومین ستون از سمت قبله و جزو ستون‌های روضة النبی<sup>۹</sup> است. اکنون نام «اسطوانة التوبه» زینت بخش آن است. درب غربی خانه رسول الله<sup>۹</sup> که به داخل مسجد باز می‌شد در مقابل این ستون قرار داشت که آن را «باب التوبه» نام نهاده‌اند.

**۴. ستون سریر:** در بیان محل شب زنده‌داری رسول الله<sup>۹</sup> نقل کرده‌اند که ایشان سریری (تحتی) از چوب خرما را کنار ستونی گذاشته و به پهلو روی آن می‌خوابیدند و یا اعتکاف می‌کردند.<sup>۵</sup> امروزه این ستون و ستون‌های محرس و وفود میان ضريح و دیواره غربی مرقد مطهر پیامبر<sup>۹</sup> واقع شده است و در سمت غرب آن نیز ستون توبه است. نبی گرامی<sup>۹</sup> روزها نیز برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مسلمانان، به آن تکیه می‌دادند و نیازمندی‌های آنان را برآورده می‌ساختند.<sup>۶</sup>  
 «اسطوانة السرير» اوّلین ستون از سمت قبله است.

**۵. ستون محرس = علی بن ابی طالب<sup>۷</sup>:** این ستون به نام

۱. «يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُخْوِنُوا اللَّهُ وَالرَّسُولُ  
 تُخْوِنُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ...» (انفال، ۱۲۸)

۲. سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، ص ۱۱۱؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۲۳۶ - ۲۳۸؛ ابن قیم جوزی، همان ج ۲، ص ۱۹۰.

۳. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷؛ ابن نجار، همان، ص ۲۰۶.

۴. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۴۰.

۵. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷.

۶. این ستون که یکی از ستون‌های مهم و اصلی مسجد النبی<sup>۹</sup> است، دسترسی به آن به علت اتصال به ضريح و ممانعت مأموران امكان پذير نیست.

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب<sup>۷</sup> معروف بوده است. برخی آن را مکان نماز ایشان دانسته<sup>۱</sup> و برخی نیز گفته‌اند کنار آن می‌ایستاد و به محافظت از جان پیامبر<sup>۹</sup> می‌پرداخت<sup>۲</sup> لذا به محرس نیز مشهور شد. دومین ستون در دیواره ضريح از سمت قبله و بعد از ستون سریر است، یعنی در میان ستون‌های وفود و سریر و به موازات آنها در دیواره ضريح غربی مرقد پیامبر<sup>۹</sup> واقع شده است. پیامبر<sup>۹</sup> هنگامی که از خانه عایشه برای نماز به مسجد می‌آمدند، از دری که ستون یاد شده کنار آن بود، داخل می‌شدند. امروزه نام «اسطوانة الحرس» بر آن دیده می‌شود.

**۱. ستون وفود:** این ستون، که بعد از ستون محرس قرار دارد، سومین ستون از سمت قبله است. پیامبر<sup>۹</sup> برای دیدار با وفود؛ یعنی دسته‌ها و قبایل عرب کنار آن نشسته و با آنان ملاقات می‌کردند.<sup>۳</sup> اکنون بالای آن، نام «اسطوانة الوفود» دیده می‌شود. ستون مذکور به موازات ستون‌های محرس و سریر در میان دیواره غربی ضريح پیامبر<sup>۹</sup> قرار دارد.

**۲. ستون مقام جبرئیل<sup>۷</sup>:** کنار این ستون، که به آن «مربعة القبر» نیز گفته می‌شود، درب خانه فاطمه<sup>۲</sup> دختر گرامی پیامبر<sup>۹</sup> قرار داشت که به مسجد باز می‌شد.<sup>۴</sup> مقام جبرئیل<sup>۷</sup> به موازات ستون‌های وفود و حرس بود و بعد از همه آنها در سمت شمال بودکه اکنون داخل ضريح و منتهی‌الیه حجره شریف واقع شده و در دید کسی قرار ندارد. و البته می‌توان از روزنه‌های باب فاطمه<sup>۲</sup> آن را به سختی مشاهده کرد که نسبت به دیگر ستون‌ها بسیار پهن‌تر است. جبرئیل در این مکان به رسول خدا<sup>۹</sup> ظاهر شد و او را به نبرد با بنی قریظه فراخواند. در نزدیکی این مقام، یکی از درهای مسجد قرار داشت که به همین سبب به باب جبرئیل معروف شد.

**۳. ستون تهجد:** حضرت رسول<sup>۹</sup>، شب‌ها به ویژه در ماه رمضان، پشت خانه فاطمه<sup>۲</sup> کنار ستونی به تهجد و شب زنده‌داری می‌پرداخت.<sup>۵</sup>

۱. ابن نجاشی، همان، ص ۲۱۰.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۸.

۳. همان، ص ۴۴۹.

۴. این در، سمت مغرب محراب التهجد، یعنی به موازات ستون‌های وفود و حرس و منتهی‌الیه دیوار شمالی و غربی حجره شریف و ضريح پیامبر<sup>۹</sup> قرار داشته و به داخل مسجد باز می‌شده است.

۵. سمهودی، همان.

بعدها در این مکان محرابی به نام «تهجّد» ساختند.<sup>۱</sup> این ستون کنار مکان اصلی باب جبرئیل<sup>۷</sup> پیش از توسعه مسجد النبی<sup>۹</sup> بود که اکنون کمی عقبتر از مکان اصلی است. ستون یاد شده و نیز محراب التهجّد اکنون داخل ضريح پیامبر<sup>۹</sup> قرار گرفته است. این ستون هشتمن و آخرين ستونی است که از دوران آن حضرت باقی است.

**۱.۹. ستون حنّانه:** پیامبر<sup>۹</sup> هنگام قرائت خطبه، ابتدا به تنه درخت خرمایی (جزع) در سمت غرب نمازگاه خود تکیه می‌دادند و از آن به عنوان منبر استفاده می‌کردند. هنگامی که برای ایشان منبری ساختند، بر آن نشستند. گویند در این هنگام آن درخت در فراق آن حضرت بی‌قراری کرد و ناله سر داد و حضرت دست ملاطفت و مهریانی بر آن کشیدند، لذا آرام شد.<sup>۲</sup> بنابراین از آن روز این درخت را «حنّانه» نامیدند. بعدها به دستور پیامبر<sup>۹</sup> حفره‌ای کده و آن درخت را زیر منبر دفن کردند.<sup>۳</sup> **( تصاویر شماره ۸۴ و ۸۵ )**

## ۲. ایوان صُفَّه با منزلگاه فقرا

هنگامی که جمعیت مهاجران در مدینه افزایش یافت، پیامبر<sup>۹</sup> فرمودند: برای مهاجران تھی دست که در مدینه مکانی ندارند، ایوان مُسْقَفِی، در آخر مسجد ساخته شود تا بتوانند در آنجا اقامت گزینند.<sup>۴</sup> این عده شبها را بر همین ایوان به صبح می‌رسانند. کسانی چون سلمان فارسی، عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و...، از آن دسته بودند. مورخان تعداد آنان را ۷۰ نفر نوشته‌اند.<sup>۵</sup> این افراد در تاریخ به «اهل صُفَّه» معروف شدند.

پیامبر<sup>۹</sup> از مقابل اهل صفه می‌گذشت و می‌فرمود: اگر می‌دانستید که نزد خدا چه جایگاهی دارید، به یقین می‌خواستید که بر فقر شما افزوده شود.<sup>۶</sup> خداوند تبارک و تعالی آیات شریفه سوره کهف را در مورد

۱. ر.ک: بحث محراب‌های مسجدالنبی<sup>۹</sup>.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۸۸.

۳. ابن نجار، همان، ص ۱۸۵؛ قطب الدین حنفی، ص ۹۸ - ۱۰۰.

۴. ابن اثیر، *النهاية في غريب الحديث والاثر*، ج ۳، ص ۳۷.

۵. ابونعم اصفهانی در حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، اسامی ۳۸ نفر از آنان را ذکر کرده است. (ج ۱، ص ۳۴۷ - ۳۸۵).

۶. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۵۴. ر.ک: صالح احمد الشامی، *اهل الصفة بعيداً عن الوهم والخيال*. در صحیح بخاری روایت شده که این عده لباس کاملی نداشتند و بعضًا نیمه عربان

این فقرا بر آن حضرت نازل کرد.

**وَاصْبِرْ تَفْسِكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاهَ وَالْعَشَيِّ  
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ ...<sup>۱</sup>**

ای پیامبر همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و ادار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم مپوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی، هرگز با کسانی که ما دلهای آنان را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبهکاری پرداختند همراه مباش.

زمانی که این آیات نازل شد، پیامبر خدا<sup>۹</sup> فرمود:

**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي أُمَّتِي مَنْ أُمِرْتُ أَنْ أَصْبِرَ  
نَفْسِي مَعَهُمْ.**<sup>۲</sup>

سپاس خدای را که در امّت من کسانی را قرار داد که مأمور شده‌ام همراه آنان صبر پیشه کنم.

این ایوان در توسعه‌های مسجد برداشته شد. اکنون در شمال شرقی محدوده اولیه مسجد و میان باب جبرئیل<sup>۷</sup> و باب النساء ایوانی، به ارتفاع حدود نیم متر و مساحتی حدود سی متر مربع و به شکل مریع مستطیل قرار دارد که بسیاری می‌پندارند این ایوان صفة است، در حالی‌که این ایوان در عصر عثمانی برای استقرار غلامان و خواجهان حرم ساخته شده و به «دکه الاغوات» معروف بوده است.

در مقابل این ایوان، ایوان التهجد و نیز دیواره شمالی حجره شریف؛ یعنی بیت فاطمه<sup>۳</sup> قرار دارد. (تصویر شماره ۸۶)

### ۳. منبر

هنگام بنای مسجدالنّبی، برای پیامبر<sup>۹</sup> منبری نساخته بودند؛ چنان‌که پیش‌تر گفتیم، آن حضرت خطبه‌های خود را کنار تنه درخت خرمایی که به آن تکیه می‌زدند می‌خوانند. هنگامی که برای ایشان منبری تهیه

بوده و یا لباس آنان تنها نیمی از بدنه ایشان را می‌پوشانید و در نهایت فقر بوده‌اند. (همان، کتاب الصلاة، حدیث ۱۰۳، ج ۱، ص ۲۹۹)

۱. کهف، ۲۸.

۲. احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینة المنوره، ص ۷۰.

شد، روز جمعه بر فراز آن رفتند.<sup>۱</sup>

در مورد نخستین کسی که برای پیامبر<sup>۹</sup> منبر ساخت اختلاف است؛ برخی نوشتند: نخستین منبر، از گل ساخته شد و پله نداشت. برخی دیگر گویند از چوب و دارای سه پله بود. چنان‌که خواهیم گفت میان منبر و قبر پیامبر<sup>۹</sup> را «روضة النبی» گویند. از آن حضرت نقل شده است که: «**قوائم منبری روائب فی الجن**»؛<sup>۲</sup> پایه‌های منبر من در بهشت استوار است.«

#### ۴. محراب‌ها<sup>۳</sup>

**۱. محراب النبی**: پیامبر<sup>۹</sup> نمازهای خود را کنار ستونی می‌خواندند که بعدها به «المخلّفه» معروف شد. در دوران آن حضرت محرابی وجود نداشت، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، در دوران اموی نخستین کسی بود که بر مکان نماز ایشان محراب ساخت؛ این محراب سمت دیوار قبله بود که بعدها در توسعه مسجد تخریب شد. محل محراب یاد شده در طول سالیان دراز و در توسعه‌ها و تعمیرات اندکی تغییر یافته است.

در دوران سلطان اشرف قایتبای، محرابی نفیس و زیبا از سنگ مرمر، مزین به آیات قرآن ساختند و بعدها حفره آن پر گردید و همسطح زمین شد؛ آن‌گاه محراب پیامبر<sup>۹</sup> را با پارچه‌ای نفیس پوشانیدند. این محراب با همان تزیینات همچنان موجود است. در فضیلت این محراب گفته‌اند که به منزله کعبه است؛ یعنی کسی که به آن می‌نگرد، گویی نگاهش را به کعبه دوخته است. **۲. محراب النبی**: اکنون به ستون مخلّفه متصل است؛ یعنی این ستون سمت مغرب آن قرار دارد. و به گونه‌ای ساخته شده که سجده کننده در آن، صورت خود را بر محل نشستن پیامبر<sup>۹</sup>، نه محل سجده آن حضرت می‌گذارد.<sup>۴</sup> (**تصویر شماره ۸۷**)

**۲. محراب التّهجد**: در پشت منزل فاطمه<sup>۲</sup>؛ یعنی منتهی‌الیه حجره شریف پیامبر<sup>۹</sup> محل و مکان تهجد رسول‌الله<sup>۹</sup> و فاطمه<sup>۲</sup>، بوده است. محراب در دوران عثمانی در داخل حجره و ضريح مطهر تعییه شده

۱. متنی الهندي، كنزالعمال في سنن والاقوال، ج ۱، ص ۵۸. به روایت بخاري، زنى از انصار به پیامبر<sup>۹</sup> عرض کرد که غلام نجاری دارم، اگر اجازه دهید برای شما منبری بسازد. (صحیح، كتاب الصلاة، ج ۱، ص ۳۰۲)

۲. نورالدین هيشعى، موارد الضمان، ص ۳۵ و ۲۵۶.

۳. سمهودى، همان، ج ۱، ص ۳۸۴.

۴. على بن موسى، رسالتة في الوصف المدينة المنورة، ص ۶۰.

و پس از برداشتن آن در دوران سعودی، بیرون حجره شریفه، یعنی مقابل ایوان صفة، ایوانی بهارتفاع سیسانتی مترا و عرض حدود شش مترا ساخته‌اند که زائران برای درک فضیلت نماز در محراب یاد شده، بر این ایوان به اقامه نماز می‌پردازن. (**تصویر شماره ۸۸**)

**۲. محراب فاطمه<sup>۲</sup>:** این محراب، داخل منزل فاطمه<sup>۳</sup>; یعنی جنوب محراب التهجد قرار داشته که محل اقامه نماز فاطمه<sup>۲</sup> بوده است. محراب مذکور اکنون داخل حجره پیامبر<sup>۹</sup> است.

**۴. محراب عثمانی:** محراب عثمانی، در دیوار کنونی مسجد در سمت قبله و پشت محراب النبی<sup>۹</sup> از عصر عثمان بن عفان است. قسمتی که اکنون محراب عثمانی در آن قرار گرفته، از افزوده‌های این خلیفه بوده که از باب السلام تا باب البقیع امتداد می‌یابد.<sup>۱</sup> اکنون امام جماعت مسجد النبی<sup>۹</sup> در این محراب نماز اقامه می‌کند.

**۵. محراب سليماني = حنفي:** این محراب در خارج روضة النبی<sup>۹</sup> و سمت غرب منبر قرار دارد. در ابتدا حنفیان در امامت نماز حرم نبوی شریک نبودند، فقط مالکیان امامت را بر عهده داشتند. در قرن هفتم هجری حنفیان نیز به امامت نماز جماعت مسجد راه یافتنند. در دوران عثمانی این محراب برای حنفیها ساخته شد که امام جماعت ایشان در آن نماز اقامه می‌کرد. شمعهایی بر آن و سایر محراب‌ها افروخته می‌شد که شمعدان‌های آن از نقره بود. در محراب حنفی یک شمع و در محراب نبوی دو شمع روشن می‌شد.<sup>۲</sup>

## ۵. روضة النبی<sup>۹</sup>

رسول الله<sup>۹</sup> فرمودند: «**مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي رَوْصَةٌ مِنْ رَيَاضِ الْجَنَّةِ**».<sup>۳</sup>

روضة النبی<sup>۹</sup> یکی از بهترین مکان‌های روی زمین است که پیامبر<sup>۹</sup> همه روزه، پنج بار برای اقامه نماز جماعت و خواندن خطبه، در این مسیر تردد می‌کردند. از آن حضرت، احادیث بسیاری در فضیلت این مکان روایت شده که آن را قطعه و یا زمینی از بهشت دانسته‌اند. از جمله این روایات: «**إِنَّ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تَرْعَةِ الْجَنَّةِ**».<sup>۴</sup> ترעה را به معنای

۱. علی بن موسی، همان. عثمان پس از اتمام توسعه در این مکان به نماز می‌ایستاد.

۲. علی بن موسی، **رسالة في وصف المدينة المنورة**، ص ۶۱.

۳. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۵؛ نسائی، سنن [جزء الثاني] ص ۳۴.

۴. نسائی، همان، ص ۳۵؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰.

باب دانسته‌اند؛ یعنی منبر من بر دری از درهای بهشت قرار دارد.<sup>۱</sup> همچنین در روایت دیگری آمده است: «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنْبُرِي رَوْضَةٌ مِّنْ رَيْاضِ الْجَنَّةِ». <sup>۲</sup> و نیز: «مَا بَيْنَ حُجْرَتِي وَ مُصْلَائِي رَوْضَةٌ مِّنْ رَيْاضِ الْجَنَّةِ».<sup>۳</sup>

از میان این روایات، روایت «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَ مَنْبُرِي رَوْضَةٌ مِّنْ رَيْاضِ الْجَنَّةِ» چندان پذیرفتنی نیست؛ زیرا پیامبر<sup>۹</sup> مکان قبر خود را مشخص نکرده بودند، اما مکان بیت و یا حجره ایشان روشن بوده است. در معنا و تفسیر «رَوْضَةٌ مِّنْ رَيْاضِ الْجَنَّةِ» گفته‌اند، مقصود آن است که این قسمت در آخرت به بهشت منتقل شده و همانند دیگر قسمت‌های زمین از بین نمی‌رود<sup>۴</sup> و این مزیت و فضل عظیمی برای این مکان است. عبادت در این محل که نسبت به سایر قسمت‌های مسجد فضیلت و برتری دارد، ان شاء‌الله اجر و پاداش بهشت خواهد داشت. بعضی گفته‌اند: همان‌گونه که حجر الأسود از بهشت برای جد پیامبر<sup>۹</sup> یعنی ابراهیم<sup>۷</sup>، قرار داده شد تا آن را در کعبه نصب کند، برای رسول‌الله<sup>۹</sup> نیز مکان عبادت ایشان باعی از بهشت گردید.

در عرض روضه شریف اندکی اختلاف است؛ اما در مورد طول آن اختلافی نیست. ابن زیاله طول روضه شریف پیامبر<sup>۹</sup> را که از منبر آن حضرت تا آخر حجره شریف در شرق است، حدود ۲۲ متر ذکر کرده است.<sup>۵</sup> بر اساس نظر اهل سنت، عرض روضه تنها دو ستون از سمت قبله را در بر می‌گیرد. اما بر اساس نظر شیعه، عرض روضه از آغاز حد قلی مسجد در دوران پیامبر<sup>۹</sup> از سمت قبله، که اکنون با نرده‌های نقره‌ای مشخص است تا منتهی الیه دیوار شمالی و به عبارتی دیگر، تا پایان ضريح کنونی و دیوار شرقی حجره است. به این ترتیب عرض روضه شریف شامل هشت ستون از جنوب به شمال می‌گردد که همان حد اولیه مسجد است. با این وصف خانه فاطمه<sup>۲</sup> نیز جزو روضه النبی<sup>۹</sup> قرار می‌گیرد.

۱. ابن قتیبه دینوری، *تأویل مختلف الحدیث*، ص ۹۱.

۲. کلینی، همان.

۳. همان.

۴. ابن نجاشی، همان، ص ۱۹۳.

۵. امروزه ستون‌های داخل روضه با سنگ مرمر سفید مشخص و داخل آن با رنگ سبز رنگ آمیزی شده است و نیز با فرش‌های سبز رنگی کف منطقه روضه را مفروش ساخته‌اند.

## ۶. بیت شریف پیامبر گرامی<sup>۹</sup>

پیامبر<sup>۹</sup> در کنار مسجد، ابتدا اناقی برای همسر خود سوده ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عایشه را بنا کردند. این اناقها در شرق مسجد قرار داشت؛ همان جایی که اکنون قبر پیامبر<sup>۹</sup> است. البته پس از چندی، برای صفیه و امّ سلمه؛ دو همسر دیگر رسول الله<sup>۹</sup> نیز اناق‌هایی بنا گردید. منابع تاریخی، از بین نهایت سادگی این خانه‌ها سخن گفته‌اند.<sup>۱</sup>

هنگامی که ولید بن عبدالملک برای توسعه مسجد، فرمانی صادر و آن خانه‌ها را خراب کرد، بسیاری از مسلمانان می‌گریستند و می‌گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا بینند کسی که کلیدهای خزاین دنیا به دست اوست، چگونه به چند اناق گلی قناعت کرده است!<sup>۲</sup>

رسول خدا<sup>۹</sup> در نیمه از اناقی که با عایشه زندگی می‌کردند دفن شدند و عایشه در نیمه دیگر زندگی می‌کرد. این اناقها همگی در هنگام توسعه مسجد در زمان عمر بن عبدالعزیز تخریب شدند که موقعیت آنها اکنون در داخل حجره و ضریح مطهر است.

## ۷. خانه فاطمه<sup>۳</sup>

خانه فاطمه و امام علی<sup>۸</sup> پشت خانه عایشه بود. دری به سمت شرق، یعنی کوچه و دری به سمت غرب، یعنی داخل مسجد و به موازات ستونهای وفود و حرس قرار داشت. در دیوار جنوبی آن، روزنه‌ای به خانه پیامبر<sup>۹</sup> باز شده بود که آن حضرت همواره از آن احوال دخترشان را جویا می‌شدند و می‌فرمودند: «السلام علیکمْ أهْلَ الْبَيْتِ».

و به روایتی دیگر: «الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا».<sup>۲</sup>

خانه فاطمه<sup>۳</sup> در داخل ضریح کنونی و در انتهای دیواره غربی و شمالی حجره قرار گرفته است.

سمهودی گوید: میان خانه فاطمه<sup>۳</sup> و عایشه دیواری بوده و وسط خانه فاطمه<sup>۳</sup> مکانی است که مردم بسیار محترم می‌دارند و از روی آن عبور نمی‌کنند. برخی گفته‌اند که این مکان، قبر فاطمه<sup>۳</sup> است.

۱. ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۶۰ – ۴۶۲؛ ابن سعد، همان.

۳. احزاب، ۳۳.

سمهودی و برخی دیگر از مورخان سنگ قبری نیز در آن، با عنوان «**هذا قبر فاطمة بنت رسول الله**» دیده‌اند.

دری که اکنون در سمت باب جبرئیل، به عنوان در خانه حضرت فاطمه<sup>۳</sup> مشهور است، همان دری است که به سوی کوچه بار می‌شده است.

خداآوند به پیامبرش فرمان داد تا همه درهایی که به مسجد یاز می‌شد، جز در این خانه را بینند: «**أَمْرَ يَسَّدُ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابُ عَلَيٍّ**» این حدیث را سیاری از مورخان اهل سنت چون احمد بن حنبل، نسائی، طبرانی، حافظ بن حجر، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup> (**تصویر شماره ۸۹**)

#### ۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا<sup>۹</sup>

هنگامی که «رحمه للعالمين» به «رب العالمين» پیوست، علی<sup>۷</sup> شیون‌کنان مسلمانان را از رحلت ایشان خبر داد؛<sup>۲</sup> کسانی چون علی، عباس و پسران او، فضل و قتم و نیز اسامه بن زید برای انجام مراسم غسل و کفن پیامبر<sup>۹</sup> حضور یافتند.<sup>۳</sup>

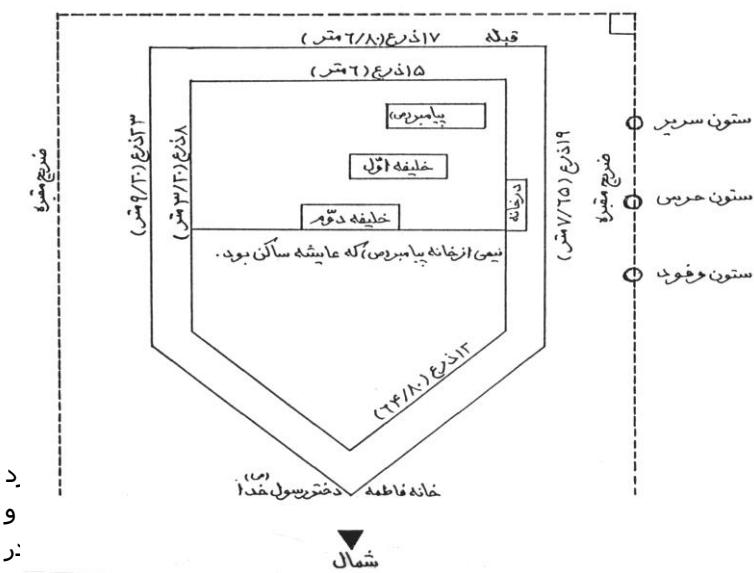
پس از انجام غسل و کفن پیامبر<sup>۹</sup>، برای دفن آن حضرت اختلاف پیش آمد. علی<sup>۷</sup> گفت: از پیامبر<sup>۹</sup> شنیده است که «هیچ پیامبری تاکنون رحلت نیافته جز آنکه او را در همان جایی که از دنیا رفته دفن کرده‌اند»، لذا آن حضرت را با کمک چند تن از یاران خود، از بنی‌هاشم، در همان محلی که رحلت کرد، یعنی در خانه خود، که عایشه در آن می‌زیست به خاک سپرده‌ند. خلیفه اول و پس از آن، خلیفه دوم نیز پس از فوت، کنار قبر پیامبر<sup>۹</sup> به خاک سپرده شدند. وضعیت دفن آن دو، این‌گونه بود که

۱. ابن حنبل، المستد، ج ۲، ص ۲۶؛ ترمذی، حدیث ۳۷۳۲؛ نسائي، الخصائص، ص ۴۲؛ طبراني، المعجم، حدیث ۱۲۵۹؛ ابوحنیم اصفهانی، دلائل البوه، ج ۴، ص ۲۳۵؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابة في تمييز الصحابة، ج ۲، ص ۵۰۲؛ سبط بن جوزی، تذكرة خواص الامة في معرفة الانبياء، ص ۲۴؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۷۶۴؛ ابن جوزی، زاد المعاد في هدى خير العباد، ص ۲۴؛ قطب الدين حنفي، همان، ص ۱۹۵؛ حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۲۵.

۲. ابن سعد، همان، ج ۲، ص ۲۶۲ و ۲۷۸.

۳. مقدسی، البدء و النہای، ج ۵، ص ۱۸؛ ابن اثیر، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۱، ص ۴۳؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۱؛ احمد بن حنبل، المستد، ج ۴، ص ۱۰۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۱.

خلیفه اول را پشت سر پیامبر<sup>۹</sup> و سر او را محاذی شانه‌های آن حضرت و خلیفه دوم را پشت سر خلیفه اول و سر وي را محاذی شانه‌های وي قرار دادند. عایشه دیواری میان قبور و محل سکوت خود کشید و در نیمه آن زندگی می‌کرد.<sup>۱</sup> (تصویر شماره ۹۰)



زمان معاویه بود و ان هنگامی بود که امام حسن<sup>۷</sup> از دنیا رفت؛ بر اساس وصیت نواحی پیامبر خدا<sup>۹</sup> تصمیم به دفن ایشان کنار قبر پیامبر<sup>۹</sup> گرفتند، ولی مروان بن حکم و عایشه با این امر مخالفت کردند؛ بنابراین ناگزیر امام حسین<sup>۷</sup>، جنازه برادر را در بقیع به خاک سپرید؛ پس از این واقعه، قبر پیامبر<sup>۹</sup> و دو خلیفه را با دیوار و سقفی پوشانیدند که حتی در هم نداشت.<sup>۲</sup>

اکنون آن پنج ضلعی یاد شده با کاشی‌هایی منقش به آیات قرآن از داخل ضریح، البته به سختی قابل رویت است. اطراف اتاق‌های تخریب شده نیز یک دیوار ساخته‌اند که ضریح و حجره رسول خدا<sup>۹</sup> را امروزه تشکیل می‌دهد.

#### ۱۸. پوشش قبر: چنان‌که ابن نجّار نقل کرده، پس از پایان پوشش

۱. سمهودی، الوفاء بما يجب لحضره المصطفى، ص ۱۳۸.

۲. سمهودی، وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۵۴۸.

سنگ مرمر دیوارهای مرقد، که به وسیله جواد اصفهانی در قرن ششم هجری انجام شده بود، پوششی از دیبای سفید، با تزیینات و ابریشم زرد و سرخ و حریر با نقش آیات سوره یس بر مقبره شریف قرار دادند که در دورانهای بعد نیز پردههای بسیار زیبا و نفیسی برای پوشش این مقبره به مدینه ارسال می‌شد.<sup>۱</sup>

### ۹. قبر فاطمه<sup>۲</sup> دختر گرامی پیامبر<sup>۳</sup>

در تاریخ وفات و محل دفن حضرت فاطمه<sup>۲</sup> نظرات گوناگون وجود دارد؛ بیشتر منابع تاریخی، وفات آن حضرت را شش ماه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام<sup>۴</sup> نوشتند،<sup>۵</sup> اما نظریه مشهور نزد شیعه، ۷۵ یا ۹۵ روز است.<sup>۶</sup> در مورد محل دفن آن معصومه نیز سه روایت وجود دارد.

۱. طبق روایتی از ابن شبّه در «تاریخ المدینه»، قبر فاطمه<sup>۲</sup> در قبرستان بقیع و در گوشه خانه «عقیل بن ابی طالب» است.<sup>۷</sup> این خانه در ابتدای قبرستان بقیع و همان جایی بوده که امروز قبور ائمه شیعه واقع است.

ابن شبّه همچنین از عبیدالله بن علی روایت کرده که حسن بن علی<sup>۸</sup> وصیت کرد که مرا کنار قبر مادرم در بقیع دفن کنید، پس او را در مقبره‌ای کنار قبر مادرش؛ در مقابل پنجه خانه نبیه بن وهب به خاک سپرده‌ند. در این مقبره دو قبر با سنگ نبشته‌ای وجود داشت: قبر حسن بن علی<sup>۹</sup> و قبر عایشه همسر پیامبر.<sup>۱۰</sup> سمهودی نقل کرده که امام صادق<sup>۱۱</sup> در بقیع کنار پدر و جده‌اش مدفون شد؛ بر قبور آنان سنگ نبشته مرمی با این عبارت دیده می‌شد:

۱. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۵۸۱ – ۵۸۳.

۲. ابن قتبیه، الامامة و السیاسة، ج ۱، ص ۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۹؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مقدسی، البداء و التاریخ، ج ۵، ص ۴؛ بخاری، همان، ج ۲، ص ۱۸۶.

۳. ابن قتبیه، همان؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

۴. ابن شبه، تاریخ المدینة المنوره، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۵. پیشین، ج ۱، ص ۱۰۷؛ مسعودی نیز گوید او را در بقیع کنار قبر مادرش فاطمه دفن کردند. (مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰).

**هذا قبرُ فاطمة بنت رسول الله سيدة نساء العالمين و قبر  
الحسن بن علي و عليّ بن الحسين و قبر محمد بن  
عليّ و جعفر بن محمد:<sup>۱</sup>**

علی بن موسی از مورخان عصر عثمانی نیز گوید: فاطمه<sup>۲</sup> در کنار ائمه شیعه: مدفون شده است.<sup>۳</sup> در پایین قبور ائمه بزرگوار شیعه سنگ قبری مستقل قرار دارد که اهل سنت معتقدند قبر حضرت فاطمه<sup>۴</sup> است و بر اساس نظر شیعه این قبر متعلق به فاطمه بنت اسد است.

۲. برخی از مورخان گفته‌اند قبر حضرت فاطمه<sup>۵</sup> در خانه ایشان قرار دارد. ابن شبه و سمهودی نیز روایاتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ از جمله سمهودی گوید: فاطمه<sup>۶</sup> از علی<sup>۷</sup> در لحظات احصار خواستند تا فرش خانه را برداشته و محلی را برای دفن ایشان آماده سازد.<sup>۸</sup>

شیخ صدوق از امام صادق<sup>۹</sup> روایت کرده است که فاطمه<sup>۱۰</sup> در داخل خانه خود، که در توسعه عمر بن عبدالعزیز حزو مسجد شد، دفن گردیده‌اند.<sup>۱۱</sup> ابن شبه همچنین از ابوغسان روایت می‌کند که فاطمه<sup>۱۲</sup> در خانه خود دفن شده و بر مقبره او مثل همان چیزی که بر مقبره پدر ایشان قرار گرفت، ساختند؛ زیرا او را در شب به خاک سپردن، بسیاری از مردم خبر نیافتند.<sup>۱۳</sup>

سمهودی گوید: هنگامی که پایه‌های گند ماقبره پیامبر<sup>۱۴</sup> ساخته می‌شد، در سمت شرق آن، یعنی پشت حجره، مکانی مثلث شکل بود که قبری و لحدی در آن یافته‌ند. خبر آن میان مردم سر و صدایی ایجاد کرد.<sup>۱۵</sup> علاوه بر آن، روایات ابن شهرآشوب در **المناقب** و کلینی در **کافی** حاکی است که فاطمه<sup>۱۶</sup> در منزل خود، که امروزه داخل مقصورة و ضريح پیامبر اسلام<sup>۱۷</sup> قرار گرفته، مدفون گردیده است.<sup>۱۸</sup>

۳. گروهی چون ابوالفتوح رازی و ابن شهرآشوب از محدثان و

۱. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۵.

۲. علی بن موسی، همان، ص ۱۱.

۳. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۳.

۴. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۸ و ج ۲، ص ۳۴۱؛ رحمانی الهمدانی، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفی من المهد الی اللحد، ج ۲، ص ۲۷۰.

۵. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۰۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۹۰۳.

۶. سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۷.

۷. ابن شهرآشوب، مناقب الانماء، ج ۲، ص ۳۶۵؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۱.

تفسران شیعه نیز نقل کرده‌اند که قبر فاطمه<sup>۲</sup> در محل روضة النبی<sup>۹</sup>؛ یعنی فاصله میان منبر و مرقد پیامبر قرار دارد<sup>۱</sup> که این نظریه نیز مؤید نظریه دوم است؛ زیرا به اعتقاد شیعه، چنان‌که گفتیم، منزل حضرت فاطمه<sup>۳</sup> جزو روضة النبی<sup>۹</sup> محسوب می‌گردد. پس می‌توان این نظریه را با نظریه دسته دوم که محل دفن را در خانه ایشان می‌دانند، یکی دانست. در هر حال، بر اساس روایات مورد اعتماد شیعه، که عمدتاً کسانی چون شیخ صدوq، طوسي، مجلسی، ابن شهرآشوب و... نقل کرده‌اند، احتمال دفن آن مکرّمه در منزل ایشان محتمل‌تر و قطعی‌تر است. این مکان امروزه در داخل دیوار شمالی حجره و مرقد پیامبر<sup>۹</sup> و پشت ایوان التهجد قرار دارد. والله اعلم بالصواب.

#### ۱۰. مقام و مهبط جبرئيل امين<sup>۷</sup>

در باره محل مقام و مهبط جبرئيل<sup>۷</sup> اختلاف است. ابن شبه از غسان روایت می‌کند؛ آنجایی که جبرئيل<sup>۷</sup> بر پیامبر<sup>۹</sup> هبوط کرد، نزدیک «باب آل عثمان» (باب جبرئيل<sup>۷</sup>) است.<sup>۲</sup> در گذشته، در مدخل این باب، سنگی سیاه‌تر از سنگ دیوارهای مسجد به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر به عنوان نشانه مقام و مهبط جبرئيل<sup>۷</sup> قرار داده بودند.

در حقیقت امروز مکان مهبط جبرئيل امين<sup>۷</sup> در داخل ضريح و دیواره شمال شرقی حجره مطهره قرار گرفته است؛ زیرا در قبل از توسعه، باب جبرئيل ۳ متر بالاتر و کمی جلوتر از باب جبرئيل کنونی بوده است.<sup>۳</sup>

#### ۱۱. محل اذان بلال

هنگامی که پیامبر<sup>۹</sup> به بلال حبشي فرمود، اذان بگوید، وي بر دیوار جنوب غربی مسجد يا بر ستونی در خانه عبدالله بن عمر در جنوب مسجد دارالعشره اذان گفت. پس از تغییر قبله و زمانی که پیامبر<sup>۹</sup> به توسعه مسجد پرداختند؛ یعنی بعد از غزوه خیر، این محل داخل مسجد قرار گرفت و در حقیقت محل اذان جدید مقداری پایین‌تر و نزدیک صحن مسجد، در انتهای دیواره شمال غربی گردید.

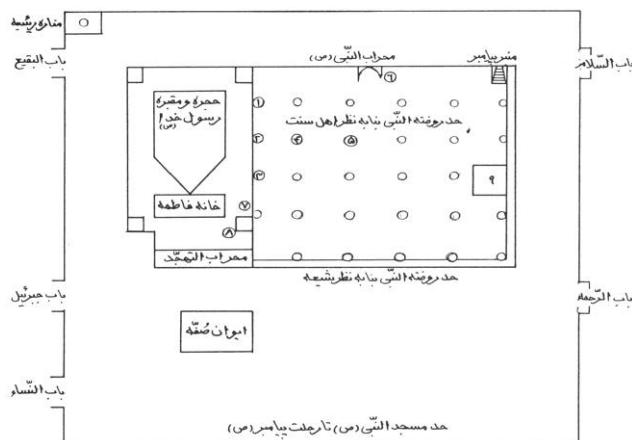
بعدها به یاد بلال حبشي، یار فداکار رسول الله<sup>۹</sup> ماذنه‌ای زیبا از

۱. ابن شهرآشوب، همان؛ ابن جییر، الرحله، ص ۱۷۰.

۲. ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۵ و ۶.

۳. ر.ک: بحث باب جبرئيل در صفحات بعد.

سنگ مرمر سفید، به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستونهایی از سنگ استوار و اکنون در اوقات پنجگانه بر آن اذان سر می‌دهند.



**۱۲. در از هنگا یا کاهد**  
مش ۹ ه در داشت و در دورابستی بجده، بویره دوراب اسوب، حداد ابست به . . . عدد رسید. در دوران عثمانی، همه درها بسته شد و تنها پنج در به جا ماند. در ابتدای دوران حکومت سعودی، شش در دیگر به مجموع آن افزوده شد و در توسعه دوم سعودی، تعداد درها به ۴۲ رسید.

### ۱۲-۱. عصر پیامبر<sup>۹</sup>

۱. «باب جبرئیل» در میانه دیوار شرقی.
۲. «باب الرّحمة» در شمال دیوار غربی.
۳. «باب عائشه» در میان دیوار جنوبی.

### باب جبرئیل<sup>۷</sup>

این درب، از مهمترین دربهای مسجد النبی<sup>۹</sup> است که به نامهای «باب الجنائز»، «باب الجبر» و «باب عثمان» نیز معروف بوده است. وجهه نامگذاری آن به «جبرئیل» چنین است که آن مأمور امین و آورنده وحی، در پایان غزوه خندق، در این مکان به محضر پیامبر<sup>۹</sup> رسید و به آن حضرت

۱. پیامبر<sup>۹</sup> هنگام تغییر قله به سوی مسجد الحرام، باب عائشه را مسدود و باب دیگری که ظاهراً در شمال مسجد قرار داشت به جای آن گشود.

گفت: خداوند می‌فرماید: ما هرگز تو را به افکندن سلاح امر نکرده‌ایم، باید به سوی بنی‌قریطه حرکت کنی؛ آنگاه افزود: من به سوی آنان رفته و در خانه‌هایشان زلزله می‌افکنم. پس رسول الله<sup>9</sup> به بلال فرمان داد که اذان سر دهد و آنگاه خطاب به مسلمانان فرمودند: «هر کس که از ما اطاعت می‌کند، نباید نماز عصر را جز در سرزمین بنی‌قریطه بخواند». صحابه بی‌درنگ مسلح و بسیج شده و همراه پیامبر<sup>9</sup> حرکت کردند. این باب را به آن سبب «باب الجنائز» گفته‌اند که مکان نماز بر مردگان (مکان الجنائز) در مجاورت آن قرار دارد و همچنین پس از اقامه نماز بر میت، تشيیع کنندگان مجبور بودند وی را از این باب به سوی «قبرستان بقیع» ببرند و لذا آن را «باب الجبر» هم نامیده‌اند. این درب به «باب عثمان» نیز معروف بود؛ زیرا رو به روی خانه عثمان بن عفّان قرار داشت. باب جبرئیل<sup>7</sup> اکنون در جای اصلی خود نیست، بلکه در توسعه نخستین مسجد، پس از غزوه خیر، حدود چهار متر پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد که موقعیت آن اکنون منتهی الیه دیوار شرقی خانه فاطمه<sup>2</sup> است.<sup>1</sup> در توسعه عثمان بن عفان از این مکان نیز حدود سه متر همراه با دیوار شرقی عقب‌تر رفت، بنابراین محل اولی آن، داخل مسجد قرار گرفت.<sup>2</sup> در توسعه عبدال‌المجيد عثمانی (۱۲۶۵ق.) برای سهولت ورود و خروج رائزان یا برای امکان اقامه نماز در بیرون مسجد، این درسته شد و در دیگری به موازات آن، حدود سه تا چهار متر پایین‌تر، به طرف شمال، در همان دیوار باز شد که امروزه این درب پایرحا و به «باب جبرئیل» مشهور است. بر بالای گنبد خضرا قسمتی برآمده وجود دارد که عوام برای آن حکایت‌هایی نقل کرده‌اند، اما صحیح آن است که در سالی در مدینه خشکسالی شد و عایشه گفت از سقف مقبره رسول خدا<sup>9</sup> روزنه‌ای به آسمان باز کنید تا رحمت الهی بر ما فرود آید. بعدها وقتی این گنبد را می‌ساختند قسمتی را به نشانه آن حادثه برجسته ساختند.

در مکان پیشین این درب، که در دوره عثمانی تغییر یافت، پنجره‌ای گذاشته و بالای آن به خط زیبایی این آیه را نوشتند:

۱. ر.ک: نقشه توسعه مسجد‌النبی<sup>9</sup> در صفحات بعد.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۶۸۹.

**إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلِّونَ عَلَيْ النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيْمًا۔<sup>۱</sup>**

این کار به این دلیل انجام شد که مکان اصلی باب جبرئیل<sup>۷</sup> در دوره عثمان مشخص باشد. از آنجا که اکنون آنافقکی بزرگ برای قرار دادن ابزار و ادوات نظافت مسجد و خادمان ساخته‌اند، آن پنجره در دید قرار ندارد.

#### ۱۲-۲. دوران عمر بن خطاب

عمرین خطاب در سمت شرق و غرب، در درب به مسجدالنبی<sup>۹</sup> افزود. «باب النساء» را بعد از باب جبرئیل<sup>۷</sup> و «باب السلام» را بعد از باب الرّحمة فرار داد.

#### ۱۲-۳. دوران عمر بن عبدالعزیز

عمر بن عبدالعزیز، حاکم مدینه، در دوران ولید بن عبدالملک از ۸۶ تا ۹۶ ق. اقدام به توسعه و ترمیم مسجد النبی<sup>۹</sup> کرد. در این زمان، تعداد دربهای مسجد به ۲۰ رسید، که در سمت شرق<sup>۹</sup> درب و درب غرب<sup>۷</sup> در و در سمت شمال<sup>۴</sup> درب بود.<sup>۲</sup>

#### ۱۲-۴. دوران عثمانی

در دوران عثمانی، غیر از پنج درب اصلی، دیگر درب‌ها بسته شد. آنها عبارت بودند از: در غرب، باب السلام و باب الرّحمة. در شرق، باب النساء و باب جبرئیل<sup>۷</sup>. در شمال، باب التوسل یا باب المجیدی.<sup>۳</sup>

#### ۱۲-۵. دوران سعودی

در سال‌های آغازین حکومت سعودی، تعداد دربهای مسجد به ۱۱ رسید، یعنی به ۵ درب پیشین<sup>۶</sup> درب افزوده شد؛ در شرق، باب البقیع، که مقابل پای مبارک پیامبر<sup>۹</sup> و کنار مناره گنبد سبز است. در غرب ابواب صدیق (سه ورودی) در شمال، باب عثمان، باب عمر بن خطاب، باب عبدالعزیز و باب ملک سعود. در توسعه دوم، یعنی دوران فهد بن عبدالعزیز، ۴۲ درب به دربهای مسجد و ورودی افزوده شد.

#### ۱۳. مآذنه‌ها

در دوران پیامبر<sup>۹</sup>، بلاط حبسی بر سنتونی که داخل خانه عبدالله بن عمر

۱. احزاب، ۵۶.

۲. سمهودی، همان، ج ۱، ص ۶۸۶ - ۶۹۸؛ نجفی، مدینه شناسی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

۳. سمهودی، همان.

بود، اذان می‌گفت. این امر پیش از تغییر قبله بود. بعدها غلام عباس بن عبدالملک، که وي را «کلاب» می‌گفتند، نخستین ماذنه را برای مسجد ساخت. عمر بن عبدالعزیز نیز چهار ماذنه در چهار گوشه مسجد بنا کرد. این ماذنه‌ها در چند دوره تعمیر و بازسازی شده‌اند. در دوران عثمانی تعداد آنها به پنج رسید که ماذنه باب البقیع و باب السلام از آن دوران به همراه هفت ماذنه دیگر که در عصر سعودی ساخته شد زینت بخش مسجدالنبی<sup>۹</sup> است.

#### ۱۴. قبة الخضراء

پایه‌گذار این گنبد، ممالیک مصر بودند که آن را بر ستون‌های اطراف مرقد، به صورت هشت ضلعی استوار ساختند. در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی گنبد مقبره پیامبر خدا<sup>۱۰</sup> ترمیم و به نحو اساسی تری بنا نهاده شد؛ چون جدار خارجی آن، با پوشش سبز مزین گردید، این گنبد به «قبة الخضراء» معروف شد. تمامی سطوح داخلی گنبد به طور بسیار زیبایی تزیین، کاشی‌کاری و خطاطی شده است. قبة‌الخضراء از دوران عثمانی همچنان باقی مانده است. از آنجا که ساخت چنین بناهایی بر روی قبور، به اعتقاد وهابیت حرام است؛ بنابراین در بازسازی، نصب چراغ و روشنایی و حتی نظافت ظاهري، مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. البته روشن است که این باور نزد شیعه و سنتی، پذیرفته نیست. بر بالای گنبد خضراء قسمتی برآمده وجود دارد که عوام برای آن حکایت‌هایی نقل کرده‌اند، اما صحیح آن است که در سالی در مدینه خشکسالی شد و عایشه گفت از سقف مقبره رسول خدا<sup>۱۱</sup> روزه‌ای به آسمان بازکنند تا رحمت الهی بر ما فرود آید. بعدها وقتی این گنبد را می‌ساختند قسمتی را به نشانه آن حادثه برجسته ساختند.

#### ۱۵. قبة الزرقاء<sup>۱</sup>

قّبه یا گنبد زرقاء را روی محراب عثمان، در دیوار جنوبی ساخته و در سال ۸۹۲ ق. نیز بازسازی شد.<sup>۲</sup> اکنون این گنبد در مجاورت گنبد خضراء قرار دارد. (تصویر شماره ۹۱)

۱. زرقاء مؤنث ازرق به معنای رنگ کبود یا رنگ آبی آسمانی است.

۲. سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۶۰۸ – ۶۱۱.

### ج) آتش‌سوزی‌های مسجدالنّبی<sup>۹</sup>

مسجد رسول خدا<sup>۹</sup> در دو نوبت، یکی در ۱۵۴ق. و دیگری در ۸۸۶ق. دچار آتش‌سوزی شد و بسیاری از لوازم و تزئینات آن در آتش سوخت. سلطان قایتبای و دیگر ممالیک با تلاش فراوان مسجد را کاملاً بازسازی و ترمیم کردند.

### د) سیر تاریخی توسعه مسجد النّبی<sup>۹</sup> از آغاز تا کنون

#### ۱. دوران پیامبر خدا<sup>۹</sup>

همان‌گونه که در مبحث ساخت مسجد النّبی<sup>۹</sup> گفتیم، طول مسجد هفتاد و عرض آن شصت ذرع، یعنی برابر با  $۳۰ \times ۳۵$  متر<sup>۱</sup> بود که مساحت آن به  $۱۰۲۱$  مترمربع می‌رسید. پیامبر<sup>۹</sup> در سال هفتم هجرت، یعنی پس از بازگشت از غزوه خیر، به توسعه مسجد پرداختند و سه ستون از سمت غرب و شمال به مسجد اضافه کردند که هر ضلع آن به  $۱۰۰$  ذرع<sup>۲</sup> برابر با  $۴۹$  متر رسید و مساحت آن  $۲۴۲۳$  مترمربع گردید. افزوده‌های پیامبر<sup>۹</sup> در این دوران،  $۱۱$  متر مربع بوده است.

در دوران پس از رسول خدا<sup>۹</sup> خلفاً، هر یک به بازسازی مسجدالنّبی<sup>۹</sup> پرداخته و آن را توسعه دادند. خلیفه دوم، نخستین کسی بود که به این کار اقدام کرد، سپس خلیفه سوم، عمر بن عبدالعزیز، مهدی عباسی و ملک اشرف قایتبای هر یک مسجد را توسعه دادند. در عصر عثمانی  $۱۳۰۰$  متر مربع به مساحت مسجد افزوده شد و مساحت آن به حدود  $۱۰/۱۰۰$  متر مربع رسید.

#### ۲. مسجدالنّبی<sup>۹</sup> در عصر حاضر

عمده‌ترین توسعه مسجد النّبی<sup>۹</sup> در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به دهها برابر رسید. در جریان این توسعه‌ها، که عمدتاً از زمان ملک عبدالعزیز (۱۳۴۸ق.) آغاز و در ۱۳۷۹ق. با دو مرحله توسعه پایان یافت، بسیاری از اماکن تاریخی، خانه‌های صحابه و ائمه اطهار؛ تخریب و در طرح توسعه قرار گرفت.

۱. هر ذرع هاشمی برابر با  $۴۹/۳۳$  سانتی متر است که این محاسبات بر این اساس انجام شده است. شایان یادآوری است، میزان مطابقت ذرع با سانتی متر در میان اقوام و ملل تا حدودی متفاوت است و ذرع هم انواعی دارد که ما در اینجا فقط بر اساس ذرع هاشمی، یعنی  $۴۹/۳۳$  سانتی متر محاسبه کردایم.  
۲. ابن رسته، اعلاق النفیسه، ص ۶۴.

توسعة‌های سعودی بیشتر از سمت شمال، غرب و شرق بود. نخستین توسعه از ۱۳۷۰ق. آغاز شد و مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع تخریب شد که ۶/۲۵۰ متر آن از دوران عثمانی‌ها بود. در مجموع ۱۶/۳۵۰ متر مربع توسعه یافت که مساحت مسجد به ۳۲/۵۷۰ متر مربع رسید.

دومین توسعه در دوران ملک سعود انجام گرفت که ۳۵ هزار متر مربع به عنوان نمازگاه به مسجد اضافه شد و در مرحله بعد ۵۰۰ متر مربع دیگر مسقف گردید.

در توسعه سوم سعودی، که در دوران ملک خالد بن عبدالعزیز انجام شد، حدود ۴۳ هزار مترمربع از فضای اطراف تخریب گردید. بزرگترین توسعه در دوران فهد بن عبدالعزیز در دو مرحله انجام شد. در این توسعه که از ۱۴۰۰ق. آغاز شد، کلیه بازارها، مغازه‌ها و خانه‌های تاریخی اطراف مسجد تا شعاع یک کیلومتری، به مساحت ۱۰۰ هزار مترمربع تخریب و بر مسجدالنبی<sup>۹</sup> و اطراف آن افزوده شد. مجموع آثار تخریب شده در اطراف مسجدالنبی<sup>۹</sup> تا این زمان، که نگارنده آنها را شناسایی کرده، نزدیک به چهل اثر تاریخی است. اگرچه جمعیت روز افزون زائران این مسجد، حکّام عربستان را از توسعه ناچار ساخته است، اما آنان می‌توانستند برای حفظ آثار مهم، که هویت تاریخی مسلمانان جهان است، لااقل نام آنها را با نشان یا اسم مکان بر روی سنگ‌فرش‌ها ثبت کنند. این در حالی است که هیأت‌های مختلف باستان‌شناسی عربستان، به طور مستمر در مناطق شمالی و جنوبی در صدد کشف آثار تاریخی دوران قبل از اسلام، یعنی دوران جاهلیت هستند، اما آثار عصر اسلامی با بی‌مهری و بی‌اعتنایی رو به تخریب می‌روند.

در يك جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰ هزار مترمربع، پشت بام ۶۷ هزار متر مربع، پیرامون مسجد ۲۳۵ هزار متر مربع که مجموع آن به بیش از ۴۰۰ هزار متر مربع می‌رسد و يك میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

در این توسعه‌ها تعداد مأذنه‌ها به ۱۰ مأذنه با ارتفاع ۶۰ متر و تعداد درهای ورودی به ۴۲ درب افزایش یافت. بر سقف‌های افزوده شده در این توسعه ۲۷ گنبد متحرک که به وسیله ریل در روز و شب جابه‌جا می‌شوند با ارتفاع ۱۶/۵ متر و وزن ۸۰ تن قرار یافت که حکایت از استفاده از فناوری پیشرفته‌ای دارد. مسجد با تونلی از ایستگاه تهویه هوا که در ۷ کیلومتری مسجدالنبی<sup>۹</sup> قرار دارد، از هوای خنک برخوردار می‌گردد و سطح زمین فضاهای بیرونی (صحن‌ها) در محدوده اقامه نماز

نیز به واسطه حرکت جریان هوای سرد در زیرزمین، خنک و سرد می‌گردد.<sup>۱</sup>  
هزینه‌های مصرف شده در این توسعه، ۳۰ میلیارد ریال سعودی بوده است.<sup>۲</sup> (تصاویر شماره ۹۷ تا ۹۲)

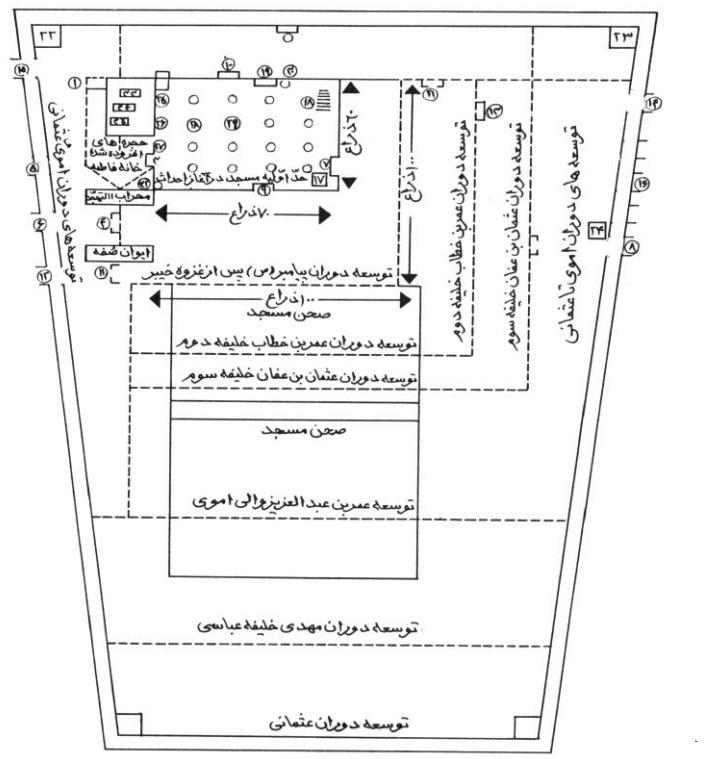
ردیف	ردیف	ردیف	ردیف	ردیف	ردیف	ردیف
	۱۰۲۱/۷۴	$\times ۲۹/۵۹$ ۳۴/۵۲	$= ۶۰ \times ۷۰$ ۴۲۰۰	ابتدای احداث	۱	
/۱۷ ۱۴۱ ۱	۲۴۲۲/۴۴	$۴۹/۲۲$ $/۲۲ \times$ ۴۹	$100 \times 100$ ۱۰۰۰۰=	توسعه پیامبر	۲	
/۲۳ ۱۶۵ ۴	۴۰۸۷/۷۷	$\times ۵۹/۱۹$ ۶۹/۰۶	$120 \times 140$ ۱۶۸۰۰=	خلیفة دوم	۳	
۴۹۶	۴۵۸۲	$\times ۶۴/۱۲$ ۸۳/۸۶	$130 \times 170$ ۲۲۱۰۰=	خلیفة سوم	۴	
۲۳۶ ۹	۶۹۵۲	$۶۶/۵۹$ $/۶۶ \times$ ۹۸	$135 \times ۲۰۰$ $/۵ \times ۲۰۰$ = ۱۶۷ ۲۷۰۰۰	ولید بن عبدالملک (عمر بن عبدالعزیز)	۵	
۲۴۵ ۰	۹۴۰۲	$۶۶/۵۹$ $/۸۰ \times$ ۱۲۴	$135 \times ۲۵۲$ ۲۴۱۵۵=	مهدي عباسي	۶	
۱۲۰	۹۵۲۲	-	-	ملک اشرف قایتبای	۷	

۱. عیادله امین کردی، مکه و مدینه تصویری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۲۸۵.

۲. عبداللطیف بن عبدالله بن دهیش، *عمارة المسجد الحرام والمسجد النبوی فی العهد السعودی*، ص ۳۸۰-۳۹۳.

١٢٩ ٣	١٠٩٣٩	-	-	عبدالمجيد عثمانی	٨
٦٠٢ ٤	١٦٩٦٣	-	-	ملك عبدالعزيز و سعود	٩
١٠٠ ٠٠٠	١١٧٠٠٠	-	-	ملك فهد بن عبدالعزيز	١ ٠
٣٩٠ ٠٠٠	٢٣٥٠٠٠+ (اطراف مسجد) ٦٨٠٠٠ (سطح طبقه (اول ٤٠٥٠٠٠ متر = مربع	-	-	توسيعه اطراف مسجد (١٤١٦ق.) و سطح احتراصی برای نماز	١ ١

نقشه توسعه، ابواب، ستونها و سایر آثار مسجدالنبی ﷺ  
از آغاز تا دوره عثمانی



- |                             |                           |
|-----------------------------|---------------------------|
| ۱. سب بسب ببریس در سر بر سر | ۲. باب الشمالي در عصر     |
| ۳. مکان باب جبرئیل در عصر   | ۴. باب عاتکه در دوران     |
| ۵. مناره باب السلام (دوران) | ۶. مکان اصلی باب الرحمة   |
| ۶. مناره باب الرحمة         | ۷. مکان کنونی باب الرحمة  |
| ۷. ستون سریر                | ۸. باب النساء             |
| ۸. ستون حرس (امام علي)      | ۹. باب عاتکه در دوران     |
| ۹. ستون وفود                | ۱۰. مکان اصلی باب النساء  |
| ۱۰. ستون توبه               | ۱۱. مکان کنونی باب النساء |
| ۱۱. ستون عایشه              |                           |

- |     |                               |                              |
|-----|-------------------------------|------------------------------|
| ۲۹. | ستون مخلقه                    | ۱۲. مکان اصلی باب السلام     |
| ۳۰. | ستون مقام جبرئیل <sup>۷</sup> | ۱۳. مکان کنونی باب           |
| ۳۱. | ستون تهجد                     | ۱۴. باب البقیع               |
| ۳۲. | قبر رسول خدا <sup>۸</sup>     | ۱۵. ابواب صدیق در دوران      |
| ۳۳. | قبر خلیفه اول، ابوبکر بن      | ۱۶. مئذنه بلال حبشي پس       |
| ۳۴. | قبر خلیفه دوم، عمر بن         | ۱۷. منبر پیامبر <sup>۹</sup> |

۱۱

### خلاصه درس

پیامبر<sup>۹</sup> به هنگام ورود به مدینه با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روهه رو گردید و در پاسخ به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است». سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابوایوب انصاری» زانو زد. پیامبر<sup>۹</sup> زمینی را کنار خانه وی خربزاری و نخستین مسجد را در مدینه که به دست ایشان ساخته می‌شد را بنا کردند. اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشاندند.

مسجد پیامبر<sup>۹</sup>، از آغاز احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. در این مسجد، اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر<sup>۹</sup> بحث و بررسی می‌شد. دو مین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاة یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.

آثار تاریخی و مقدس مسجدالّبی<sup>۹</sup> عبارتند از:

۱. ستون‌های مسجدالّبی<sup>۹</sup>؛ ۲. ایوان صهّه یا منزلگاه فقراء؛ ۳. منبر؛ ۴. محراب‌ها؛ ۵. روضة النّبی<sup>۹</sup>؛ ۶. بیت شریف پیامبر گرامی<sup>۹</sup>؛ ۷. خانه فاطمه<sup>۲</sup>؛ ۸. مرقد مطهر و منور پیامبرخدا<sup>۹</sup>؛ ۹. قبر فاطمه<sup>۲</sup>؛ ۱۰. مقام و مهیط جبرئیل امین<sup>۷</sup>؛ ۱۱. محل اذان بلال؛ ۱۲. دره‌ای مسجد. در دوران‌های پس از رسول خدا<sup>۸</sup> خلفاً، هر یک به بازسازی مسجدالّبی پرداخته و آن را توسعه دادند. عمده‌ترین توسعه مسجدالّبی<sup>۹</sup> در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به صدها برابر رسید.

در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰ هزار مترمربع، پشت با مرتبه ۶۷ هزار متر مربع، پیرامون مسجد ۲۳۵ هزار متر مربع که مجموع آن به بیش از ۴۰۰ هزار مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

### خودآزمایی

۱. حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی<sup>۹</sup> رخ داده بیان کنید.
۲. آثار تاریخی مسجدالنبی<sup>۹</sup> کدامند؟
۳. دلیل شکل‌گیری ایوان صفه چیست؟
۴. روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه<sup>ؑ</sup> وجود دارد را ذکر کنید.
۵. سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی<sup>۹</sup> را توضیح دهید.
۶. روضة النبي را با ذکر روایات شرح دهید.
۷. نامهای دیگر باب جبرئیل و وجه نامگذاری آنها چیست؟



## منابع و مأخذ

### الف) منابع عربي

١. الـبـانـي، مـحمد نـاصـرـالـدـين، **صـحـيـحـ سـنـنـ نـسـائـيـ**، رـيـاضـ، زـهـيرـ الشـادـيـشـ، المـكـتـبـ التـرـيـةـ العـرـبـيـ لـدـوـلـ الـخـلـيـجـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤٠٩ـ قـ.
٢. ابن اـبـيـ الحـدـيدـ، عـزـالـدـينـ اـبـوـ حـامـدـ، **شـرـحـ نـهـجـ الـبـلاـغـهـ**، تـحـقـيقـ اـبـوـفـضـلـ اـبـرـاهـيمـ، قـاـهـرـهـ، دـارـ اـحـيـاءـ الـكـتـبـ العـرـبـيـ، ١٣٧٨ـ قـ.
٣. ابن اـبـيـ شـيـبـهـ، حـافـظـ عـبـدـالـلـهـ بـنـ مـحـمـدـ، **الـمـصـنـفـ فـيـ الـاحـادـيـثـ وـالـأـثـارـ**، تـحـقـيقـ سـعـيدـ مـحمدـالـلـهـامـ، بـيـرـوـتـ، دـارـالـفـكـرـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤٠٩ـ قـ.
٤. ابن اـثـيـرـ جـزـرـيـ الشـيـبـانـيـ، عـزـالـدـينـ اـبـيـ الـحـسـنـ، **الـكـامـلـ فـيـ الـتـارـيـخـ**، بـيـرـوـتـ، دـارـصـادـرـ، ١٩٥٦ـ قـ.
٥. ابن اـثـيـرـ جـزـرـيـ، مـجـدـ الدـيـنـ اـبـيـ السـعـادـاتـ، **الـنـهـاـيـهـ فـيـ غـرـبـ الـحـدـيـثـ وـالـأـثـارـ**، تـحـقـيقـ طـاهـرـ اـحـمـدـ الرـادـيـ، مـحـمـودـ مـحـمـدـ الطـنـاحـيـ، بـيـرـوـتـ، مـكـتـبـةـ الـعـلـمـيـهـ، بـيـتاـ.
٦. ابن بـابـويـهـ قـميـ، اـبـيـ جـعـفرـ مـحـمـدـ، **مـنـ لـاـ يـحـضـرـهـ الـفـقـيـهـ**، تـحـقـيقـ مـوسـوـيـ الـخـراسـانـيـ، نـجـفـ، چـاـپـ چـهـارـمـ، ١٣٧٧ـ قـ.
٧. ابن بـطـوطـهـ، اـبـوـعـبـدـالـلـهـ مـحـمـدـ بـنـ اـبـرـاهـيمـ، **الـرـحـلـهـ اـبـنـ بـطـوطـهـ**، بـيـرـوـتـ، دـارـ صـادـرـ، ١٣٧٩ـ قـ.
٨. ابن جـبـيرـ، اـبـيـ الـحـسـنـ مـحـمـدـ، **رـسـالـهـ اـعـتـبـارـ النـاسـكـ فـيـ ذـكـرـ الـأـثـارـ الـكـرـيمـةـ وـالـمـنـاسـكـ**، مـعـرـوفـ بـهـ «الـرـحـلـةـ اـبـنـ جـبـيرـ»، بـيـرـوـتـ، دـارـ مـكـتبـةـ الـهـلـالـ، چـاـپـ دـوـمـ، ١٩٨٦ـ مـ.
٩. ابن جـوزـيـ، يـوسـفـ بـنـ حـسـامـ الدـيـنـ قـرـ اوـغـلـيـ سـبـطـ، **تـذـكـرـةـ خـواـصـ الـأـمـةـ فـيـ مـعـرـفـةـ الـأـمـةـ**، فـيـ هـامـشـهـ مـطـالـبـ السـئـولـ، مـحـمـدـ بـنـ طـلـحـهـ نـصـبـيـ شـافـعـيـ، چـاـپـ سـنـگـيـ، ١٢٨٥ـ شـ.
١٠. ابن حـجـرـ عـسـقلـانـيـ، **الـإـاصـابـهـ فـيـ تـمـيـزـ الصـحـابـهـ**، مصرـ، مـصـطـفـيـ مـحـمـدـ، ١٢٥٨ـ قـ.
١١. ابن حـجـرـ عـسـقلـانـيـ، **تـهـذـيبـ الـتـهـذـيبـ**، هـنـدـ، مـجـلسـ دائـرـةـ الـمعـارـفـ الـنـاظـامـيـهـ، حـيـدرـآـبـادـ دـكـنـ، ١٣٣٥ـ قـ.

١٢. ابن حجر عسقلانی، **فتح الباری بشرح صحیح البخاری**، التزام، عبدالرحمن محمد، بیروت، دار احیاء، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
١٣. ابن حجر عسقلانی، **المطالب العالیة بروایہ المسانید الثمانیة**، مکة المکرمه، دار ابن باز، بیتا.
١٤. ابن حجر هیشمی، **تحفۃ الزوار الی قبر النبی المختار**، تحقیق، سید ابو عمه، مصر، دار الصحاب للتراث بطبعا، چاپ اول، ١٤١٢ق.
١٥. ابن حجر هیشمی، شهاب الدین، **الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع والزندقة**، مصر، مطبعة الیمینیه، احمد البابی الحلبي، چاپ سنگی، ١٣١٢ق.
١٦. ابن حجر هیشمی، نورالدین علی بن ابی بکر، **موارد الظمان الی روایہ ابن حبان**، حققه و نشره محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت، دارالكتب العلمیه بیتا.
١٧. ابن حزم اندلسی، ابومحمد علی بن احمد بن یعید، **المحلی بالآثار**، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی، بیروت، دار الكتب ١٤٠٨ق.
١٨. ابن حنبل، احمد بن محمد، **المسند**، شرح و وضع فهارسه احمد محمد شاکر، مصر، دارالمعارف للطباعة و النشر، چاپ دوم، ١٣٦٨ق.
١٩. ابن حیان، حافظ ابی محمد جعفر، **اخلاق النبی**، دراسة و تحقیق، سید الکمیلی، بیروت، دار الكتاب العربي، چاپ سوم، ١٤٠٩ق.
٢٠. ابن خردادبه، ابی القاسم عبیدالله بن عبیدالله، **المسالک و الممالک**، وضع مقدمته و هوامشه محمد مخزوم، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٤٠٨ق.
٢١. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، **العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر**، بیروت، دار الكتب، ١٩٥٦م.
٢٢. ابن رسته، احمد بن عمر، **الاعلاف النفیسہ**، تصحیح و ستنفلد، لیدن، ای جی بریل، ١٨٩١م.
٢٣. ابن رشید فهری البستی، ابی عبدالله محمد بن عمر، **ملء العیبة بما جمع بطول العیبة فی الوجهة الوحیة الی الحرمین مکة و طیبة**، تحقیق محمد الحبیب بن الخوجه، بیروت، دارالمغرب الاسلامی، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٢٤. ابن سلیمان، محمد بن محمد، **جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الروايات**، قبرس، بنک فیصل الاسلامی، ١٤٠٥ق.
٢٥. ابن شبه النمیری البصیری، ابوزید عمر، **تاریخ المدینة المنورۃ**، حققه فهیم محمد شلتوت، بیروت، دار التراث، چاپ اول، ١٤١٠ق.
٢٦. ابن شهرآشوب، ابی جعفر رشیدالدین، **المناقب الانماۃ** =

- المناقب آل أبي طالب، قم، مطبعة العلمية، بيـتا .
٢٧. ابن صباح مالكي، علي بن محمد بن احمد المغربي المالكي، **القصول المهمة في معرفة احوال الائمة**، نجف، مكتبة الحيدريه، چاپ سوم ١٣٨١ق.
٢٨. ابن ظهيرة المخزومي القرشي، جمال الدين محمد حار الله بن محمد، **الجامع اللطيف في فضل مكة واهلها وبناء البيت الشـرـيف**، بيـرـوت، المكتـبة الشـعـبـيـه، چـاـپـ بـنـجـمـ، ١٣٩٩ق.
٢٩. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبد الله نمري قرطبي اشعري، **الاستيعاب في معرفة الاصحـاب**، مصر، مطبعة مصطفـيـ، ١٢٥٨ق.
٣٠. ابن عـدـريـهـ الانـدـلـسـيـ، اـحـمـدـ بـنـ مـحـمـدـ، **العقد الفريد**، تـحـقـيقـ عـبـدـالـمـجـيدـ اـسـتـرـحـيـتـيـ، بيـرـوتـ، دـارـالـكـتـبـ الـعـلـمـيـهـ، چـاـپـ سـوـمـ، ١٤٠٧ق.
٣١. ابن عـلـانـ شـافـعـيـ الاـشـعـرـيـ الـمـلـكـيـ، مـحـمـدـ بـنـ عـلـانـ، دـلـيـلـ الـفـالـحـينـ لـطـرـقـ رـيـاضـ الصـالـحـينـ، تـصـحـيـحـ وـتـعـلـيـقـ مـحـمـودـ حـسـنـ رـيـبعـ، مصر، مـصـطـفـيـ الـبـابـيـ الـحـلـبـيـ، بـيـتاـ .
٣٢. ابن قـتـيـبـهـ دـيـنـورـيـ، اـبـيـ مـحـمـدـ عـبـدـالـلـهـ بـنـ مـسـلـمـ، **الـمـعـارـفـ**، حـقـقـهـ وـقـدـمـ لـهـ ثـرـوـتـ عـكـاشـهـ، مصر، دـارـالـمـعـارـفـ، چـاـپـ دـوـمـ، ١٩٦٩ـمـ.
٣٣. ابن قـتـيـبـهـ دـيـنـورـيـ، **الـاـمـامـةـ وـالـسـيـاسـةـ**، (مـنـسـوـبـ بـهـ اـبـنـ قـتـيـبـهـ)، قـمـ، مـنـشـوـرـاتـ الشـرـيفـ الرـضـيـ وـمـصـرـ، مـصـطـفـيـ الـبـابـيـ الـحـلـبـيـ، چـاـپـ دـوـمـ، ١٣٧٧قـ.
٣٤. ابن قـتـيـبـهـ دـيـنـورـيـ، **تـأـوـيلـ مـخـلـفـ الـحـدـيـثـ**، تـحـقـيقـ عـبـدـالـقـادـرـ اـحـمـدـ عـطـاـ، بيـرـوتـ، مـؤـسـسـةـ الـكـتـبـ الـثـقـافـيـهـ، ١٤٠٨قـ.
٣٥. ابن قـيمـ جـوزـيـ، **زادـالـمعـادـ فـيـ هـدـيـ خـيرـ الـعـبـادـ**، فـهـرـسـهـ مـحـمـدـ اـدـيـبـ الـجاـوـرـ، بيـرـوتـ، مـؤـسـسـةـ الرـسـالـهـ ١٤١٢قـ. وـ تـحـقـيقـ مـحـمـدـ حـامـدـ الـفـقـيـ، قـاهـرـهـ، مـطـبـعـةـ السـنـةـ الـمـحـمـدـيـهـ، ١٣٧٣قـ.
٣٦. ابن مـاجـهـ، اـبـيـ عـبـدـالـلـهـ مـحـمـدـ بـنـ يـزـيدـ، **الـسـنـنـ**، بـهـ اـهـتـمـامـ مـحـمـدـ فـؤـادـ عـبـدـالـبـاقـيـ وـ مـحـمـدـ الـاعـظـمـيـ، رـيـاضـ، ١٣٠٤قـ.
٣٧. ابن منـظـورـ، اـمـامـ عـلـامـهـ، **لـسـانـ الـعـربـ**، تـحـقـيقـ عـلـيـ سـيـرـيـ، بيـرـوتـ، دـارـاحـيـاءـ التـرـاثـ الـعـرـبـيـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤٠٨قـ.
٣٨. ابن مـوسـيـ، عـلـيـ، **رسـالـةـ فـيـ وـصـفـ الـمـدـيـنـةـ الـمـنـورـةـ فـيـ ذـيـ رـسـائلـ فـيـ تـارـيـخـ الـمـدـيـنـةـ**، جـمـعـهـاـ وـقـدـمـ لـهـ حـمـدـ الـجـاسـرـ، رـيـاضـ، مـنـشـوـرـاتـ دـارـالـيـمامـهـ، ١٣٩٣قـ.
٣٩. ابن نـجـارـ، اـمـامـ حـافـظـ بـنـ مـحـمـدـ، **اـخـبـارـ مـدـيـنـةـ الرـسـوـلـ**، الـمـعـرـفـ بالـدـرـةـ الـثـمـيـنـهـ، تـحـقـيقـ صـالـحـ مـحـمـدـ جـمـالـ، مـكـةـ الـمـكـرـمـهـ، مـكـتبـةـ الـثـقـافـهـ، چـاـپـ سـوـمـ، ١٤٠١قـ.
٤٠. ابن وـرـديـ، زـيـنـ الدـيـنـ عـمـرـيـنـ مـظـفـرـ، **تـارـيـخـ اـبـنـ وـرـديـ**، نـجـفـ،

- المطبعة الحیدریہ، چاپ دوم، ١٣٨٩ق.
٤١. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری، **السیرة النبویة**، تحقیق محی الدین عبدالمجید، قاهره ١٣٥٦ق، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت، دار الوفاق، ١٣٥٥ق.
٤٢. ابن کثیر القرشی الدمشقی الشافعی، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر، **البداية والنهاية في التاريخ**، مصر، مطبعة السعادۃ، ١٣٥١ق و بیروت، ١٤٠٩ق.
٤٣. ابوالفرج اصفهانی، **مقاتل الطالبین**، شرح و تحقیق سید احمد صفر، بیروت مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
٤٤. ابوونعیم اصفهانی، احمد بن عبد الله، **حیة الاولیاء وطبقات الاوصیاء**، مصر، مکتبة الخانجی و مطبعة السعادۃ ١٣٥١ق، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، ١٢٨٧ق.
٤٥. امینی، عبدالحسین، **الغدیر فی کتاب والسنة والادب**، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ١٣٤٦ق.
٤٦. باسلامہ، حسین بن عبد الله، **تاریخ عمارة المسجد الحرام بما احتوى من مقام ابراهیم وبئر زمزم والمنبر وغير ذلك**، جده، تهامہ، چاپ دوم، ١٤٠٠ق.
٤٧. بحرانی، هاشم بن سعید بن سلیمان، **غاية المرام و ححة الخمام فی تعین الامام من طريق الخاص والعام**، تهران، معارف اسلامی، بیتا.
٤٨. بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزیه الجعفی، **صحیح البخاری**، مصر، نشر احیاء کتب السنّه، چاپ دوم، ١٤١٠ق.
٤٩. بکداش، سائد، **فضل مائ زمزم و ذکر تاریخه و اسمائه**، مکه، المکتبة المکییہ ١٤١٣ق.
٥٠. البکری الشافعی الاشعربی المصري، محمد بن عبد الرحمن، **الدُّرَّةُ المکللة فی فتح مکة المشرفة المُبَجلة**، مقدمه و تصحیح محمد حجازی، مصر، مکتبة الثقافیة الديینیه، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٥١. بکری، احمد موسی و دیگران، **جغرافیة المملكة العربية السعودية**، ریاض، وزارت المعرفة، ١٣٩٤ق.
٥٢. بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر، **انساب الاشراف**، حقیه محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ١٩٧٤م.
٥٣. بن سلام، احمد سعید، **المدینة المنورۃ فی القرن الرابع عشر الهجري**، مدینہ، ١٤١٤ق.
٥٤. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، **الآثار الباقیة عن الفرون**

- الحالية، بغداد، مكتبة المتنبي، بيـتا.
٥٥. بيضون، ابراهيم، زكار، سهيل، *تاريخ العرب السياسي من فجر الاسلام حتى سقوط بغداد*، بيـوتـ، دارـالـفـكـرـ، چـاـپـ اـولـ، ١٣٩٤ـقـ.
٥٦. بـيـهـقـيـ، اـبـوـكـرـ اـحـمـدـ بـنـ حـسـينـ، *دـلـائـلـ النـبـوـةـ*، بـيـرـوـتـ، ١٤٠٩ـ وـ تـرـجـمـهـ مـهـدوـيـ دـامـغـانـيـ، تـهـرـانـ، عـلـمـيـ فـرـهـنـگـيـ، ١٣٦١ـ شـ.
٥٧. جـاحـظـ، اـبـوـعـثـمـانـ عـمـرـوـ بـنـ بـحـرـ، *الـعـنـمـانـيـةـ*، تـحـقـيقـ عـبـدـالـسـلامـ هـارـوـنـ، بـيـرـوـتـ، دـارـالـجـيلـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤٠١ـقـ.
٥٨. جـنـديـ الـمـكـيـ، اـبـيـ سـعـيدـ الـمـفـضـلـ بـنـ مـحـمـدـ، *فـصـائـلـ الـمـدـيـنـيـهـ*، تـصـحـيـحـ مـحـمـدـ مـطـيـعـ الـحـافـظـ، غـرـزـوـهـ بـدـيرـ، دـمـشـقـ، دـارـالـفـكـرـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤٠٥ـقـ.
٥٩. جـوـادـ عـلـيـ، *الـمـفـصـلـ فـيـ تـارـيـخـ الـعـربـ قـبـلـ الـاسـلـامـ*، بـيـرـوـتـ، دـارـالـعـلـمـ لـلـمـلـاـئـينـ، ١٩٦٨ـمـ.
٦٠. حـاـكـمـ حـسـكـانـيـ نـيـشـابـورـيـ، عـبـدـالـلـهـ، *شـواـهـدـ التـنـزـيلـ لـقـوـاعـدـ التـفـضـيلـ*، حقـقـهـ شـيـخـ مـحـمـدـ باـقـرـ الـمـحـمـودـيـ، بـيـرـوـتـ، مـؤـسـسـةـ الـاعـلـمـيـ للـمـطـبـعـاتـ، ١٣٩٣ـقـ.
٦١. حـرـ عـاـمـلـيـ، مـحـمـدـ بـنـ الـحـسـنـ، *وـسـائـلـ الشـيـعـةـ الـىـ تـحـصـيلـ مـسـائـلـ الشـرـيـعـةـ*، تـهـرـانـ، مـكـتـبـةـ الـاسـلـامـيـهـ، چـاـپـ پـنـجمـ، ١٤٠٠ـقـ.
٦٢. خـطـيـبـ بـغـادـيـ، حـافـظـ اـبـيـ بـكـرـ اـحـمـدـ بـنـ عـلـيـ، *تـارـيـخـ الـبـعـدـادـ اوـ الـمـدـيـنـيـهـ السـلـامـ*، مصرـ، مـطـبـعـةـ السـعـادـهـ، ١٣٤٩ـقـ.
٦٣. خـفـاجـيـ، مـحمدـ عـبـدـالـمـنـعـمـ، *سـيـرـةـ خـاتـمـ الـمـرـسـلـيـنـ*، بـيـرـوـتـ، دـارـالـجـيلـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤١١ـقـ.
٦٤. الـخـيـارـيـ، اـحـمـدـ يـاسـينـ اـحـمـدـ، *تـارـيـخـ مـعـالـمـ الـمـدـيـنـةـ الـمـنـورـةـ قـدـيـماـ وـ حـدـيـثـاـ*، تـحـقـيقـ عـبـدـالـلـهـ مـحـمـدـ اـمـيـنـ كـرـديـ، مـدـيـنـهـ، دـارـالـعـلـمـ، چـاـپـ اـولـ، ١٤١٠ـقـ.
٦٥. دائـرـةـ الـمـعـارـفـ الـاسـلـامـيـهـ، اـحـمـدـ الشـنـتاـويـ، اـبـرـاهـيمـ زـكـيـ خـورـشـيدـ، عـبـدـالـحـمـيدـ يـونـسـ، تـهـرـانـ، جـهـاـنـ، بـوـذـرـ جـمـهـرـيـ، بـيـتاـ.
٦٦. دائـرـةـ الـمـعـارـفـ الشـيـعـيـهـ، حـسـنـ الـأـمـيـنـ، بـيـرـوـتـ، دـارـالـتـعـارـفـ للـمـطـبـعـاتـ، چـاـپـ دـوـمـ، ١٣٩٣ـقـ.
٦٧. دـيـارـ بـكـريـ، حـسـنـ بـنـ مـحـمـدـ بـنـ الـحـسـنـ، *تـارـيـخـ الـخـمـيسـ فـيـ أـحـوالـ اـنـفـسـ الـنـفـيـسـ*، بـيـرـوـتـ، مـؤـسـسـةـ شـعـبـانـ لـلـنـشـرـ وـ التـوزـيعـ، بـيـناـ.
٦٨. دـيـلمـيـ، اـبـنـ مـحـمـدـ الـحـسـنـ بـنـ الـحـسـنـ مـحـمـدـ، *اـرـشـادـ الـقـلـوبـ فـيـ فـصـائـلـ عـلـيـ لـاـ*، نـجـفـ، مـكـتـبـةـ الـعـلـمـيـهـ، ١٣٧٠ـقـ.
٦٩. ذـهـبـيـ، شـمـسـ الدـيـنـ مـحـمـدـ بـنـ اـحـمـدـ بـنـ عـثـمـانـ، *تـارـيـخـ الـاسـلـامـ وـ طـبـقـاتـ الـمـشـاـهـيرـ وـ الـاعـلـامـ*، عنـ نـسـخـةـ دـارـالـكـتبـ الـمـصـرـيـهـ، كـوـيـتـ،

م. ١٩٦١.

٧٠. رازی، ابی محمد عبدالرحمن بن حاتم بن ادريس، **علل الحديث**، مقدمه محب الدین الخطیب، بیروت، دارالمعرفه، ١٤٠٥ق.
٧١. رفعت پاشا، ابراهیم، **مرأة الحرمين او الرحالت الحجازية والحج ومشاعرة الدينیه**، مصر، دارالكتب المصرية، ١٢٤٤ق.
٧٢. زبیدی، محمد مرتضی الحسینی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق مصطفی حجازی، بیروت، دارالهدایه، ١٣٩٣ق.
٧٣. زیعلی الحنفی، جمال الدین ابی محمد عبدالله بن یوسف، **نصب الرایة لاحادیث الهدایة**، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ سوم، ١٤٠٧ق.
٧٤. سعید المقدسی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد بن احمد، **فضائل الاعمال**، قاهره، دار الفداء العربي، بیتا.
٧٥. سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد، **الوفاء بما يجب بحضور المصطفی فی رسائل تاریخ المدینه**، حمد الجاسر، ریاض، دارالیمامه، ١٣٩٣ق.
٧٦. سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد، **وفاء الوفا باخبر دار المصطفی**، حققه و فصله محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ اول، قاهره، مطبعة السعادة، ١٣٧٤ق.
٧٧. سهیلی، عبدالرحمان، **الروض الاف فی شرح السیرة النبویة**، تحقیق، عبدالرحمان الوکیل، قاهره، دارالكتب الحدیثه، ١٢٨٧ق.
٧٨. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابیبکر، **باب النقول فی اسیاب النزول**، تصحیح احمد عبدالشافی، بیروت، دارالكتب العلمیة بیتا.
٧٩. الشامی، صالح الاحمد، **أهل الصفة بعيداً عن الوهم والخيال**، بیروت، دار اعتماصم، ١٤٠٧ق.
٨٠. شریف مرتضی، علی بن حسین بن موسی، **الاماالی = غرر الفوائد و درر القلائد**، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، مصر، داراحیاءالكتب العربي، عیسی البابی، ١٣٧٣ق.
٨١. الصاعدی، سعید بن عبدالمحیی و مطرالحمدی، **احد - الآثار، المعرکه، التحقیقات**، مدینه دارالمجتمع، ١٤١٣ق.
٨٢. طباطبائی حکیم، سید محسن، **مستمسک العروة الونقی**، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ دوم، ١٣٩١ق.
٨٣. طبرسی، ایوب منصور احمد بن علی، **الاحتیاج علی اهل اللجاج**، محمد حسین خلف، رمضانعلی کاشانی، ایران، چاپ سنگی، دارالطبعاءه ١٣٠٢ ش.
٨٤. طبری، حافظ ابی العباس احمد بن عبدالله محب الدین، **القری**

- لِقَاصِدِ امِّ الْقُرْيِ، تَحْقِيقُ مصطفى السقاء، بِيَرُوت، دَارُ الْفَكْرِ، چَابِ دُوم، ١٤٠٣ق.
٨٥. طَبْرِي، مُحَمَّد بْنُ جَرِيرِ بْنِ يَزِيدَ، **الرَّسُولُ وَالْمُلُوكُ = تَارِيخُ الطَّبْرِيِّ**، بِيَرُوت، دَارُ الْكِتَبِ الْعُلُومِيَّةِ، چَابِ دُوم، ٨١٤٠٨ق. وَ مِصْرُ، مُطبَّعَةُ الْاسْتِقَامَةِ، ١٢٥٧ق.
٨٦. طَبْرِي، مُحَمَّد بْنُ جَرِيرِ بْنِ يَزِيدَ، **تَهذِيبُ الْأَسَارِ**، مَسْنَدُ عُمَرَ بْنِ خَطَّابٍ، السَّفَرُ الثَّانِي، اخْرَجَ أَحَادِيثَهُ مُحَمَّدُ مُحَمَّدُ شَاكِرٌ، قَاهَرَهُ، الْمَؤْسِسَةُ السُّعُودِيَّةُ، بِيَتَا.
٨٧. طَرِيقي نجفي، فخر الدِّينُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَحْمَدَ، **مُجَمَّعُ الْبَحْرَيْنِ وَمَطْلَعُ النَّبِيَّيْنِ**، تَحْقِيقُ: أَحْمَدُ الْحَسِينِيُّ، تَهْرَانُ، مَرْتَضَوِيٌّ، ١٣٦٢ش.
٨٨. طَوْسِيُّ، أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسِينِ، **تَهذِيبُ الْاَحْکَامِ فِي شَرْحِ الْمَقْنَعَةِ شِیْخِ مَغْبِدِ**، تَحْقِيقُ مُوسَوِيِّ الْخَرَاسَانِيِّ، تَهْرَانُ، دَارُ الْكِتَبِ الْاسْلَامِيَّةِ، ١٣٦٥ش.
٨٩. عَامِلِيُّ، جَعْفَرُ مَرْتَضَيِّ، **الصَّحِيحُ مِنْ سِيرَةِ النَّبِيِّ الْاعْظَمِ**، قَمُّ، ١٤٠٣ق.
٩٠. عَامِلِيُّ، مُحَسِّنُ الْأَمِينِ، **مَفْتَاحُ الْجَنَّاتِ فِي الْإِدْعَيْةِ وَالْأَعْمَالِ وَالصَّلَوَاتِ وَالزَّيَاراتِ**، بِيَرُوتُ، مَوْسِيَّةُ الْعَلَمِيِّ، چَابِ اُول، بِيَتَا.
٩١. عَبْدُ الْغَنِيِّ، مُحَمَّدُ الْيَاسِ، **تَارِيخُ الْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ الشَّرِيفِ**، الْمَدِينَةُ الْمُنُورَةُ، مَطَابِعُ الرَّشِيدِ، ١٤٢٤ق.
٩٢. عَبْدُ الْغَنِيِّ، مُحَمَّدُ الْيَاسِ، **تَارِيخُ مَكَّةَ الْمَكْرُمَةِ قَدِيمًاً وَحَدِيثًاً**، الْمَدِينَةُ الْمُنُورَةُ، مَطَابِعُ الرَّشِيدِ، ١٤٢٢ق.
٩٣. عَبْدُ الْغَنِيِّ، مُحَمَّدُ الْيَاسِ، **بَيْوَنُ الصَّحَابَةِ حَوْلَ الْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ الشَّرِيفِ**، الْمَدِينَةُ الْمُنُورَةُ، مَطَابِعُ الرَّشِيدِ، ١٤١٢ق.
٩٤. عَسَافُ، أَحْمَدُ مُحَمَّدٍ، **خَلاَصَةُ الائِرِ فِي سِيرَةِ سَيِّدِ الْبَشَرِ**، بِيَرُوتُ، دَارُ احْيَاءِ الْعِلُومِ، چَابِ اُول، ١٤٠٨ق.
٩٥. غَزَّالِيُّ، أَبُو حَامِدِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ، **احْيَاءُ الْعِلُومِ**، بِيَرُوتُ، دَارُ الْفَكْرِ، چَابِ دُوم، ١٤٠٩ق.
٩٦. فَاسِيُّ الْمَكِيِّ الْمَالِكِيِّ، أَبِي الطَّيْبِ تَقِيِّ الدِّينِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدِ بْنِ عَلِيٍّ، **شَفَاءُ الْغَرَامِ بِاَخْبَارِ الْبَلَدِ الْحَرَامِ**، حَقْقَهُ عُمَرُ عَبْدُ السَّلَامِ تَدْمِرِيُّ، بِيَرُوتُ، دَارُ الْكِتَبِ الْعَرَبِيِّ، چَابِ اُول، ١٤٠٥ق.
٩٧. فَاكِهِيُّ، أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ اسْحَاقَ، **اَخْبَارُ مَكَّةَ فِي قَدِيمِ الدَّهْرِ وَحَدِيثَةِ**، تَحْقِيقُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دَهِيشَ، مَكَّةُ، مَكَّةُ، النَّهْضَةُ الْحَدِيثِيَّةُ، چَابِ اُول، ١٤٠٧ق.
٩٨. فَرُوخُ، عَمَرُ، **تَارِيخُ صَدْرِ الْاسْلَامِ وَالْوَلَوَةِ الْأَمُوَيَّةِ**، بِيَرُوتُ، دَارُ الْعِلُومِ

- للملائين، چاپ اول، ۱۹۷۰م.
۹۹. فیروزآبادی، مجdal الدین ابوطالب محمد بن یعقوب، **المغافن المطابقة في معالم طابة**، تحقیق حمد الجاسر، ریاض، دارالیمامه، ۱۳۸۹ق.
۱۰۰. کاندهلوی، محمد یوسف، **حیات الصحابة**، بیروت، دارالمعرفه، بی-تا.
۱۰۱. کلبی، هشام بن سائب، **الاصنام**، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره، ۱۹۲۵م.
۱۰۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، **الفروع من الكافي**، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۱۰۳. گنجی شافعی، ابو عبد الله محمد بن یوسف، **کفایة الطالب في مناقب علي بن ابی طالب** ۷، تحشیه طباطبائی، بی-تا.
۱۰۴. لبیب البنتونی، محمد، **الرحلة الحجازية**، عباس حلمی پاشا الثاني خدیو قاهره، مکتبة الثقافیة الدينیة، بی-تا.
۱۰۵. متقدی الهندي، علاء الدین متقدی بن حسام الدین، **كتنز العمال في سنن والأقوال والأفعال**، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ق.
۱۰۶. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، نهض مشروحه سید جواد علوي و محمد آخوندی، تهران، ۱۳۸۸ق.
۱۰۷. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین شافعی، **التنیہ و الاشراف**، بیروت، مکتبة خیاط، ۱۹۶۵م.
۱۰۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین شافعی، **مروح الذهب و معادن الجوهر**، مصر، مطبعة البهیة المصرية، اداره الملزم، ۱۳۴۶ق؛ لبنان، دارالقلم، ۱۴۰۸ق.
۱۰۹. مسلم، امام محمد، **الصحيح**، بشرح الامام النبوی، بیروت، دارالفکر، بی-تا.
۱۱۰. مصعب زیری، ابی عبدالله مصعب، **نسب فریش**، تحقیق لیوی بردنیسال، مصر، دار المعارف، بی-تا.
۱۱۱. مفید، محمد بن نعمان، **الارشاد**، صحیه و اخرجه سید کاظم الموسوی المیاموی، شیخ محمد آخوندی، بیروت، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۷ق.
۱۱۲. مقدسی، طاهر بن مطهر، **البلاء والقاریح**، پاریس، تحت اشراف کلمان هووار فرانسوی ۱۹۰۷م؛ ایران، مکتبة الاسلامیه، ۱۹۶۲م.
۱۱۳. ملاخاطر، ابراهیم، **فضائل المدينة المنورة**، دمشق، مدینه، مؤسسه علوم القرآن، ۱۴۰۴ق.
۱۱۴. نسائی، **سنن**، به شرح جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی-تا.

ب) منابع فارسی

١٢٦. ابویوسف قاضی انصاری، یعقوب بن ابراهیم، **الخراب**، ترجمه میر علی اصغر شعاع، افغانستان، مدیریت جزیده وزارت مالیه، ۱۳۲۵ق.

١٢٧. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، **اخبار مکہ و محاصره فيها من الآثار**، تحقیق رشد الصالح ملخس، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، بنیاد، ۱۳۶۸ش.

١٢٨. شوقي ضيف، **العصر الجاهلي**، ترجمه عليضا ذکاوی قراگوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴ش.

١٢٩. فراهانی، میرزا عبدالحسین، **سفرنامه فراهانی به قفقازیه - مکه**، به اهتمام حافظ فرمانفرما میان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات،

۱۳۴۲ ش.

۱۳۰. گمونه حسینی، سید عبدالرزاق، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
۱۳۱. مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف فارسی، تهران، فرانکلین ۱۳۴۵ ش.
۱۳۲. نجفی، محمد باقر، مدینه شناسی، بینا، ۱۳۶۳ ش.

#### (ج) منابع لاتین

۱۳۳. Ej. Brill. Leiden, *Encyclopedia of Islam*, New York. Robenhurn ۱۹۸۷.
۱۳۴. Carl Brokelmann, *History of the Islamic peoples*, London and Bradford, ۱۹۶۴.
۱۳۵. Glubb, John Bagot, *the life and times of Mohammad*, hodder and stoughton first printed ۱۹۷۰.
۱۳۶. Wellhosen, Julius, *the Arab kingdom and its fall*, Ioandon curzen pres, ۱۹۷۳.